



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# حکمت نامہ کوچک

محمدی ری شری

مصنفکار و مترجم : عباس ہسندیدہ



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# حکمت نامه كودك

نویسنده:

محمد محمدي ري شهري

ناشر چاپي:

موسسه علمي فرهنگي دارالحدیث

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۱۴	حکمت نامه کودک
۱۴	مشخصات کتاب
۱۵	اشاره
۲۱	پیش گفتار
۲۵	بخش یکم: بنیاد تربیت کودک
۲۵	اشاره
۲۷	درآمد
۲۷	اشاره
۲۷	۱. ساماندهی خانواده شایسته
۲۷	اشاره
۲۸	کنترل جمعیت از دیدگاه اسلام
۲۸	۲. نقش وراثت
۲۹	۳. نقش غذای پدر و مادر
۲۹	۴. نقش چگونگی آمیزش
۳۳	فصل یکم: خانواده
۳۳	۱/۱: تشکیل خانواده
۳۵	۲/۱: فرزند خواهی
۳۷	۳/۱: فضیلت فرزند شایسته
۳۹	۴/۱: پیوستن فرزندان اهل ایمان به آنان در بهشت
۴۱	۵/۱: فضیلت تحمل آزار کودک
۴۳	۶/۱: فراوانی فرزند
۴۳	۷/۱: فضیلت دختران
۴۵	۸/۱: پاداش تربیت دختران

۴۷	..... ۹/۱: توجّه به دختران
۴۷	..... ۱۰/۱: نکوهش ناخوش داشتن دختران
۴۹	..... ۱۱/۱: نکوهش فرزند ناشایست
۵۱	..... ۱۲/۱: درخواست خانواده شایسته از خدا
۵۳	..... فصل دوم: وراثت
۵۳	..... ۱/۲: تأثیر گذاری ریشه
۵۵	..... ۲/۲: نقش وراثت بر جسم نوزاد
۵۹	..... ۳/۲: نقش وراثت در اخلاق نوزاد
۶۱	..... ۴/۲: نقش ازدواج با خویشاوندان
۶۳	..... فصل سوم: خوراک پدر و مادر
۶۳	..... ۱/۳: تأثیر خوراک حرام در نوزاد
۶۵	..... ۲/۳: تأثیر غذای پدر در فرزند
۶۷	..... ۳/۳: تأثیر غذای زن باردار در جنین
۷۱	..... ۴/۳: تأثیر غذای زائو در نوزاد
۷۳	..... فصل چهارم: چگونگی بسته شدن نطفه
۷۳	..... ۱/۴: پیامدهای پاکي ولادت
۷۵	..... ۲/۴: پیامدهای ناپاکي ولادت
۷۹	..... ۳/۴: زبان آمیزش با حائض
۸۱	..... ۴/۴: برکت های دعا هنگام آمیزش
۸۳	..... ۵/۴: نقش حالت ها و زمان ها در بسته شدن نطفه
۹۳	..... بخش دوم: حقوق فرزندان
۹۳	..... اشاره
۹۵	..... درآمد
۹۵	..... اشاره
۹۵	..... ۱. بزرگداشت تولّد
۹۶	..... ۲. غسل دادن

- ۹۷ ..... ۱۳. اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد
- ۹۷ ..... ۴. برداشتن کام کودک
- ۹۸ ..... ۵. انتخاب نام نیکو
- ۹۹ ..... ۶. تراشیدن سر نوزاد
- ۹۹ ..... ۷. عقیقه کردن برای نوزاد
- ۱۰۱ ..... ۸. ختنه کردن نوزاد
- ۱۰۳ ..... فصل یکم: حقوق نوزاد
- ۱۰۳ ..... ۱/۱: بزرگداشت تولد
- ۱۰۵ ..... ۲/۱: غسل دادن نوزاد
- ۱۰۵ ..... ۳/۱: اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد
- ۱۰۹ ..... ۴/۱: کام برداشتن
- ۱۱۱ ..... ۵/۱: نام گذاری
- ۱۱۱ ..... الف- نام نیک گذاشتن
- ۱۱۱ ..... ب- نام گذاری پیش از ولادت
- ۱۱۳ ..... ج- سنت اهل بیت در نام گذاری
- ۱۱۳ ..... د- برترین نام ها و حق برخی از آنها
- ۱۲۱ ..... ه- نام های نکوهیده
- ۱۲۱ ..... و- دلیل نهی از برخی نام ها
- ۱۲۳ ..... ۶/۱: تراشیدن سر
- ۱۲۳ ..... ۷/۱: عقیقه کردن
- ۱۲۷ ..... ۸/۱: ختنه کردن
- ۱۳۱ ..... فصل دوم: حقوق کودک شیرخوار
- ۱۳۱ ..... اشاره
- ۱۳۱ ..... ۱. تغذیه مناسب
- ۱۳۳ ..... ۲. احترام به احساسات
- ۱۳۳ ..... اشاره

- ۱۳۳ ..... شیرخوردن از مادر، در صورت امکان ..... ۱/۲
- ۱۳۳ ..... الف-فضیلت شیر دادن به کودک ..... الف-فضیلت شیر دادن به کودک
- ۱۳۵ ..... ب-برکت شیر مادر ..... ب-برکت شیر مادر
- ۱۳۵ ..... ج-مدت زمان شیر دادن ..... ج-مدت زمان شیر دادن
- ۱۳۷ ..... ۲/۲:درخواست شیر دادن از دایه های شایسته ..... ۲/۲:درخواست شیر دادن از دایه های شایسته
- ۱۳۷ ..... ۳/۲:کسی که در خواست شیر دادن از او شایسته نیست ..... ۳/۲:کسی که در خواست شیر دادن از او شایسته نیست
- ۱۳۹ ..... ۴/۲:دادن غذاهای سودمند ..... ۴/۲:دادن غذاهای سودمند
- ۱۴۱ ..... ۵/۲:احترام به درک شیرخوار ..... ۵/۲:احترام به درک شیرخوار
- ۱۴۵ ..... فصل سوم:آموزش و پرورش ..... فصل سوم:آموزش و پرورش
- ۱۴۵ ..... اشاره ..... اشاره
- ۱۴۵ ..... ۱/۳:ارزش دانش آموختن در کودکی ..... ۱/۳:ارزش دانش آموختن در کودکی
- ۱۴۷ ..... ۲/۳:ارزش تربیت ..... ۲/۳:ارزش تربیت
- ۱۵۱ ..... ۳/۳:مسئولیت تعلیم و تربیت ..... ۳/۳:مسئولیت تعلیم و تربیت
- ۱۵۲ ..... ۴/۳:مهم ترین چیزی که آموزش آن، واجب است ..... ۴/۳:مهم ترین چیزی که آموزش آن، واجب است
- ۱۵۲ ..... الف-باورهای اسلامی بویژه توحید ..... الف-باورهای اسلامی بویژه توحید
- ۱۵۵ ..... ب-دوستی پیامبر و خاندانش ..... ب-دوستی پیامبر و خاندانش
- ۱۵۵ ..... ج-واجبات، بویژه نماز و روزه ..... ج-واجبات، بویژه نماز و روزه
- ۱۶۳ ..... د-قرآن ..... د-قرآن
- ۱۶۵ ..... ه-معارف دینی ..... ه-معارف دینی
- ۱۶۵ ..... و-نوشتن ..... و-نوشتن
- ۱۶۷ ..... ز-بهداشت ..... ز-بهداشت
- ۱۶۹ ..... ط-حکمت های اخلاقی ..... ط-حکمت های اخلاقی
- ۱۷۶ ..... ط-شعرهای سودمند ..... ط-شعرهای سودمند
- ۱۷۶ ..... اشاره ..... اشاره
- ۱۷۸ ..... نقش شعر در تعلیم و تربیت کودک ..... نقش شعر در تعلیم و تربیت کودک
- ۱۸۲ ..... تحلیلی درباره روش های تربیت کودک ..... تحلیلی درباره روش های تربیت کودک



- ۱۸۳ ..... اشاره
- ۱۸۳ ..... ۱. الگوی تربیتی مبتنی بر سختگیری
- ۱۸۳ ..... ۲. الگوی تربیتی مبتنی بر محبت و عدم قاطعیت
- ۱۸۴ ..... ۳. الگوی تربیتی مبتنی بر عدم محبت و عدم قاطعیت
- ۱۸۴ ..... ۴. الگوی تربیتی مبتنی بر محبت و قاطعیت
- ۱۸۴ ..... ۵. الگوی تربیتی مبتنی بر محبت، قاطعیت و کرامت
- ۱۹۰ ..... ی-شنا و تیراندازی
- ۱۹۰ ..... ۵/۳: زمان تربیت و تأدیب کودک
- ۱۹۵ ..... ۶/۳: شیوه تربیت اسلامی
- ۱۹۵ ..... الف-احترام و مدارا و دلسوزی و محبت
- ۱۹۹ ..... ب-قاطعیت و سازش نکردن
- ۲۰۳ ..... ج-تربیت عملی
- ۲۰۳ ..... ۷/۳: آفت های تربیت آموزش و پرورش
- ۲۰۳ ..... الف-زیاده روی در محبت
- ۲۰۳ ..... ب-زیاده روی در سرزنش
- ۲۰۵ ..... ج-تربیت کردن هنگام خشم
- ۲۰۵ ..... د-خشونت
- ۲۰۷ ..... ۸/۳: تربیت جنسی
- ۲۰۷ ..... الف-جداسازی بستر
- ۲۰۹ ..... ب-پرهیز از نگاه به شرمگاه کودک و پرهیز کودک از نگاه به شرمگاه دیگران
- ۲۰۹ ..... ج-نهی از تماس مادر با دخترش
- ۲۱۱ ..... د-حدّ جواز بوسیدن دختر و پسر
- ۲۱۱ ..... ه-اجازه خواستن برای ورود به خلوت پدر و مادر
- ۲۱۵ ..... و-خطر نگاه کودکان به آمیزش پدر و مادر
- ۲۱۷ ..... سخنی درباره تربیت جنسی
- ۲۱۷ ..... اشاره

۲۱۷	تدابیرهای لازم برای عفت جنسی
۲۲۱	فصل چهارم: اخلاق تربیت
۲۲۱	۱/۴: تشویق به فرزند دوستی و دلسوزی نسبت به آنان
۲۲۵	۲/۴: سیره پیامبر در مهربانی به کودکان و تکریم آنان
۲۲۷	۳/۴: سلام کردن بر کودکان
۲۲۹	۴/۴: نکوهش محبت نکردن به کودکان
۲۳۱	۵/۴: قلمرو محبت به فرزندان
۲۳۵	۶/۴: عدالت میان فرزندان
۲۳۹	سخنی درباره عدالت ورزی در برخورد با فرزندان
۲۴۳	۷/۴: وفا به وعده
۲۴۴	نقش وفا به وعده در تربیت کودک
۲۴۷	۸/۴: شاد کردن اخلاق تربیت
۲۵۵	فصل پنجم: آرایش و بازی
۲۵۵	۱/۵: آراستن کودکان
۲۵۷	۲/۵: ستایش بازی گوشه کودک
۲۵۷	۳/۵: اجازه بازی دادن به کودک
۲۶۵	۴/۵: کودکی کردن با کودک و بازی با او
۲۶۷	۵/۵: تفریحگاه کودکان
۲۶۷	اشاره
۲۷۰	نقش بازی در رشد کودک
۲۷۰	ارزش بازی از نظر روان شناسی
۲۷۰	اشاره
۲۷۱	۱. ارزش جسمانی
۲۷۱	۲. ارزش درمانی
۲۷۱	۳. ارزش تربیتی
۲۷۱	۴. ارزش اجتماعی

- ۲۷۲ ..... ۵. ارزش آموزشی
- ۲۷۲ ..... ۶. ارزش اخلاقی (معنوی)
- ۲۷۲ ..... تحلیل روان شناختی بازی
- ۲۷۲ ..... اشاره
- ۲۷۲ ..... الف-نظریه نیروی اضافی
- ۲۷۳ ..... ب-نظریه تنش زدایی (رفع خستگی و تجدید نیرو)
- ۲۷۳ ..... ج-نظریه تجدید تکاملی
- ۲۷۳ ..... د-نظریه پیش تمرین
- ۲۷۳ ..... اشاره
- ۲۷۴ ..... سن بازی
- ۲۷۴ ..... بازی والدین با کودک
- ۲۷۷ ..... فصل ششم: دعا
- ۲۷۷ ..... ۱/۶: تشویق به دعا برای فرزندان
- ۲۷۹ ..... ۲/۶: نهی از نفرین کردن فرزندان
- ۲۷۹ ..... ۳/۶: دعای امام زین العابدین برای فرزندانش
- ۲۷۹ ..... اشاره
- ۲۸۴ ..... نماز پدر برای فرزند
- ۲۸۷ ..... بخش سوم: وظایف کودک
- ۲۸۷ ..... الفصل الأول: واجبات الصبی الفردیه
- ۲۸۹ ..... فصل یکم: وظایف فردی کودک
- ۲۸۹ ..... ۱/۱: نظم در کارها
- ۲۸۹ ..... ۲/۱: پاکیزگی
- ۲۹۱ ..... ۳/۱: شستن دست ها پیش و پس از غذا
- ۲۹۱ ..... ۴/۱: مسواک زدن
- ۲۹۳ ..... ۵/۱: شستن دست ها پیش از خواب
- ۲۹۵ ..... ۶/۱: کوتاه کردن ناخن ها

۲۹۷	فصل دوم:وظایف کودک در برابر پدر و مادر
۲۹۷	۱/۲:اهمیت حقوق پدر و مادر
۳۰۱	۲/۲:حقوق پدر و مادر
۳۰۱	الف-نیکی کردن
۳۰۳	ب-به احترام برخاستن
۳۰۳	ج-فروتنی در برابر خشم پدر
۳۰۳	د-پرهیز از نافرمانی
۳۰۵	۳/۲:کلیات حقوق پدر و مادر
۳۰۷	۴/۲:برکات نیکی به پدر و مادر
۳۰۹	فصل سوم:وظایف کودک در برابر آموزگار
۳۰۹	۱/۳:فرمان برداری
۳۰۹	۲/۳:بزرگ داشتن
۳۱۱	۳/۳:فرو آوردن صدا
۳۱۳	۴/۳:پرهیز از کوچک شمردن
۳۱۵	فصل چهارم:وظایف کودک در برابر بزرگ تر و دوست
۳۱۵	اشاره
۳۱۵	۱/۴:آغاز کردن به سلام
۳۱۵	اشاره
۳۱۶	توضیحی درباره سلام کردن کودک به بزرگ تر از خود
۳۱۹	۲/۴:رعایت حقوق وظایف کودک در برابر بزرگ تر و دوست
۳۱۹	۳/۴:الگوگیری از بزرگان
۳۱۹	۴/۴:برآوردن نیاز
۳۲۱	۵/۴:گرامیداشت
۳۲۳	۶/۴:یاری کردن
۳۲۳	۷/۴:مواسات
۳۲۵	۸/۴:نگه داشتن دوستی

۳۲۵ ----- ۹/۴:خوش برخوردی

۳۲۷ ----- ۱۰/۴:به نیکی یاد کردن

۳۲۷ ----- ۱۱/۴:خیرخواهی

۳۲۹ ----- ۱۲/۴:هدیه کردن عیب

۳۲۹ ----- ۱۳/۴:گذشت از لغزش ها

۳۳۱ ----- ۱۴/۴:پرهیز از سرزنش

۳۳۱ ----- ۱۵/۴:پرهیز از آزار

۳۳۴ ----- درباره مرکز

سرشناسه: محمدی ری شهری، محمد، 1325 -

عنوان و نام پدیدآور: حکمت نامه کودک/محمدی ری شهری؛ همکار و مترجم عباس پسندیده؛ [برای] پژوهشکده علوم و معارف.

مشخصات نشر: قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، سازمان چاپ و نشر، 1385.

مشخصات ظاهری: 327 ص.

فروست: پژوهشکده علوم و معارف حدیث؛ 102.

شابک: 30000 ریال: 9644931483

یادداشت: فارسی - عربی

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: کودکان -- احادیث.

موضوع: کودکان -- جنبه های مذهبی -- اسلام.

موضوع: احادیث شیعه -- قرن 14.

موضوع: احادیث اهل سنت -- قرن 14.

شناسه افزوده: پسندیده، عباس، 1348 -، گردآورنده و مترجم

شناسه افزوده: موسسه علمی - فرهنگی دار الحدیث

شناسه افزوده: موسسه علمی - فرهنگی دار الحدیث. پژوهشکده علوم و معارف حدیث.

رده بندی کنگره: BP141/5/ک9 م3 1385 الف

رده بندی دیویی: 297/218

شماره کتابشناسی ملی: 1147500







حکمت نامه کودک

محمدی ری شهری

همکار و مترجم عباس پسندیده

[برای] پژوهشکده علوم و معارف

ص: 3







«رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا».

فرزند شایسته، خواسته طبیعی و فطری همه انسان هاست. همه آرزو دارند فرزندان سالم و صالح داشته باشند؛ فرزندان که روشنی بخش دیده و شادی بخش جان آنها باشند. حتی انسان‌های ناشایسته نیز دوست دارند فرزند آنها خوب و شایسته باشد.

اما همت پرورش یافتگان در مکتب قرآن، از این خواست طبیعی فراتر است.

آنها می‌خواهند نه تنها فرزندانشان خوب و شایسته باشند؛ بلکه می‌خواهند فرزندان آنها در کنار خانواده، پیشوا و سرمشق انسان‌های شایسته بشوند. آنان در مقام نیایش، به خدای مهربان، چنین می‌گویند:

«رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا».

پروردگارا! به ما از همسران و فرزندانمان، آن‌ده که مایه روشنی چشمان ما باشد، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان».

مسئله مهم این است که: چگونه می‌توان به این آرزوی بلند، دست یافت و زمینه اجابت این دعا را در مورد فرزندان فراهم ساخت؟

پاسخ این است که پرورش فرزند شایسته، بر سه رکن اساسی استوار است. این

ارکان عبارت اند از:

1. خانواده شایسته

2. رعایت حقوق کودک

3. وظیفه شناسی کودک.

حکمت نامه کودک، ره نمودهای قرآن و پیشوایان اسلام را درباره این ارکان، در سه بخش ارائه می نماید.

بخش اول، شامل چهار فصل است و در آن، مسئولیت جامعه اسلامی در ساماندهی خانواده های شایسته، نقش وراثت در خوش بختی فرزند، نقش تغذیه پدر و مادر در سلامت و سعادت فرزند، و نقش چگونگی انعقاد نطفه در آینده فرزند، از زبان پیشوایان اسلام بیان می شود.

در بخش دوم، حقوق کودک از نگاه اسلام، در شش فصل ارائه می گردد:

فصل اول، درباره حقوق نوزاد است. این حقوق عبارت اند از: 1. بزرگداشت تولد، 2. غسل ولادت، 3. اذان گفتن در گوش راست و اقامه گفتن در گوش چپ، 4. کام برداشتن با آب فرات و تربت سید الشهدا، 5. انتخاب نام نیکو، 6. تراشیدن سر و صدقه دادن هم وزن آن طلا یا نقره، 7. عقیقه کردن، 8. ختنه کردن.

فصل دوم، درباره حقوق کودک شیرخوار است. این فصل، ره نمودهای پیشوایان اسلام درباره تغذیه کودک از شیر مادر و یا دایه شایسته و ضرورت احترام به احساسات نوزاد را بیان می نماید.

در فصل سوم، تعلیم و تربیت کودک، به عنوان مهم ترین حقوق کودک، مورد بررسی قرار می گیرد و نکات مهمی درباره اهمیت تعلیم و

ص: 8

تربیت کودک و مسئولیتی که دولت اسلامی و خانواده ها در این زمینه دارند و از همه مهم تر، روش تربیتی اسلام ارائه می گردد.

در فصل چهارم، اخلاق تربیت، مانند: مهربانی با کودک، احترام به کودک، سلام کردن به کودک، عدالت رفتاری میان فرزندان، وفا به وعده داده شده به کودک و شاد کردن او، به عنوان حقوق تربیتی کودک، مطرح می شود.

در فصل پنجم، توجه مریبان به نقش آراستگی و ارضای حس زیبایی طلبی کودک، و همچنین نقش بازی در رشد کودک، جلب می گردد.

در فصل ششم، تأکید بر دعا برای فرزندان و نهی از نفرین کردن آنها، بیانگر نقش تربیتی دعا در کنار برنامه ریزی و تلاش است. لذا از آن به عنوان یکی از حقوق کودک، یاد می شود. دعای امام سجّاد علیه السلام برای فرزندان که در پایان این فصل آمده، ره نمود ارزنده ای برای خانواده های مسلمان است.

بخش سوم، اختصاص به وظایف کودک دارد. بر مریب شایسته، لازم است علاوه بر انجام دادن وظایفی که در بخش اول و دوم این مجموعه آمده، زمینه وظیفه شناسی کودک را نیز فراهم سازد. این بخش، در چهار فصل، ره نمودهایی را در زمینه وظایف شخصی کودک، وظایف او در برابر پدر، مادر، آموزگار، بزرگ تر از خود و دوستان، تقدیم می دارد.

گفتنی است که مخاطبان این کتاب، عبارت اند از: خانواده ها، مریبان امور تربیتی کودکان و پژوهشگران تعلیم و تربیت کودک. بنا بر این، کودکان، مخاطب مستقیم این مجموعه نیستند.

نکته دیگر، این که تلاش کرده ایم این نوشتار، جامع متن مهم ترین ره نموده های قرآن و احادیث اسلامی در زمینه آموزش و پرورش کودک باشد.

همچنین، تحلیل‌ها و توضیحات لازم دربارهٔ این موارد، بدان افزوده گردید.

اما بی‌تردید، شرح این رهنمودها، نیاز به کتاب‌های مستقل در زمینه‌های مختلف تربیتی کودکان دارد. از این رو، این مجموعه می‌تواند سرمایه فرهنگی ارزنده‌ای برای تهیه‌کنندگان کتاب‌های ویژهٔ تعلیم و تربیت کودکان باشد.

سپاس و تقدیر صمیمانهٔ خود را به تمام همکاران عزیز و بزرگواری که در «پژوهشکدهٔ علوم و معارف حدیث»، مرا در تألیف و تحقیق این اثر مفید و ارزشمند یاری دادند، بویژه فاضل ارجمند جناب آقای عباس پسندیده-که افزون بر همکاری در تدوین، ترجمهٔ احادیث این مجموعه را به عهده داشت-تقدیم می‌دارم و از خداوند مَنَّان، برای همهٔ آنان، پاداشی در خور فضل حضرتش، مسئلت دارم.

رَبَّنَا! تَقَبَّلْ مِنَّا، إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

محمد محمدی ری شهری

سوم تیرماه 1384

هفدهم جمادی اول 1426

ص: 10







خانواده، نخستین رکن اساسی پرورش کودکان شایسته است. زیربنای شخصیت کودک، در خانواده سرشته می گردد و از این رو، حقوق کودک بر خانواده به دو بخش تقسیم می شود: حقوق قبل از تولد و حقوق بعد از تولد.

بر این پایه، از منظر اسلام، مسئولیت پدر و مادر نسبت به فرزند، پیش از تولد آغاز می شود و کودک، حتی پیش از آن که متولد شود، بر پدر و مادر خود حقوقی دارد که اگر رعایت نگردد، آثار تعلیم و تربیت او کاهش می یابد.

ره نموده‌های پیشوایان اسلام در این زمینه، در بخش اول از حکمت نامه کودک، در چهار فصل آمده است:

### **1. ساماندهی خانواده شایسته**

در فصل یکم، ضمن تبیین ارزش فرزندخواهی و اهمیت تشکیل خانواده، این نکته مورد تأکید قرار گرفته است که جنسیت فرزند، اهمیتی ندارد که دختر باشد یا پسر.

آنچه مهم است، سلامت و شایستگی فرزند است و از آن جا که نوزادان دختر، غالباً مورد نامهربانی بوده اند، پیشوایان اسلام، نسبت به لطف و محبت به آنان، فراوان سفارش کرده اند.

قرآن کریم، تصریح می کند که کودکان اهل ایمان، در سرای جاوید، به خانواده

خود در بهشت می پیوندند و بدین سان، خانواده های شایسته پرور، مورد تقدیر و تشویق قرار می گیرند.

در مقابل، روایات اسلامی، نسبت به خطر فرزندان ناشایسته به شدت هشدار داده و از آنان به عنوان سخت ترین مصائب خانواده یاد کرده اند.

## **کنترل جمعیت از دیدگاه اسلام**

با تأمل در آنچه ذکر شد، معلوم می شود که مقصود از احادیثی که مسلمانان را به کثرت فرزندان تشویق می نمایند، برنامه ریزی برای پرورش هر چه بیشتر فرزندان سالم و صالح و ساختن جامعه نمونه است و در این صورت، نه تنها اسلام با کنترل رشد جمعیت مخالف است، بلکه از افزایش جمعیت جامعه الهی جانبداری می نماید؛ اما در شرایطی که به دلیل مشکلات اقتصادی و مفاسد فرهنگی، خانواده ها توان شایسته پروری ندارند، بدون تردید، کثرت فرزندان مطلوب نیست و نیاز به برنامه ریزی برای کنترل جمعیت وجود دارد.

بنا بر این، بر اساس ره نمودهای پیشوایان اسلام، دولت اسلامی و خانواده های مسلمان موظف اند برای افزایش جمعیت جامعه اسلامی با عنایت به توان اقتصادی و فرهنگی خود، برنامه ریزی نمایند و در صورتی که به هر دلیل، پرورش انسان های صالح با افزایش جمعیت منافات پیدا کرد، مانع رشد جمعیت ناشایست شوند.

## **2. نقش وراثت**

در فصل دوم حکمت نامه، نقش مثبت و یا منفی وراثت در سازندگی شخصیت کودک، از زبان پیشوایان اسلام بیان شده است که کودک، نه تنها میراث دار خصوصیات ظاهری و جسمی پدر و مادر است؛ بلکه ویژگی های روحی و باطنی

آنان (مانند: شجاعت، سخاوت و حُسن خلق) به فرزند منتقل می‌گردد.

نکته قابل توجه این که از منظر روایات اسلامی، نقش وراثتی مادر در فرزند، بیش از پدر است و کسانی که می‌خواهند فرزندان سالم، نیرومند، زیبا و صالح داشته باشند، باید در انتخاب همسر دقت کنند.

### 3. نقش غذای پدر و مادر

فصل سوم حکمت نامه، اختصاص به تبیین نقش غذای پدر و مادر در آینده فرزند دارد. مهم ترین ره نمود پیشوایان اسلام در این زمینه، هشدار نسبت به نقش ویرانگر غذای حرام است. نطفه ای که از غذای حرام تشکیل شده، زمینه ساز بسیاری از آلودگی ها و انحرافات کودک است. خانواده هایی که مایل اند فرزندان آنان، سعادت مند باشد، باید از غذای حرام اجتناب کنند؛ خصوصاً مادران در دوران بارداری باید بیشتر مواظب غذای خود باشند و در میهمانی هایی که غذای آنها شبهه ناک است، شرکت نکنند.

افزون بر این، خوردن برخی میوه ها و غذاها پیش از انعقاد نطفه، به پدران و در ایام بارداری و نفاس به مادران توصیه شده که در متن حکمت نامه آمده است.

### 4. نقش چگونگی آمیزش

از نگاه اسلام، مشروع بودن آمیزش جنسی و نامشروع بودن آن، نقش اساسی در خصوصیات مثبت و یا منفی کودک دارد.

از نگاه پیامبر خدا، نخستین نعمت الهی به انسان، حلال زادگی و پاکی ولادت است. بسیاری از مفاسد اجتماعی، حاصل بزهکاری موالید نامشروع است. البته این، بدان معنا نیست که موالید نامشروع، نمی توانند راه درست را برای زندگی

انتخاب کنند؛ لیکن بی تردید، انتخاب و راه صحیح زندگی برای آنان دشوار است.

فصل چهارم از این بخش، آثار مثبت حلال زادگی را در تکوین شخصیت کودک، بیان می کند و نسبت به موالید نامشروع، هشدار می دهد. افزون بر این، توصیه می کند که پدران و مادران برای خوش بختی فرزندان شان، از وی هنگام آمیزش غفلت نکنند. همچنین در روایاتی درباره نقش احوال و اوقات خاص آمیزش در آینده کودک، در پایان این فصل خواهد آمد. (1)

ص: 16

---

1- گفتنی است که سند این روایات، ضعیف است؛ اما ضعف سند، دلیل عدم صدور آنها از پیشوایان اسلام نیست و لذا با عنایت به این که روایات یاد شده در منابع معتبر روایی آمده، برای آگاهی خانواده ها، در پایان این فصل قرار گرفت.



1. رسول الله صلى الله عليه وآله: ما يمنح المؤمن أن يتخذ أهلاً، لعل الله أن يرزقه نسمة (1) تثقل الأرض بلا إله إلا الله. (2)

2. عنه صلى الله عليه وآله: خيار أمتي المتأهلون، وشرار أمتي العزاب. (3)

3. عنه صلى الله عليه وآله: ما بُني بناء في الإسلام أحب إلى الله تعالى من التزويج. (4)

4. عنه صلى الله عليه وآله: اتخذوا الأهل؛ فإنه أرزق لكم. (5)

ص: 18

---

1- النسمه: الإنسان (الصحيح: ج 5 ص 2040 «[1] نسمة»).

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 382، ح 4340 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 429 ح 1454 [2] عن الإمام الباقر عنه صلى الله عليه وآله.

3- جامع الأخبار: ص 273 ح 748، [3] بحار الأنوار: ج 103 ص 221 ح 32. [4]

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 383 ح 4343 عن عبد الله بن الحكم عن الإمام الباقر عليه السلام، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 429 ح 1456. [5]

5- الكافي: ج 5 ص 329 ح 6 [6] عن ابن القداح عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 103 ص 217 ح 1.



1. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نباید چیزی شخص باایمان را از تشکیل خانواده باز دارد؛ [ زیرا با ازدواج ] امید می رود خداوند، فرزندی روزی او گرداند که زمین را با [ گفتن ] «لا اله إلا الله»، گران بها سازند.
2. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همسر داران، بهترین امت من، و بی همسران، بدترین امت من هستند.
3. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در اسلام، هیچ بنایی نزد خداوند متعال، دوست داشتنی تر از ازدواج نیست.
4. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خانواده تشکیل دهید، که مایهٔ فزونی روزی شماست.

5. رسول الله صلى الله عليه وآله: اطلبوا الوالدَ وَ التَّمِسُوهُ؛ فَإِنَّهُ قُرَّةُ الْعَيْنِ، وَ رِيحَانَةُ الْقَلْبِ. (1)
6. عنه صلى الله عليه وآله: لا يَدْعُ أَحَدُكُمْ طَلَبَ الْوَالِدِ؛ فَإِنَّ الرَّجُلَ إِذَا مَاتَ وَ لَيْسَ لَهُ وَ لَدٌ انْقَطَعَ اسْمُهُ. (2)
7. عنه صلى الله عليه وآله: بَيْتٌ لا صِبْيَانَ فِيهِ لا بَرَكَةَ فِيهِ. (3)
8. عنه صلى الله عليه وآله: ما وُلِدَ فِي أَهْلِ بَيْتِ غُلَامٍ إِلَّا اصْبَحَ فِيهِمْ عِزٌّ لَمْ يَكُنْ. (4)
9. عنه صلى الله عليه وآله: رِيحُ الْوَالِدِ مِنْ رِيحِ الْجَنَّةِ. (5)
10. عنه صلى الله عليه وآله: الْوَالِدُ لِلْوَالِدِ رِيحَانَةٌ مِنَ اللَّهِ يَشْتُمُّهَا، (فَسَمَّهَا) بَيْنَ عِبَادِهِ. (6)
11. عنه صلى الله عليه وآله: الْوَالِدُ ثَمَرُ الْقَلْبِ، وَ إِنَّهُ مَجْبَنَةٌ مَبْخَلَةٌ مَحْزَنَةٌ. (7)
12. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ ثَمْرَةً، وَ ثَمْرَةَ الْقَلْبِ الْوَالِدُ. (8)
13. مسند ابن حنبل عن الأشعث ابن قيس: قَدِمْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي وَفْدِ كِنْدَةَ، فَقَالَ لِي: هَلْ لَكَ مِنْ وَ لَدٍ؟  
قُلْتُ: غُلَامٌ وُلِدَ لِي فِي مَخْرَجِي إِلَيْكَ مِنْ ابْنِهِ جَدًّا، (9) وَ لَوَدِدْتُ أَنَّ مَكَانَهُ شِبَعُ

ص: 20

- 1- .مكارم الأخلاق: ج 1 ص 480 ح 1665، [1] الفردوس: ج 1 ص 79 ح 242 كلاهما عن ابن عمر.
- 2- .المعجم الكبير: ج 23 ص 210 ح 369 عن حفصه، كنز العمال: ج 16 ص 281 ح 44469.
- 3- .الفردوس: ج 5 ص 359 ح 8435 عن ابن عباس، كنز العمال: ج 16 ص 274 ح 44425.
- 4- .المعجم الأوسط: ج 7 ص 244 ح 7395، تاريخ أصبهان: ج 2 ص 77 الرقم 1139 [2] كلاهما عن ابن عمر.
- 5- .المعجم الأوسط: ج 6 ص 82 ح 5860 عن ابن عباس، روضه الواعظين: ص 403. [3]
- 6- .عدّه الداعي: ص 76، [4] بحار الأنوار: ج 104 ص 98 ح 68. [5]
- 7- .مسند أبي يعلى: ج 2 ص 10 ح 1028 عن أبي سعيد، كنز العمال: ج 16 ص 284 ح 44486.
- 8- .الفردوس: ج 1 ص 204 ح 779، كنز العمال: ج 16 ص 457 ح 45415 نقلاً عن البزار وفيه «شجره» بدل «شيء» وكلاهما عن ابن عمر.
- 9- .و جاء في بعض الروايات «ابنه جمد».

5. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزند بخواهید و آن را طلب کنید؛ چرا که فرزند، مایهٔ روشنی چشم و شادی قلب است.
6. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ یک از شما نباید فرزند خواهی را ترک کند؛ چرا که وقتی انسان بمیرد و فرزندی نداشته باشد، نامش از میان می رود.
7. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در خانه ای که کودک در آن نباشد، هیچ برکتی در آن نیست.
8. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در هیچ خانواده ای پسری زاده نشده، مگر آن که عزتی یافتند که پیش از آن نداشتند.
9. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی فرزند، [نسیمی] از بوی بهشت است.
10. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزند برای پدر، گلی خوش بو از جانب خداست که آن را می بوید.  
این گل را خداوند، میان بندگانش تقسیم کرده است.
11. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزند، میوهٔ دل است و همو، مایهٔ ترس و بخل و اندوه است.
12. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر چیزی میوه ای دارد و میوهٔ دل، فرزند است.
13. مسند ابن حنبل - به نقل از اشعث بن قیس - با نمایندگان قبیلهٔ کِنده، نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتیم. به من فرمود: «آیا فرزندی داری؟».
- گفتم: هنگام حرکت به سوی شما، از دختر جد، (1) پسری برایم متولد شد؛ ولی به

ص: 21

---

1- در روایاتی به جای «دختر جد»، «دختر جمد» آمده که منظور، جمد بن ولیعهٔ کندی است.

قال صلى الله عليه وآله: لا تقولن ذلك، فإن فيهم قرّة عينٍ وأجرًا إذا قبضوا ثمّ، ولئن قلت ذاك إنهم لمحبته محزنة، إنهم لمحبته محزنة. (1)

14. الإمام زين العابدين عليه السلام: من سعادته الرجل أن يكون له ولد يستعين بهم. (2)

15. الإمام الكاظم عليه السلام: سعد امرؤ لم يمّت حتى يرى خلفاً من نفسه. (3)

16. الكافي عن بكر بن صالح: كتبت إلى أبي الحسن عليه السلام: إنني اجتبت طلب الولد منذ خمس سنين، وذلك أن أهلي كرهت ذلك وقالت: إنّه يشتدّ على تربيتهم؛ لقله الشئ، فما ترى؟

فكتب عليه السلام إلى: أطلب الولد؛ فإن الله عز وجل يرزقهم. (4)

17. الإمام الرضا (5) عليه السلام: إن الله تبارك وتعالى إذا أراد بعبد خيراً لم يمهته حتى يرئيه الخلف. (6)

3/1: فضل الولد الصالح

18. رسول الله صلى الله عليه وآله: من سعادته الرجل الولد الصالح. (7)

ص: 22

1- مسند ابن حنبل: ج 8 ص 196 ح 21899، [1] المعجم الكبير: ج 1 ص 236 ح 646.

2- الكافي: ج 6 ص 2 ح 2، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 [2] ص 164 ح 3598.

3- الكافي: ج 6 ص 4 ح 3، [3] عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 30 ح 22 [4] عن جعفر بن خلف.

4- الكافي: ج 6 ص 3 ح 7، [5] مكارم الأخلاق: ج 1 ص 480 ح 1664. [6]

5- روى الحديث في المصدر عن أبي الحسن عليه السلام ولم يصرّح بكونه الإمام الرضا عليه السلام، ولكن صرّح به في مكارم الأخلاق. [7]

6- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 481 ح 4690، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 472 ح 1615. [8]

7- الكافي: ج 6 ص 3 ح 11 [9] عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام وح 6، عدّه الداعي: ص 76. [10]

جای آن، سیریِ قبیله را دوست می داشتیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هرگز این را مگو؛ چرا که آنان، روشنیِ چشم اند [اگر بمانند] و آن گاه که بمیرند، مایهٔ پاداش [الهی] در آن جا هستند؛ ولی اگر بگویی که آنان، مایهٔ ترس و اندوه اند، آری. آنان، مایهٔ ترس و اندوه اند».

14. امام زین العابدین علیه السلام: از سعادت آدمی، داشتن فرزندان است که از آنها کمک گیرد.

15. امام کاظم علیه السلام: کسی خوش بخت است که نمیرد تا این که جانشینی از [نسل] خود را ببیند.

16. الکافی - به نقل از بکر بن صالح - به امام کاظم علیه السلام نوشتیم: من، پنج سال است که از فرزنددار شدن، خودداری کرده ام و این، بدان جهت است که همسرم آن را ناخوش می دارد و می گوید: به خاطر کمی مال، پرورش آنان برای من سخت است. نظر شما چیست؟

امام علیه السلام در پاسخ من نوشت: «بچه دار شو؛ چرا که خداوند عز و جل روزی آنان را می دهد».

17. امام رضا علیه السلام (1): بی تردید، هرگاه خداوند - تبارک و تعالی - خیر بنده ای را بخواهد، او را نمی میراند، تا جانشینش (فرزند صالح) را به او نشان دهد.

### 3/1: فضیلت فرزند شایسته

18. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از سعادت مرد، داشتن فرزند شایسته است.

ص: 23

---

1- این حدیث، در کتاب من لا یحضره الفقیه، از «ابو الحسن علیه السلام»، بدون تصریح به نام امام، روایت شده است؛ اما در مکارم الأخلاق، با تصریح به نام امام رضا علیه السلام آمده است.

19. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَاحِينَ الْجَنَّةِ. (1)

20. عنه صلى الله عليه وآله: الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنَ اللَّهِ فَسَمَّهَا بَيْنَ عِبَادِهِ، وَإِنَّ رِيحَانَتِي مِنَ الدُّنْيَا الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ، سَمَّيْتُهُمَا بِاسْمِ سِبْطَيْنِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ: شَبْرًا وَشَبِيرًا. (2)

21. عنه صلى الله عليه وآله: مِنْ نِعَمَةِ اللَّهِ عَلَى الرَّجُلِ أَنْ يُشَبِّهَهُ وَلَدُهُ. (3)

22. الكافي عن محمد بن سنان عن عمن حدثه: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا بُشِّرَ بِالْوَلَدِ لَمْ يَسْأَلْ أَذْكَرَ هُوَ أَمْ اُنْثَى حَتَّى يَقُولَ: أَسْوَى؟ فَإِنْ كَانَ سَوِيًّا قَالَ: الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْلُقْ مِنِّي شَيْئًا مُسْوَاهًا. (4)

23. الإمام الباقر عليه السلام: مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ أَنْ يَكُونَ لَهُ الْوَلَدُ يُعْرِفُ فِيهِ شِبْهَهُ، خَلَقَهُ وَخُلِقَ وَشَمَائِلُهُ. (5)

4/1: إلحاق ذريته المؤمنين بهم في الجنة

الكتاب

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلْتَنَاهُمْ مِنْ عَمَلِهِمْ مِنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ». 6

ص: 24

1- الكافي: ج 6 ص 3 ح 10 [1] عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 481 ح 4688.

2- الكافي: ج 6 ص 2 ح 1 [2] عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام.

3- الكافي: ج 6 ص 4 ح 1 [3] عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 484 ح 4708، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 477 ح 1645. [4]

4- الكافي: ج 6 ص 21 ح 1، [5] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 439 ح 1754.

5- الكافي: ج 6 ص 4 ح 2 [6] عن سدير، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 477 ح 1644 [7] عن الإمام الصادق عليه السلام.

19. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا فرزند شایسته، گلی از گل های بهشت است.

20. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزند شایسته، گلی است که خداوند، آن را میان بندگان تقسیم کرده است و دو گل من از دنیا، حسن و حسین هستند. آنها را به نام دو تن از فرزندان اسرائیل (یعقوب)، شَبْر و شَبِیر، (1) نام نهادم.

21. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از نعمت خدا بر مرد، آن است که فرزندش شبیه او باشد.

22. الکافی - به نقل از محمد بن سنان، از کسی که برایش روایت کرد-: امام زین العابدین علیه السلام این گونه بود که هرگاه به فرزندی بشارت داده می شد، نمی پرسید که پسر است یا دختر، تا این که می پرسید: «آیا سالم و کامل است؟». اگر سالم می بود، می فرمود: «سپاس، خدایی را که از من، چیز ناقص و ناسالمی نیافرید».

23. امام باقر علیه السلام: از سعادت های آدمی، این است که فرزندش در جسم و اخلاق و رفتار، به او شباهت داشته باشد.

#### 4/1: پیوستن فرزندان اهل ایمان به آنان در بهشت

قرآن

«و آنان که ایمان آوردند و فرزندانشان با [درجه ای از] ایمان، از آنان پیروی کردند، فرزندانشان را به آنان ملحق می کنیم و از [پاداش] عملشان هیچ نمی کاهیم؛ [چرا] که هر کس، در گرو دستاورد خویش است».

ص: 25

---

1- شَبْر و شَبِیر، نام فرزندان هارون علیه السلام است و دو نامی بود که جبرئیل علیه السلام برای پیامبر خدا آورد و برابر عربی آنها، حسن و حسین است (تاریخ دمشق: ج 14 ص 119 ح 4313؛ کشف الغمّه: ج 2 ص 151).

24. الإمام الصادق عليه السلام - فى قول الله عز و جل: «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُمْ بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ» -: فَصَرَّتِ الْأَبْنَاءُ عَنْ عَمَلِ الْأَبَاءِ، فَالْحَقُّوا الْأَبْنَاءَ بِالْأَبَاءِ لِتَقَرَّرَ بِذَلِكَ أَعْيُنُهُمْ. (1)

5/1: فَضُلُّ تَحْمُلِ أَدَى الطُّفْلِ

25. الكافي عن محمد بن مسلم: كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذْ دَخَلَ يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ فَرَأَيْتُهُ يَتَيْنُ، فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا لِي أَرَاكَ تَتَيْنُ؟

قَالَ: طِفْلٌ لِي تَأْذِيْتُ بِهِ اللَّيْلَ أَجْمَعَ.

فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا يُونُسُ، حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّ جَبْرَائِيلَ نَزَلَ عَلَيْهِ وَرَسُولُ اللَّهِ وَ عَلِيٌّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا يَتَانِ، فَقَالَ جَبْرَائِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا حَبِيبَ اللَّهِ، مَا لِي أَرَاكَ تَتَيْنُ؟

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: طِفْلَانِ لَنَا تَأْذِيْنَا بِبِكَاؤِهِمَا.

فَقَالَ جَبْرَائِيلُ: مَهْ يَا مُحَمَّدُ، فَإِنَّهُ سَيُبْعَثُ لِهَوْلَاءِ الْقَوْمِ شَيْعَةٌ إِذَا بَكَى أَحَدُهُمْ فَبِكَاؤُهُ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» إِلَى أَنْ يَأْتِيَ عَلَيْهِ سَبْعُ سِنِينَ، فَإِذَا جَاَزَ السَّبْعَ فَبِكَاؤُهُ اسْتِغْفَارٌ لِرِوَالِدَيْهِ إِلَى أَنْ يَأْتِيَ عَلَى الْحَدِّ، فَإِذَا جَاَزَ الْحَدَّ فَمَا أَتَى مِنْ حَسَنَةٍ فَلِرِوَالِدَيْهِ، وَمَا أَتَى مِنْ سَيِّئَةٍ فَلَا عَلَيْهِمَا. (2)

ص: 26

1- .الكافي: ج 3 ص 249 ح 5 [1] عن ابن بكير، التوحيد: ص 394 ح 7 عن أبي بكر الحضرمي.

2- .الكافي: ج 6 ص 52 ح 5، [2] عوالى اللالى: ج 3 ص 284 ح 23. [3]



24. امام صادق علیه السلام - درباره این سخن خداوند عز و جل: «و آنان که ایمان آوردند و فرزندانشان [با درجه ای از] ایمان، آنان را پیروی کردند، فرزندانشان را به آنان ملحق می کنیم» - [عمل] فرزندان، از عمل پدرانشان کمتر است. پس فرزندان را به پدرانشان ملحق می کنند تا دیده آنان روشن گردد.

### 5/1: فضیلت تحمل آزار کودک

25. الکافی - به نقل از محمد بن مسلم - نزد امام صادق علیه السلام نشستیم بودم که یونس بن یعقوب، ناله کنان وارد شد. امام صادق علیه السلام به وی فرمود: «چه شده که تو را نالان می بینم؟».

گفت: کودکی دارم که سراسر شب، از [گریه های] او اذیت شدم.

امام صادق علیه السلام به وی فرمود: ای یونس! پدرم محمد بن علی، از پدرانش، از جدم پیامبر خدا نقل کرد که جبرئیل علیه السلام بر وی فرود آمد، در حالی که پیامبر خدا و علی - که درود خدا بر آنان باد - ناله می کردند. جبرئیل علیه السلام گفت: ای حبیب خدا! چه شده که تو را نالان می بینم؟

پیامبر خدا فرمود: «دو کودک داریم که از گریه آنان، اذیت شده ایم».

جبرئیل علیه السلام گفت: صبر کن، ای محمد! چرا که به زودی برای این قوم، پیروانی برانگیخته می شوند که هر گاه یکی از آنان گریه کند، گریه اش تا هفت سالگی «لا اله الا الله» است و وقتی از هفت سالگی گذشت، گریه اش تا بلوغ، آمرزش خواهی برای پدر و مادرش است و چون از بلوغ گذشت، هر کار نیکی که انجام دهد، به نفع پدر و مادرش باشد و هر کار ناشایستی که انجام دهد، به زیان آنان نباشد.

26. رسول الله صلى الله عليه وآله: تَزَوَّجُوا بِكْرًا وَلَوْ دَأَّ، وَلَا تَزَوَّجُوا حَسَنَاءَ جَمِيلَةً عَاقِرًا؛ فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (1)

27. عنه صلى الله عليه وآله: تَزَوَّجُوا الْوَدُودَ الْوَلُودَ؛ فَإِنِّي مُكَاتِرٌ بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (2)

28. عنه صلى الله عليه وآله: دَعُوا الْحَسَنَاءَ الْعَاقِرَ، وَتَزَوَّجُوا السَّوْدَاءَ الْوَلُودَ؛ فَإِنِّي أَكَاثِرٌ بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (3)

29. عنه صلى الله عليه وآله: أَكْثَرُوا الْوَلَدَ أَكَاثِرٌ بِكُمْ الْأُمَّمَ غَدًا. (4)

30. الإمام الصادق عليه السلام: لَمَّا لَقِيَ يُوسُفُ أَخَاهُ قَالَ لَهُ: يَا أَخِي كَيْفَ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَتَزَوَّجَ النِّسَاءَ بَعْدِي؟

قال: إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي وَقَالَ: إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَافْعَلْ. (5)

7/1: فَضْلُ الْبَنَاتِ

31. رسول الله صلى الله عليه وآله: مِنْ يُمْنِ الْمَرْأَةِ أَنْ يَكُونَ بِكَرْهٍ جَارِيَةً. (6)

ص: 28

- 
- 1- الكافي: ج 5 ص 333 ح 2 [1] عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام.
  - 2- تاريخ بغداد: ج 12 ص 377 الرقم 6829 [2] عن ابن عمر، كنز العمال: ج 16 ص 302 ح 44598 عن عمر.
  - 3- المصنّف لعبد الرزاق: ج 6 ص 160 ح 10343 عن محمد بن سيرين، كنز العمال: ج 16 ص 293 ح 44545 نقلًا عن الترمذی.
  - 4- الكافي: ج 6 ص 2 ح 3 [3] عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عليه السلام، الخصال: ص 615 وفيه «اطلبوا» بدل «اكثروا».
  - 5- الكافي: ج 6 ص 2 ح 4 [4] عن عبد الله بن سنان، عوالي اللآلي: ج 3 ص 288 ح 36 [5] من دون إسناد الى المعصوم.
  - 6- الجعفریات: ص 99 [6] عن الامام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، النوادر للراوندى: ص 151 ح 220.

## 6/1: فراوانی فرزند

26. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با دختران باکره و فرزندان ازدواج کنید، نه با زنان نیکو و زیبا، اما نازا؛ چرا که من روز قیامت، بر دیگر امت ها، به [فراوانی] شما می بالم.

27. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با زنِ مهربانِ فرزندانِ ازدواج کنید؛ چرا که من در روز قیامت، به فراوانی شما بر دیگر امت ها مباحثات می کنم.

28. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زنِ زیبای نازا را رها کنید و با زنِ سیه چُردهٔ فرزندانِ ازدواج کنید؛ چرا که من در روز قیامت، به فراوانی شما بر دیگر امت ها افتخار می کنم.

29. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزندانِتان را زیاد کنید، که من فردا با فراوانی شما بر دیگر امت ها افتخار می کنم.

30. امام صادق علیه السلام: وقتی یوسف علیه السلام برادرش (بنیامین) را ملاقات کرد، به وی گفت: «ای برادر! چگونه توانستی پس از من، با زنان ازدواج کنی؟».

گفت: پدرم به من امر کرد و گفت: «اگر می توانی فرزندانِی داشته باشی که با تسبیح خداوند، زمین را گران بها سازند، چنین کن.».

## 7/1: فضیلت دختران

31. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از مبارکی زن این است که فرزند نخست او، دختر باشد.

32. عنه صلى الله عليه وآله: رِيحُ الْوَالِدِ مِنْ رِيحِ الْجَنَّةِ، وَلَا يُحِبُّ الْبَنَاتِ إِلَّا مُؤْمِنًا. (1)

33. الإمام الصادق عليه السلام: الْبَنُونَ نَعِيمٌ، وَالْبَنَاتُ حَسَنَاتٌ، وَاللَّهُ يَسْأَلُ عَنِ النَّعِيمِ، وَيُثِيبُ عَلَى الْحَسَنَاتِ. (2)

8/1: ثَوَابُ تَرْبِيَةِ الْبَنَاتِ

34. رسول الله صلى الله عليه وآله: نِعَمَ الْوَالِدِ الْبَنَاتُ الْمُخَدَّرَاتُ، مَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ وَاحِدَةً جَعَلَهَا اللَّهُ سِتْرًا لَهُ مِنَ النَّارِ، وَمَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ اثْنَتَانِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ بِهِمَا الْجَنَّةَ، وَإِنْ كُنَّ ثَلَاثًا أَوْ مِثْلَهُنَّ مِنَ الْأَخَوَاتِ، وَضَعَ عَنْهُ الْجِهَادَ وَالصَّدَقَةَ. (3)

35. عنه صلى الله عليه وآله: الْبَنَاتُ هُنَّ الْمُسْفِقَاتُ الْمُجَهَّرَاتُ الْمُبَارَكَاتُ، مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ وَاحِدَةٌ جَعَلَهَا اللَّهُ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ، وَمَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ ابْنَتَانِ ادْخَلَ الْجَنَّةَ بِهِمَا، وَمَنْ كَانَتْ عِنْدَهُ ثَلَاثُ بَنَاتٍ أَوْ مِثْلَهُنَّ مِنَ الْأَخَوَاتِ وَضَعَ عَنْهُ الْجِهَادَ وَالصَّدَقَةَ. (4)

36. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ عَالَ جَارِيَتَيْنِ حَتَّى تُدْرِكَا دَخَلَتْ الْجَنَّةَ أَنَا وَهُوَ كَهَاتَيْنِ - وَأَشَارَ بِإصْبَعِيهِ السَّبَابِيهِ وَالْوُسْطَى -. (5)

37. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ عَالَ ثَلَاثَ بَنَاتٍ حَتَّى يُبْنِيَهُنَّ، كُنَّ لَهُ حِجَابًا مِنَ النَّارِ. (6)

ص: 30

1- الفردوس: ج 2 ص 272 ح 3263 عن عائشه.

2- الكافي: ج 6 ص 7 ح 12 [1] عن أحمد بن الفضل.

3- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 472 ح 1613، [2] روضه الواعظين: ص 404. [3]

4- كنز العمال: ج 16 ص 454 ح 45399 نقلاً عن الديلمي عن أنس.

5- المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 196 ح 7350، الأدب المفرد: ص 264 ح 894 [4] كلاهما عن أنس، جامع الأخبار: ص 285 ح 766 [5] عن أنس.

6- تاريخ بغداد: ج 8 ص 316 [6] عن أنس، كنز العمال: ج 16 ص 451 ح 45385.

32. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی فرزند، از بوی بهشت است و جز مؤمن، کسی دختران [خود] را دوست ندارد.

33. امام صادق علیه السلام: پسرها نعمت اند و دخترها نیکي. (1) خداوند، از نعمت ها سؤال می کند و بر نیکي ها پاداش می دهد.

### 8/1: پاداش تربیت دختران

34. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چه خوب فرزندان هستند دختران با حجاب! هر کس یکی [از آنها] داشته باشد، خداوند، آن را برای وی پوششی از آتش [دوزخ] قرار می دهد و هر کس دو تا داشته باشد، خداوند، به خاطر آنان، او را وارد بهشت می سازد و اگر سه دختر یا مانند آن خواهر داشته باشد، جهاد و صدقه [ی استحبابی] را از او برمی دارد.

35. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دختران، دلسوز و مددکار و بابرکت اند. هر کس یک فرزند دختر داشته باشد، خداوند، آن را پوششی از آتش [دوزخ] قرار می دهد و هر کس دو دختر داشته باشد، به خاطر آنان وارد بهشت شود و هر کس سه دختر یا مانند آن خواهر داشته باشد، جهاد و صدقه [ی استحبابی] از او برداشته می شود.

36. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس دو دختر را سرپرستی کند تا بزرگ شوند، من و او، همانند این دو [در کنار هم] وارد بهشت می شویم» و دو انگشت اشاره و میانه خود را نشان داد.

37. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس سه دختر را سرپرستی کند تا ازدواج کنند، آنان مانع او در برابر آتش [دوزخ] باشند.

ص: 31

---

1- این سخن، بدان معناست که دخترداری، نوعی عبادت و کار نیک محسوب می شود.

38.رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ دَخَلَ السُّوقَ فَاشْتَرَى تُحْفَةً، فَحَمَلَهَا إِلَى عِيَالِهِ، كَانَ كَحَامِلٍ صَدَقَهُ إِلَى قَوْمٍ مَحَاطِبٍ، وَلَيَبْدَأُ بِالْإِنَاثِ قَبْلَ الذُّكُورِ؛ فَإِنَّهُ مَنْ فَرَّحَ انْتَى فَكَأَنَّمَا عَتَقَ رَقَبَةً مِنْ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ، وَمَنْ أَقْرَبَ بَعِينِ ابْنِ فَكَأَنَّمَا بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَمَنْ بَكَى مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ أَدْخَلَهُ اللَّهُ جَنَّاتِ النَّعِيمِ. (1)

10/1:دَمُّ كِرَاهَةِ الْبَنَاتِ

39.رسول الله صلى الله عليه وآله: لَا تَكْرَهُوا الْبَنَاتِ؛ فَإِنَّهُنَّ الْمُؤْنِسَاتُ الْغَالِيَاتُ. (2)

40.كتاب من لا يحضره الفقيه: بَشَّرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِابْنَتِهِ فَنظَرَ فِي وَجْهِهِ أَصْحَابِهِ، فَرَأَى الْكِرَاهَةَ فِيهِمْ، فَقَالَ: مَا لَكُمْ؟ رِيحَانَةٌ أَشْمُهُا، وَرِزْقُهَا عَلَى اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ. (3)

41.الكافي عن الجارود بن المنذر: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلَّغْنِي أَنَّهُ وُلِدَ لَكَ ابْنَةٌ فَتَسَخَطُهَا! وَمَا عَلَيْكَ مِنْهَا؟! رِيحَانَةٌ تَشْمُهَا، وَقَدْ كَفَيْتَ رِزْقُهَا، وَقَدْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَا بَنَاتٍ. (4)

42.الكافي عن إبراهيم الكرخي عن ثقه حدثه من أصحابنا: تَزَوَّجْتُ بِالْمَدِينَةِ، فَقَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: كَيْفَ رَأَيْتَ؟

ص:32

1- .ثواب الأعمال:ص239 ح1، الأمل للصدوق:ص672 ح904 [1] كلاهما عن ابن عباس.

2- .مسند ابن حنبل:ج6 ص134 ح17378، [2]المعجم الكبير:ج17 ص310 ح856 كلاهما عن عقبه بن عامر، كنز العمال:ج16 ص449 ح45374.

3- .كتاب من لا يحضره الفقيه:ج3 ص481 ح4693، ثواب الأعمال:ص239 ح2 وفيه «بفاطمه» بدل «بابنه».

4- .الكافي:ج6 ص6 ح9. [3]

38. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس وارد بازار شود و چیزی بخرد، و آن را برای خانواده اش ببرد، مانند کسی است که صدقه ای را برای گروهی نیازمند می برد و باید پیش از پسران، از دختران آغاز کند؛ چرا که هر کس دخترکی [ از فرزندان خود] را شاد کند، گویا برده ای از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده است و هر کس چشمِ پسری را روشن کند، گویا از ترس خداوند گریسته است و هر کس از ترس خداوند بگرید، خداوند، او را وارد بهشت های پُر نعمت می سازد.

10/1: نکوهش ناخوش داشتن دختران

39. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دختران را ناخوش ندارید؛ چرا که آنان، همدمانی گران بها هستند.

40. کتاب من لا یحضره الفقیه: به پیامبر صلی الله علیه و آله [ تولّد ] دخترى را بشارت دادند. به چهره اصحاب خود نگاه کرد و ناخشنودی را در [چهره] آنان دید. فرمود: «شما را چه شده است؟ گلی است که آن را می بویم و روزی آن بر خداوند عز و جل است.»

41. الکافی - به نقل از جارود بن منذر - : امام صادق علیه السلام به من فرمود: «به من خبر رسیده از این که دختری برای تو زاده شده، ناراحتی. او چه زیانی برای تو دارد؟ گلی است که آن را می بویی و روزی اش تضمین شده است. پیامبر خدا، خود، پدر چند دختر بود.»

42. الکافی - به نقل از ابراهیم کرخی - : یکی از شیعیان مورد اطمینان، چنین نقل می کند که: من در مدینه ازدواج کردم. امام صادق علیه السلام به من فرمود: «[ازدواج را] چگونه دیدی؟».

قُلْتُ: مَا رَأَى رَجُلٌ مِنْ خَيْرٍ فِي امْرَأَةٍ إِلَّا وَقَدَ رَأَيْتُهُ فِيهَا، وَلَكِنْ خَانَتْنِي!

فَقَالَ: وَمَا هُوَ؟

قُلْتُ: وَوَلَدْتُ جَارِيَةً.

قَالَ: لَعَلَّكَ كَرِهْتَهَا، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: «أَبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا» 1. (1)

43. كشف الغمّة عن أيّوب بن نوح: كَانَ لِيَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا حَمَلٌ، فَكَتَبَ إِلَيْهِ [أَيَّ إِلَى الْإِمَامِ الْهَادِي عَلَيْهِ السَّلَامُ]: إِنَّ لِي حَمَلًا فَادْعُ اللَّهَ أَنْ يَرْزُقَنِي ابْنًا.

فَكَتَبَ إِلَيْهِ: رَبُّ ابْنِهِ خَيْرٌ مِنْ ابْنِ، فَوَلَدَتْ لَهُ ابْنَةً. (2)

11/1: دَمُّ الْوَلَدِ السَّوِّءِ

44. الإمام عليّ عليه السلام: وَلَدُ السَّوِّءِ يَهْدِمُ الشَّرْفَ، وَيَسْتَبِينُ السَّلْفَ. (3)

45. عنه عليه السلام: وَلَدُ السَّوِّءِ يَعْرِئُ (4) السَّلْفَ، وَيُفْسِدُ الْخَلْفَ. (5)

46. عنه عليه السلام: وَلَدٌ عَقُوقٌ مِحْنَةٌ وَشُؤْمٌ. (6)

47. عنه عليه السلام: أَشَدُّ الْمَصَائِبِ سُوءُ الْخَلْفِ. (7)

ص: 34

1- الكافي: ج 6 ص 4 ح 1. [1]

2- كشف الغمّة: ج 3 ص 175، [2] بحار الأنوار: ج 50 ص 177. [3]

3- غرر الحكم: ح 10065.

4- المَعْرَةَ: الأمر القبيح المكروه والأذى (النهاية: ج 3 ص 205 «[4] عر»).

5- غرر الحكم: ح 10066، عيون الحكم والمواعظ: ص 503 ح 9224 وفيه «يضرب» بدل «يعر».

6- غرر الحكم: ح 10072، [5] عيون الحكم والمواعظ: ص 504 ح 9247.

7- غرر الحكم: ح 2963. [6]



گفتم: هیچ مردی، هیچ خیری در زنی ندید، مگر آن که من هم در او دیدم؛ ولی او به من خیانت کرد.

فرمود: «چه خیانتی؟»

گفتم: دختر زایید.

فرمود: «گویا از دختر خوشت نیامده است. خداوند عز و جل می فرماید: «پدرانتان و فرزندانان؛ شما نمی دانید کدام یک برای شما سودمندترند»».

43. كشف الغمّه - به نقل از ایوب بن نوح - یحیی بن زکریا، فرزندی در راه داشت. از این رو، به امام هادی علیه السلام نوشت: من، فرزندی در راه دارم. از خدا بخواه که پسری روزی ام کند.

امام علیه السلام در پاسخ وی نوشت: «چه بسا دختری که از پسر بهتر باشد».

و برای او دختری زاده شد.

#### **11/1: نگویش فرزند ناشایست**

44. امام علی علیه السلام: فرزند ناشایست، شرافت را تباه و نیاکان را بدنام می کند.

45. امام علی علیه السلام: فرزند ناشایست، نیاکان را بدنام و آیندگان را تباه می سازد.

46. امام علی علیه السلام: فرزند نافرمان، [مایه] رنج و شومی است.

47. امام علی علیه السلام: سخت ترین مصیبت ها، ناشایستی نسل است.

ص: 35

48. عنه عليه السلام: نَشْرُ الأَوْلَادِ العَاقِ. (1)

49. الإمام الصادق عليه السلام: إِيَّاكُمْ أَنْ تَعْمَلُوا عَمَلًا يُعَيِّرُونَا بِهِ، فَإِنَّ وُلْدَ السَّوِّءِ يُعَيِّرُ الوَالِدَ بِعَمَلِهِ. (2)

12/1: طَلَبُ الأَسْرَةِ الصَّالِحَةِ مِنَ اللّٰهِ

50. الكافي عن أبي بصير: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا تَزَوَّجَ أَحَدُكُمْ كَيْفَ يَصْنَعُ؟

قُلْتُ: لَا أُدْرِي.

قَالَ: إِذَا هَمَّ بِذَلِكَ فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ، وَيَحْمَدِ اللّٰهَ، ثُمَّ يَقُولُ: اللّٰهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِي مِنَ النِّسَاءِ أَعْفَهْنَ فَرَجًا، وَأَحْفَظْهُنَّ لِي فِي نَفْسِي هَا وَ فِي مَالِي، وَأَوْسَعَهُنَّ رِزْقًا، وَأَعْظَمَهُنَّ بَرَكَهً، وَقَدِّرْ لِي وَوَلَدًا طَيِّبًا تَجْعَلُهُ خَلْفًا صَالِحًا فِي حَيَاتِي وَبَعْدَ مَمَاتِي. (3)

ص: 36

1- غرر الحكم: ح 5688.

2- الكافي: ج 2 ص 219 ح 11 [1] عن هشام الكندي.

3- الكافي: ج 3 ص 481 ح 2، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 [2] ص 394 ح 4387 وفيه «قيض» بدل «قدر».

48. امام علی علیه السلام: بدترین فرزندان، فرزندان نافرمان است.

49. امام صادق علیه السلام: از انجام دادن کاری که ما را به خاطر آن سرزنش می کنند، بپرهیزید؛ چراکه پدر فرزند ناشایست، به دلیل کارهای او سرزنش می شود.

### 12/1: درخواست خانواده شایسته از خدا

50. الکافی - به نقل از ابو بصیر-: امام صادق علیه السلام به من فرمود: «وقتی کسی از شما ازدواج می کند، چه می کند؟».

گفتم: نمی دانم.

فرمود: «هرگاه قصد آن را کرد، دو رکعت نماز بخواند و خدا را سپاس گوید، سپس بگوید: بار الها! من می خواهم ازدواج کنم. پس زنی برای من مقدر کن که عقیق ترین آنها، و خویشتن دارترین آنها در جان خودش و مال من، و پرروزی ترین آنها، و پُر برکت ترین آنها باشد و برای من، فرزندی پاک مقدر کن که او را جانشینی شایسته در زندگی ام و پس از مرگم قرار دهی».

ص: 37

51. رسول الله صلى الله عليه وآله: انظر في أي نصاب (1) تَضَعُ وَلَدَكَ؛ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ (2). (3)

52. عنه صلى الله عليه وآله: النَّاسُ مَعَادِنٌ، وَالْعِرْقُ دَسَّاسٌ، (4) وَأَدَبُ السَّوِّءِ كَعِرْقِ السَّوِّءِ. (5)

53. عنه صلى الله عليه وآله: تَزَوَّجُوا فِي الْحَجْرِ الصَّالِحِ؛ فَإِنَّ الْعِرْقَ دَسَّاسٌ. (6)

54. عنه صلى الله عليه وآله: تَخَيَّرُوا لِنُطْفِكُمْ؛ فَإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَأَخَوَاتِهِنَّ. (7)

ص: 38

1- نِصَابُ كُلِّ شَيْءٍ: أَصْلُهُ يُقَالُ: فَلَانٌ يَرْجَعُ إِلَى نِصَابٍ صَدَقَ، وَأَصْلُهُ: مَنِيَّتُهُ وَمَحْتَدُهُ (لسان العرب: ج 1 ص 761 «[1] نصب»).

2- دَسَّاسٌ يَدُسُّهُ دَسًّا: إِذَا أَدَخَلَهُ فِي الشَّيْءِ (النهاية: ج 2 ص 117 «[2] دسس»).

3- مسند الشهاب: ج 1 ص 371 ح 638، كنز العمال: ج 15 ص 855 ح 43400 نقلاً عن الديلمي وكلاهما عن ابن عمر.

4- العرق دَسَّاسٌ: أَي دَخَّالٌ، لِأَنَّهُ يَنْزِعُ فِي خَفَاءٍ وَلُطْفٍ.

5- شعب الإيمان: ج 7 ص 455 ح 10974، [3] الفردوس: ج 4 ص 299 ح 6878 كلاهما عن ابن عباس، كنز العمال: ج 3 ص 442 ح 7360.

6- الفردوس: ج 2 ص 51 ح 2291 عن أنس، كنز العمال: ج 16 ص 296 ح 44559، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 432 ح 1474 [4] عن الإمام الصادق عليه السلام.

7- تاريخ دمشق: ج 52 ح 362 ح 11068 عن عائشه، كشف الخفاء: ج 2 ص 339 ح 2917.

51. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نگاه کن فرزندان را در کدام رَجَم قرار می دهی؛ چرا که [رگ و] ریشه، تأثیرگذار است.

52. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مردم، [همچون] معادن اند و رگ و ریشه، تأثیرگذار است و تربیت بد، همانند ریشه بد است.

53. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با خانواده های شایسته ازدواج کنید؛ چرا که رگ و ریشه، تأثیرگذار است.

54. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای نطفه های خود، بهترین [رَجَم ها] را برگزینید؛ چرا که زنان، فرزندان همانند برادران و خواهران خود به دنیا می آورند.

55. الإمام عليّ عليه السلام: إِيَّاكُمْ وَتَزْوِجَ الْحَمَقَاءِ؛ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ، وَوُلْدَهَا ضِيَاعٌ. (1)

56. الإمام الصادق عليه السلام: تَحِبُّ لِلْوَلَدِ عَلَيَّ وَالِدِهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: اخْتِيَاؤُهُ لَوَالِدَتِهِ، وَتَحْسِينُ اسْمِهِ، وَ الْمُبَالَغَةُ فِي تَأْدِيبِهِ. (2)

2/2: دَوْرُ الْوَرَاثَةِ فِي خَلْقِ الْمَوْلُودِ

57. الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى أَشْبَهِ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا بَيْنَ عُنُقِهِ إِلَى وَجْهِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ.

وَمَنْ سَرَّهُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى أَشْبَهِ النَّاسِ بِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا بَيْنَ عُنُقِهِ إِلَى كَعْبِهِ خَلْقًا وَ لَوْنًا، فَلْيَنْظُرْ إِلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ. (3)

58. عنه عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ رَأْسِهِ إِلَى عُنُقِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى الْحَسَنِ، وَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مَا لَدُنْ عُنُقِهِ إِلَى رِجْلِهِ، فَلْيَنْظُرْ إِلَى الْحُسَيْنِ، اقْتِسَامًا. (4)

59. عنه عليه السلام: أَقْبَلَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، هَذِهِ بِنْتُ عَمِّي، وَأَنَا فُلَانُ ابْنِ فُلَانٍ، حَتَّى عَدَّ عَشْرَةَ آبَاءٍ، وَهِيَ فُلَانَةُ بِنْتُ فُلَانٍ حَتَّى عَدَّ عَشْرَةَ آبَاءٍ، لَيْسَ فِي حَسَبِي وَلَا حَسَبِهَا حَبَشِيٌّ، وَإِنَّهَا وَضَعَتْ هَذَا الْحَبَشِيَّ!

فَأَطْرَقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ طَوِيلًا، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ: إِنَّ لَكَ تِسْعَةً وَتِسْعِينَ عِرْقًا،

ص: 40

1- الكافي: ج 5 ص 353 ح 1، [1] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 406 ح 31 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام.

2- تحف العقول: ص 322، بحار الأنوار: ج 78 ص 236 ح 67. [2]

3- المعجم الكبير: ج 3 ص 95 ح 2768، تاريخ دمشق: ج 14 ص 125 وفيه «وثغره» بدل «الي وجهه» وكلاهما عن هبيرة بن يريم.

4- المعجم الكبير: ج 3 ص 95 ح 2769 عن هبيرة بن يريم كنز العمال: ج 13 ص 659 ح 37674.

55. امام علی علیه السلام: از ازدواج با زن کم خرد پرهیزید؛ چرا که همراهی او بلاست و فرزندانش تباه.

56. امام صادق علیه السلام: سه چیز برای فرزند بر عهده پدر است: مادر خوب برای او برگزیدن، نام نیک بر او نهادن، و تلاش فراوان در تربیت او نمودن.

## 2/2: نقش وراثت بر جسم نوزاد

57. امام علی علیه السلام: هر کس خوش حال می شود که به شبیه ترین مردم به پیامبر خدا از گردن تا صورت، نگاه کند، به حسن بن علی بنگرد و هر کس خوش حال می شود که به شبیه ترین مردم به پیامبر خدا از گردن تا پا، از نظر شکل و رنگ نگاه کند، به حسین بن علی بنگرد.

58. امام علی علیه السلام: هر کس می خواهد به سیمای پیامبر خدا، از سر تا گردن، نگاه کند، به حسن بن علی بنگرد و هر کس می خواهد به پایین تر از گردن تا پای وی نگاه کند، به حسین بن علی بنگرد. آن دو، شباهت به وی را تقسیم کرده اند.

59. امام علی علیه السلام: یکی از انصار، رو به پیامبر خدا کرد و گفت: ای پیامبر خدا! این، دختر عموی من است و من، فلانی پسر فلانی هستم (و تا ده تن از نیاکان خود را شمرد) و او فلانی، دختر فلانی است (و تا ده تن از نیاکان او را شمرد). نه در نسب من، نه در نسب او هیچ سیاه پوستی وجود ندارد، حال آن که او این سیاه پوست حبشی را به دنیا آورده است!

پیامبر خدا، مدتی طولانی سر به زیر انداخت. سپس، سر خود را بلند کرد و فرمود: «همانا تو نود و نه رگ و ریشه داری و او هم نود و نه رگ و ریشه دارد.

هرگاه با او در آمیزی،

ص: 41

وَلَهَا تِسْعَةٌ وَ تِسْعِينَ عَرَقًا، فَإِذَا اشْتَمَلَتْ اضْطَرَبَتِ الْعُرُوقُ، وَ سَأَلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ كُلَّ عَرَقٍ مِنْهَا أَنْ يَذْهَبَ الشَّبَهَ إِلَيْهِ، فَمِنْ فَائِئَةٍ وَ لَدُكَ، وَ لَمْ يَأْتِكَ إِلَّا مِنْ عَرَقٍ مِنْكَ أَوْ عَرَقٍ مِنْهَا.

قَالَ: فَقَامَ الرَّجُلُ وَ أَخَذَ بِيَدِ امْرَأَتِهِ، وَ أَزْدَادَ بِهَا وَ يَوْلَدِيهَا عَجَبًا. (1)

60. الإمام الباقر عليه السلام: أتى رجلٌ من الأنصارِ رسولَ الله صلى الله عليه و آله، فقال: هذه ابنة عمِّي وامرأتى لا أعلمُ إلا خيراً، وقد أتتني بولدٍ شديدِ السَّوادِ، مُنْتَشِرِ المِنْخَرَيْنِ، جَعِدٍ، (2) قَطَطٍ، (3) أَفْطَسٍ (4) الأنفِ، لا أعرفُ شِبْهَهُ في أحوالى ولا في أجدادى! فقال لامرأته: ما تقولين؟ قالت: لا و الذى بعثك بالحق نبياً، ما أعددت مقعده منى منذ ملكنى أحداً غيره.

قال: فنكس رسول الله برأسه ملياً، ثم رفع بصره إلى السماء، ثم أقبل على الرجل فقال: يا هذا، إنَّه ليس من أحدٍ إلا بينه و بين آدم تسعة و تسعون عرقاً، كلُّها تضربُ في النَّسَبِ، فإذا وَقَعَتِ النُّطْفَةُ في الرَّحِمِ اضْطَرَبَتِ تِلْكَ الْعُرُوقُ؛ تَسَأَلُ اللَّهُ الشُّبْهَةَ (5) لَهَا، فهذا من تلك العروق التي لم يدركها أجدادك و لا أجدادُ أجدادك، خذ إليك ابنتك. فقالت المرأة: فرَّجت عنى يا رسول الله. (6)

61. الإمام الصادق عليه السلام: إنَّ الله عز و جل خَلَقَ لِلرَّحِمِ أَرْبَعَةَ أَوْعِيَةٍ، فَمَا كَانَ فِي الْأَوَّلِ فَلِالْأَبِ، وَ مَا كَانَ فِي الثَّانِي فَلِالْأُمِّ، وَ مَا كَانَ فِي الثَّلَاثِ فَلِلْعُمُومَةِ، وَ مَا كَانَ فِي الرَّابِعِ فَلِلْخُؤُولَةِ. (7)

ص: 42

- 1- الجعفریات: ص 90، [1] النوادر: ص 178 ح 297 [2] كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.
- 2- جَعِدٌ: جَعْدُ الشَّعْرِ ضِدُّ السَّبْطِ، وَ الْجَعْدُ: الْقَصِيرُ الْمُتَرَدِّدُ الْخَلْقِ (النهاية: ج 1 ص 275 «[3] جعد»).
- 3- الْقَطَطُ: شَدِيدُ الْجَعُودِ (النهاية: ج 4 ص 80 «قطط»).
- 4- الْفَطْسُ: عَرِضٌ قَصَبِهِ الْأَنْفِ (لسان العرب: ج 6 ص 164 «[4] فطس»).
- 5- في عوالى اللآلى: «[5] الشبه» بدل «الشبهه».
- 6- الكافى: ج 5 ص 561 ح 23، [6] عوالى اللآلى: ج 3 ص 418 ح 21. [7]
- 7- الكافى: ج 6 ص 17 ح 2، [8] عوالى اللآلى: ج 3 ص 419 ح 22 [9] كلاهما عن محمد بن حرمان.



ریشه ها به حرکت در می آیند و هر ریشه ای از خداوند متعال می خواهد که [فرزند] شباهت به او ببرد. برخیز که او فرزند توست و جز از رگ و ریشه تو یا رگ و ریشه او نیست».

آن مرد، برخاست و دست همسرش را گرفت و خرسندی اش نسبت به او و فرزندش افزون شد.

60. امام باقر علیه السلام: یکی از انصار، خدمت پیامبر خدا رسید و گفت: این، دخترعمو و همسر من است. [از او] جز نیکی چیزی نمی دانم. با این حال، او فرزندی برای من آورده که بسیار سیاه است، سوراخ های بینی اش بزرگ، مویش فروری و بینی اش پهن است. شبیه او را نه در دایی هایم می شناسم، نه در نیاکانم.

پیامبر خدا به همسر او فرمود: «تو چه می گویی؟». گفت: نه. سوگند به آن کسی که تو را به حق برانگیخته است، در مدتی که او مرا در اختیار گرفته، هیچ کس را به جای او نشانده ام.

پیامبر خدا، مدتی طولانی سر خود را پایین انداخت. سپس، چشم خود را به آسمان گرداند و آن گاه رو به مرد کرد و فرمود: «ای مرد! هیچ کس نیست، مگر این که بین او و آدم، نود و نه رگ و ریشه وجود دارد که همگی در نسب، نقش دارند.

وقتی نطفه در رحم قرار می گیرد، این رگ ها به حرکت در می آیند و از خداوند می خواهند که فرزند به آنها شبیه باشد. لذا این، از رگ هایی است که نه نیاکان تو، نه نیاکان نیاکان تو آن را درک نکرده اند. فرزندت را بگیر».

زن گفت: مشکل مرا برطرف کردی، ای پیامبر خدا!

61. امام صادق علیه السلام: همانا خداوند عز و جل برای رحم، چهار ظرف آفریده است. از این رو، آنچه [از نطفه که] در ظرف نخستین قرار گیرد، برای پدر است و آنچه در دومین قرار گیرد، برای مادر است و آنچه در سومین قرار گیرد، برای عموهاست و آنچه در چهارمین قرار گیرد، برای دایی هاست.

62. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَرَادَ أَنْ يَخْلُقَ خَلْقًا جَمَعَ كُلَّ صَوْرَةٍ بَيْنَهُ وَبَيْنَ آدَمَ، ثُمَّ خَلَقَهُ عَلَى صَوْرِهِ إِحْدَاهُنَّ، فَلَا يَقُولَنَّ أَحَدٌ لَوْلَدِهِ: هَذَا لَا يُشْبِهُنِي وَلَا يُشْبِهُ شَيْئًا مِنْ آبَائِي. (1)

3/2: دَوْرُ الْوَرَاثَةِ فِي خُلُقِ الْمَوْلُودِ

63. الإمام عليّ عليه السلام: حُسْنُ الْأَخْلَاقِ بُرْهَانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ. (2)

64. عنه عليه السلام: إِذَا كَرَّمَ أَصْلُ الرَّجُلِ كَرَّمَ مَغْيِبُهُ وَمَحْضَرُهُ. (3)

65. عنه عليه السلام: عَلَيكُمْ فِي طَلَبِ الْحَوَائِجِ بِشِرَافِ الثُّفُوسِ، ذَوِي الْأَصُولِ الطَّيِّبَةِ؛ فَإِنَّهَا عِنْدَهُمْ أَقْضَى، وَهِيَ لَدَيْكُمْ أَرْكَى. (4)

66. عنه عليه السلام: عَلَيكُمْ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِكُمْ بِكِرَامِ الْأَنْفُسِ وَالْأَصُولِ، تُنْجِحَ لَكُمْ عِنْدَهُمْ مِنْ غَيْرِ مِطَالٍ وَلَا مَنْ. (5)

67. مروج الذهب - في ذكر مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ فِي أَرْمَةِ حَرْبِ الْجَمَلِ لِـ لَمَّا وَقَفَ حِينَ وَاجَهَتْهُ الرِّمَاحُ وَالنُّشَابُ - فَاتَاهُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَضْرَبَهُ بِقَائِمِ سَيْفِهِ وَقَالَ: أَدْرَكَكَ عِرْقٌ مِنْ أُمَّكَ. (6)

ص: 44

1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 484 ح 4709، علل الشرايع: ص 103 ح 1. [1]

2- غرر الحكم: ح 4855، [2] عيون الحكم والمواعظ: ص 228 ح 4397.

3- غرر الحكم: ح 4163، [3] عيون الحكم والمواعظ: ص 131 ح 2958 وفيه «أهل» بدل «أصل».

4- غرر الحكم: ح 6162. [4]

5- غرر الحكم: ح 6158. [5]

6- مروج الذهب: ج 2 ص 375، [6] شرح نهج البلاغه: ج 1 ص 243.

62. امام صادق علیه السلام: همانا خداوند-تبارک و تعالی- هرگاه اراده کند که کسی را بیافریند، همه صورت های بین او تا آدم علیه السلام را جمع می کند.

سپس او را بر صورت یکی از آنان می آفریند. پس هرگز کسی درباره فرزند خود نگوید: این، نه شبیه من است، نه شبیه هیچ یک از نیاکان من.

### 3/2: نقش وراثت در اخلاق نوزاد

63. امام علی علیه السلام: خوش اخلاقی، دلیل کرامت ریشه هاست.

64. امام علی علیه السلام: هر گاه کسی از بزرگواری خانوادگی برخوردار باشد، برخوردار او در پشت سر و پیش رو، بزرگوارانه است.

65. امام علی علیه السلام: برای برآوردن نیازهایتان، نزد انسان های شرافتمند اصیل و دارای ریشه های نیکو بروید؛ چرا که نیاز شما نزد آنان بیشتر برآورده می شود و آنان، نزد شما پاکیزه ترند.

66. امام علی علیه السلام: بر شما باد که در برآوردن نیازهایتان به سراغ انسان های گرمی و ریشه دار روید. نزد آنان، بی درنگ و بی منت، حاجت روا می شوید.

67. مروج الذهب - در یادکرد هنگامی که محمد بن حنفیه در کشاکش جنگ جمل، در مواجهه با نیزه ها و تیرها توقف کرد - امام علی علیه السلام به سوی او آمد و با غلاف شمشیر به او زد و فرمود: «رگی از مادرت در تو تأثیر گذاشته است!».

68. الإمام الصادق عليه السلام - في زيارته الأربعين - :بأبي أنت و أمي يا ابن رسول الله، أشهد أنك كنت نوراً في الأصلابِ الشامخِ و الأرحامِ الطاهرِ، لم تُنجسك الجاهليَّةُ بأنجاسها، و لم تلبسك المُدلهِمَاتِ (1) من ثيابها. (2)

69. عنه عليه السلام: قام رسول الله صلى الله عليه و آله خطيباً فقال: أيها الناس، إياكم و خضراء الدمن. قيل: يا رسول الله، و ما خضراء الدمن؟ قال: المرأة الحسناء في منبت السوء. (3)

4/2: دَوْرُ زَوَاجِ الْأَقَارِبِ

70. رسول الله صلى الله عليه و آله: اغتربوا؛ لا تُضنوا (4). (5)

71. عنه صلى الله عليه و آله: لا تَنكِحُوا الْقَرَابَةَ الْقَرِيبَةَ؛ فَإِنَّ الْوَلَدَ يُخْلَقُ ضَاوِيًا. (6)

ص: 46

1- .المُدلهِمُ: الأَسْوَدُ (لسان العرب: ج 12 ص 206 «[1] لهم»).

2- .تهذيب الأحكام: ج 6 ص 114 ح 201 عن صفوان بن مهران الجمال.

3- .الكافي: ج 5 ص 332 ح 4، [2] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 403 ح 1608 كلاهما عن السكوني، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 391 ح 4377، بحار الأنوار: ج 103 ص 232 ح 10 [3] نقلاً عن معاني الأخبار عن محمد بن أبي طلحة.

4- .اغتربوا لا- تُضنوا: أي تزوجوا الغرائب دون القرائب، و معنى لا تُضنوا: لا تأتوا بأولادٍ ضاوين؛ أي ضدَّ عَفَاءٍ نُحَفَاءٍ (النهاية: ج 3 ص 106 «[4] ضوا»).

5- .المجازات النبويَّة: ص 92 ح 59. [5]

6- .المحجَّه البيضاء: ج 3 ص 94.

68. امام صادق علیه السلام - در زیارت اربعین سید الشهداء - پدر و مادرم فدای تو، ای فرزند پیامبر خدا! گواهی می دهم که تو نوری در پشت های بزرگوار و رجم های پاک بودی، آلودگی های جاهلیت، تو را نیالود و ناپاکی ها، لباسش را بر تو نپوشاند.

69. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، خطبه خواند و فرمود: «ای مردم! از سبزه های مزبله پرهیزید».

گفته شد: ای پیامبر خدا! سبزه مزبله چیست؟

فرمود: «زن زیباروی در رستگاه (خانواده) بد».

#### **4/2: نقش ازدواج با خویشاوندان**

70. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با غریبه ازدواج کنید تا فرزند ضعیف نیاورید.

71. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با خویشان نزدیک، ازدواج نکنید؛ چرا که فرزند ضعیف، پدید می آید.

ص: 47

72. رسول الله صلى الله عليه وآله: يَابَنَ مَسْعُودٍ: لَا تَأْكُلِ الحَرَامَ، وَلَا تَلْبَسِ الحَرَامَ، وَلَا تَأْخُذْ مِنَ الحَرَامِ، وَلَا تَعْصِ اللّٰهَ؛ لِأَنَّ اللّٰهَ تَعَالَى يَقُولُ لِإِبْلِيسَ: «وَأَسَدٌ تَفْرُزُ مِنْ أَسَدٍ تَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبَ عَلَيْهِمْ بِخَيْدِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الأَمْوَالِ وَالأَوْلَادِ وَعِدَّهُمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلاَّ غُرُورًا» 1. (1)

73. تفسير العياشى عن محمد بن مسلم عن الإمام الباقر عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنْ شَرِكِ الشَّيْطَانِ؛ قَوْلِهِ: «وَشَارِكُهُمْ فِي الأَمْوَالِ وَالأَوْلَادِ»، قَالَ: مَا كَانَ مِنْ مَالٍ حَرَامٍ فَهُوَ شَرِيكُ الشَّيْطَانِ.

قَالَ: وَيَكُونُ مَعَ الرَّجُلِ حَتَّى يُجَامِعَ، فَيَكُونُ مِنْ نُطْفَتِهِ وَنُطْفَةِ الرَّجُلِ إِذَا كَانَ حَرَامًا. (2)

74. تفسير العياشى عن محمد بن أحمد عن عليهما السلام: شَرِكُ الشَّيْطَانِ مَا كَانَ مِنْ مَالٍ حَرَامٍ فَهُوَ

1- .مكارم الأخلاق: ج 2 ص 354 ح 2660 [1] عن عبدالله بن مسعود، بحار الأنوار: ج 77 ص 105 ح 1. [2]

2- .تفسير العياشى: ج 2 ص 299 ح 102، [3] بحار الأنوار: ج 104 ص 136 ح 5. [4]

1/3: تأثیر خوراک حرام در نوزاد

72. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای پسر مسعود! حرام نخور، حرام نپوش، از [راه] حرام [زن] مگیر و نافرمانی خدا نکن؛ چرا که خداوند متعال به ابلیس می فرماید: «و با بانگ خود، هر که را می توانی، از جای برگن و با سوارگانت و پیادگانت بر آنان بتاز و در اموال و فرزندان آنان شریک شو و به آنان، وعده بده، و شیطان، جز فریب وعده شان نمی دهد».

73. تفسیر العیاشی - به نقل از محمد بن مسلم - از امام باقر علیه السلام درباره شریک شدن شیطان پرسیدم؛ [یعنی] سخن خداوند: «و در اموال و اولاد آنان شریک شو».

امام علیه السلام فرمود: «آنچه از مال حرام به وجود آید، شریک شیطان است. گاه، این شرک شیطان، همراه مرد است تا این که آمیزش کند. از این رو، اگر مال او حرام باشد، فرزند از نطفه شیطان و نطفه مرد خواهد بود».

74. تفسیر العیاشی - به نقل از محمد - امام باقر علیه السلام یا امام صادق علیه السلام فرمود: «همتای شیطان، فرزندی است که از مال حرام به وجود آید که [در واقع] از مشارکت

من شريكه الشيطان، ويكون مع الرجل حين يجامع، فيكون نطفته مع نطفته إذا كان حراماً، قال: كلتيهما جميعاً مختلطتين، وقال: ربما خلق من واحد، وربما خلق منهما جميعاً. (1)

75. الإمام الصادق عليه السلام: كسب الحرام يبين في الدرر. (2)

2/3: دوز غداء الوالد في الولد

76. الإمام الصادق عليه السلام: من أكل سفرجلة على الريق طاب مأؤه، وحسن ولده. (3)

77. طب الأئمة عن بكير بن محمد: كنت عند أبي عبد الله الصادق عليه السلام فقال له رجل:

يا بن رسول الله، يولد الولد فيكون فيه البله والصعف؟

فقال: ما يمنعك من السويق؟ (4) اشربه ومُرْ أهلك به؛ فإنه يثبت اللحم، ويشد العظم، ولا يولد لكم إلا القوي. (5)

78. الإمام الكاظم عليه السلام: من أكل البيض والبصل والزيت زاد في جماعه، ومن أكل اللحم بالبيض كبر عظم ولده. (6)

79. الكافي عن عمرو بن إبراهيم عن الخراساني: (7) أكل الرمان الحلو يزيد في ماء

ص: 50

1- تفسير العياشي: ج 2 ص 300 ح 108، [1] بحار الأنوار: ج 103 ص 294 ح 48. [2]

2- الكافي: ج 5 ص 124 ح 4 [3] عن عبيد بن زرارة.

3- الكافي: ج 6 ص 357 ح 3، [4] المحاسن: ج 2 ص 365 ح 2273. [5]

4- السويقي: ما يتخذ من الحنطة والشعير (لسان العرب: ج 10 ص 170 «[6] سوق»).

5- طب الأئمة لابن بسطام: ص 88، بحار الأنوار: ج 104 ص 79 ح 4. [7]

6- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 425 ح 1451، [8] بحار الأنوار: ج 104 ص 84 ح 41. [9]

7- عمرو بن إبراهيم في كتب الرجال من أصحاب الصادق والظاهر المراد بالخراساني الرضا عليه السلام وروايته عنه في غايه البعد (هامش المصدر).



شیطان، متولد شده است. اگر مال، حرام باشد، شیطان، همراه مرد خواهد بود تا این که آمیزش کند و نطفه اش با نطفهٔ مرد می آمیزد» و فرمود: «هر دو (نطفه) با هم آمیخته هستند» و فرمود: «گاهی فرزند از یک نطفه آفریده می شود و گاهی از هر دو با هم».

75. امام صادق علیه السلام: [اثر] درآمد حرام، در نسل آشکار می شود.

### 2/3: تأثیر غذای پدر در فرزند

76. امام صادق علیه السلام: هر کس ناشتا یک به بخورد، نطفه اش پاکیزه می شود و فرزندش نیکو می گردد.

77. طب الأئمة عليهم السلام - به نقل از بکیر بن محمد - نزد امام صادق علیه السلام بودم که کسی به ایشان گفت: ای فرزند پیامبر خدا! [گاهی] فرزندی زاده می شود؛ ولی کم خرد و ناتوان است.

فرمود: «چه چیزی تو را از [خوردن] سویق (1) باز داشته است؟ خودت بخور و همسرت را نیز به خوردن آن، وادار؛ چرا که گوشت می رویاند و استخوان را محکم می سازد و جز فرزند قوی برای شما زاده نمی شود».

78. امام کاظم علیه السلام: هر کس تخم مرغ، پیاز و روغن زیتون بخورد، بر توان آمیزش او افزوده می شود و هر کس گوشت را با تخم مرغ بخورد، استخوان فرزندش درشت خواهد شد.

79. الکافی - به نقل از عمرو بن ابراهیم، از خراسانی (2) - : خوردن انار شیرین، منی مرد

ص: 51

---

1- سویق: غذایی فراهم آمده از آرد گندم و جو بود.

2- ظاهراً مراد از خراسانی، امام رضا علیه السلام است؛ لیکن راوی خبر، عمرو بن ابراهیم، از اصحاب امام صادق علیه السلام است و روایت کردن او از امام رضا علیه السلام خیلی بعید است.

80. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَطْعَمُوا الْمَرَأَةَ فِي شَهْرِهَا الَّذِي تَلِدُ فِيهِ التَّمْرَ؛ فَإِنَّ وَلَدَهَا يَكُونُ حَلِيمًا نَقِيًّا. (2)

81. عنه صلى الله عليه وآله: أَطْعَمُوا حَبَالًا-كُمُ اللَّبَانُ؛ فَإِنَّ الصَّبِيَّ إِذَا غَضِيَ فِي بَطْنِ امِّهِ بِاللَّبَانِ (3) اشْتَدَّ قَلْبُهُ، وَزِيدَ فِي عَقْلِهِ، فَإِنَّ يَكُ ذَكَرًا كَانَ شَجَاعًا، وَإِنْ وُلِدَتْ انْثَى عَظُمَتْ عَجِيزَتُهَا (4) فَتَحْطَى بِذَلِكَ عِنْدَ زَوْجِهَا. (5)

82. الإمام الرضا عليه السلام: أَطْعَمُوا حَبَالًا-كُمُ ذَكَرَ اللَّبَانِ، فَإِنَّ يَكُ فِي بَطْنِهَا غُلَامٌ خَرَجَ ذَكِيَّ الْقَلْبِ، عَالِمًا، شَجَاعًا، وَإِنْ تَكُ جَارِيَةً حَسَنَ خَلْقِهَا وَخُلُقِهَا، وَعَظُمَتْ عَجِيزَتُهَا، وَحَظِيَّتْ عِنْدَ زَوْجِهَا. (6)

83. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَطْعَمُوا نِسَاءَكُمْ الْحَوَامِلَ اللَّبَانُ؛ فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي عَقْلِ الصَّبِيِّ. (7)

84. عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ امْرَأَةٍ حَامِلَةٍ أَكَلَتْ الْبَطِيخَ بِالْجُبْنِ إِلَّا يَكُونُ مَوْلُودُهَا حَسَنَ الْوَجْهِ

ص: 52

1- الكافي: ج 6 ص 355 ح 17، [1] بحار الأنوار: ج 66 ص 163 ح 46. [2]

2- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 365 ح 1202، [3] بحار الأنوار: ج 66 ص 141 ح 58. [4]

3- اللبأن: الكُنْدُر (لسان العرب: ج 13 ص 377 «[5] لبين»).

4- عَجِيزَتُهَا: عَجِزُهَا. وَالْعَجِزُ: مُؤَخَّرُ الشَّيْءِ (القاموس المحيط: ج 2 ص 180 «عجز»).

5- الكافي: ج 6 ص 23 ح 6 [6] عن أبي زياد عن الإمام الحسن عليه السلام.

6- الكافي: ج 6 ص 23 ح 7، [7] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 440 ح 1758 كلاهما عن محمد بن سنان، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 424 ح 1443.

7- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 423 ح 1439، [8] بحار الأنوار: ج 66 ص 444 ح 8، [9] الفردوس: ج 1 ص 101 ح 331 عن ابن عمر.

### 3/3: تأثیر غذای زن باردار در جنین

80. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زن، در ماهی که زایمان می کند، خرما بدهید؛ چرا که فرزند او بردبار و پاک می شود.

81. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان باردار خود، کُندر دهید؛ چرا که کودک، اگر در شکم مادرش با کُندر تغذیه شود، قلبش استوار و عقلش افزون می شود. اگر پسر باشد، شجاع می گردد و اگر دختر باشد، سَرین او درشت می شود و از این رو، مورد علاقه شوهرش قرار خواهد گرفت.

82. امام رضا علیه السلام: به زنان باردارتان کُندر نر بدهید که اگر در شکم او پسر باشد، هوشمند، دانا و دلیر خارج می شود و اگر دختر باشد، خوش رو و خوش خوی می گردد و سَرین او بزرگ می شود و مورد علاقه شوهرش قرار می گیرد.

83. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان باردارتان کُندر دهید؛ چرا که بر خرد کودک می افزاید.

84. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ زن بارداری نیست که خریزه با پنیر بخورد، مگر این که نوزادش خوش چهره و خوش خوی می گردد.

85. عنه صلى الله عليه وآله: أَطْعَمُوا حَبَالَكُمْ السَّفَرَجَلِ؛ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ أَخْلَاقَ أَوْلَادِكُمْ. (2)

86. عنه صلى الله عليه وآله: رَائِحَةُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رَائِحَةُ السَّفَرَجَلِ، وَرَائِحَةُ الْحُورِ الْعِينِ رَائِحَةُ الْأَسِّ، (3) وَرَائِحَةُ الْمَلَائِكَةِ رَائِحَةُ الْوَرْدِ، وَرَائِحَةُ ابْنَتِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ رَائِحَةُ السَّفَرَجَلِ وَ الْأَسِّ وَ الْوَرْدِ، وَ لَا - بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا وَ لَا - وَصِيًّا إِلَّا وَجَدَ مِنْهُ رَائِحَةَ السَّفَرَجَلِ؛ فَكُلُّوْهَا، وَأَطْعَمُوا حَبَالَكُمْ؛ يَحْسِنُ أَوْلَادَكُمْ. (4)

87. مكارم الأخلاق عن رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُوا السَّفَرَجَلِ وَ تَهَادَوْهُ بَيْنَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يَجْلُو الْبَصَرَ، وَ يُنِيتُ الْمَوَدَّةَ فِي الْقَلْبِ، وَأَطْعَمُوهُ حَبَالَكُمْ؛ فَإِنَّهُ يُحَسِّنُ أَوْلَادَكُمْ.

وفى روايه: يُحَسِّنُ أَخْلَاقَ أَوْلَادِكُمْ. (5)

88. الإمام الصادق عليه السلام لَمَّا نَظَرَ إِلَى غُلَامٍ جَمِيلٍ - يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ أَبُو هَذَا الْغُلَامِ أَكَلَ السَّفَرَجَلِ. (6)

89. عنه عليه السلام: عَلَيْكَ بِالْهِنْدَبَاءِ؛ (7) فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي الْمَاءِ، وَ يُحَسِّنُ الْوَلَدَ، وَ هُوَ حَارٌّ لَيِّنٌ، يَزِيدُ فِي الْوَلَدِ الذُّكُورَةَ. (8)

ص: 54

- 
- 1- طب النبي صلى الله عليه وآله: ص 28، بحار الأنوار: ج 62 ص 299. [1]
  - 2- الدعوات: ص 151 ح 405، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 372 ح 1230 [2] نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 177 ح 37. [3]
  - 3- الأس: شَجَرَةٌ وَرَقُهَا عَطِرٌ (لسان العرب: ج 6 ص 19 « [4] أوس »).
  - 4- جامع الأحاديث للقمي: ص 82، بحار الأنوار: ج 66 ص 177 ح 39 [5] نقلاً عن الإمامه والتبصره.
  - 5- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 372 ح 1230، [6] بحار الأنوار: ج 66 ص 176 ح 37. [7]
  - 6- الكافي: ج 6 ص 22 ح 2، [8] المحاسن: ج 2 ص 365 ح 2274 [9] كلاهما عن محمد بن مسلم، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 373 ح 1241 وزاد في آخره «ليله الجماع».
  - 7- الهنْدَبَاءُ: بَقْلُهُ مَعْرُوفُهُ، نَافِعُهُ لِلْمَعِدَةِ وَ الْكَبِدِ وَ الطَّحَالِ أَكْلًا (مجمع البحرين: ج 3 ص 1884 «الهنْدَبَاءُ»).
  - 8- الكافي: ج 6 ص 363 ح 6، [10] المحاسن: ج 2 ص 313 ح 2047 [11] وفيه إلى قوله «يحسن الولد»، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 385 ح 1295. [12]

85. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به زنان باردارتان به بدهید؛ چرا که اخلاق فرزندانان را نیکو می گرداند.

86. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بوی پیامبران، بوی به و بوی حورالعین، بوی [گیاه خوش بوی] آس و بوی فرشتگان، بوی گل است و بوی دخترم فاطمه زهرا، بوی به و آس و گل است. خداوند، هیچ پیامبر و هیچ وصی ای را برنینگیخت، مگر آن که او بوی به می داد. پس آن را بخورید و به زنان باردارتان بدهید، که فرزندانان زیبا می شوند.

87. مکارم الأخلاق: پیامبر خدا فرمود: «به بخورید و به یکدیگر هدیه دهید؛ چرا که چشم را جلا می دهد و دوستی را در دل می رویاند و آن را به زنان باردارتان بدهید؛ چرا که فرزندانان را زیبا می گرداند».

و در روایتی دیگر آمده که فرمود: «اخلاق فرزندانان را نیکو می سازد».

88. امام صادق علیه السلام - هنگامی که به جوان زیبایی نگاه کرد-: باید پدر این پسر، به خورده باشد.

89. امام صادق علیه السلام: کاسنی بخور؛ چرا که منی را افزایش می دهد و فرزند را نیکو می گرداند. گرم و ملین است و بر مردانگی فرزند می افزاید.

ص: 55

90. الكافي عن شرحبيل بن مسلم: أنه (1) قال في المرأه الحامل: تأكل السفرجل؛ فإن الولد يكون أطيب ريحاً وأصفى لوناً. (2)

4/3: دَوْرُ غِذَاءِ النُّسَاءِ فِي الْمَوْلُودِ

91. الإمام علي عليه السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: ليكن أول ما تأكل النساء الرطب؛ فإن الله تعالى قال لمریم: «وَهْزِي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكِ رُطَبًا جَنِيًّا». (3)

قيل: يا رسول الله، فإن لم يكن أوان الرطب؟

قال: سبغ تمرات من تمر المدينة، فإن لم يكن فسبغ تمرات من تمر أمصاركم؛ فإن الله عز وجل يقول: وعزتي وجلالي وعظمتي وارتفاع مكاني لا تأكل نساء يوم تلد الرطب فيكون غلاماً إلا كان حليماً، وإن كانت جارية كانت حليمة. (4)

92. عنه عليه السلام: خير ثمركم البرني، (5) فأطعموا النساء في نفاسهن يخرج أولادكم حكماً. (6)

93. الإمام الصادق عليه السلام: أطعموا البرني نساءكم في نفاسهن تحلم أولادكم. (7)

ص: 56

1- كذا في المصدر مضمراً.

2- الكافي: ج 6 ص 22 ح 1، [1] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 439 ح 1755.

3- مريم: 25. [2]

4- الكافي: ج 6 ص 22 ح 4، [3] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 440 ح 1757 وفيه «حكيماً وحكيمة» بدل «حليماً وحليمه»، المحاسن: ج 2 ص 346 ح 2194. [4]

5- البرني: ضرب من التمر أحمر مشرب بصفره، كثير اللحاء، عذب الحلاوه (لسان العرب: ج 13 ص 50) [5] ابن.

6- تهذيب الأحكام: ج 7 ص 440 ح 20، الكافي: ج 6 ص 22 ح 3 [6] وفيه «زكياً حليماً» بدل «حكماً» كلاهما عن زراره عن الإمام الصادق عليه السلام.

7- الكافي: ج 6 ص 22 ح 5، [7] المحاسن: ج 2 ص 345 ح 2190 [8] كلاهما عن صالح بن عقبه، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 366 ح 1206 [9] وفيه «تجملوا» بدل «تحلم».

90. الکافی - به نقل از شَرَحِیْبِلِ بْنِ مَسْلَمٍ - امام [علی علیه السلام] درباره زن باردار فرمود: «بِهْ بَخُورِدْ کِه نُوَزَاد، خُوش بُوْتِر و خُوش رَنگ تر خواهد شد».

### 4/3: تأثیر غذای زائو در نوزاد

91. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «رطب، باید نخستین چیزی باشد که زائو می خورد؛ چرا که خداوند متعال به مریم [پس از تولد مسیح] فرمود: «وَتَنَّهُ دَرِخْتَ خَرْمَا رَا بَه سُوی خُود تَکَانَ دِه، بَر تُو خَرْمَای تَا زَه فَرُو مِی رِیْزْد»».

گفته شد: ای پیامبر خدا! اگر وقتِ رطب نباشد؟

فرمود: «هفت خرما از خرماى مدینه. اگر نبود، هفت خرما از خرماى شهرهایتان؛ چرا که خداوند عز و جل می فرماید: "به عزّت و جلال و عظمت و والایی جایگاهم، سوگند، زائو، روز زایمان رطب نمی خورد، مگر این که فرزند او، پسر باشد یا دختر، بردبار خواهد شد"».

92. امام علی علیه السلام: بهترین خرماى شما، برنی (1) است. از آن به زنان در دوران نفاسشان بدهید تا فرزندانان حکیم شوند.

93. امام صادق علیه السلام: به زنانان هنگام نفاسشان خرماى برنی دهید، تا فرزندانان بردبار گردند.

ص: 57

---

1- معرّب «برنیک»، از بهترین انواع خرما (لغت نامه دهخدا).

94. معانى الأخبار عن الحسين بن زيد، عن الإمام الصادق عليه السلام عن آبائه عليهم السلام: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: من أحببنا أهل البيت، فليحمد الله تعالى على أول النعم. قيل: وما أول النعم؟

قال: طيب الولادّه، ولا يحببنا إلا من طابت ولادته، ولا يبغضنا إلا من خبثت ولادته. (1)

95. علل الشرائع: أبو أيوب الأنصارى: اعرضوا حبب على أولادكم، فمن أحببه فهو منكم، ومن لم يحببه فاسألوا أمه من أين جاءت به؛ فإني سمعت رسول الله صلى الله عليه وآله يقول لعلي بن أبي طالب: «لا يحببك إلا مؤمن، ولا يبغضك إلا منافق أو ولد زنيه، أو حملته أمه وهى طامث». (2)

96. الإمام على عليه السلام: جميل المقصد يدل على طهاره المولد. (3)

ص: 58

1- معانى الأخبار: ص 161 ح 1، علل الشرائع: ص 141 ح 1، [1] المحاسن: ج 1 ص 232 ح 419 [2] وفيهما إلى قوله «طابت ولادته».

2- علل الشرائع: ص 145 ح 12، [3] بحار الأنوار: ج 39 ص 301 ح 110. [4]

3- غرر الحكم: ح 4758.



1/4: پیامدهای پاکی ولادت

94. معانی الأخبار - به نقل از حسین بن زید، از امام صادق، از پدرانش علیهم السلام: «پیامبر خدا فرمود: «هر کس ما اهل بیت را دوست دارد، باید خداوند را بر نخستین نعمت، ستایش کند».

گفته شد: نخستین نعمت چیست؟

فرمود: «پاک زادگی. دوست نمی دارد ما را، مگر کسی که ولادتش پاک باشد و دشمن نمی دارد ما را، مگر کسی که ناپاک زاده باشد».

95. علل الشرائع - به نقل از ابو ایوب انصاری - دوستی علی را به فرزندان خود عرضه کنید. هر کس او را دوست داشت، از شماسست و هر کس او را دوست نداشت، از مادرش پرسید او را از کجا آورده است؛ چرا که من شنیدم پیامبر خدا به علی بن ابی طالب می فرمود: «تورا دوست نمی دارد، مگر انسان باایمان، و تورا دشمن نمی دارد، مگر منافق یا زنازاده یا کسی که مادرش او را در هنگام ناپاکی، باردار شده است».

96. امام علی علیه السلام: خوش نیت بودن، نشانه پاکی ولادت است.

97. الإمام الباقر عليه السلام: مَنْ طَهَّرَتْ وِلَادَتُهُ دَخَلَ الْجَنَّةَ. (1)

98. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى خَلَقَ الْجَنَّةَ طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً، فَلَا يَدْخُلُهَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ. (2)

99. عنه عليه السلام: مَنْ وَجَدَ بَرْدَ حُبِّنَا عَلَى قَلْبِهِ فَلْيَكْثِرِ الدُّعَاءَ لِأُمَّهِ؛ فَإِنَّهَا لَمْ تَخُنْ أَبَاهُ. (3)

100. المحاسن عن أبي عبد الله المدائني: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا بَرَدَ عَلَى قَلْبِ أَحَدِكُمْ حُبُّنَا فَلْيَحْمَدِ اللَّهَ عَلَى أَوْلَى النَّعْمِ. قُلْتُ: عَلَى فِطْرِهِ الْإِسْلَامِ؟ قَالَ: لَا، وَلَكِنْ عَلَى طَيْبِ الْمَوْلِدِ، إِنَّهُ لَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ طَابَتْ وِلَادَتُهُ، وَلَا يُبْغِضُنَا إِلَّا الْمُلْزِقُ الَّذِي تَأْتِي بِهِ أُمُّهُ مِنْ رَجُلٍ آخَرَ فَتُلْزِمُهُ زَوْجَهَا، فَيَطَّلِعُ عَلَى عَوْرَاتِهِمْ وَيَرِثُهُمْ أَمْوَالَهُمْ، فَلَا يُحِبُّنَا ذَلِكَ أَبَدًا، وَلَا يُحِبُّنَا إِلَّا مَنْ كَانَ صَفْوَةً مِنْ أَى الْجِيلِ كَانَ. (4)

2/4: آثَارُ حُبِّ الْوِلَادَةِ

الكتاب

«وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ». 5

الحديث

101. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْخُلُقُ الْحَسَنُ لَا يُنْزَعُ إِلَّا مِنْ وُلْدٍ حَيْضَه، أَوْ وُلْدٍ زَيْنَه. (5)

ص: 60

- 
- 1- المحاسن: ج 1 ص 233 ح [1] 423 عن سدير الصيرفي، بحار الأنوار: ج 5 ص 287 ح [2] 10.
  - 2- علل الشرايع: ص 564 ح [3] 1 عن سعد بن عمر الجلاب، المحاسن: ج 1 ص 233 ح [4] 424 عن عبد الله بن سنان.
  - 3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 493 ح 4745، علل الشرايع: ص 142 ح [5] 5 عن المفضل بن عمر.
  - 4- المحاسن: ج 1 ص 232 ح 420، [6] بحار الأنوار: ج 27 ص 152 ح [7] 22.
  - 5- الفردوس: ج 2 ص 200 ح 2992 عن أبي هريره، كنز العمال: ج 3 ص 3 ح 5136.

97. امام باقر علیه السلام: کسی که پاک زاده باشد، وارد بهشت می شود.

98. امام صادق علیه السلام: خداوند متعال، بهشت را پاک و پاکیزه آفرید. از این رو، وارد آن نمی شود، مگر کسی که پاک زاده باشد.

99. امام صادق علیه السلام: هر کس خُنکای محبت ما را در دل خود یافت، مادرش را بسیار دعا کند؛ چرا که به پدرش خیانت نکرده است.

100. المحاسن - به نقل از ابو عبد الله مدائنی - : امام صادق علیه السلام فرمود: «هرگاه خنکای محبت ما بر قلب کسی از شما نشست، باید خدا را به خاطر نخستین نعمت، ستایش کند».

گفتم: [یعنی] بر فطرت اسلام؟

فرمود: «نه، بر پاک زادگی؛ چرا که ما را دوست نمی دارد، مگر کسی که ولادتش پاک باشد و ما را دشمن نمی دارد، مگر کسی که مادرش او را از مرد دیگری آورده و به همسرش نسبت داده باشد و در نتیجه، از نهان آنان آگاه می شود و از اموالشان ارث می برد، ولی هرگز ما را دوست نمی دارد. ما را دوست نمی دارد، مگر کسی که پاک باشد؛ از هر نسل و نژادی که باشد».

#### 2/4: پیامدهای ناپاکی ولادت

قرآن

«[خداوند خطاب به شیطان:] و در اموال و فرزندان آنان، شریک شو».

حدیث

101. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوش اخلاقی، از کسی جز فرزند حیض و یا فرزند زنا، ستانده نمی شود.

ص: 61

102. عنه صلى الله عليه وآله - لِعَلِّي عَلَيْهِ السَّلَامُ - لَا يُبَغِضُكُمْ إِلَّا ثَلَاثَةً: وَلَدٌ زَنَا، وَ مُنَافِقٌ، وَ مَنْ حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ وَ هِيَ حَائِضٌ. (1)

103. كنز العمال عن أبي هريره عن رسول الله صلى الله عليه وآله: يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يُشَارِكُهُمُ الشَّيَاطِينُ فِي أَوْلَادِهِمْ. قِيلَ: وَ كَائِنُ ذَلِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: نَعَمْ. قَالُوا: وَ كَيْفَ نَعْرِفُ أَوْلَادَنَا مِنْ أَوْلَادِهِمْ؟ قَالَ: بِقَلْبِ الْحَيَاءِ، وَقَلْبِ الرَّحْمَةِ. (2)

104. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ لَمْ يَسْتَحِ فِيمَا قَالَ، أَوْ قِيلَ لَهُ فَهُوَ لِغَيْرِ رِشْدِهِ، أَوْ حَمَلَتْ بِهِ أُمُّهُ عَلَى غَيْرِ طَهْرٍ. (3)

105. الإمام علي عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَحَّاشٍ بَدَى قَلِيلِ الْحَيَاءِ، لَا يُبَالِي مَا قَالَ، وَ لَا مَا قِيلَ لَهُ؛ فَإِنَّكَ إِنْ فَتَشْتَهُ لَمْ تَجِدْهُ إِلَّا لِعَيْتِهِ (4) أَوْ شَرِكَ شَيْطَانٍ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، وَ فِي النَّاسِ شَرِكُ شَيْطَانٍ؟!

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ: أَمَا تَقْرَأُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ». 5

106. عنه عليه السلام: مَنْ لُوِّمَ سَاءَ مِيلَادُهُ. (5)

107. الإمام الباقر عليه السلام: إِذَا زَنَى الرَّجُلُ أَدْخَلَ الشَّيْطَانُ ذِكْرَهُ فَعَمِلًا جَمِيعًا، وَ كَانَتْ التُّطْفَةُ وَاحِدَةً، وَ خُلِقَ مِنْهُمَا الْوَلَدُ، وَ يَكُونُ شَرِكُ شَيْطَانٍ. (6)

ص: 62

1- .علل الشرايع: ص 142 ح 6 [1] عن ام سلمه، بحار الأنوار: ج 27 ص 151 ح 19. [2]

2- .كنز العمال: ج 3 ص 126 ح 5795 نقلاً عن أبي الشيخ عن أبي هريره.

3- .أسد الغابه: ج 2 ص 643 الرقم 2461، [3] الفردوس: ج 3 ص 623 ح 5947 كلاهما عن شويفع، كنز العمال: ج 3 ص 125 ح 5794 نقلاً عن الطبراني.

4- .لِغَيْتِهِ: أَي مَخْلُوقٌ مِنْ زَنَا، نَقِيضٌ لِرِشْدِهِ (مجمع البحرين: ج 2 ص 1343 « [4] غوى »).

5- .غرر الحكم: ح 7817.

6- .ثواب الأعمال: ص 312 ح 4، المحاسن: ج 1 ص 194 ح 332 [5] وليس فيه «الولد» وكلاهما عن عبد الملك بن أعين.

102. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - به علی علیه السلام - جز [این] سه گروه، کسی شما را دشمن نمی دارد:

زنزاده، منافق، و کسی که مادرش در حال حیض، او را باردار شده باشد.

103. کنز العمال - به نقل از ابو هریره - پیامبر خدا فرمود: «بر مردم، زمانی فرا می رسد که شیطان ها در فرزندان آنان مشارکت می کنند».

گفته شد: این، شدنی است، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «آری».

گفتند: چگونه فرزندانمان را از فرزندان آنان تشخیص دهیم؟

فرمود: «به کم شرمی و کم رحمی».

104. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس از آنچه می گوید یا به او گفته می شود، شرم نکند، یا ناپاک زاده است یا مادرش در حال ناپاکی به او باردار شده است.

105. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا فرمود: «همانا خداوند، بهشت را بر هر بد زبان ناسزاگوی کم حیایی که نه از آنچه می گوید، باکی دارد و نه از آنچه درباره اش گفته می شود، حرام کرده است. اگر حال او را بررسی کنی، او را جز زنزاده یا شریک شیطان نمی یابی».

پرسیده شد: ای پیامبر خدا! آیا در میان انسان ها هم شریک شیطان وجود دارد؟

پیامبر خدا فرمود: «آیا این سخن خداوند عز و جل [به شیطان] را نخوانده ای: «و در اموال و فرزندان با آنان شریک شو»؟»

106. امام علی علیه السلام: هر کس پست باشد، ولادتش ناشایست بوده است.

107. امام باقر علیه السلام: وقتی مرد زنا می کند، شیطان، نرینه اش را وارد می کند و هر دو با هم زنا می کنند؛ نطفه [ی آنها] یکی می شود و فرزند از هر دو [نطفه] آفریده می گردد و همتای شیطان است.

108. الإمام الصادق عليه السلام: لا يُبَغِضُنَا إِلَّا مَنْ حَبَّتْ وَلَا دَتُّهُ، أَوْ حَمَلَتْ بِهِ أُمَّهُ فِي حَيْضِهَا. (1)

3/4: مَضَارُّ وَطْءِ الْحَائِضِ

الكتاب

«وَيَسَّ مَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلُّ هُوَ أَذَى فَاغْتَرِلُوا السَّاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرُبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ». 2.

الحديث

109. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ جَامَعَ امْرَأَتَهُ وَهِيَ حَائِضٌ فَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْذُومًا أَوْ أَبْرَصًا فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. (2)

110. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِهَ لَكُمْ -أَيُّهَا الْأُمَّةُ- أَرْبَعًا وَعِشْرِينَ خَصْلَةً، وَنَهَاكُمْ عَنْهَا: ... كَرِهَ لِلرَّجُلِ أَنْ يَغْتَشِيَ امْرَأَتَهُ وَهِيَ حَائِضٌ، فَإِنْ غَشِيَهَا فَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْذُومًا أَوْ أَبْرَصًا فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. (3)

111. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ وَطِئَ امْرَأَتَهُ وَهِيَ حَائِضٌ فَقَضَى بَيْنَهُمَا وَلَدٌ فَأَصَابَهُ جُذَامٌ فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. (4)

112. الكافي عن عذافر الصيرفي: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَرَى هَؤُلَاءِ الْمُسَوِّهِينَ خَلَقَهُمْ؟ قَالَ:

ص: 64

1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 96 ح 203.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 96 ح 201، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 459 ح 1557. [1]

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 556 ح 4914، الخصال: ص 520 ح 9، الأموال للصدوق: ص 378 ح 478 [2] كلَّها عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.

4- المعجم الأوسط: ج 3 ص 326 ح 3300 عن أبي هريره، كنز العمال: ج 16 ص 352 ح 44885.

108. امام صادق علیه السلام: ما را دشمن نمی دارد، مگر کسی که ناپاک زاده باشد یا مادرش در زمان حیض، باردار شده باشد.

#### 3/4: زیان آمیزش با حائض

قرآن

«از تو درباره حیض می پرسند. بگو [برای آنان] رنجی است. پس هنگام حیض، از آنان کناره بگیرد و با آنان، نزدیکی نکنید تا پاک شوند و چون [خود را] پاک کردند، آن گونه که خداوند به شما فرموده، به آنان درآید. بی تردید، خداوند، توبه کنندگان را دوست دارد و پاکیزگان را [نیز] دوست دارد».

حدیث

109. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس با همسرش در حال حیض آمیزش کند و فرزندش با جذام یا پیسی متولد شود، کسی جز خود را نباید سرزنش کند.

110. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هان، ای امت! خداوند-تبارک و تعالی- بیست و چهار خصلت را برای شما نمی پسندد و شما را از آنها نهی کرده است:... برای مرد نمی پسندد که با همسرش در حال حیض درآمیزد، که اگر درآمیزد و فرزند با جذام یا پیسی زاده شود، کسی جز خود را نباید سرزنش کند.

111. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که با همسرش در حال حیض آمیزش کند و فرزند از آن دو به وجود آید که مبتلا به جذام باشد، کسی جز خود را نباید سرزنش کند.

112. الکافی - به نقل از عذافر صیرفی - : امام صادق علیه السلام فرمود: «این گروه زشت چهره را می بینی؟» گفتم: بله.

ص: 65

قُلْتُ: نَعَمْ.

قال: هؤلاء الذين آباؤهم يأتون نساءهم في الطمث. (1)

4/4: بَرَكَاتُ الدُّعَاءِ عِنْدَ الْجَمَاعِ

113. رسول الله صلى الله عليه وآله: أما لو أن أحدكم يقول حين يأتي أهله: «بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبِي الشَّيْطَانَ، وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنَا» ثُمَّ قَدَّرَ بَيْنَهُمَا فِي ذَلِكَ - أَوْ قَضَى وَلَدًا - (2) لَمْ يَضُرَّهُ شَيْطَانٌ أَبَدًا. (3)

114. عنه صلى الله عليه وآله: يا علي، إذا جمعت فقل: «بِسْمِ اللَّهِ، اللَّهُمَّ جَنِّبْنَا الشَّيْطَانَ وَجَنِّبِ الشَّيْطَانَ مَا رَزَقْتَنِي»، فَإِنْ قَضَى أَنْ يَكُونَ بَيْنَكُمَا وَلَدًا لَمْ يَضُرَّهُ الشَّيْطَانُ أَبَدًا. (4)

115. الإمام علي عليه السلام: إذا أراد أحدكم مُجَامَعَةَ زَوْجَتِهِ فَلْيَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي اسْتَحَلَلْتُ فَرْجَهَا بِأَمْرِكَ، وَقَبَلْتُهَا بِأَمَانَتِكَ، فَإِنْ قَضَيْتَ لِي مِنْهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ ذَكَرًا سَوِيًّا، وَلا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا وَلا شَرِيكًا. (5)

116. الإمام الباقر عليه السلام: إذا أردت الولد فقل عند الجماع: اللَّهُمَّ ارزُقني ولداً، واجعله نقياً ليس في خلقه زيادة ولا نقصان، واجعل عاقبته إلى خير. (6)

ص: 66

1- الكافي: ج 5 ص 539 ح 5، [1] علل الشرائع: ص 82 ح 1 [2] عن ابن أبي عذافر الصيرفي.

2- الظاهر إن التردد من الراوي.

3- صحيح البخاري: ج 5 ص 1982 ح 4870، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 618 ح 1919 وزاد فيه: «لم يُسلط الله عليه الشيطان» بعد «ولد»، مسند ابن حنبل: ج 1 ص 465 ح 1867 [3] كلها عن ابن عباس.

4- تحف العقول: ص 12، الاختصاص: ص 134 عن الخدری.

5- الخصال: ص 637 ح 10 [4] عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 125، بحار الأنوار: ج 10 ص 115 ح 1. [5]

6- الكافي: ج 6 ص 10 ح 12، [6] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 411 ح 1641 كلاهما عن محمد بن مسلم.



فرمود: «اینان، کسانی اند که پدرانشان با زنانشان در حال حیض در آمیخته اند» (1).

#### 4/4: برکت های دعا هنگام آمیزش

113. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید، اگر کسی هنگامی که [برای آمیزش] نزد همسرش می رود، بگوید: «به نام خدا، بار الها! شیطان را از من دور ساز و شیطان را از آنچه روزی ما کرده ای، دور ساز» و سپس، در این [آمیزش] فرزندى میان آنان مقدر و یا قطعی شود، شیطان، هرگز به او زیان نمی رساند.

114. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! هرگاه آمیزش کردی، بگو: «به نام خدا، بار خدایا! شیطان را از ما دور ساز و شیطان را از آنچه روزی ام کردی، دور ساز». با این اقدام، اگر تقدیر [خدا] چنین شد که فرزندى از شما دو نفر به وجود آید، شیطان، هرگز به او زیان نمی رساند.

115. امام علی علیه السلام: هرگاه یکی از شما قصد آمیزش با همسرش را داشت، باید بگوید: «بار الها! شرمگاه او را به فرمان تو بر خود حلال کردم و او را به عنوان امانت تو پذیرفتم.

پس اگر فرزندى از او برای من تقدیر کردی، او را پسری سالم قرار ده و برای شیطان، نه بهره ای در او قرار ده، نه شراکتی».

116. امام باقر علیه السلام: هرگاه فرزند خواستی، هنگام آمیزش بگو: «بار الها! فرزندى روزی ام کن و او را با تقوا قرار ده؛ نه افزونی در جسم او باشد، نه کاستی، و او را عاقبت به.

ص: 67

---

1- مراد، سیاه بودن یا ابتلا به برص و جذام و همانند آن است که در احادیث پیشین به آنها اشاره شد. از مجموع روایات به دست می آید که یکی از عوامل زشت چهرگی، آمیزش و انعقاد نطفه در حال حیض است، و البته این تنها عامل نیست. بنا بر این، نمی توان هر مبتلا به چنین نقصانی را فرزند چنین آمیزشی دانست؛ اما این که آیا آمیزش در چنان وضعیتی، آیا همیشه و به طور قطع، چنین پیامدهایی را دارد یا نه، جواب صریحی در روایات وجود ندارد، ولی می توان عدم آن را برداشت کرد. تحقیقات تجربی می توانند در این زمینه کمک نمایند.

117. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحِبَّلَ لَهُ فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْجُمُعَةِ، يُطِيلُ فِيهِمَا الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ، ثُمَّ يَقُولُ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلْتُكَ بِهِ زَكَرِيَّا، يَا رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ، اللَّهُمَّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ اسْتَحَلَلْتُهَا، وَفِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا، فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحْمَتِهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا مُبَارَكًا زَكِيًّا، وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكَاءَ وَلَا نَصِيبًا. (1)

118. تفسير العياشي عن سليمان بن خالد: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا قَوْلُ اللَّهِ: «شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ»؟ قَالَ: فَقَالَ: قُلْ فِي ذَلِكَ قَوْلًا: أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (2)

5/4: دَوْرُ الْأَحْوَالِ وَالْأَوْقَاتِ فِي انْعِقَادِ النَّطْفَةِ

119. رسول الله صلى الله عليه وآله: يُكْرَهُ أَنْ يَغْتَسِيَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ وَقَدْ احْتَلَمَ حَتَّى يَغْتَسِلَ مِنْ احْتِلَامِهِ الَّذِي رَأَى، فَإِنْ فَعَلَ وَخَرَجَ الْوَلَدُ مَجْنُونًا فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. (3)

120. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَتَى أَحَدَكُمْ أَهْلَهُ فَلْيَسْتَتِرْ؛ فَإِنَّهُ إِذَا لَمْ يَسْتَتِرْ اسْتَحْيَتِ الْمَلَائِكَةُ وَخَرَجَتْ، وَحَصْرَةُ الشَّيْطَانِ، فَإِذَا كَانَ بَيْنَهُمَا وَلَدٌ كَانَ الشَّيْطَانُ فِيهِ شَرِيكًا (4). (5)

121. عنه صلى الله عليه وآله في وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعْ امْرَأَتَكَ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ وَسَطِهِ وَآخِرِهِ؛ فَإِنَّ الْجُنُونَ وَالْجُدَامَ وَالْخَبَلَ لَيُسْرَعُ إِلَيْهَا وَإِلَى وَلَدِهَا.

ص: 68

1- الكافي: ج 6 ص 8 ح 3، [1] تهذيب الأحكام: ج 3 ص 315 ح 974 كلاهما عن محمد بن مسلم.

2- تفسير العياشي: ج 2 ص 300 ح 107، [2] بحار الأنوار: ج 103 ص 294 ح 47. [3]

3- تهذيب الأحكام: ج 7 ص 412 ح 1646 عن محمد بن العيص عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 557 ح 4914 عن الحسين بن زيد بن علي بن الحسين عليهما السلام عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله.

4- كذا في المصدر وفي كنز العمال: «كان للشيطان فيه شرك» وهو الصواب.

5- المعجم الأوسط: ج 1 ص 63 ح 176 عن أبي هريرة، كنز العمال: ج 16 ص 343 ح 44835.

117. امام صادق علیه السلام: کسی که می خواهد همسرش باردار گردد، بعد از نماز جمعه، دو رکعت نماز با رکوع و سجود طولانی بخواند و سپس بگوید: «بار الها! همان چیزی را از تو می خواهم که زکریا از تو خواست. بار الها! مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثی. بار الها! از جانب خودت نسلی پاک به من ببخش. همانا تو شنوای دعایی. بار الها! به نام تو او را بر خود حلال کردم و به عنوان امانت تو، او را گرفتم. پس اگر در رحم او فرزندی تقدیر کردی، او را پسری مبارک و پاک قرار ده و برای شیطان، نه شراکتی در او قرار ده، نه بهره ای».

118. تفسیر العیاشی - به نقل از سلیمان بن خالد - به امام صادق علیه السلام گفتم: معنای این سخن خداوند «و با آنان، در اموال و فرزندان شریک شو» چیست؟

فرمود: «در این باره، این سخن را بگو: "از شرّ شیطان رانده شده، به خدای شنوای دانا پناه می برم"».

#### 5/4: نقش حالت ها و زمان ها در بسته شدن نطفه

119. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ناپسند است که مرد، در حال احتلام با همسر خود درآمیزد، مگر آن که از جنابتی که دیده است، غسل کند، که اگر در حال جنابت چنین کرد و فرزند مجنون زاده شد، جز خود را نباید سرزنش کند.

120. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه یکی از شما با همسرش در آمیخت، باید خود را بپوشاند؛ چرا که اگر نپوشاند، فرشتگان شرم می کنند و خارج می شوند و شیطان، حاضر می شود و اگر از آنان فرزندی به وجود آید، شیطان در [ نطفه ] او شریک می شود.

121. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به علی علیه السلام - ای علی! با همسر خود در آغاز ماه و میانه آن و پایان آن، آمیزش نکن؛ چرا که دیوانگی و جذام و بی خردی، با شتاب به سراغ همسر و فرزندش می رود.

يا عَلِيُّ، لا تُجامِعِ امْرَأَتَكَ بَعْدَ الظَّهْرِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ فِي ذَلِكَ الوَقْتِ يَكُونُ أَحْوَلَ، وَ الشَّيْطَانُ يَفْرَحُ بِالْحَوْلِ فِي الْإِنْسَانِ.

يا عَلِيُّ، لا تَتَكَلَّمْ عِنْدَ الْجَمَاعِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ لا يُؤْمَنُ أَنْ يَكُونَ آخِرَسَ، وَ لا يَنْظُرَنَّ أَحَدٌ إِلَى فَرْجِ امْرَأَتِهِ، وَ لِيَغْضُضَ بَصَرَهُ عِنْدَ الْجَمَاعِ، فَإِنَّ النَّظَرَ إِلَى الْفَرْجِ يورِثُ الْعَمَى فِي الْوَلَدِ.

يا عَلِيُّ، لا تُجامِعِ امْرَأَتَكَ بِشَهْوَةِ امْرَأَةٍ غَيْرِكَ؛ فَإِنِّي أَخشى إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ أَنْ يَكُونَ مُخَنَّثًا أَوْ مُؤَنَّثًا مُخَبَّلًا....

يا عَلِيُّ، لا تُجامِعِ امْرَأَتَكَ مِنْ قِيَامٍ، فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ فِعْلِ الْحَمِيرِ، فَإِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ كَانَ بَوَالًا فِي الْفِرَاشِ، كَالْحَمِيرِ الْبَوَالِهِ فِي كُلِّ مَكَانٍ.

يا عَلِيُّ، لا تُجامِعِ امْرَأَتَكَ فِي لَيْلِهِ الْأَضْحَى فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ لَهُ سِتُّ أَصَابِعٍ أَوْ أَرْبَعُ أَصَابِعٍ.

يا عَلِيُّ، لا تُجامِعِ امْرَأَتَكَ تَحْتَ شَجَرِهِ مُثْمِرِهِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ جَلَادًا قَتَالًا أَوْ عَرِيفًا.

يا عَلِيُّ، لا تُجامِعِ امْرَأَتَكَ فِي وَجْهِ الشَّمْسِ وَتَلَأُلُهَا إِلَّا أَنْ تُرْخِيَ سِتْرًا فَيَسْتُرْكُمَا؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ لا يَزَالُ فِي بُؤْسٍ وَفَقْرٍ حَتَّى يَمُوتَ.

يا عَلِيُّ، لا تُجامِعِ امْرَأَتَكَ بَيْنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ حَرِيصًا عَلَى إِهْرَاقِ الدَّمَاءِ.

يا عَلِيُّ، إِذَا حَمَلَتِ امْرَأَتَكَ فَلَا تُجامِعِهَا إِلَّا وَأَنْتَ عَلَى وُضوءٍ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ أَعْمَى الْقَلْبِ بِخَيْلِ الْيَدِ.

ای علی! بعد از ظهر با همسرت آمیزش نکن، که اگر در این زمان فرزندى میان شما به وجود آید، چپ چشم می شود و شیطان از چپ چشم بودن انسان، خرسند می گردد.

ای علی! هنگام آمیزش سخن مگو؛ چرا که اگر میان شما فرزندى به وجود آید، از این که لال شود، ایمن نیست. نباید هیچ کس به شرمگاه همسرش نگاه کند و باید هنگام آمیزش، چشم خود را ببندد؛ چرا که نگرستن به شرمگاه، کوری فرزند را در پی می آورد.

ای علی! با شهوت زن دیگری با همسر خود آمیزش مکن؛ چرا که من بیم آن را دارم که اگر فرزندى میان شما به وجود آمد، خنثا (پسر زن صفت) باشد یا دختر دیوانه....

ای علی! ایستاده با همسرت آمیزش مکن؛ چرا که این، کارِ درازگوش است و اگر میان شما فرزندى به وجود آید، بر بستر بسیار بول می کند، مانند درازگوش که در هر جا بسیار بول می کند.

ای علی! شبِ عید قربان با همسر خود آمیزش مکن؛ چرا که اگر میان شما فرزندى به وجود آید، یا شش انگشتی می شود یا چهار انگشتی.

ای علی! زیر درخت میوه، با همسر خود آمیزش مکن؛ چرا که اگر میان شما فرزندى به وجود آید، یا جلاد آدم گش می شود یا عریف.

ای علی! زیر خورشید و تابش آن با همسرت آمیزش مکن، مگر از رواندازی استفاده کنی که شما را بیوشاند؛ چرا که اگر فرزندى میان شما به وجود آید، همواره در گرفتگی و فقر باشد تا بمیرد.

ای علی! میان اذان و اقامه با همسر خود آمیزش مکن؛ چرا که اگر میان شما فرزندى به وجود آید، به خون ریزی حریص می گردد.

ای علی! هرگاه همسرت باردار شد، با او آمیزش مکن، مگر این که وضو داشته باشی؛ چرا که اگر فرزندى میان شما به وجود آید، کوردل و خشک دست می گردد.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ مَشْهُومًا، ذَا شَأْمِهِ فِي وَجْهِهِ.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي آخِرِ دَرَجَةٍ مِنْهُ إِذَا بَقِيَ يَوْمَانِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ عَشَارًا (1) أَوْ عَوْنًا لِلظَّالِمِينَ، وَيَكُونُ هَلَاكُ فِتْنَامِ (2) مِنَ النَّاسِ عَلَى يَدَيْهِ.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ عَلَى سُقُوفِ الْبُنْيَانِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ مُنَاقِقًا مُرَائِيًا مُبْتَدِعًا.

يَا عَلِيُّ، إِذَا خَرَجْتَ فِي سَفَرٍ فَلَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ مِنْ تِلْكَ اللَّيْلَةِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يُنْفِقُ مَالَهُ فِي غَيْرِ حَقٍّ، وَقَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» 3.

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ إِذَا خَرَجْتَ إِلَى سَفَرٍ مَسِيرَةً ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلَيَالِيَهُنَّ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ عَوْنًا لِكُلِّ ظَالِمٍ عَلَيْكَ....

يَا عَلِيُّ، لَا تُجَامِعْ أَهْلَكَ فِي أَوَّلِ سَاعَةٍ مِنَ اللَّيْلِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ لَا يُؤْمِنُ أَنْ يَكُونَ سَاحِرًا مُؤْثِرًا لِلدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ. (3)

122. عَنْهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - فِي وَصِيَّتِهِ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ - : يَا عَلِيُّ، عَلَيْكَ بِالْجَمَاعِ لَيْلَةَ الْإِثْنَيْنِ؛ فَإِنَّهُ إِنْ قُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ يَكُونُ حَافِظًا لِكِتَابِ اللَّهِ، رَاضِيًا بِمَا قَسَمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

يَا عَلِيُّ، إِنْ جَامَعْتَ أَهْلَكَ فِي لَيْلَةِ الثَّلَاثَاءِ فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ؛ فَإِنَّهُ يُرْزَقُ الشَّهَادَةَ بَعْدَ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، وَلَا يُعَذِّبُهُ اللَّهُ مَعَ الْمُشْرِكِينَ،

ص: 72

1- العَشَّارُ: وَهُوَ - مَنْ - أَخَذَ الْعُشْرَ مِنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِأَمْرِ الظَّالِمِ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج 2 ص 1218 «عشر»).

2- الْفِتْنَامُ: الْجَمَاعَةُ الْكَثِيرَةُ (النَّهَائِيُّ: ج 3 ص 406 «[1] فَام»).

3- كِتَابٌ مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهَةُ: ج 3 ص 552 ح 4899، عَلَلُ الشَّرَائِعِ: ص 515 ح 5 [2] كِلَاهِمَا عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْخَدْرِيِّ.

ای علی! در نیمه شعبان با همسر خود آمیزش مکن؛ چرا که اگر فرزندی میان شما به وجود آید، شوم گشته و چهره ای زشت می یابد.

ای علی! دوروز مانده به آخر شعبان با همسرت آمیزش مکن؛ چرا که اگر فرزندی میان شما به وجود آید، یا باج بگیر می شود و یا یاور ستمکاران، و نابودی گروهی بسیار از مردم، به دست او خواهد بود.

ای علی! بر پشت بام ساختمان ها با همسرت آمیزش مکن؛ چرا که اگر میان شما فرزندی به وجود آید، منافق ریاکار بدعت گذار می شود.

ای علی! هرگاه برای مسافرت حرکت کردی، همان شب با همسر خود آمیزش مکن؛ چرا که اگر فرزندی میان شما به وجود آید، مال خود را به ناحق مصرف می کند.

«همانا تَبْدِیرِ گران، برادرانِ شیطان اند».

ای علی! هرگاه به اندازه سه روز و سه شب سفر کردی، با همسر خود آمیزش مکن؛ چرا که اگر فرزندی میان شما به وجود آید، بر ضد تو یاور هر ستمگری می شود.

ای علی! آغاز شب با همسر خود آمیزش مکن؛ چرا که اگر میان شما فرزندی به وجود آید، از این که افسونگر و ترجیح دهنده دنیا بر آخرت شود، ایمن نیست.

122. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در سفارش به علی علیه السلام - ای علی! بر تو باد آمیزش در شب دوشنبه؛ چرا که اگر فرزندی میان شما به وجود آید، حافظ کتاب خدا و راضی به قسمت خدا می شود.

ای علی! اگر شب سه شنبه با همسرت آمیزش کردی و فرزندی میان شما به وجود آمد، بعد از گواهی به این که «خدایی جز الله نیست» و این که «محمد، فرستاده خداست»، شهادت روزی اش می شود و خداوند، او را با مشرکان عذاب

وَيَكُونُ طَيِّبَ النَّكْهَةِ وَالْفَمِّ، رَحِيمَ الْقَلْبِ، سَخِيَّ الْيَدِ، طَاهِرَ اللِّسَانِ مِنَ الْغَيْبَةِ وَالْكَذِبِ وَالْبُهْتَانِ.

يَا عَلِيُّ، إِنْ جَامَعْتَ أَهْلَكَ لَيْلَةَ الْخَمِيسِ فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ؛ فَإِنَّهُ يَكُونُ حَاكِمًا مِنَ الْحُكَّامِ، أَوْ عَالِمًا مِنَ الْعُلَمَاءِ. وَإِنْ جَامَعْتَهَا يَوْمَ الْخَمِيسِ عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ عَنِ كِبِدِ السَّمَاءِ فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ، فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَقْرَبُهُ حَتَّى يَشِيبَ، وَيَكُونُ قِيَمًا، (1) وَيَرْزُقُهُ اللَّهُ عِزًّا وَجَلَّ السَّلَامَةُ فِي الدِّينِ وَالْدُّنْيَا.

يَا عَلِيُّ، وَإِنْ جَامَعْتَهَا لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَكَانَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ؛ فَإِنَّهُ يَكُونُ حَاطِبًا قَوْلًا مُفَوَّهًا، وَإِنْ جَامَعْتَهَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعَصْرِ فَقُضِيَ بَيْنَكُمَا وَلَدٌ؛ فَإِنَّهُ يَكُونُ مَعْرُوفًا مَشْهُورًا عَالِمًا، وَإِنْ جَامَعْتَهَا فِي لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ بَعْدَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، فَإِنَّهُ يُرْجَى أَنْ يَكُونَ الْوَلَدُ مِنَ الْأَبْدَالِ (2) إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. (3)

123. الإمام علي عليه السلام: إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ فَلْيَتَوَقَّ أَوَّلَ الْأَهْلِ وَأَنْصَافَ الشُّهُورِ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَطْلُبُ الْوَلَدَ فِي هَذَيْنِ الْوَقْتَيْنِ، وَالشَّيَاطِينُ يَطْلُبُونَ الشَّرْكَ فِيهِمَا، فَيَحْيَوْنَ وَيُحْبِلُونَ. (4)

124. الإمام الرضا عليه السلام: الْجِمَاعُ بَعْدَ الْجِمَاعِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَكُونَ بَيْنَهُمَا غُسْلٌ يُورَثُ لِلْوَلَدِ الْجُنُونَ. (5)

125. عنه عليه السلام: لَا تَقْرَبِ النِّسَاءَ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ لَا شِتَاءً وَلَا صَيْفًا، وَذَلِكَ أَنَّ الْمَعِدَةَ وَالْعُرُوقَ

ص: 74

1- القَيْمُ: السَّيِّدُ وَسَائِسُ الْأَمْرِ (لسان العرب: ج 12 ص 502 «قوم»).

2- الأبدال: هم الأولياء والعُبادُ (النهاية: ج 1 ص 107 «[1] بدل»).

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 553 ح 4899، علل الشرائع: ص 516 ح 5 [2] كلاهما عن أبي سعيد الخدرى.

4- الخصال: ص 637 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 125 وليس فيه «ذيله».

5- طب الإمام الرضا عليه السلام: ص 28، [3] بحار الأنوار: ج 62 ص 321. [4]



نمی‌کند. خوش بو بدن و خوش بو دهان، دل مهربان و گشاده دست می‌شود، و از غیبت و دروغ و تهمت، پاک زبان می‌شود.

ای علی! اگر شب پنجشنبه با همسرت آمیزش کردی و فرزند می‌ماند، یا فرمان روایی از فرمان روایان و یا دانشمندی از دانشمندان می‌شود و اگر روز پنجشنبه، هنگام مایل شدن خورشید از وسط آسمان با او آمیزش کردی و فرزند می‌ماند، شیطان به او نزدیک نمی‌شود تا پیر شود و به بزرگی و سرپرستی می‌رسد و خداوند، سلامت دین و دنیا را روزی وی می‌گرداند.

ای علی! و اگر شب جمعه با همسرت آمیزش کردی و فرزنددار شدید، گوینده سخنور زبان آوری می‌شود و اگر عصر جمعه با او آمیزش کردی و فرزند می‌ماند، دانشمندی معروف و مشهور می‌گردد و اگر جمعه شب، بعد از نماز عشا با او آمیزش کردی، امید است که آن فرزند، از ابدال (1) باشد، ان شاء الله تعالی!

123. امام علی علیه السلام: هرگاه کسی از شما خواست با همسرش در آمیزد، باید در اول ماه‌ها و نیمه ماه‌ها خودداری کند؛ چرا که شیطان در این دو زمان، فرزند خواهی می‌کند و شیطان‌ها در این زمان، خواستار مشارکت [در نطفه] هستند. از این رو، می‌آیند و باردار می‌کنند.

124. امام رضا علیه السلام: آمیزش پس از آمیزش، بدون این که میان آنها غسل باشد، دیوانگی را برای فرزند در پی می‌آورد.

125. امام رضا علیه السلام: آغاز شب، چه در زمستان و چه در تابستان، با زنان آمیزش مکن. این، بدان جهت است که معده و رگ‌ها پُرند و این، وضعیت مناسبی [برای آمیزش]

ص: 75

---

1- ابدال، به اولیای برگزیدگان خدا در هر عصری گفته می‌شود که خداوند به جای برگزیدگان پیشین قرار می‌دهد.

تكون مُمْتَلِنَةً وَهُوَ غَيْرُ مَحْمُودٍ، يُتَخَوَّفُ مِنْهُ الْقَوْلَانِجُ (1) وَ الْفَالِجُ، وَ اللَّقْوَةُ، (2) وَ النَّقْرَسُ، (3) وَ الْحَصَاةُ، وَ التَّقْطِيرُ، وَ الْفَتْقُ وَ ضَعْفُ الْبَصْرِ وَ الدَّمَاعِ.

فَإِذَا أُرِيدَ ذَلِكَ فَلْيَكُنْ فِي آخِرِ اللَّيْلِ؛ فَإِنَّهُ أَصَحُّ لِلْبَدَنِ، وَ أَرْجَى لِلْوَلَدِ، وَ أَذْكَى لِلْعَقْلِ فِي الْوَلَدِ الَّذِي يُقْضَى بَيْنَهُمَا. (4)

ص: 76

- 
- 1- الْقَوْلَانِجُ: مَرَضٌ مَعْوَى مَوْلَمٌ، يُعَسَّرُ مَعَهُ خُرُوجُ الثَّقَلِ وَالرَّيْحِ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج 3 ص 1525 «قولنج»).
  - 2- اللَّقْوَةُ: هِيَ مَرَضٌ يُعْرَضُ لِلْوَجْهِ فَيَمِيلُهُ إِلَى أَحَدِ جَانِبَيْهِ (النَّهَائِيَّةُ: ج 4 ص 268 «[1] لقا»).
  - 3- النَّقْرَسُ: وَرَمٌّ وَوَجَعٌ فِي مَفَاصِلِ الْقَدَمِينَ وَأَصَابِعِ الرَّجْلِينَ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج 3 ص 1823 «[2] نقرس»).
  - 4- طَبِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: ص 64، [3] بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 62 ص 327. [4]

نیست و بیم قولنج و فلج و لرزش چانه و یقرس (1) و سنگ [کلیه] و تقطیر (چکانش) بول و فتق و ضعف در بینایی و ذهن می رود. پس اگر کسی اراده آمیزش دارد، باید در پایان شب باشد که برای بدن، سالم تر و برای فرزند [آوردن]، امیدوارکننده تر و برای افزونی هوش فرزندی که در این میان پدید می آید، بهتر است (2).

ص: 77

---

1- نوعی بیماری که در نتیجه بالا رفتن اسید اوریک خون پدید می آید.

2- گفتنی است آنچه درباره نقش حالت های مختلف آمیزش و زمان های آن در سرنوشت کودک در روایات گذشته ملاحظه شد، ظاهراً مقصود، تأثیر آنها به نحو اقتضاست، نه به صورت علّت تامّه. و الله العالم!







بررسی ره نمودهای پیشوایان اسلام درباره حقوق نوزاد، نشان می دهد که کودک، در آغاز تولد، هشت حق بر خانواده خود دارد. این حقوق، عبارت اند از:

### 1. بزرگداشت تولد

روزی که خداوند متعال، نعمتی به انسان عنایت کند، «عید» (1) است و فرخنده و مبارک. نوزاد، نعمت بزرگی برای خانواده است و جشن تولد، در حقیقت، جشن سپاس گزاری از این نعمت بزرگ الهی است و تهنیت گفتن آن و ولیمه دادن برای بزرگداشت آن، مطلوب است. جشن تولد، بزرگداشت روزی است که نخستین نعمت الهی که خلعت وجود است، انسان را فرا می گیرد و او با کمال عزت و بزرگواری، دیده به جهان می گشاید.

ص: 81

---

1- عید، در لغت از ریشه «عَوْد» به معنای بازگشت است. بنا بر این، روزهایی که نعمت های از دست رفته به فرد یا جامعه باز می گردد، عید نامیده می شود؛ ولی به تدریج این کلمه در مطلقِ روزهای فرخنده و مبارک به کار رفته است. هر چه نعمت الهی بزرگ تر باشد، عید از فرخندگی و شکوه بیشتری برخوردار بوده، مایه مسرت و شادمانی بیشتری است. بر اساس این تعریف، هر روزی که انسان، کار ناشایستی انجام ندهد، برای او روز عید محسوب می شود. امام علی علیه السلام در این باره فرمود: «هر روزی که در آن خداوند نافرمانی نشود، روز عید است».

پیامبر خدا از امام علی علیه السلام پرسید: «نخستین نعمتی که خداوند به تو عنایت کرد، چیست؟».

امام علی علیه السلام پاسخ داد: نخستین نعمت الهی بر من، این است که مرا آفرید، در حالی که چیز درخور ذکری نبودم. (1)

بنا بر این، تکرار همه ساله جشن تولد، به منظور سپاس‌گزاری از نخستین نعمت الهی، شایسته و نیکوست، هرچند دلیل خاصی که استحباب این جشن را اثبات نماید، وجود ندارد؛ مانند جشن تکلیف.

## 2. غسل دادن

(2)

درباره غسل نوزاد، چند نکته قابل توجه است:

الف- مقصود از این غسل، شستشوی نوزاد نیست؛ بلکه مقصود، غسل به مفهوم شرعی آن است. بنا بر این، کسی که نوزاد را غسل می‌دهد، باید احکام غسل (مانند: قصد قربت و ترتیب) را رعایت نماید.

ب- استحباب این غسل، مشروط است به ضرر نداشتن آن برای کودک. (3)

ج- استحباب غسل نوزاد، هنگام تولد است و تأخیر در آن، تا دو سه روز، مانعی ندارد. (4)

ص: 82

- 
- 1- متن روایت این است: «قل ما أول نعمة أبلاک الله عز و جل وأنعم علیک بها؟ قال: أن خلقنی - جلّ ثناءه - ولم أک شیئاً مذکوراً».
  - 2- البته برخی از فقها احتمال داده اند که مقصود از آن، مطلق شستشو و نظافت نوزاد باشد (ر.ک: جواهر الکلام: ج 5 ص 71).
  - 3- ر.ک: تحریر الوسیله: ج 2 ص 31، مسئله 2.
  - 4- ر.ک: العروه الوثقی: ج 2 ص 157.



د-برخی از فقهای گذشته، غسل دادن نوزاد را واجب دانسته اند. (1)

### 3. اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد

نکاتی که در مورد این اقدام قابل توجه است، اینهاست:

الف- اذان، باید در گوش راست نوزاد گفته شود و اقامه، در گوش چپ او. (2)

ب- هنگام گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد، در برخی روایات، پس از بلند شدن صدای طفل و در برخی، قبل از افتادن ناف او ذکر شده است. (3)

ج- این سنت اسلامی، حاکی از نقش آفرینی نخستین صداها در طبیعت کودک و تأثیر آن در تربیت و سرنوشت اوست.

### 4. برداشتن کام کودک

مقصود از این عمل، مالیدن مقداری تربت سید الشهداء علیه السلام و آب فرات (4) به کام نوزاد است.

حکمت این کار، آن است که حق طلبی، عدالت خواهی و دوستی اهل بیت علیهم السلام در آغاز زندگی، در جان کودک نفوذ کند، چنان که در برخی روایات (5) به این معنا اشاره شده است.

در شماری از روایات، برداشتن کام کودک با آب باران، آب گرم، خرما و عسل نیز توصیه شده است و از این رو، در صورت امکان، بهتر است قدری عسل و خرما

ص: 83

---

1- ر.ک: جواهر الکلام: ج 5 ص 71.

2- ر.ک: ص 83 (اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد).

3- ر.ک: ص 93 ح 135 و ص 93 ح 137.

4- ر.ک: ص 67 ح 143 تا 145.

5- ر.ک: ص 67 ح 142.

با کمی آب فرات یا آب باران مخلوط کنند و به کام کودک بمالند. (1)

این ره نمود نیز نشان دهنده نقش نخستین خوردنی ها، مانند نخستین شنیدنی ها، در سرنوشت کودک است.

## 5. انتخاب نام نیکو

در روایات اسلامی، انتخاب نام نیکو برای نوزاد، نخستین نیکی خانواده به فرزند، شمرده شده است. شایسته است خانواده های مسلمان، با بهره گیری از ره نمودهای پیشوایان خود، بهترین نام را برای فرزندان خویش انتخاب نمایند. این ره نمودها عبارت اند از:

الف- خانواده ها می توانند هر نام زیبایی را برای کودک خود، انتخاب کنند؛

ب- صادق ترین نام ها، نام هایی است که حاکی از عبودیت و پیوند انسان با آفریدگار خود باشد؛

ج- بهترین نام ها، نام انبیای الهی و پیشوایان دینی و بهتر از همه، نام محمد است؛

د- کسانی که خداوند متعال، چهار فرزند پسر به آنها عنایت کرده، نکوهیده است که نام یکی از آنها را «محمد» نگذارند؛

ه- نام گذاری فرزند قبل از تولد، انجام شود و اگر معلوم نیست که جنین، دختر است یا پسر، نامی که با هر دو تناسب دارد، انتخاب گردد. (2) البته تغییر نام پس از تولد مانعی ندارد؛

ص: 84

---

1- ر.ک: جواهر الکلام: ج 31 ص 253.

2- ر.ک: ص 68 ح 148.

و- نام گذاری پسر به «محمد» تا هفت روز پس از تولد، و تغییر آن پس از

گذشتن این مدت، در صورت تمایل؛

ز- برخی نام‌ها مانند: محمد و فاطمه، به دلیل ارتباط آنها با شخصیت‌های بزرگ اسلامی، احترام ویژه‌ای دارند که باید رعایت گردد؛

ح- نام‌هایی مانند: شهاب، حریق، حباب، کلب، فرار، حرب و ظالم، که حاکی از شر و یا اشرارند، مکروه است؛

ط- نام‌هایی که حاکی از خودستایی است یا هنگام نفی آنها در گفتگو فال بد زده می‌شود (مانند: مبارک)، نکوهیده شمرده شده است.

ی- نام‌هایی که شایسته خداوند متعال است (مانند: قدّوس، حکّم، و خالق)، نباید در نام گذاری مورد استفاده قرار گیرند و برخی، این گونه نام گذاری را تحریم کرده اند. (1)

## 6. تراشیدن سر نوزاد

مستحب است که روز هفتم ولادت، موهای سر نوزاد، تراشیده شود و هم وزن آن، طلا- یا نقره، صدقه داده شود. در استحباب این عمل، تفاوتی میان نوزاد دختر و پسر نیست.

## 7. عقیقه کردن برای نوزاد

عقیقه کردن، عبارت است از ذبح گوسفند (2) هنگام ولادت برای اطعام. (3)

ص: 85

---

1- ر.ک: ص 107 (نام‌های نکوهیده).

2- بز، گاو و شتر را نیز می‌توان عقیقه کرد و بهتر است شرایط قربانی در آنها رعایت شود.

3- ر.ک: تحریر الوسیله: ج 2 ص 316. العقیقه: عبارة فی الشرع عن ذبح شاه عند الولاده للإطعام.

نکاتی که در این باره باید مورد توجه قرار گیرد، عبارت است از:

الف-عقیقه کردن برای فرزند، مستحب مؤکد است؛ بلکه برخی از فقها (1) آن را واجب دانسته اند.

ب-مستحب است برای پسر، گوسفند نر عقیقه شود و برای دختر، گوسفند ماده.

ج-زمان عقیقه کردن، روز هفتم ولادت است و اگر در آن تأخیر بیفتد، استحباب آن ساقط نمی شود؛ بلکه اگر پدر و مادر برای فرزند عقیقه نکردند، مستحب است شخص پس از بلوغ برای خود، عقیقه کند.

د-مستحب است که گوشت عقیقه را میان مؤمنان تقسیم کنند و از آنان بخواهند برای نوزاد، دعا کنند؛ ولی بهتر است عقیقه را بپزند و حدّ اقل، ده نفر از اهل ایمان را برای خوردن آن، دعوت کنند تا از آن بخورند و برای نوزاد، دعا نمایند.

ه-مستحب است در تقسیم کردن گوشت عقیقه، استخوان های آن را نشکنند و پا و ران، بلکه یک چهارم آن را برای ماما بفرستند.

و-برای پدر و مادر نوزاد و عائله پدر، مکروه است از عقیقه نوزادشان بخورند و این کراهت، برای مادر نوزاد، بیشتر است. (2)

ز-دعا کردن هنگام ذبح عقیقه، مستحب است. دعاهایی که در این باره از اهل بیت علیهم السلام وارد شده، بسیار است. (3)

ص: 86

---

1- کسانى مانند: اسکافى، سید مرتضى و فیض کاشانى (ر.ک: أحكام الأطفال: ص 196).

2- ر.ک: وسائل الشیعه: ج 21 ص 428.

3- ر.ک: وسائل الشیعه: ج 15 ص 426-428.

## 8. ختنه کردن نوزاد

ختنه کردن پسر در روز هفتم ولادت، مستحب است و تأخیر آن تا هنگام بلوغ، جایز است. احتیاط، آن است که اولیای کودک، او را قبل از بلوغ ختنه کنند؛ اما پس از بلوغ، ختنه، واجب فوری است و تأخیر در آن جایز نیست.

همچنین، مستحب است که هنگام ختنه کودک، دعای مأثور خوانده شود. (1)

ص: 87

---

1- ر.ک: ص 115 ح 193. [1]

الكتاب

«وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَ يَوْمَ يَمُوتُ وَ يَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا». 1

«وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَ يَوْمَ أَمُوتُ وَ يَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا». 2

الحديث

126. الإمام الباقر عليه السلام: يَابْنَ الْأَيَّامِ الثَّلَاثِ، يَوْمَكَ الَّذِي وُلِدْتَ فِيهِ، وَ يَوْمَكَ الَّذِي تَنَزَّلُ فِيهِ قَبْرَكَ، وَ يَوْمَكَ الَّذِي تَخْرُجُ فِيهِ إِلَى رَبِّكَ، فَيَا لَهُ مِنْ يَوْمٍ عَظِيمٍ. (1)

127. عنه عليه السلام -فِي تَهْنِئَتِهِ لِرَجُلٍ بِمَوْلُوْدِهِ-: أَسَأَلَ اللَّهَ أَنْ يَجْعَلَهُ خَلْفًا مَعَكَ، وَ خَلْفًا بَعْدَكَ، فَإِنَّ الرَّجُلَ يُخْلِفُ أَبَاهُ فِي حَيَاتِهِ وَ مَوْتِهِ. (2)

ص: 88

1- .تحف العقول:ص 292، بحار الأنوار:ج 78 ص 171 ح 4. [1]

2- .نثر الدر:ج 1 ص 345، [2]نزهه الناظر:ص 100 ح 19، كشف الغمّه:ج 2 ص 362. [3]

قرآن

«ودرود بر او، روزی که زاده شد و روزی که می میرد و روزی که زنده برانگیخته می شود!»

«و سلام بر من، روزی که زاده شدم و روزی که می میرم و روزی که زنده برانگیخته می شوم!»

حدیث

126. امام باقر علیه السلام: ای [انسان! ای] فرزندِ روزهای سه گانه: آن روز که در آن زاده شدی، آن روز که در قبرت فرود می آیی، و آن روز که به سوی پروردگارت بیرون می آیی. ای وای بر او از آن روز بزرگ!

127. امام باقر علیه السلام - هنگام تبریک به خاطر فرزنددار شدن کسی - : از خدا می خواهم که او را با تو و پس از تو، جانشین [شایسته] تو قرار دهد؛ چرا که فرزند، جانشین پدر در زندگی و مرگ اوست.

ص: 89

128. الإمام الصادق عليه السلام: أكبر ما يكون الإنسان يوم يولد، وأصغر ما يكون يوم يموت. (1)

129. عنه عليه السلام: هتأ رجل رجلاً أصاب ابناً فقال: يهنتك الفارس. فقال له الحسن عليه السلام: ما علمك يكون فارساً أو رجلاً؟

قال: جعلت فداك فما أقول؟

قال: تقول: شكرت الواهب، وبورك لك في الموهوب، وبلغ أشده، ورزقك برة. (2)

130. الكافي عن علي بن الحكم عن بعض أصحابنا: أولم أبو الحسن موسى عليه السلام وليمة على بعض ولديه، فأطعم أهل المدينة ثلاثه أيام الفالوذجات (3) في الجفان في المساجد والأزقة. (4)

2/1: غسل المولود

131. الإمام الصادق عليه السلام: غسل المولود واجب. (5)

3/1: الأذان والإقامة في أذن الوليد

132. رسول الله صلى الله عليه وآله: من ولد له فأذن في أذنه اليمنى وأقام في أذنه اليسرى، لم يضرة

ص: 90

1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 194 ح 595.

2- الكافي: ج 6 ص 17 ح 3، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 [1] ص 480 ح 4687.

3- الفالوذج: نوع من الحلواء (مجمع البحرين: ج 3 ص 1414 «فلذج»).

4- الكافي: ج 6 ص 281 ح 1، [2] بحار الأنوار: ج 48 ص 110 ح 12. [3]

5- الكافي: ج 3 ص 40 ح 2، [4] تهذيب الأحكام: ج 1 ص 104 ح 270، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 78 ح 176 كلها عن

سماعه.



128. امام صادق علیه السلام: بزرگ ترین روز انسان، روزی است که زاده می شود و کوچک ترین روز او، روزی است که می میرد.

129. امام صادق علیه السلام: شخصی در تبریک به کسی که پسر دار شده بود، گفت: تولّد فرزند سوارکار، بر تو مبارک باد!

امام حسن علیه السلام به او فرمود: «تو چه می دانی که او سوارکار خواهد شد یا پیاده؟».

گفت: فدایت شوم، پس چه بگویم؟

فرمود: «بگو: سپاس گزاردی بخشنده [ی این نعمت] را و هدیه [ی خداوند] بر تو مبارک باد. [امیدوارم] به کمال برسد و خداوند، نیکی اش را روزی تو گرداند!».

130. الکافی - به نقل از علی بن حکم، از یکی از شیعیان - امام کاظم علیه السلام در تولّد یکی از فرزندانش، تا سه روز با کاسه های بزرگ در مساجد و کوچه ها به مردم مدینه با فالوده، (1) ولیمه داد.

### 2/1: غُسل دادن نوزاد

131. امام صادق علیه السلام: غُسل دادن نوزاد، لازم است.

### 3/1: اذان و اقامه گفتن در گوش نوزاد

132. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس صاحب فرزند شود و در گوش راست او اذان و در گوش

ص: 91

---

1- فالوده، حلوی است که از آرد و آب و عسل، درست می کنند.

133. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ وُلِدَ لَهُ مَوْلُودٌ فَلْيُؤَدِّ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى بِأَذَانِ الصَّلَاةِ، وَلْيُتِمَّ فِي الْيُسْرَى؛ فَإِنَّهَا عِصْمَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ.

(2)

134. سنن أبي داوود عن أبي رافع: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أُذُنَ فِي أُذُنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ حِينَ وُلِدَتْهُ فَاطِمَةُ بِالصَّلَاةِ. (3)

135. الإمام عليّ عليه السلام: لَمَّا حَضَرَ رَتْ وِلَادَةَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَسْمَاءَ بِنْتِ عُمَيْسٍ وَامِّ سَلَمَةَ: إِحْضِرِي رَاهَا، فَإِذَا وَقَعَ وُلْدُهَا وَاسْتَهَلَّ فَأَذِّنَا فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى وَاقِيمَا فِي أُذُنِهِ الْيُسْرَى؛ فَإِنَّهُ لَا يُفْعَلُ ذَلِكَ بِمِثْلِهِ إِلَّا عِصْمَ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَلَا تُحَدِّثَا شَيْئًا حَتَّى آتِيَكُمَا.

فَلَمَّا وُلِدَتْ فَعَلْنَا ذَلِكَ، فَأَتَاهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَرَّهُ وَكَبَّاهُ (4) بِرِيقِهِ، وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعِيدُهُ بِكَ وَوُلْدَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. (5)

136. الإمام الصادق عليه السلام -فيما يُفْعَلُ بِالمَوْلُودِ إِذَا وُلِدَ-: مُرُوا الْقَابِلَةَ أَوْ بَعْضَ مَنْ يَلِيهِ أَنْ تُقِيمَ الصَّلَاةَ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى؛ فَلَا يُصِيبُهُ لَمَمٌ

(6) وَلَا تَابِعَةٌ (7) أَبَدًا. (8)

137. عنه عليه السلام -أيضاً-: وَأُذُنَ فِي أُذُنِهِ الْيُمْنَى وَاقِمِ فِي الْيُسْرَى، تَفْعَلُ بِهِ ذَلِكَ قَبْلَ أَنْ تَقْطَعَ

ص: 92

1- .مسند أبي يعلى: ج 6 ص 181 ح 6747، الفردوس: ج 3 ص 632 ح 5982 كلاهما عن الإمام الحسين عليه السلام، كنز العمال: ج 16 ص 457 ح 45414.

2- .الكافي: ج 6 ص 24 ح 6 [1] عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام.

3- .سنن أبي داوود: ج 4 ص 328 ح 5105، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 230 ح 23930. [2]

4- .ألباءُ بِرِيقِهِ: أَي صَبَّ رِيقُهُ فِي فِيهِ (لسان العرب: ج 1 ص 150 «[3] لبأ»).

5- .كشف الغمّة: ج 2 ص 151، [4] بحار الأنوار: ج 43 ص 255. [5]

6- .اللَّمَمُ: طَرْفٌ مِنَ الْجَنُونِ يَلْمُ بِالْإِنْسَانِ أَوْ يَقْرَبُ مِنَ الْإِنْسَانِ وَيَعْتَرِيهِ (النهاية: ج 4 ص 272 «[6] لمم»).

7- .التابع والتابعه: الجنى والجنّيه يكونان مع الإنسان يتبعانه حيث ذهب (القاموس المحيط: ج 3 ص 8 «تبع»).

8- .الكافي: ج 6 ص 23 ح 2 [7] عن حفص الكناسي.

چپ او اقامه گوید، امّ صبیان (1) به او زیان نمی رساند.

133. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای هر کس فرزندی زاده شود، باید در گوش راست او اذان نماز و در گوش چپ او اقامه بگوید؛ چرا که این کار، مایه ایمنی از شیطان رانده شده است.

134. سنن ابی داوود - به نقل از ابورافع - : پیامبر خدا را دیدم که وقتی فاطمه علیها السلام حسن بن علی علیهما السلام را به دنیا آورد، در گوش او اذان نماز خواند.

135. امام علی علیه السلام: وقتی زمان زایمان فاطمه علیها السلام فرا رسید، پیامبر خدا به اسماء بنت عمیس و امّ سلمه فرمود: «در کنارش باشید که وقتی فرزندش به دنیا آمد و گریست، در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه بگویید؛ چرا که هر جا همانند این کار انجام شده، نوزاد از شیطان در امان مانده است، و هیچ نکنید تا من بیایم».

وقتی فاطمه علیها السلام [او را] به دنیا آورد، آنان همین کار را کردند. سپس، پیامبر خدا آمد و ناف او را بُرید و آب دهانش را به او خوراند و گفت: «خداوندا! من، او را و فرزندان او را از شرّ شیطان رانده شده، در پناه تو قرار می دهم».

136. امام صادق علیه السلام - درباره آنچه هنگام ولادت نوزاد، انجام می دهند - : به ماما یا کسی که نزد اوست، فرمان دهید در گوش راست او اذان بگوید، تا هرگز دیوانه و جن زده نشود.

137. امام صادق علیه السلام - در بیان آنچه هنگام ولادت، انجام می دهند - : در گوش راست او

ص: 93

---

1- امّ صبیان، به نوعی بیماری می گویند که در آن، فرد دچار حالتی می شود که در اصطلاح به آن «باد گرفتن» می گویند و گاهی موجب بیهوشی فرد می گردد. همچنین، گفته شده که امّ صبیان، نوعی جن است که کودکان را می آزارد. در فارسی، امّ صبیان، برابر مادر دیو و دیوزدگی دانسته شده است (ر.ک: دانش نامه احادیث پزشکی: ج 1 ص 677). [1]

138.رسول الله صلى الله عليه وآله: يُحَنِّكُ (2)المَوْلُودُ بِالمَاءِ السَّخَنِ. (3)

139.مسند أبي يعلى عن أبي موسى: وُلِدَ لِي غُلامٌ فَأَتَيْتُ بِهِ رَسولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَسَمَّاهُ إِبْرَاهِيمَ وَحَنَنْكُهُ بِتَمْرَةٍ، وَدَعَا لَهُ بِالْبَرَكَهَةِ، وَدَفَعَهُ إِلَيَّ. (4)

140.صحيح مسلم عن عائشه: أَنَّ رَسولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يُؤْتِي بِالصَّبِيَانِ فَيَبْرِكُ عَلَيْهِمَ وَيُحَنِّكُهُم. (5)

141.الإمام عليّ عليه السلام: حَنَنْكُوا أَوْلادَكُمْ بِالتَّمْرِ، هَكَذَا فَعَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالحَسَنِ والحُسَيْنِ عليهما السلام. (6)

142.عنه عليه السلام: أَمَّا إِنَّ أَهْلَ الكُوفَةِ لَوْ حَنَنْكُوا أَوْلادَهُمْ بِمَاءِ الفُراتِ لَكَانُوا شِيعَةً لَنَا. (7)

143.الكافي عن يونس عن بعض أصحابه عن أبي جعفر عليه السلام: يُحَنِّكُ المَوْلُودُ بِمَاءِ الفُراتِ، وَيُقَامُ فِي أُذُنِهِ.

وفى روايه اخرى: حَنَنْكُوا أَوْلادَكُمْ بِمَاءِ الفُراتِ وَبِتُرابِهِ قَبْرِ الحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَإِنْ لَمْ

- 
- 1- الكافي: ج 6 ص 23 ح 1، [1] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 436 ح 1738 كلاهما عن أبي يحيى الرازي، وسائل الشيعة: ج 21 ص 137 ح 2. [2]
  - 2- حَنَنْكَ الصَّبِيَّ: إِذا مَضَغَ تَمْرًا أَوْ غَيْرَهُ فَدَلَكَهُ بِحَنَنْكِهِ كَحَنَنْكِهِ (القاموس المحيط: ج 3 ص 300 «حنك»).
  - 3- جامع الاحاديث: ص 141، الإمامه والتبصره: ص 176.
  - 4- مسند أبي يعلى: ج 6 ص 414 ح 7278، كنز العمال: ج 13 ص 268 ح 36788.
  - 5- صحيح مسلم: ج 3 ص 1691 ح 27، المصنّف لابن أبي شيبة: ج 5 ص 430 ح 4.
  - 6- الكافي: ج 6 ص 24 ح 5 [3] عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 437 ح 1741 عن أبي بصير، الخصال: ص 637 ح 10 عن أبي بصير ومحمّد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عنه صلى الله عليه وآله.
  - 7- الكافي: ج 6 ص 389 ح 5، [4] بحار الأنوار: ج 66 ص 448 ح 5. [5]

اذان و در گوش چپ او اقامه بگو. این کار را پیش از بُردن ناف انجام بده که [در این

صورت] هرگز ترسان نمی شود و دچار [بیماری] امّ صبیان نمی گردد.

#### 4/1: کام برداشتن

138. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کام نوزاد، با آب گرم برداشته می شود.

139. مسند ابی یعلی - به نقل از ابو موسی - برای من پسری زاده شد. او را نزد پیامبر خدا بردم. او را ابراهیم نامید و کام او را با خرما برداشت و برای او دعا کرد که مایه برکت باشد و او را به من برگرداند.

140. صحیح مسلم - به نقل از عایشه - هنگامی که کودکان را نزد پیامبر خدا می آوردند، ایشان آنان را متبرک می کرد و کام آنان را برمی داشت.

141. امام علی علیه السلام: کام فرزندان را با خرما بردارید. پیامبر صلی الله علیه و آله با حسن و حسین علیهما السلام این گونه کرد.

142. امام علی علیه السلام: آگاه باشید که اگر اهل کوفه، کام فرزندان را با آب فرات برمی داشتند، هر آینه، پیرو ما می شدند.

143. الکافی - به نقل از یونس، از یکی از شیعیان - : امام باقر علیه السلام فرمود: «کام نوزاد، با آب فرات برداشته و در گوش او اقامه گفته می شود».

و در روایت دیگری آمده که فرمود: «کام فرزندان را با آب فرات و با تربت قبر

يَكُنْ فِيمَاءِ السَّمَاءِ. (1)

144. الإمام الصادق عليه السلام: حَنَّكُوا أَوْلَادَكُمْ بِتَرْبِهِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ؛ فَإِنَّهَا أَمَانٌ. (2)

145. الإمام الرضا عليه السلام - فِي الْفَقْهِ الْمَنْسُوبِ إِلَيْهِ -: وَحَنَّكُهُ بِمَاءِ الْفَرَاتِ إِنْ قَدَرْتَ عَلَيْهِ أَوْ بِالْعَسَلِ سَاعَةً يُولَدُ. (3)

5/1: التَّسْمِيَةُ

أ- تَحْسِينُ الْإِسْمِ

146. الإمام الكاظم عليه السلام: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا حَقُّ ابْنِي هَذَا؟

قَالَ: تَحْسِينُ اسْمِهِ وَأَدَبُهُ، وَضَعُهُ مَوْضِعًا حَسَنًا. (4)

147. عنه عليه السلام: أَوَّلُ مَا يَبْرُ الرَّجُلُ وَلَدَهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ بِاسْمِ حَسَنٍ، فَلْيُحْسِنِ أَحَدُكُمْ اسْمَ وَلَدِهِ. (5)

ب- تَسْمِيَةُ الْوَالِدِ قَبْلَ أَنْ يُولَدَ

148. الإمام علي عليه السلام: سَمُّوا أَوْلَادَكُمْ قَبْلَ أَنْ يُولَدُوا، فَإِنْ لَمْ تَدْرُوا أَدَكَرُّ أَمْ انْتِي فَسَمُّوهُمْ بِالْأَسْمَاءِ الَّتِي تَكُونُ لِلذَّكْرِ وَالْأُنْثَى؛ فَإِنَّ أَسْقَاطَكُمْ إِذَا لَقَوْكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَمْ تُسَمُّوهُمْ يَقُولُ السَّقَطُ لِأَبِيهِ: أَلَا سَمَّيْتَنِي؟ وَقَدْ سَمَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُحْسِنًا قَبْلَ أَنْ يُولَدَ!

(6)

ص: 96

- 1- الكافي: ج 6 ص 24 ح 3 و 4، [1] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 436 ح 1739 و 1740.
- 2- تهذيب الأحكام: ج 6 ص 74 ح 143 عن الحسين بن أبي العلاء، الدعوات: ص 185 ح 513.
- 3- الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام: ص 239، [2] مستدرک الوسائل: ج 15 ص 138 ح 17783. [3]
- 4- الكافي: ج 6 ص 48 ح 1، [4] تهذيب الأحكام: ج 8 ص 111 ح 384 كلاهما عن درست.
- 5- الكافي: ج 6 ص 18 ح 3، [5] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 437 ح 1745 كلاهما عن موسى بن بكر.
- 6- الكافي: ج 6 ص 18 ح 2، [6] عن أبي بصير عن الإمام الصادق عن أبيه عن جده عليهم السلام، الخصال: ص 634.

امام حسین علیه السلام بردارید و اگر نشد، با آب باران».

144. امام صادق علیه السلام: کام فرزندانان را با تربت امام حسین علیه السلام بردارید؛ چرا که مایه ایمنی است.

145. امام رضا علیه السلام -در کتاب فقه منسوب به ایشان-: هنگامی که فرزند، زاده می شود، کام او را اگر توانستی با آب فرات، و گرنه با عسل بردار.

## 5/1: نام گذاری

### الف- نام نیک گذاشتن

146. امام کاظم علیه السلام: کسی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: ای پیامبر خدا! حق این فرزند بر من چیست؟

فرمود: «نام او و تربیت او را نیکو گردانی و او را در جایگاه [تربیتی] نیکویی قرار دهی».

147. امام کاظم علیه السلام: نخستین نیکی انسان به فرزندش، این است که نام نیک بر او نهد. پس هر کدام از شما باید نام نیک بر فرزندش بگذارد.

### ب- نام گذاری پیش از ولادت

148. امام علی علیه السلام: بر فرزندانان، پیش از آن که زاده شوند، نام بگذارید و اگر نمی دانید دخترند یا پسر، آنان را به نام هایی که هم برای پسر است و هم برای دختر، بنامید؛ چرا که فرزندان سقط شده شما اگر روز قیامت در حالی با شما ملاقات کنند که نام بر آنها نگذاشته باشید، به پدر خود می گویند: چرا بر من نام ننهادی؟ پیامبر خدا نیز محسن (فرزند سقط شده زهرا علیها السلام) را پیش از آن که به دنیا بیاید، نام نهاده بود.

149. سنن الترمذی عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَرَ بِتَسْمِيَةِ الْمَوْلُودِ يَوْمَ سَابِعِهِ، وَوَضَعَ الْأَذَى عَنْهُ، وَالْعَقَى. (1)

د-أَفْضَلُ الْأَسْمَاءِ وَحَقُّ بَعْضِهَا

150. رسول الله صلى الله عليه وآله: نِعَمَ الْأَسْمَاءُ: عَبْدُ اللَّهِ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ؛ الْأَسْمَاءُ الْمُعَبَّدَةُ. (2)

151. عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا إِنَّ خَيْرَ الْأَسْمَاءِ: عَبْدُ اللَّهِ وَعَبْدُ الرَّحْمَنِ وَحَارِثَةُ وَهَمَامٌ. (3)

152. عنه صلى الله عليه وآله: «إِذَا سَمَّيْتُمْ الْوَلَدَ مُحَمَّدًا فَآكِرْ مُوَهُ، وَأُوسِعُوا لَهُ فِي الْمَجْلِسِ، وَ لَا تُقَبِّحُوا لَهُ وَجْهًا. (4)

153. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا سَمَّيْتُمْ مُحَمَّدًا فَلَا تُقَبِّحُوهُ، وَ لَا تَجْبَهُوهُ، (5) وَ لَا تَضْرِبُوهُ، بِوَرِكَ لَبَيْتٍ فِيهِ مُحَمَّدٌ، وَ مَجْلِسٍ فِيهِ مُحَمَّدٌ، وَ رَفَقَةٍ فِيهَا مُحَمَّدٌ. (6)

154. عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ بَيْتٍ فِيهِ اسْمٌ مُحَمَّدٍ إِلَّا أَوْسَعَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الرِّزْقَ، فَإِذَا سَمَّيْتُمُوهُمْ فَلَا تَضْرِبُوهُمْ، وَ لَا تَشْتِمُوهُمْ. (7)

ص: 98

- 
- 1- سنن الترمذی: ج 5 ص 132 ح 2832. [1]
  - 2- النوادر للراوندى: ص 104 ح 75، [2] الجعفریات: ص 190 [3] وفيه «المعتاده» بدل «المعبده» وكلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 104 ص 130 ح 21. [4]
  - 3- الخصال: ص 251 ح 118 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 104 ص 127 ح 2. [5]
  - 4- تاريخ بغداد: ج 3 ص 91 [6] عن زيد بن الحسن عن أبيه عن الإمام عليّ عليه السلام، شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ج 19 ص 369 [7] عن الإمام عليّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله.
  - 5- جَبِيْهَةٌ: ضَرْبٌ جَبْهَتُهُ وَرَدَّةٌ (مجمع البحرين: ج 1 ص 270 «جبه»).
  - 6- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 65 ح 67 [8] عن أبي رافع، بحار الأنوار: ج 16 ص 239. [9]
  - 7- تنبيه الخواطر: ج 1 ص 32 [10] عن جابر؛ شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ج 19 ص 366 [11] عن جابر.



## ج- سنت اهل بیت در نام گذاری

149. سنن الترمذی - به نقل از عمرو بن شعیب، از پدرش، از جدش - همانا پیامبر صلی الله علیه و آله به نام گذاری کودک در روز هفتم تولد و برگرفتن موی از او و عقیقه کردن، فرمان داد.

## د- برترین نام ها و حق برخی از آنها

150. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین نام ها، عبد الله و عبد الرحمان و نام هایی است که دلالت بر بندگی [ خدا ] دارند.

151. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید که بهترین نام ها عبد الله، عبد الرحمان و حارثه و همّام است.

152. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه فرزند را «محمد» نام نهادید، او را گرامی بدارید و در مجلس، برایش جا باز کنید و کار او را زشت مشمارید.

153. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه کسی را «محمد» نام نهادید، او را زشت مشمارید و با چهره درهم با او روبه رو نشوید و او را نزنید. مبارک باد خانه ای که در آن، محمد باشد و مجلسی که در آن محمد باشد و هم سفرانی که در آنها محمد باشد!

154. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ خانه ای نیست که نام «محمد» در آن باشد، مگر آن که خداوند، روزی آنها را بسیار می کند. پس هرگاه آنان را [محمد] نامیدید، آنان را نزنید و دشنام ندهید.

155. عنه صلى الله عليه وآله: تَسْمُونَ مُحَمَّدًا ثُمَّ تَسْبُونَهُ! (1)

156. الكافي عن السكوني: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا مَغْمُومٌ مَكْرُوبٌ، فَقَالَ لِي: يَا سَكُونِيُّ مِمَّا غَمُّكَ؟

قُلْتُ: وُلِدْتُ لِي ابْنَةٌ!

فَقَالَ: يَا سَكُونِيُّ، عَلَى الْأَرْضِ ثِقَلُهَا، وَعَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا، تَعِيشُ فِي غَيْرِ أَجَلِكَ، وَتَأْكُلُ مِنْ غَيْرِ رِزْقِكَ.

فَسُرِّيَ وَاللَّهِ عَنِّي. فَقَالَ لِي: مَا سَمَّيْتَهَا؟

قُلْتُ: فَاطِمَةَ.

قال: آه آه! ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى جَبْهَتِهِ فَقَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ إِذَا كَانَ ذَكَرًا أَنْ يَسْتَفِرَّهُ (2) أُمَّهُ، وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهُ، وَيُعَلِّمَهُ كِتَابَ اللَّهِ، وَيُطَهِّرَهُ، وَيُعَلِّمَهُ السَّبَّاحَةَ، وَإِذَا كَانَتْ ائْتَى أَنْ يَسْتَفِرَّهُ أُمُّهَا، وَيَسْتَحْسِنَ اسْمَهَا، وَيُعَلِّمَهَا سُورَةَ التَّوْرَةِ، وَلَا يُعَلِّمَهَا سُورَةَ يُوسُفَ، وَلَا يُنْزِلُهَا الْغُرْفَ، وَيُعَجِّلُ سَرَّاحَهَا إِلَى بَيْتِ رَوْحِهَا».

أما إذا سَمَّيْتَهَا فَاطِمَةَ فَلَا تَسْبِبْهَا، وَلَا تَلْعَنُهَا وَلَا تَضْرِبْهَا. (3)

157. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ وُلِدَ لَهُ أَرْبَعَةُ أَوْلَادٍ لَمْ يُسَمَّ أَحَدُهُمْ بِاسْمِي، فَقَدْ جَفَانِي. (4)

158. عنه صلى الله عليه وآله: تَسَمَّوْا بِأَسْمَاءِ الْأَنْبِيَاءِ. (5)

ص: 100

1- .كنز العمال: ج 16 ص 422 ح 45222 نقلًا عن عبد بن حميد عن أنس.

2- .استفروها: أي استحسنوا (مجمع البحرين: ج 3 ص 1390 «فره»).

3- .الكافي: ج 6 ص 48 ح 6، [1] تهذيب الأحكام: ج 8 ص 112 ح 387.

4- .الكافي: ج 6 ص 19 ح 6 [2] عن عاصم الكوزي عن الإمام الصادق عليه السلام، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 438 ح 1747 عن الإمام الباقر عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله.

5- .سنن أبي داود: ج 4 ص 288 ح 4950، مسند أبي يعلى: ج 6 ص 351 ح 7133 كلاهما عن أبي وهب الجشمي.

155. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: محمّد می نامید، آن گاه، دشنامش می دهید؟!

156. الکافی - به نقل از سّ کونی - در حالی که غم زده و گرفته بودم، بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. به من فرمود: «ای سّ کونی! ناراحتی تو از چیست؟».

گفتم: دختری برایم زاده شده است.

فرمود: «ای سّ کونی! سنگینی آن، بر زمین است و روزی آن، بر خدا. خارج از محدوده عمر تو زندگی می کند و غیر از روزی تو را می خورد».

به خدا سوگند، مرا راحت ساخت. سپس به من فرمود: «او را چه نامیدی؟».

گفتم: فاطمه.

فرمود: «آه، آه!».

سپس، دست خود را بر پیشانی اش گذاشت و فرمود: «پیامبر خدا، فرمود: "حقّ فرزند بر پدر، این است که اگر پسر است، مادرش را گرامی دارد و نام نیکو بر او نهد و کتاب خدا را به او آموزش دهد و او را پاک گرداند و شنا به او یاد دهد، و اگر دختر است، مادرش را گرامی دارد و نام نیک بر او نهد و سوره نور را به او آموزش دهد و سوره یوسف را به او یاد نهد و او را در اتاق های بالا (1) جای نهد و در آسان فرستادن او به خانه همسرش شتاب کند».

هان! چون او را "فاطمه" نامیده ای، نباید دشنامش دهی و یا نفرینش کنی و یا او را بزنی».

157. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس صاحب چهار فرزند شود و یکی را به نام من نامد، بر من جفا کرده است.

158. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به نام پیامبران، نام گذاری کنید.

ص: 101

---

1- مراد، اتاق هایی است که چشم انداز داشته باشد و از بیرون، کسی که در آن باشد، دیده شود.

159. عنه صلى الله عليه وآله: ما من أهل بيتٍ فيهم اسمٌ نبيٌّ إلا بعث الله عز و جل إليهم ملكاً يقدرهم من صلاه الغداه إلى العشاء. (1)

160. الإمام الباقر عليه السلام: أصدق الأسماء ما سُمي بالعبودية، وأفضلها أسماء الأنبياء. (2)

161. الإمام الصادق عليه السلام: لا يولد لنا ولدٌ إلا سَمِيناً مُحمَداً، فإذا مضى لنا سبعة أيامٍ فإن شئنا غيرنا، وإن شئنا تركنا. (3)

162. عنه عليه السلام: جاء رجلٌ إلى النبيِّ صلى الله عليه وآله، فقال: يا رسولَ الله، وُلِدَ لى غلامٌ فماذا اسميهِ؟ قال:

سَمَّهُ بِأَحَبِّ الأَسْمَاءِ إِلَيَّ: حَمْرَةَ. (4)

163. الكافي عن عبد الرحمن بن محمد العزرمي: استعمل معاوية مروان بن الحكم على المدينة، وأمره أن يقرض ليشاب قريش، ففرض لهم.

فقال علي بن الحسين عليه السلام: فأتيتُهُ فقال: ما اسمك؟

فقلتُ علي بن الحسين.

فقال ما اسم أخيك؟

فقلتُ: علي.

قال: علي و علي! ما يريد أبوك أن يدع أحداً من ولده إلا سماه علياً؟ ثم فرض لى، فرجعتُ إلى أبى فأخبرته. فقال: ويلى على ابن الزرقاء دباغه (5) الأدم، لو ولد لى منه لأحببتُ أن لا اسمي أحداً منهم إلا علياً. (6)

ص: 102

1- الأمالى للطوسى: ص 511 ح 1117 [1] عن الأصمغ عن الإمام على عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله وبحار الأنوار: ج 104 ص

129 ح 14. [2]

2- الكافي: ج 6 ص 18 ح 1، [3] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 438 ح 1747.

3- الكافي: ج 6 ص 18 ح 4، [4] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 437 ح 1746، عده داعى: ص 77 [5] عن الإمام الرضا عليه السلام.

4- الكافي: ج 6 ص 19 ح 9، [6] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 438 ح 1749 كلاهما عن ابن القداح.

5- الأديم: الجلد المدبوغ، والجمع أدم بفتح الحين (مجمع البحرين: ج 1 ص 30 «أدم»).

6- الكافي: ج 6 ص 19 ح 7، [7] بحار الأنوار: ج 44 ص 211 ح 8. [8]

159. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ خانواده ای نیست که نام پیامبری در آن باشد، مگر این که خداوند عز و جل فرشته ای را برایشان برمی انگیزد تا آنان را از هنگام نماز صبح تا شب، تقدیس کند.

160. امام باقر علیه السلام: درست ترین نام ها، آن است که به بندگی (1) خوانده شود و برترین آنها، نام پیامبران است.

161. امام صادق علیه السلام: هیچ فرزندی برای ما زاده نمی شود، مگر این که او را «محمد» می نامیم.

وقتی هفت روز گذشت، اگر بخواهیم، تغییر می دهیم و اگر بخواهیم، وا می گذاریم.

162. امام صادق علیه السلام: کسی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: ای پیامبر خدا! فرزندی برایم زاده شده است. او را چه بنامم؟

فرمود: «او را به محبوب ترین نام نزد من بنام؛ حمزه».

163. الکافی - به نقل از عبد الرحمان بن محمد عَزَمی - معاویه، مروان بن حکم را حاکم مدینه کرد و به او فرمان داد که برای جوانان قریش، حقوقی قرار دهد و او هم حقوقی قرار داد.

امام زین العابدین علیه السلام می فرماید: «من نزد او رفتم. گفت: نام تو چیست؟

گفتم: علی بن الحسین.

گفت: نام برادرت چیست؟

گفتم: علی.

گفت: علی و علی! پدرت دنبال چیست که نام همه پسرانش را علی گذاشته است؟

آن گاه، حقوق مرا داد و من نزد پدرم [امام حسین علیه السلام] بازگشتم و او را [از ماجرا] باخبر ساختم. فرمود: «وای بر پسر زنی که بود چشم، (2) دباغی کننده پوست! اگر صد پسر برایم زاده شود، دوست دارم نامی جز علی بر آنان نگذارم».

ص: 103

1- مراد، نام هایی است که با پیشوند «عبد» شروع می شوند؛ مانند: عبد الله، عبد الرحمان و عبد الهادی....

2- کبودی چشم، نه به معنای یک عیب جسمی، بلکه کنایه از بدی و زشتکاری است.

164. تفسير العياشى عن ربيع بن عبد الله: قيل لأبي عبد الله عليه السلام: جعلت فداك إنا نسمي بأسمائكم وأسماء آبائكم، فينفعنا ذلك؟

فقال: إياي و الله، وهل الدين إلا الحب؟ قال الله: «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ» (1). (1)

165. الكافي عن ابن ميثاق، عن فلان بن حميد: أنه سأل أبا عبد الله عليه السلام و شاوره في اسم و آده، فقال: سمّه بأسماء من العبودية. فقال: أي الأسماء هو؟ فقال: عبد الرحمن. (2)

166. الإمام الكاظم عليه السلام: لا يدخل الفقر بيتاً فيه اسم محمد أو أحمد أو علي أو الحسن أو الحسين أو جعفر أو طالب أو عبد الله، أو فاطمة من النساء. (3)

167. الإمام العسكري عليه السلام - لجعفر بن الشريف الجرجاني -: شكر الله لأبي إسحاق إبراهيم بن إسماعيل صنعته إلى شيعتنا، و غفر له ذنوبه، و رزقه ذكراً سويّاً قائلاً بالحق، فقل له: يقول لك الحسن بن علي: سم ابنك أحمد. (4)

168. كشف الغمّة عن جعفر بن محمد القلانسي: كتب محمد أخى إلى أبي محمد عليه السلام - و امرأته حامل مفرّب - أن يدعو الله أن يخلصها و يرزقه ذكراً، و يسميه. فكتب يدعو الله بالصلاح و يقول: رزقك الله ذكراً سويّاً، و نعم الاسم محمد و عبد الرحمن.

فولدت اثنين... فسمي واحداً محمدًا، و الآخر... عبد الرحمن. (5)

ص: 104

1- . تفسير العياشى: ج 1 ص 167 ح 28، [1] بحار الأنوار: ج 104 ص 130 ح 19. [2]

2- . الكافي: ج 6 ص 18 ح 5. [3]

3- . الكافي: ج 6 ص 19 ح 8، [4] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 438 ح 1748 كلاهما عن سليمان الجعفرى.

4- . الخرائج والجرائح: ج 1 ص 424 ح 4، كشف الغمّة: ج 3 ص 217 [5] كلاهما عن جعفر بن الشريف الجرجاني.

5- . كشف الغمّة: ج 3 ص 208، [6] بحار الأنوار: ج 50 ص 298 ح 72. [7]

164. تفسیر العیاشی - به نقل از ربیع بن عبد الله - به امام صادق علیه السلام گفته شد: فدایت شوم! ما فرزندانمان را به نام شما و پدرانمان می‌نامیم. آیا این کار، برای ما سودی دارد؟

فرمود: «آری، به خدا سوگند! آیا دین، چیزی جز محبت است؟ خداوند فرمود:

«اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید تا خداوند، شما را دوست بدارد و گناهان شما را بپامزد».

165. الکافی - به نقل از ابن میّاح، از فلان بن حمید - از امام صادق علیه السلام درباره نام فرزندش سؤال کرد و مشورت نمود. امام علیه السلام فرمود: «او را به نامی از نام‌های بندگی بنام».

گفت: آنها چه نام‌هایی هستند؟

فرمود: «[مانند] عبد الرحمان».

166. امام کاظم علیه السلام: به خانه‌ای که در آن، مردی به نام محمد یا احمد یا علی یا حسن و یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبد الله و یا زنی به نام فاطمه باشد، فقر وارد نمی‌شود.

167. امام حسن عسکری علیه السلام - به جعفر بن شریف جرجانی - خداوند، خود از خدمت ابو اسحاق ابراهیم بن اسماعیل به شیعیان ما سپاس‌گزاری کند و گناهان او را بپامزد و پسری تمام و کمال و حق‌باور، روزی اش گرداند. به او بگو که حسن بن علی می‌گوید: نام فرزندت را احمد بگذار.

168. کشف الغمّه - به نقل از جعفر بن محمد قلانسی - برادرم محمد، در حالی که همسرش باردار و نزدیک زایمانش بود، به امام عسکری علیه السلام نامه نوشت و خواست تا از خدا بخواهد که همسرش را [از درد و رنج] برهاند و پسری روزی او کند و نام او را مشخص سازد. امام علیه السلام در پاسخ، صلاح او را از خدا خواست و فرمود: «خداوند، پسری تمام و کمال، روزی تو گرداند و محمد و عبد الرحمان، نام‌های خوبی اند».

پس همسرش دوقلو زایید و او یکی را محمد و دیگری را عبد الرحمان نامید.

169. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تُسَمُّوا أولادكم الحَكَمَ، ولا آبا الحَكَمِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الحَكَمُ. (1)

170. عنه صلى الله عليه وآله: لا تُسَمُّوا شِهَابَ فَإِنَّ شِهَابَ اسْمٍ مِنْ أَسْمَاءِ النَّارِ. (2)

171. عنه صلى الله عليه وآله: لا تُسَمِّينَ غُلامَكَ يَساراً، ولا رَباحاً، ولا نَجيحاً، ولا أَفَلَحَ. (3)

172. عنه صلى الله عليه وآله: شَرُّ الأَسْمَاءِ: ضِرارٌ، ومُرَّةٌ، وحرَبٌ، وظالمٌ. (4)

173. مجمع الزوائد عن عبد الرحمن بن أبي سبرة: دَخَلْتُ أُمَّ وَأَبِي عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لِأَبِي: هَذَا ابْنُكَ؟ قُلْتُ: نَعَمْ. قَالَ: مَا اسْمُهُ؟ قَالَ: الحُبَابُ.

قَالَ: لا تُسَمِّهِ الحُبَابَ؛ فَإِنَّ الحُبَابَ شَيْطَانٌ، وَلَكِنْ هُوَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ. (5)

174. المعجم الكبير عن ابن بريده عن أبيه: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُسَمَّى كَلْبٌ أَوْ كَلْبِيٌّ. (6)

175. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَبْغَضَ الأَسْمَاءِ إِلَى اللَّهِ عِزُّ وَجَلُّ: حَارِثٌ وَمَالِكٌ وَخَالِدٌ. (7)

و-سَبَبُ التَّهْيِ عَنْ بَعْضِ الأَسْمَاءِ

176. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَكْرَهُ «مُبَارَكٌ» و«نَافِعٌ» و«بَشِيرٌ» و«مَيْمُونٌ»؛ (8) لِنَلَا يُقَالُ: تَمَّ مُبَارَكٌ،

ص: 106

1- .علل الشرايع: ص 583 ح 23 [1] عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 76 ص 175 ح 2. [2]

2- .النوادر للراوندي: ص 104 ح 75، [3] بحار الأنوار: ج 104 ص 130 ح 21. [4]

3- .صحيح مسلم: ج 3 ص 1685 ح 12، سنن أبي داوود: ج 4 ص 290 ح 4958 كلاهما عن سمره بن جندب، كنز العمال: ج 1 ص 465 ح 2023.

4- .الخصال: ص 250 ح 118 عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 104 ص 127 ح 2. [5]

5- .مجمع الزوائد: ج 3 ص 306 ح 4677.

6- .المعجم الكبير: ج 2 ص 23 ح 1163، كنز العمال: ج 16 ص 424 ح 45234.

7- .الكافي: ج 6 ص 21 ح 16، [6] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 439 ح 1753 كلاهما عن محمد بن مسلم.

8- .كذا في المصدر، و الصحيح: «مباركاً و نافعاً و بشيراً و ميموناً».



169. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزندانِتان را حَکَم و ابو الحکم ننامید؛ چرا که خداوند، حَکَم (داور) است.

170. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: شهاب، نام نگذارید؛ چرا که شهاب، نامی از نام های دوزخ است.

171. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پسرت را یسار و رَبِیاح و نجیح و افلح، نام مگذار.

172. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدترین نام ها ضِرار، مُرّه، حرب و ظالم است.

173. مجمع الزوائد - به نقل از عبد الرحمان بن ابی سبره - من و پدرم نزد پیامبر خدا رفتیم.

به پدرم فرمود: «این، فرزند توست؟».

گفتم: آری.

فرمود: «نامش چیست؟».

گفتم: حُباب.

فرمود: «او را حُباب نام؛ چرا که حُباب، شیطان است؛ بلکه او عبد الرحمان است».

174. المعجم الکبیر - به نقل از ابن بریده، از پدرش - پیامبر خدا، نهی فرمود از این که کسی کلب (سگ) یا کُلیب (سگ کوچک) نامیده شود.

175. امام باقر علیه السلام: همانا منفورترین نام ها نزد خداوند عز و جل حارث، مالک و خالد است.

## و- دلیل نهی از برخی نام ها

176. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [نام های] مبارک و نافع و بشیر و میمون را ناخوش می دارم تا این که گفته نشود: «مبارک، آن جاست؟ بشیر، آن جاست؟ میمون، آن جا هست؟»، و در

ثُمَّ بِشِيرٍ، ثُمَّ مَيْمُونٌ؟ فَيَقَالُ: لَا. (1)

177. سنن أبي داود: عن مُحَمَّدَ بْنِ عَمْرٍو بْنِ عَطَاءٍ: أَنَّ زَيْنَبَ بِنْتَ أَبِي سَلَمَةَ سَأَلَتْهُ: مَا سَمَّيْتَ ابْنَتَكَ؟ قَالَ سَمَّيْتُهَا بَرَّةً. (2)

قَالَتْ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَدْ نَهَى عَنْ هَذَا الْإِسْمِ، سُمِّيَتْ بَرَّةً، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

لَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ، اللَّهُ أَعْلَمُ بِأَهْلِ الْبِرِّ مِنْكُمْ. فَقَالُوا: مَا نَسَمَّيْهَا؟ قَالَ: سَمُّوْهَا زَيْنَبَ. (3)

6/1: حَلَقُ الرَّأْسِ

178. الإمام الصادق عليه السلام - و سُئِلَ عَنْ عَلِيٍّ حَلَقِ رَأْسِ الْمَوْلُودِ فَقَالَ: - تَطْهِيْرُهُ مِنْ شَعْرِ الرَّحِمِ. (4)

179. الكافي عن علي بن جعفر عن الإمام الكاظم عليه السلام، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ مَوْلُودٍ يُحَلَقُ رَأْسُهُ بَعْدَ يَوْمِ السَّبْعِ؟ فَقَالَ: إِذَا مَضَى سَبْعَةُ أَيَّامٍ

فَلَيْسَ عَلَيْهِ حَلْقٌ. (5)

7/1: الْعَقِيْقَةُ

180. رسول الله صلى الله عليه وآله: كُلُّ غُلَامٍ رَهِيْنَةٌ بِعَقِيْقَتِهِ، يُدْبِحُ عَنْهُ يَوْمَ سَابِعِهِ. (6)

ص: 108

1- الجعفریات: ص 190، [1] النوادر للراوندى: ص 105 ح 75 [2] كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.

2- فى المصدر: «سَمَّيْتُهَا مَرَّةً»، والصحيح «بَرَّةً» بقرينه ذيل الحديث و المصادر الأخرى، و الظاهر وقوع التصحيف فيه.

3- سنن أبي داود: ج 4 ص 288 ح 4953، المعجم الكبير: ج 24 ص 280 ح 709.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 489 ح 4728، علل الشرايع: ص 505 ح 1، [3] مكارم الأخلاق: ج 1 ص 488 ح 1693. [4]

5- الكافي: ج 6 ص 38 ح 1، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 [5] ص 489 ح 4729.

6- سنن الدارمى: ج 1 ص 511 ح 1903، [6] السنن الكبرى: ج 9 ص 510 ح 19290 [7] كلاهما عن سمره.

پاسخ گفته شود: نه.

177. سنن أبي داود - و به نقل از محمد بن عمرو بن عطاء - زينب دختر ابو سلمه، از او (محمد بن عمرو بن عطاء) پرسيد: دخترت را چه ناميدي؟

گفت: او را بَرّه (نيکوکار) ناميدم.

گفت: پيامبر خدا، از اين نام نهی کرد. من، بَرّه ناميده شده بودم که پيامبر خدا فرمود: «خودتان را نستايد. خداوند، به اهل نيکی، آگاه تر است».

گفتند: او را چه بناميم؟

فرمود: «او را زينب بناميد».

### 6/1: تراشيدن سر

178. امام صادق عليه السلام - وقتی علت تراشيدن سر نوزاد را از ايشان پرسيدند - : [به جهت] پاک کردن او از موی [ دوران ] رَحِم.

179. الكافي - به نقل از علی بن جعفر - : از امام کاظم عليه السلام درباره نوزاد پرسيدم که: آیا پس از روز هفتم سرش تراشیده می شود؟

فرمود: «وقتی از هفت روز گذشت، تراشيدن بر او نيست».

### 7/1: عقیقه کردن

180. پيامبر خدا صلی الله عليه و آله: هر پسری در گرو عقیقه اش است که روز هفتم، برای او ذبح می شود.

ص: 109

181. الإمام الباقر عليه السلام: إذا كان يوم السابع وقد وُلِدَ لِأَحَدِكُمْ غُلامٌ أو جاريةٌ فَلْيُعَقِّ عَنْهُ كَبِشاً؛ عَنِ الدَّكْرِ ذِكْراً، وَعَنِ الأُنْثَى مِثْلَ ذَلِكَ، عَقِّوا عَنْهُ وَأَطْعِمُوا القابِلَةَ مِنَ العَقِيْقَةِ، وَسَمِّوهُ يَوْمَ السَّابِعِ. (1)

182. الإمام الصادق عليه السلام: الْمَوْلُودُ إِذَا وُلِدَ عَقِّ عَنْهُ وَحُلِقَ رَأْسُهُ، وَتُصَدِّقُ بِوِزْنِ شَعْرِهِ وَرِقْفاً، (2) وَاهْدِي إِلَى القابِلَةِ الرَّجُلُ وَالْوَرَكُ، (3) وَيُدْعَى نَقْرٌ مِنَ المُسْلِمِينَ فَيَأْكُلُونَ وَيَدْعُونَ لِلْغُلامِ، وَيُسَمَّى يَوْمَ السَّابِعِ. (4)

183. عنه عليه السلام: كُلُّ مَوْلُودٍ مُرْتَهَنٌ بِالْعَقِيْقَةِ. (5)

184. عنه عليه السلام: العَقِيْقَةُ يَوْمَ السَّابِعِ، وَتُعْطَى (6) القابِلَةَ الرَّجُلَ مَعَ الوَرَكِ، وَلَا يُكْسَرُ العَظْمُ. (7)

185. عنه عليه السلام: تَقُولُ عَلَى العَقِيْقَةِ إِذَا عَقَقْتَ: «بِسْمِ اللّهِ وَبِاللّهِ، اللّهُمَّ عَقِيْقَةَ عَن فُلانٍ، لِحَمِّها بِلِحْمِهِ، وَدَمِّها بِدَمِّهِ، وَعَظْمُها بِعَظْمِهِ، اللّهُمَّ اجْعَلْهُ وَقاءً لِّأَلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَعَليْهِمْ». (8)

186. الكافي عن عمّار بن موسى عن الإمام الصادق عليه السلام، قال: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَوْلُودِ كَيْفَ هِيَ؟

ص: 110

- 
- 1- الكافي: ج 6 ص 27 ح 4، [1] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 442 ح 1769، وسائل الشيعة: ج 15 ص 152 ح 11. [2]
  - 2- الورق: الفِضَّة (لسان العرب: ج 10 ص 375) «[3] ورق».
  - 3- الورك: ما فوق الفَخِذِ (النهاية: ج 5 ص 176) «[4] ورك».
  - 4- الكافي: ج 6 ص 28 ح 5، [5] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 442 ح 1770 كلاهما عن حفص الكناسي.
  - 5- الكافي: ج 6 ص 24 ح 2، [6] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 441 ح 1762، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 484 ح 4711 كلّها عن أبي خديجه.
  - 6- في المصدر «ويُعْطَى»، والتصويب من المصادر الأخرى.
  - 7- الكافي: ج 6 ص 29 ح 11، [7] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 443 ح 1772 كلاهما عن الكاهلي، وسائل الشيعة: ج 15 ص 150 ح 5.
  - 8- الكافي: ج 6 ص 30 ح 1 [9] عن إبراهيم الكرخي، وسائل الشيعة: ج 15 ص 154 ح 1. [10]

181. امام باقر علیه السلام: هر گاه روز هفتم ولادت پسر یا دختر یکی از شما فرا رسید، باید گوسفندی عقیقه کند؛ برای پسر، گوسفند نر و برای دختر گوسفند ماده، عقیقه کنید و از عقیقه به ماما بدهید و روز هفتم، بر او نام بگذارید.

182. امام صادق علیه السلام: هرگاه کودک زاده شد، [مستحب است] برای او عقیقه کنند، سر او را بتراشند و به وزن موی او، نقره صدقه بدهند و پا و ران عقیقه به ماما هدیه داده شود و گروهی از مسلمان ها دعوت شوند؛ آنان بخورند و برای فرزند دعا کنند، و روز هفتم، نام بر او بگذارند.

183. امام صادق علیه السلام: هر نوزادی در گرو عقیقه است.

184. امام صادق علیه السلام: عقیقه کردن، در روز هفتم است و به ماما، پای [گوسفند] همراه با ران آن داده می شود و استخوان آن، شکسته نمی شود.

185. امام صادق علیه السلام: هنگامی که عقیقه کردی، بگو: «به نام خدا و به کمک خدا. بار الها! عقیقه ای است از فلانی. گوشتش در برابر گوشت او، خورش در برابر خون او و استخوانش در برابر استخوان او. بار الها! او را سپر (بلا گردان) خاندان محمد - که دروهای تو بر او و آنان باد - قرار ده».

186. الکافی - به نقل از عمّار بن موسی - : از امام صادق علیه السلام پرسیدم: عقیقه کردن برای نوزاد، چگونه است؟

قال:.... يُعْطَى الْقَابِلَةَ رُبْعَهَا، وَإِنْ لَمْ تَكُنْ قَابِلَةً فَلِأُمَّهُ تُعْطِيهَا مِنْ شَاءَتْ، وَتُطْعِمُ مِنْهُ عَشْرَةَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنْ زَادُوا فَهِيَ أَفْضَلُ. (1)

187. الكافي عن أبي الصّباح الكناني: سألتُ أبا عبد الله عليه السلام عن الصبيّ المولود، متى يذبح عنه، ويحلق رأسه، ويتصدّق بوزن شعره، ويسمّى؟

قال: كلُّ ذلك في اليوم السابع. (2)

188. الكافي عن جميل بن درّاج: سألتُ أبا عبد الله عليه السلام عن العقيقه والحلق والتسميه بأيها يبدأ؟ قال: يُصْنَعُ ذَلِكَ كُلُّهُ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ، يُحْلَقُ وَيُذَبِّحُ وَيُسَمَّى، ثُمَّ ذَكَرَ مَا صَنَعَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامَ لَوْلِدِهَا. ثُمَّ قَالَ: يوزن الشعر، ويتصدّق بوزنه فضة. (3)

189. الكافي عن إسحاق بن عمّار عن الإمام الصادق عليه السلام - في العق عن المولود وحلقه والتصدّق عنه - قال: قلتُ له: بأيّ ذلك نبدأ؟ قال: تحلق رأسه، وتعتق عنه، وتصدّق بوزن شعره فضة، ويكون ذلك في مكان واحد. (4)

8/1: الختان

190. رسول الله صلى الله عليه وآله: طهّروا أولادكم يوم السابع؛ فإنّه أطيّب وأطهر وأسرع لنبات اللحم، وإنّ الأرض تنجس من بول الأغلف أربعين صباحاً. (5)

191. الإمام الصادق عليه السلام: اختنوا أولادكم لسبعه أيام؛ فإنّه أطهر وأسرع لنبات اللحم، وإنّ

ص: 112

1- الكافي: ج 6 ص 28 ح 9، [1] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 443 ح 1771.

2- الكافي: ج 6 ص 28 ح 8. [2]

3- الكافي: ج 6 ص 33 ح 4. [3]

4- الكافي: ج 6 ص 27 ح 2، [4] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 442 ح 1767.

5- الكافي: ج 6 ص 35 ح 2، [5] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 445 ح 1778 كلاهما عن السكوني عن الإمام الصادق عليه السلام.

فرمود: «...یک چهارم آن، به ماما داده شود و اگر ماما نداشت، مادر فرزند، به هر کس خواست، آن را بدهد و به ده تن از مسلمانان، طعام داده شود و اگر بیشتر شدند، بهتر است».

187. الکافی - به نقل از ابو الصباح کنانی - از امام صادق علیه السلام درباره نوزاد پرسیدم که: چه وقت برای او عقیقه کنند و سرش را تراشند و به وزن مویش صدقه بدهند و بر او نام بگذارند؟

فرمود: «[وقت] تمام اینها، روز هفتم [تولد] است».

188. الکافی - به نقل از جمیل بن درّاج - از امام صادق علیه السلام درباره عقیقه و تراشیدن سر و نام گذاری پرسیدم که با کدام یک، آغاز شود؟

فرمود: «همه اینها در یک زمان انجام می شود؛ تراشیدن سر، عقیقه و نام نهادن».

آن گاه، آنچه را فاطمه علیها السلام برای فرزندانش انجام داده بود، بیان کرد. سپس فرمود:

«مو، باید وزن شود و به اندازه آن، نقره صدقه داده شود».

189. الکافی - به نقل از اسحاق بن عمّار - به امام صادق علیه السلام گفتم: [از میان آداب وارد شده درباره نوزاد،] به کدام یک آغاز کنیم؟

فرمود: «سرش را می تراشی و عقیقه می کنی و به اندازه موی سرش نقره صدقه می دهی. همه اینها یک جا انجام شود».

### 8/1: ختنه کردن

190. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: روز هفتم [تولد]، فرزندان را [با ختنه] پاکیزه کنید؛ چرا که مایه تمیزی و پاکیزگی بیشتر و رویش شتابنده تر گوشت است و زمین، چهل روز از بول شخص ختنه نشده، آلوده می شود (1).

191. امام صادق علیه السلام: روز هفتم [تولد]، فرزندان را ختنه کنید؛ چرا که مایه پاکیزگی بیشتر

ص: 113

---

1- منظور از آلودگی، مخالفت با سنت است، نه آلودگی و نجاست ظاهری؛ نابالغ، به خاطر مخالفت پدر و مادرش با سنت، و بالغ، به خاطر مخالفت خودش.

192. عنه عليه السلام: ختان الغلام من السنّه، وخفض الجوارى ليس من السنّه. (2)

193. كتاب من لا يحضره الفقيه عن مرازم بن حكيم الازدى عن الإمام الصادق عليه السلام - في الصبي إذا ختن، قال: - يقول:

اللَّهُمَّ هَذِهِ سُنَّتُكَ، وَسُنَّةُ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاتِّبَاعٌ مِنَّا لَكَ وَلِنَبِيِّكَ، بِمَشِيَّتِكَ وَبِرَادَتِكَ وَقَضَائِكَ؛ لِأَمْرٍ أَنْتَ أَرَدْتَهُ، وَقَضَاءِ حَتَمَتَهُ، وَ  
أَمْرٍ أَنْفَذْتَهُ، فَأَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي خِتَانِهِ وَحِجَامَتِهِ لِأَمْرٍ أَنْتَ أَعْرَفُ بِهِ مِنِّي، اللَّهُمَّ فَطَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَزِدْ فِي عُمُرِهِ، وَادْفَعْ الْآفَاتِ عَنْ بَدَنِهِ، وَ  
الْأَوْجَاعِ عَنْ جِسْمِهِ، وَزِدْهُ مِنَ الْغِنَى، وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ، فَإِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ.

وقال أبو عبد الله عليه السلام: أي رجل لم يقلها عند ختان ولده فليقلها عليه من قبل أن يحتلم، فإن قالها كفى حر الحديد من قتل أو غيره.

(3)

194. الكافي عن علي بن يقطين: سألت أبا الحسن عليه السلام عن ختان الصبي لسبعه أيام؛ من السنّه هو أو يؤخر؟ وأيها أفضل؟

قال: لسبعه أيام من السنّه، وإن أخر فلا بأس. (4)

ص: 114

1- الكافي: ج 6 ص 34 ح 1، [1] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 444 ح 1777 كلاهما عن مسعده بن صدقه.

2- الكافي: ج 6 ص 37 ح 2 [2] عن عبد الله بن سنان.

3- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 488 ح 4726، وسائل الشيعه: ج 15 ص 169 ح 1. [3]

4- الكافي: ج 6 ص 36 ح 7، [4] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 445 ح 1780، وسائل الشيعه: ج 15 ص 165 ح 1. [5]



و رویش زودتر گوشت است و زمین، بول ختنه نشده را ناپسند می دارد.

192. امام صادق علیه السلام: ختنه کردن پسر، از سنت است؛ ولی ختنه کردن دختر، از سنت نیست.

193. کتاب من لا یحضره الفقیه - به نقل از مرازم بن حکیم - : امام صادق علیه السلام فرمود که هنگام ختنه پسر بچه بگوید: «بار الها! این سنت تو و سنت پیامبر توست - که درودت بر او و خاندان او باد -، و این پیروی ما از تو و پیامبر توست، به جهت خواست تو و اراده تو و حکم تو به کاری که آن را خواسته ای و حکمی که قطعی اش کرده ای و فرمانی که آن را نافذ دانسته ای. از این رو، به خاطر چیزی که تو از من بدان آگاه تری، در ختنه و حجامت، سوزش آهن را به او چشاندم. بار الها! پس او را از گناهان، پاک و عمرش را طولانی و آسیب ها و دردها را از بدن و جسمش بگردان و بر دارایی او بیفزا و فقر را از او دفع کن. بی گمان، تو می دانی و ما نمی دانیم».

[ امام صادق علیه السلام در ادامه ] فرمود: «هر کس این دعا را هنگام ختنه فرزندش نخواند، پیش از بلوغ بر او بخواند؛ اگر آن را خواند، او از تیزی آهن در کشته شدن و دیگر موارد، ایمن خواهد شد».

194. الکافی - به نقل از علی بن یقظین - : از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: ختنه پسر بچه در روز هفتم [ تولد ] از سنت است یا می توان آن را به تأخیر انداخت؟ و کدام برتر است؟

فرمود: «در روز هفتم، از سنت است و اگر به تأخیر بیفتد، اشکالی ندارد».

للطفل فى فتره الرضاعه حقان أساسيان:

1. الغذاء المناسب

يُعدّ حليب الأمّ أفضل غذاء للطفل، ولا يقوم مقامه أى غذاء آخر على ما وردت به توجيهات وتعاليم المعصومين عليهم السلام. وعلى هذا الأساس فإنّ من حقوق الطفل التغذى من حليب الأمّ فى صورته الإمكان.

والأمهات اللائى يرغبن فى العمل بوظيفتهن وارضاع أولادهن فإنّ القرآن يصرّح بأنّ زمان رضاعه عامان، وأنّ حقّ الطفل فى الرضاعه هو 21 شهراً كما ورد عن الإمام الرضا عليه السلام، وما قل عن ذلك فهو ظلم للطفل.

وأما إذا لم يرضع الطفل من أمّه-لأى سبب-فإنّ على الأب اختيار مرضعه صالحه لولده تتمتع بجمال ظاهرى وباطنى، وذلك لتأثير لبن المرضعه فى جسم الطفل وروحه، ولذا حدّرت الروايات الإسلاميه من اختيار المرضعه المنحرفه عقائدياً أو عملياً أو أخلاقياً أو المصابه بمرض.

کودک در دوران شیرخوارگی، دارای دو حق اساسی است:

#### 1. تغذیه مناسب

بر پایه ره نمودهای پیشوایان اسلام، بهترین غذا برای کودک، شیر مادر است.

هیچ چیز برای کودک، جای شیر مادر را نمی گیرد. بنا بر این، کودک حق دارد که در صورت امکان، از شیر مادر استفاده کند.

مادرانی که مایل باشند به این وظیفه مادری به طور کامل عمل کنند، قرآن کریم تصریح می کند که دو سال تمام باید به فرزندان خود شیر دهند، و یا برای برخورداری کودک از این حق طبیعی، طبق فرمایش امام رضا علیه السلام، 21 ماه به فرزند خود شیر دهند که هر چه از این مدت کاسته گردد، در حق کودک، ستم شده است.

اما در صورتی که به هر دلیل، کودک نمی تواند از شیر مادر استفاده کند، پدر موظف است دایه ای شایسته برای شیر دادن وی، انتخاب نماید؛ دایه ای که از زیبایی ظاهری و باطنی برخوردار باشد، چه این که شیر در پرورش جسم و جان کودک، نقش دارد. از این رو، روایات اسلامی نسبت به انتخاب دایه هایی که از نظر اعتقادی و یا عملی و یا اخلاقی انحراف دارند و یا دچار بیماری هستند، هشدار داده اند.

الملاحظه المهمه الأخرى والملفته للنظر في سيره النبي صلى الله عليه وآله المتعلقة برعايه حقوق الأطفال الرضع، والذي يبدو عجيباً هو احترامه لمشاعرهم، فقد ورد أنه كان يصلّي ذات يوم جماعه فأسرع في صلاته على خلاف عادته حتى ظنّ المسلمون أنه نزل عليه الوحي بأمر جديد من الله تعالى، فلما سألوه عن ذلك قال: «أما سمعتم بكاء الصبي؟»

وبهذا يعلم أن سبب تخفيف النبي صلى الله عليه وآله للصلاه هو بكاء الصبي الذي كان إلى جانب المصلّين، فلاجل إسكاته أسرع في الصلاه.

وقد تكرر مراراً أنه يؤتى إليه بالصبي ليدعوه له، فيضعه في حجره ويدعوه له فإذا بالصبي يبول في هذه الحال على ثياب النبي صلى الله عليه وآله فيحاولون أن يأخذوا الطفل من النبي صلى الله عليه وآله لئلا ينجس ثيابه أكثر من ذلك، فيمنعهم النبي صلى الله عليه وآله عن ذلك.

فإن النبي الأعظم صلى الله عليه وآله من خلال هذا التعامل الحكيم في الوقت الذي يؤكد فيه تعاطفه مع اسره الطفل فإنه يجتنب جرح مشاعره واحساساته، وذلك لما يترتب على جرح مشاعره من آثار سلبية على مستقبله.

1/2: الرضاع من الأم إن أمكن

أ-فضل إرضاع الولد

195. رسول الله صلى الله عليه وآله: إذا حملت المرأة كانت بمنزلة الصائم القائم، المجاهد بنفسه و ماله في سبيل الله، فإذا وضعت كان لها من الأجر ما لا تدرى ما هو لعظمه، فإذا أرضعت كان لها بكل مصبه كعدل عتق محرر من ولد إسماعيل، فإذا فرغت من رضاعه صد رب ملك على جنبها، وقال: استأنفي العمل؛ فقد غفر لك. (1)

196. عنه صلى الله عليه وآله: حاملات وإدات مرضعات رحيمات، لو لا ما يأتين إلى بعولتهن ما دخلت

ص: 118

1- الأمالى للصدوق: ص 496 ح 678 [1] عن أبي خالد الكعبي عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 104 ص 106 ح 1.

[2]

### اشاره

نکته مهم دیگری که در سیره پیامبر خدا در مورد رعایت حقوق کودکان شیرخوار، شگفت انگیز است، احترام به احساسات آنهاست. در حدیث است که روزی پیامبر خدا، بر خلاف روش همیشگی، نماز خود را که با جماعت می خواند، کوتاه کرد.

به قدری پیامبر صلی الله علیه و آله با سرعت نماز خود را تمام کرد که مسلمانان، تصوّر کردند که دستور جدیدی از جانب خداوند متعال در این باره به ایشان رسیده است؛ اما وقتی از ایشان، علت این کار را پرسیدند، با تعجب پاسخ شنیدند که: «مگر صدای گریه کودک را نشنیدید؟».

معلوم شد که دلیل کوتاه شدن نماز پیامبر صلی الله علیه و آله، گریه کودک بوده که در کنار نمازگزاران، بی تاب می کرده و ایشان، برای زودتر آرام کردن کودک، نماز را کوتاه کرده است.

مکرر اتفاق می افتاد که کودکی را خدمت پیامبر خدا می آوردند که برای او دعا کند. ایشان، او را در بغل می گرفت و هنگامی که مشغول دعا خواندن می شد، کودک، لباس ایشان را آلوده می کرد. می خواستند او را از ایشان، جدا کنند تا مانع آلوده شدن بیشتر لباس های ایشان شوند؛ اما ایشان نمی گذاشت.

پیامبر خدا، با این گونه برخوردهای حکیمانه، ضمن دلجویی از خانواده کودک، مانع جریحه دار شدن احساسات کودک می شد؛ چرا که می دانست بی احترامی به احساسات کودک، آثار نامطلوبی برای آینده وی در پی خواهد داشت.

### 1/2: شیرخوردن از مادر، در صورت امکان

#### الف- فضیلت شیر دادن به کودک

195. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که زن باردار می شود، به سان روزه دار شب زنده دار و مجاهدی است که با جان و مالش در راه خدا جهاد می کند و هنگامی که باز بگذارد، پاداشی دارد که نمی دانی عظمت آن چه قدر است و هنگامی که شیر بدهد، در هر مک زدن، پاداش آزاد کردن یکی از فرزندان اسماعیل برای اوست و آن گاه که شیر دادن تمام شود، فرشته ای بر پهلوی او می زند و می گوید: «عمل را از نو آغاز کن که بی تردید، آمرزیده شدی».

196. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زنان باردار زایای شیرده مهربان، اگر به خاطر آزار رساندن به

ب- بَرَكَةُ لَبَنِ الْأُمِّ

197. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمَّهِ. (2)

198. الإمام عليّ عليه السلام: مَا مِنْ لَبَنِ يُرَضَعُ بِهِ الصَّبِيُّ أَعْظَمَ بَرَكَةً عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمَّهِ. (3)

ج- مُدَّةُ الْإِرْضَاعِ

الكتاب

«وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ». 4

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ...». 5

الحديث

199. الإمام الصادق عليه السلام: الرِّضَاعُ وَاحِدٌ وَعِشْرُونَ شَهْرًا، فَمَا تَقَصَّ فَهُوَ جَوْرٌ عَلَى الصَّبِيِّ. (4)

ص: 120

- 
- 1- الكافي: ج 5 ص 514 ح 2 [1] عن أبي بصير عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 22 ص 146 ح 138؛ [2] المعجم الكبير: ج 8 ص 253 ح 7989، عن أبي امامه نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 407 ح 45133.
  - 2- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 34 ح 69، [3] صحيفه الإمام الرضا عليه السلام: ص 101 ح 42 [4] كلاهما عن أحمد بن عامر بن سليمان الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام.
  - 3- الكافي: ج 6 ص 40 ح 1، [5] تهذيب الأحكام: ج 8 ص 108 ح 365 كلاهما عن طلحة بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 475 ح 4663.
  - 4- الكافي: ج 6 ص 40 ح 3، [6] تهذيب الأحكام: ج 8 ص 106 ح 357، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 474 ح 4661 كلاهما عن سماعه.

همسرانشان نبود، هیچ اهل نمازی از آنان، وارد جهنم نمی شد.

### **ب-برکت شیر مادر**

197. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای کودک، هیچ شیری بهتر از شیر مادرش نیست.

198. امام علی علیه السلام: هیچ شیری که کودک با آن تغذیه شود، با برکت تر از شیر مادرش نیست.

### **ج-مدت زمان شیر دادن**

قرآن

«ومادرانی که بخواهند شیر دادن به فرزندانشان را کامل سازند، دو سال تمام شیرشان بدهند».

«و ما سفارش پدر و مادر را به انسان کردیم. مادرش به او باردار شد، در حالی که ضعف بر روی ضعف، افزوده می شد و از شیرگرفتاش در دو سالگی بود».

حدیث

199. امام صادق علیه السلام: شیر خوردن، تا بیست و یک ماه است. پس هر چه کم شود، ستم بر کودک است.

ص: 121

200. الإمام عليّ عليه السلام: تَخَيَّرُوا لِلرَّضَاعِ كَمَا تَتَخَيَّرُونَ لِلنِّكَاحِ؛ فَإِنَّ الرِّضَاعَ يُغَيِّرُ الطَّبَاعَ. (1)

201. عنه عليه السلام: انظروا مَنْ تُرَضِعُ أَوْلَادَكُمْ؛ فَإِنَّ الْوَلَدَ يَشَبُّ عَلَيْهِ. (2)

202. الإمام الباقر عليه السلام: اسْتَرْضِعْ لَوْلَدِكَ بِلَبَنِ الْحِسَانِ، وَإِيَّاكَ وَالْقَبَاحِ؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ قَدْ يُعْدِي. (3)

203. عنه عليه السلام: عَلَيْكُمْ بِالْوِضَاءِ (4) مِنَ الطُّوْرَةِ (5)؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعْدِي. (6)

3/2: مَنْ لَا يَنْبَغِي اسْتَرْضَاعُهُ

204. رسول الله صلى الله عليه وآله: تَوَقَّروا عَلَى أَوْلَادِكُمْ لَبْنَ الْبَغِيِّ (7) مِنَ النِّسَاءِ وَالْمَجْنُونَةِ؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعْدِي. (8)

ص: 122

1- قرب الإسناد: ص 93 ح 312 [1] عن الحسين بن علوان عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 103 ص 323 ح

10. [2]

2- الكافي: ج 6 ص 44 ح 10 [3] عن غياث بن إبراهيم عن الإمام الصادق عليه السلام.

3- الكافي: ج 6 ص 44 ح 12 [4] عن محمد بن مروان، تهذيب الأحكام: ج 8 ص 110 ح 376 عن الهيثم بن محمد بن مروان.

4- وِضَاءٌ: أَي حِسَانٌ نِقَاءٌ (لسان العرب: ج 1 ص 195 «[5] وِضَاءٌ»).

5- الطُّورُ: العاطفة على ولد غيرها المرصعة له، والجمع: أَطْوَرٌ وَأَطَارٌ وَطُوْرٌ وَطُوْرَةٌ (القاموس المحيط: ج 2 ص 80 «طَارٌ»).

6- الكافي: ج 6 ص 44 ح 13، [6] تهذيب الأحكام: ج 8 ص 110 ح 377، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 478 ح 4677 كلُّها

عن زراره.

7- الْبَغِيُّ: الْمَرْأَةُ الْفَاجِرَةُ (مجمع البحرين: ج 1 ص 172 «بغى»).

8- الخصال: ص 615 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 105، مكارم

الأخلاق: ج 1 ص 479 ح 1655 [7] بحار الأنوار: ج 103 ص 323 ح 9. [8]



## 2/2: درخواست شیر دادن از دایه های شایسته

200. امام علی علیه السلام: برای شیردادن، [دایه های شایسته را] گزینش کنید، همان گونه که برای ازدواج گزینش می کنید؛ چرا که شیر، طبیعت ها را تغییر می دهد.

201. امام علی علیه السلام: ببینید چه کسی فرزندان را شیر می دهد؛ چرا که فرزند، بر همان پایه رشد می کند.

202. امام باقر علیه السلام: برای فرزندت، شیرِ دایگانِ خوب روی را درخواست کن و از شیرِ دایگانِ زشت، پرهیز؛ زیرا شیر، [خصلت های شیردهنده را] سرایت می دهد.

203. امام باقر علیه السلام: بر شما باد [انتخاب] دایگان پاکیزه و پُر عاطفه؛ زیرا شیر، [خصلت ها را] منتقل می کند.

## 3/2: کسی که در خواست شیر دادن از او شایسته نیست

204. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کودکان خود را از شیرِ زنان بدکاره و دیوانه دور نگه دارید؛ چرا که شیر، [ویژگی های دایه را] سرایت می دهد.

ص: 123

205. عنه صلى الله عليه وآله: لا تَسْتَرِضِعُوا الْحَمَقَاءَ وَلَا الْعَمَشَاءَ (1)؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعَدَى. (2)

206. عنه صلى الله عليه وآله: لا تَسْتَرِضِعُوا الْحَمَقَاءَ؛ فَإِنَّ اللَّبْنَ يُعَدَى، وَإِنَّ الْغُلَامَ يَنْزَعُ (3) إِلَى اللَّبَنِ؛ يَعْنِي إِلَى الظُّنْرِ فِي الرَّعُونَةِ (4) وَالْحُمَقِ. (5)

207. الإمام الصادق عليه السلام: لا تَسْتَرِضِعْ لِلصَّبِيِّ الْمَجُوسِيَّةَ، وَتَسْتَرِضِعْ لَهُ الْيَهُودِيَّةَ وَالنَّصْرَانِيَّةَ، وَلَا يَشْرَبَنَّ الْخَمْرَ يُمْنَعَنَّ مِنْ ذَلِكَ، وَيُكْرَهُ لَبْنُ الْحَمَقَاءِ وَقَبِيحِهِ الْوَجْهِ، وَيُسْتَحَبُّ لَبْنُ الْوِضَاءِ مِنَ النِّسَاءِ. (6)

208. الكافي عن عبيد الله الحلبي: قُلْتُ لِأبي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: امْرَأَةٌ وُلِدَتْ مِنَ الزَّوْنِ، أَتَخَذُهَا ظِئْرًا؟

قَالَ: لَا تَسْتَرِضِعُهَا، وَلَا ابْنَتَهَا. (7)

4/2: إِطْعَامُ الْأَغْذِيَةِ التَّافِعِهِ

209. الإمام علي عليه السلام: أَطْعَمُوا صَبِيَانَكُمْ الرُّمَانَ؛ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ لِأَسْنَتِهِمْ. (8)

ص: 124

1- الْعَمَشُ: ضَعْفُ رُؤْيِهِ الْعَيْنِ مَعَ سِيلَانِ دَمْعِهَا (لسان العرب: ج 6 ص 320 «[1] عمش»).

2- عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 34 ح 67، [2] صحيفه الإمام الرضا عليه السلام: ص 100 ح 41 [3] كلاهما عن أحمد بن عامر الطائي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام.

3- نَزَعَ إِلَيْهِ: أَشْبِهَهُ (القاموس المحيط: ج 3 ص 88 «نزع»).

4- الْأَزْعَنُ: الْأَهْوَجُ فِي مَنْطِقِهِ وَالْأَحْمَقُ الْمُسْتَرْخِي (القاموس المحيط: ج 4 ص 228 «رعن»).

5- الكافي: ج 6 ص 43 ح 8، [4] تهذيب الأحكام: ج 8 ص 110 ح 375، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 478 ح 4679 كلُّها عن محمد بن قيس.

6- تهذيب الأحكام: ج 8 ص 110 ح 374، الكافي: ج 6 ص 44 ح 14 [5] وليس فيه «ذيله» و كلاهما عن سعيد بن يسار.

7- الكافي: ج 6 ص 42 ح 1، [6] تهذيب الأحكام: ج 8 ص 108 ح 367، دعائم الإسلام: ج 2 ص 242 ح 911 عن رسول الله صلى الله عليه وآله قاله نحوه.

8- الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص 362 ح 753 [7] عن علي بن علي الدعبلِي عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام عن النزال بن سيره، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 371 ح 1227. [8]

205. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از زن احمق و زنی که چشمش ضعیف بوده است و آب ریزش دارد، درخواست شیردهی نکنید؛ چرا که شیر [ویژگی های دایه را] سرایت می دهد.

206. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از زن احمق، درخواست شیر دادن [به فرزند] نکنید؛ چرا که شیر [ویژگی های دایه را] سرایت می دهد و فرزند، شباهت به [صاحب] شیر می برد؛ یعنی در حماقت و نادانی، همانند دایه می شود.

207. امام صادق علیه السلام: برای کودک، از زن مجوس درخواست شیر دادن [به فرزند] نکن، ولی از زن یهودی و مسیحی درخواست کن. البته نباید شراب بنوشند و باید از این کار، باز داشته شوند. شیر دایه احمق و زشت رو، مناسب نیست؛ و [لی] شیر زن پاکیزه زیبا، خوب است.

208. الکافی - به نقل از عبید الله حلبی - : به امام صادق علیه السلام گفتم: آیا زنی را که از زنا زاده شده است، به عنوان دایه انتخاب کنم؟ فرمود: «نه از او و نه از دخترش، درخواست شیر نکن».

#### **4/2: دادن غذاهای سودمند**

209. امام علی علیه السلام: به کودکان انار بدهید؛ چرا که مایه رویش شتابنده تر دندان هاست.

210. الإمام الصادق عليه السلام: أَطْعِمُوا صِبْيَانَكُمْ الرُّمَانَ؛ فَإِنَّهُ أَسْرَعُ لِسَبَابِهِمْ. (1)

211. المحاسن عن خضر: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَتَانَهُ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِنَا فَقَالَ لَهُ: يُوَادُّ لَنَا الْمَوْلُودُ فَيَكُونُ مِنْهُ الْقِلَّةُ (2) وَالصَّغْفُ، فَقَالَ: مَا يَمْنَعُكَ مِنَ السَّوْبِقِ (3) فَإِنَّهُ يَشُدُّ الْعِظْمَ، وَيُنْبِتُ اللَّحْمَ؟ (4)

5/2: احترام شعور الرضيع

212. الإمام الصادق عليه السلام: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الظُّهْرَ وَالْعَصْرَ فَخَفَّفَ الصَّلَاةَ فِي الرَّكَعَتَيْنِ، فَلَمَّا انصَرَ رَفَعَ قَالَ لَهُ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَحَدَثَ فِي الصَّلَاةِ شَيْءٌ؟ قَالَ: وَمَا ذَاكَ؟ قَالَوا:

خَفَّفْتَ فِي الرَّكَعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ! فَقَالَ لَهُمْ: أَمَا سَمِعْتُمْ صُرَاخَ الصَّبِيِّ؟! (5)

213. المناقب لابن شهر آشوب عن عبد الرحمن بن أبي ليلى: كُنَّا جُلُوسًا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذْ أَقْبَلَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَعَلَ يَنْزِعُ عَلَى ظَهْرِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى بَطْنِهِ، فَبَالَ، فَقَالَ: دَعُوهُ. أَبُو عُبَيْدٍ فِي غَرِيبِ الْحَدِيثِ أَنَّهُ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تُزْرِمُوا ابْنِي: أَي لَا تَقْطَعُوا عَلَيْهِ بَوْلَهُ - ثُمَّ دَعَا بِمَاءٍ فَصَبَّهُ عَلَى بَوْلِهِ. (6)

214. مسند ابن حنبل عن عيسى بن عبد الرحمن عن جده: كُنَّا عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَجَاءَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ يَحْبُو حَتَّى صَعِدَ عَلَى صَدْرِهِ، فَبَالَ عَلَيْهِ، فَابْتَدَرْنَا لِنَأْخُذَهُ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ:

ص: 126

- 1- المحاسن: ج 2 ص 360 ح 2254 [1] عن عبد الرحمن بن الحجاج، بحار الأنوار: ج 66 ص 164 ح 47. [2]
- 2- قال العلامة المجلسي قدس سره: كأن المراد بالقلة قلب اللحم والهزال، وفي المكارم «العله» وهو الأصوب (بحار الأنوار: ج 66 ص 277). [3]
- 3- السَّوْبِقُ: ما يعمل من الحنطة والشعير (المصباح المنير: ص 296 «[4] سوق»).
- 4- المحاسن: ج 2 ص 287 ح 1938، [5] مكارم الأخلاق: ج 1 ص 418 ح 1415 [6] نحوه، بحار الأنوار: ج 66 ص 276 ح 7. [7]
- 5- تهذيب الأحكام: ج 3 ص 274 ح 796، الكافي: ج 6 ص 48 ح 4 [8] نحوه كلاهما عن عبد الله بن سنان.
- 6- المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 71 و [9] راجع غريب الحديث لابن سلام: ج 1 ص 103-104. [10]

210. امام صادق علیه السلام: به کودکانان انار بدهید؛ چرا که مایهٔ زودتر جوان شدن آنهاست.

211. المحاسن - به نقل از خضر - نزد امام صادق علیه السلام بودم که یکی از شیعیان، خدمت رسید و به ایشان گفت: فرزندان ما [معمولاً] کم وزن و ناتوان به دنیا می آیند. امام علیه السلام فرمود: «چرا از سویق (قاووت)، استفاده نمی کنی که استخوان را محکم می کند و گوشت را می رویند؟».

## 5/2: احترام به درک شیرخوار

212. امام صادق علیه السلام: پیامبر خدا، نماز ظهر و عصر را خواند و دو رکعت [آخر] را سریع به جا آورد. [بعد از نماز] مردم به ایشان گفتند: ای پیامبر خدا! در [بارۀ] نماز، چیز تازه ای آمده است؟

فرمود: «این [سؤال] به خاطر چیست؟».

گفتند: دو رکعت آخر را سریع خواندی.

فرمود: «آیا صدای گریهٔ شدید کودک را نشنیدید؟».

213. المناقب، ابن شهر آشوب: به نقل از عبد الرحمان بن ابی لیلی - ما نزد پیامبر خدا نشسته بودیم که حسین علیه السلام آمد و همین طور که بر پشت پیامبر صلی الله علیه و آله و شکم ایشان بالا [و پایین] می رفت، بول کرد. ایشان فرمود: «رهاش کنید» (1).

214. مسند ابن حنبل - به نقل از عیسی بن عبد الرحمان، از جدش - ما نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که حسن بن علی، با حالت چهار دست و پا آمد تا این که روی سینهٔ ایشان رفت و

ص: 127

---

1- ابو عبید در غریب الحدیث آورده است که پیامبر خدا فرمود: «لا ترموا ابنی»، یعنی «بول کردن او را قطع نکنید». سپس ابی خواست و بر بول او ریخت.

ابنى ابنى، قال: ثُمَّ دَعَا بِمَاءٍ فَصَبَّهُ عَلَيْهِ. (1)

215. مكارم الأخلاق: كان صلى الله عليه وآله يؤتى بالصبي الصغير ليدعوه له بالبركة أو يسئله، فيأخذُه فيصده في حجره؛ تکرمةً لأهله، فربما بال الصبي عليه، فيصبح بعض من رآه حين بال، فيقول صلى الله عليه وآله: لا تزرموا بالصبي، فيدعه حتى يقضى بوله، ثم يفرغ له من دعائه أو تسميته، ويبلغ سرور أهله فيه، ولا يرون أنه يتأذى ببول صبيهم، فإذا انصرفوا غسل ثوبه بعد. (2)

216. مسند ابن حنبل عن عائشه: كان رسول الله صلى الله عليه وآله يؤتى بالصبيان فيدعو لهم، وإنه أتى بصبي فبال عليه، فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: صبوا عليه الماء صباً. (3)

ص: 128

- 
- 1- مسند ابن حنبل: ج 7 ص 35 ح 19078، [1] مثير الأحزان: ص 17.
  - 2- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 65 ح 68، [2] بحار الأنوار: ج 16 ص 240. [3]
  - 3- مسند ابن حنبل: ج 9 ص 299 ح 24247، [4] مسند إسحاق بن راهويه: ج 2 ص 116 ح 587.

رفت و بول کرد. ما به سرعت حرکت کردیم تا او را بگیریم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزندم، فرزندم!».

آن گاه، آبی طلب کرد و بر آن ریخت.

215. مکارم الأخلاق: معمولاً نوزاد را نزد پیامبر خدا می آوردند تا برای خجستگی و مبارکی او، دعا کند یا بر او نام بگذارد. ایشان، او را می گرفت و به جهت تکریم خانواده اش، او را روی دامن خود می گذاشت. گاهی کودک به ایشان بول می کرد و برخی کسانی که هنگام بول کردن او را می دیدند، فریاد می کشیدند؛ ولی ایشان می فرمود: «بول کردن او را قطع نکنید».

از این رو، او را رها می کردند تا بول او تمام شود. سپس، دعا کردن برای او یا نام گذاری او را به پایان می برد و خانواده اش را به خاطر فرزندشان خیلی خوش حال می ساخت، [به گونه ای که] آنان مشاهده نمی کردند که ایشان از بول کردن کودکشان ناراحت شده باشد.

سپس، وقتی آنان می رفتند، لباس خود را می شست.

216. مسند ابن حنبل - به نقل از عایشه - معمولاً کودکان را نزد پیامبر خدا می آوردند و ایشان، برایشان دعا می کرد. [یک بار] کودکی که نزد ایشان آورده بودند، به ایشان بول کرد. پیامبر خدا [فقط] فرمود: «آبی بر آن بریزید».

التعليم فى الإسلام أساس التربية، والعلم مقرون بالتهذيب وبناء الذات وفترة الطفولة كما تدلّ تعاليم الدين أفضل برهه تعليم والتربية، ولذا فإنّ أهمّ حقوق الطفل تهيئته الأرضية المناسبة لتعليمه وتربيته، بل إنّ جميع الحقوق المذكوره سابقاً ويأتى ذكره لاحقاً مقدّمه لموضوع التعليم والتربية.

نستعرض فى هذا الفصل التعاليم الواردة عن المعصومين عليهم السلام فى تربيته وتعليم الطفل.

1/3: قِيمَةُ طَلَبِ الْعِلْمِ فِي الصَّغَرِ

217. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي صِدْغِهِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ، وَمَثَلُ الَّذِي يَتَعَلَّمُ فِي كِبَرِهِ كَالَّذِي يَكْتُبُ عَلَى الْمَاءِ.

(1)

ص: 130

---

1- .كنز العمّال: ج 10 ص 249 ح 29336 نقلًا عن الطبرانى، الفردوس: ج 4 ص 135 ح 6420 وفيه «كمثل الوشم على الصخره» بدل «كالنقش فى الحجر» و كلاهما عن أبى الدرداء.



### اشاره

در اسلام، آموزش، پایهٔ پرورش و دانش همراه با خودسازی و سازندگی است و بر اساس آموزه های دینی، بهترین فصل آموزش و پرورش دوران کودکی است. از این رو، مهم ترین حقوق کودک، فراهم ساختن زمینهٔ آموزش و پرورش اوست؛ بلکه همهٔ حقوقی که پیش از این بدان اشارت می رفت و پس از این خواهد آمد، مقدمهٔ آموزش و پرورش کودک است.

متن ره نمودهای پیشوایان اسلام در زمینهٔ آموزش و پرورش کودک، در این فصل، ارائه می شود.

### 1/3: ارزش دانش آموختن در کودکی

217. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حکایت کسی که در کودکی می آموزد، همانند نقش کندن بر سنگ است و حکایت کسی که در بزرگ سالی می آموزد، همانند کسی است که بر آب می نویسد.

ص: 131

218.الإمام عليّ عليه السلام: مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ. (1)

219.عنه عليه السلام: مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ أَجَابَ فِي كِبَرِهِ. (2)

220.عنه عليه السلام: مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصَّغَرِ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الكِبَرِ. (3)

221.سنن الدارمی عن شرحبیل بن سعد: دَعَا الحَسَنُ عليه السلام بَنِيهِ وَبَنِي أَخِيهِ فَقَالَ: يَا بَنِيَّ وَبَنِي أَخِي، إِنَّكُمْ صِغَارُ قَوْمٍ يَوْشَكُ أَنْ تَكُونُوا كِبَارَ آخَرِينَ، فَتَعَلَّمُوا الْعِلْمَ، فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ أَنْ يَرَوِيَهُ—أَوْ قَالَ: يَحْفَظُهُ—فَلْيَكْتُبْهُ، وَلِيَضَعْهُ فِي بَيْتِهِ. (4)

222.الإمام عليّ عليه السلام:

حَرَّضَ بَنِيكَ عَلَى الآدَابِ فِي الصَّغَرِ

2/3: قِيمَةُ التَّرْبِيَةِ

223.رسول الله صلى الله عليه وآله: حَقُّ الوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ، وَ يُحْسِنَ مِنْ مُرْضِعِهِ، وَ يُحْسِنَ أَدَبَهُ. (5)

ص: 132

1- .كنز العمال: ج 16 ص 584 ح 45953 نقلاً عن جزء ابن عمشليق.

2- .غرر الحكم: ح 8273، عيون الحكم والمواعظ: ص 447 ح 7879.

3- .غرر الحكم: ح 8937، عيون الحكم والمواعظ: ص 463 ح 8424.

4- .سنن الدارمی: ج 1 ص 137 ح 517، [1] منيه المرید: ص 340. [2]

5- .شعب الإيمان: ج 6 ص 401 ح 8667 [3] عن عائشه، كنز العمال: ج 16 ص 417 ح 45193.

218. امام علی علیه السلام: فرزندان را به آموختن دانش، امر کنید.

219. امام علی علیه السلام: هر کس در خردسالی بی‌پرسد، در بزرگی سالی پاسخ می‌دهد.

220. امام علی علیه السلام: کسی که در کودکی نیاموزد، در بزرگی سالی پیش نمی‌افتد.

221. سنن الدارمی - به نقل از شرحییل بن سعد -: حسن علیه السلام فرزندان و فرزندان برادرش را جمع کرد و فرمود: «ای فرزندان من و فرزندان برادرم! شما خردسالان این نسلید و امید است که بزرگان نسلی دیگر باشید. پس دانش بیاموزید. هر کس نمی‌تواند آن را روایت کند (/حفظ کند)، پس حتماً آن را بنویسد و در خانه اش بگذارد».

222. امام علی علیه السلام:

پسرانت را در کودکی به [آموختن] آداب، تشویق کن

### **2/3: ارزش تربیت**

223. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حقّ فرزند بر پدرش این است که نام نیک بر او بگذارد و دایه نیک برایش گزیند و او را به نیکی تربیت کند.

ص: 133

224. عنه صلى الله عليه وآله: ما وَرَّثَ وَالِدٌ وَلَدًا خَيْرًا مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ. (1)

225. عنه صلى الله عليه وآله: ما نَحَلَ وَالِدٌ وَلَدًا مِنْ نُحْلِ (2) أَفْضَلَ مِنْ أَدَبٍ حَسَنٍ. (3)

226. عنه صلى الله عليه وآله: أَكْرَمُوا أَوْلَادَكُمْ، وَأَحْسِنُوا أَدَبَهُمْ؛ يُغْفَرُ لَكُمْ. (4)

227. عنه صلى الله عليه وآله: مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحْسِنَ أَدَبَهُ، وَآلَا يَجْحَدَ نَسَبَهُ. (5)

228. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ خَيْرَ مَا وَرَّثَ الْآبَاءُ لِأَبْنَائِهِمُ الْأَدَبُ لَا الْمَالُ؛ فَإِنَّ الْمَالَ يَذْهَبُ، وَالْأَدَبُ يَبْقَى. (6)

229. عنه عليه السلام: لَا يَزَالُ الْعَبْدُ الْمُؤْمِنُ يُورَثُ أَهْلَ بَيْتِهِ الْعِلْمَ وَالْأَدَبَ الصَّالِحَ، حَتَّى يُدْخِلَهُمُ الْجَنَّةَ جَمِيعًا، حَتَّى لَا يَفْقِدَ مِنْهُمْ صَغِيرًا وَلَا كَبِيرًا وَلَا خَادِمًا وَلَا جَارًا، وَلَا يَزَالُ الْعَبْدُ الْعَاصِي يُورَثُ أَهْلَ بَيْتِهِ الْأَدَبَ السَّيِّئَ حَتَّى يُدْخِلَهُمُ النَّارَ جَمِيعًا، حَتَّى لَا يَفْقِدَ فِيهَا مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ صَغِيرًا وَلَا كَبِيرًا وَلَا خَادِمًا وَلَا جَارًا. (7)

230. عنه عليه السلام: قَالَ لُقْمَانُ: يَا بُنَيَّ إِنْ تَادَبْتَ صَغِيرًا انْتَمَعْتَ بِهِ كَبِيرًا، وَمَنْ عَنَّا بِالْأَدَبِ اهْتَمَّ بِهِ، وَمَنْ اهْتَمَّ بِهِ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ، وَمَنْ تَكَلَّفَ عِلْمَهُ اشْتَدَّ لَهُ طَلَبُهُ، وَمَنْ اشْتَدَّ لَهُ طَلَبُهُ

ص: 134

1- المعجم الأوسط: ج 4 ص 77 ح 3658 عن سالم بن عبد الله عن أبيه، كنز العمال: ج 16 ص 460 ح 45435 نقلًا عن العسكري وابن النجار.

2- التُّحْلُ: العَطِيَّةُ والهَبَةُ ابتداءً من غير عَوَضٍ وَلَا اسْتِحْقَاقٍ (النهاية: ج 5 ص 29 «[1] نحل»).

3- سنن الترمذی: ج 4 ص 338 ح 1952، [2] المستدرک علی الصحیحین: ج 4 ص 292 ح 7679 السنن الكبرى: ج 2 ص 28 ح 2273 كلاهما نحوه وكلها عن أيوب بن موسى عن أبيه عن جده.

4- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 478 ح 1651، [3] سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1211 ح 3671، تاريخ دمشق: ج 17 ص 138 ح 4072 كلاهما عن أنس وليس فيهما «يغفر لكم».

5- تاريخ المدينة: ج 2 ص 568 عن ابن عباس، كنز العمال: ج 16 ص 473 ح 45512 نقلًا عن تاريخ دمشق عن ابن مسعود وابن عباس.

6- الكافي: ج 8 ص 150 ح 132 [4] عن مسعدة بن صدقة، غرر الحكم: ح 5036 نحوه.

7- دعائم الإسلام: ج 1 ص 82. [5]

224. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ پدری چیزی بهتر از تربیت نیک برای فرزندش به ارث نگذاشته است.

225. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ پدری، هدیه ای برتر از تربیت نیک به فرزندش نبخشیده است.

226. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزندان را تکریم کنید و آنان را به نیکی تربیت کنید تا آمرزیده می شوید.

227. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از حق فرزند بر پدرش این است که او را به نیکی تربیت کند و انتسابش را [به خود] انکار نکند.

228. امام صادق علیه السلام: بهترین چیزی که پدران برای پسرانشان به ارث می گذارند، تربیت است، نه مال؛ چرا که مال می رود و تربیت می ماند.

229. امام صادق علیه السلام: بنده مؤمن، همواره برای خانواده اش، دانش و تربیت شایسته به ارث می گذارد تا همه را وارد بهشت سازد، به گونه ای که بهشت، نه از کوچکشان، نه از بزرگشان، نه از خادمشان، نه از پناهنده شان خالی نباشد. نیز بنده نافرمان [خدا] برای خانواده اش تربیت ناشایست به ارث می گذارد تا همه آنان را وارد دوزخ سازد، به گونه ای که [دوزخ] نه از کوچک خانواده اش، نه از بزرگشان، نه از خادمشان و نه از همسایه شان تهی نباشد.

230. امام صادق علیه السلام: لقمان گفت: «ای فرزندم! اگر در کودکی تربیت شدی، در بزرگ سالی از آن بهره مند می شوی. هر کس آهنگ تربیت کند، به آن اهتمام می ورزد و هر کس به آن اهتمام ورزد، برای دانستن آن، خود را به زحمت می اندازد و هر کس خود را برای دانستن آن به زحمت اندازد، به شدت در جستجوی آن بر می آید و هر کس جستجویش فزونی یابد، از آن، بهره مند می شود».

231. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَلَا كُتُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَن رَعِيَّتِهِ؛ فَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَن رَعِيَّتِهِ، وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ، وَ الْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهِ وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ، وَ الْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ، أَلَا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَن رَعِيَّتِهِ. (3)

232. الإمام عليّ عليه السلام: عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَعْلَمَ أَهْلَ وَلَايَتِهِ حُدُودَ الْإِسْلَامِ وَالْإِيمَانِ. (4)

233. عنه عليه السلام: أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا، وَلَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ؛ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْتَّصِيحَةُ لَكُمْ، وَتَوْفِيرُ فَيئُكُمْ عَلَيَّكُمْ، وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْ لَا تَجْهَلُوا، وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوا. (5)

234. الإمام زين العابدين عليه السلام - في بيان الحقوق - : وَأَمَّا حَقِّي وَوَلَدِيكَ فَأَنْ تَعْلَمَ أَنَّكَ مِنْكَ، وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ، وَأَنَّكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلِيَّتُهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ، عِزٌّ وَجَلٌّ وَالْمَعُونَةُ عَلَى طَاعَتِهِ، فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلًا مَنْ يَعْلَمُ أَنَّهُ مُثَابَرٌ عَلَى الْإِحْسَانِ إِلَيْهِ، مُعَاقَبٌ عَلَى الْإِسَاءَةِ إِلَيْهِ. (6)

ص: 136

1- في تفسير القمي: «مَنَفَعَتُهُ»، وهو الأصوب.

2- قصص الأنبياء: ص 194 ح 243 [1] عن حماد بن عيسى، تفسير القمي: ج 2 ص 164 نحوه، بحار الأنوار: ج 13 ص 411.

3- صحيح مسلم: ج 3 ص 1459 ح 20، سنن أبي داود: ج 3 ص 130 ح 2928 كلاهما عن ابن عمر.

4- غرر الحكم: ح 6199، عيون الحكم والمواعظ: ص 328 ح 5637.

5- نهج البلاغة: الخطبة 34؛ [2] أنساب الأشراف: ج 3 ص 154، [3] تاريخ الطبري: ج 5 ص 91، [4] الكامل في التاريخ: ج 2 ص 408

[5] كلها نحوه، الإمامة والسياسة: ج 1 ص 171 [6] وفيه «فالتصحيحه في ذات الله» بدل «فالتصحيحه لكم».

6- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 622 ح 3214، الخصال: ص 568 ح 1 كلاهما عن أبي حمزة الثمالي (ثابت بن دينار).

231. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بدانید که همه شما مسئولید و همه شما نسبت به زیردستانش بازخواست می شوید. فرمان روای مردم، مسئول مردم است و نسبت به زیردستانش بازخواست می شود. مرد، سرپرست خانواده است و نسبت به آنان، بازخواست می شود. زن، مسئول خانه شوهر و فرزندان اوست و در برابر آنان، بازخواست می شود. برده، مسئول مال مالک خود است و در برابر آن، مسئول است. پس بدانید که همه شما مسئولید و همه تان در برابر زیردستان خود، بازخواست می شوید.

232. امام علی علیه السلام: بر پیشواست که به مردمان تحت حکومتش، حد و مرزهای اسلام و ایمان را بیاموزد.

233. امام علی علیه السلام: ای مردم! مرا بر شما حقی است و شما را نیز بر من، حقی است. اما حق شما بر من، خیرخواهی برای شما، افزایش ثروت هایتان و آموزش دادن به شماست تا در نادانی نمانید، و پرورش شماست، تا آگاه شوید.

234. امام زین العابدین علیه السلام - در بیان حقوق - : و اما حق فرزندان این است که بدانی او از توست و با خوب و بدش در دنیا، منتسب به توست و بی گمان، تو درباره آنچه بر عهده داری، یعنی: خوب تربیت کردن او و راه نمایی کردن او به سوی خداوند عز و جل و یاری او در فرمان برداری از خداوند، مسئولی. پس در کار او، همانند کسی عمل کن که می داند برای نیکی کردن به او پاداش می گیرد و بر بدی کردن به او مجازات می شود.

235. عنه عليه السلام: وأما حقُّ وُلْدِكَ فَتَعَلَّمَ أَنَّهُ مِنْكَ، وَمُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَشَرِّهِ، وَأَنْتَكَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلِيَّتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالذَّلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ، وَالْمَعُونَةَ لَهُ عَلَى طَاعَتِهِ فِيكَ وَفِي نَفْسِهِ، فَمُثَابٌ عَلَى ذَلِكَ وَمُعَاقِبٌ، فَاعْمَلْ فِي أَمْرِهِ عَمَلَ الْمُتَزَيِّنِ بِحُسْنِ أَثَرِهِ عَلَيْهِ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا، الْمُعْذِرِ إِلَى رَبِّهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ بِحُسْنِ الْقِيَامِ عَلَيْهِ وَالْأَخْذِ لَهُ مِنْهُ، وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (1)

4/3: أَهْمُّ مَا يَجِبُ تَعْلِيمُهُ

أ- الْعَقَائِدُ الْإِسْلَامِيَّةُ وَلَا سِيَّمَا التَّوْحِيدَ

236. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ رَبِّي صَغِيرًا حَتَّى يَقُولَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» لَمْ يُحَاسِبْهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ. (2)

237. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَفْصَحَ أَوْلَادُكُمْ فَعَلَّمُوهُمْ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، ثُمَّ لَا تُبَالُوا مَتَى مَاتُوا، وَإِذَا أَثْغَرُوا (3) فَمَرُّوهُمْ بِالصَّلَاةِ. (4)

238. عنه صلى الله عليه وآله: افْتَحُوا عَلَى صِبْيَانِكُمْ أَوَّلَ كَلِمَةٍ بـ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»، وَلَقِّنُوهُمْ عِنْدَ الْمَوْتِ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»؛ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَ أَوَّلَ كَلِمَةٍ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» وَآخِرُ كَلِمَةٍ «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» ثُمَّ عَاشَ أَلْفَ سَنَةٍ، مَا سُئِلَ عَن ذَنْبٍ وَاحِدٍ. (5)

239. الكافي عن سليمان بن خالد: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ لِي أَهْلَ بَيْتٍ وَهُمْ يَسْمَعُونَ مِنِّي، أَفَأَدْعُوهُمْ إِلَى هَذَا الْأَمْرِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

ص: 138

1- تحف العقول: ص 263 ح 23، بحار الأنوار: ج 74 ص 15 ح 2. [1]

2- المعجم الأوسط: ج 5 ص 130 ح 4865 عن عائشه، الجامع الصغير: ج 2 ص 603 ح 8696 نقلاً عنه.

3- الإثغار: سُقُوطُ سِنَّ الصَّبِيِّ وَبَبَاتِهَا (النهاية: ج 1 ص 213) «[2] ثغراً».

4- عمل اليوم والليله للدينوري: ص 150 ح 423 عن عمرو بن شعيب، كنز العمال: ج 16 ص 440 ح 45328.

5- شعب الإيمان: ج 6 ص 398 ح 8649 [3] عن ابن عباس، كنز العمال: ج 16 ص 441 ح 45332.



235. امام زین العابدین علیه السلام: و اما حقّ فرزندت، این است که بدانی او از توست و با خوب و بدش در دنیا منسوب به توست و تو درباره آنچه بر عهده ات است، یعنی: خوب تربیت کردن او، راه نمایی او به سوی خداوند عز و جل، و کمک کردن به او در کار فرمان برداری از خداوند در حقّ تو و خودش، مسئولی و بر آن، هم پاداش می گیری و هم مجازات می شوی. پس در کار [تربیت] او، همانند کسی رفتار کن که در این دنیا با اثر نیکش در حقّ او کارش را می آراید و در آنچه میان تو و پروردگارت است، به خاطر انجام دادن درست آن و نتیجه ای که از آن می گیری، نزد او معذور است و نیرویی نیست، جز از خدا.

### 4/3: مهم ترین چیزی که آموزش آن، واجب است

#### الف- باورهای اسلامی بویژه توحید

236. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که خردسالی را تربیت کند تا بگوید: «لا إله إلا الله»، خداوند عز و جل از او حساب نمی کشد.

237. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه کودکان زبان گشودند، «لا إله إلا الله» را به آنان بیاموزید. سپس باکی نداشته باشید که چه وقت می میرند و هرگاه دندان [شیری] آنها افتاد، آنان را به نماز، امر کنید.

238. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: زبان کودکان را نخستین بار با کلمه «لا إله إلا الله» باز کنید و هنگام مرگ، «لا إله إلا الله» را به آنان تلقین کنید؛ چرا که هر کس اولین سخنش «لا إله إلا الله» و آخرین سخنش «لا إله إلا الله» باشد و هزار سال هم عمر کند، از هیچ گناهی بازخواست نمی شود.

239. الکافی - به نقل از سلیمان بن خالد - : به امام صادق علیه السلام گفتم: من، خانواده ای دارم که از من، حرف شنوی دارند. آیا آنان را به این امر (ولایت) فرا خوانم؟

فرمود:

ص: 139

ب-حُبِّ النَّبِيِّ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

240. رسول الله صلى الله عليه وآله: أدبوا أولادكم على ثلاث خصال: حُبِّ نَبِيِّكُمْ، وَحُبِّ أَهْلِ بَيْتِهِ، وَعَلَى قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ. (1)

ج-الْفَرَائِضُ سِيَّما الصَّلَاةُ وَالصَّوْمُ

الكتاب

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْتُلِكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى». 4

«وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا \* وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا». 5

الحديث

241. الإمام عليّ عليه السلام: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُنْصَبًا (2) لِنَفْسِهِ بَعْدَ الْبُشْرَى لَهُ بِالْجَنَّةِ مِنْ رَبِّهِ، فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...» (الآية، فَكَانَ يَأْمُرُ بِهَا أَهْلَهُ، وَ يُصَبِّرُ عَلَيْهَا نَفْسَهُ. (3)

242. الإمام الصادق عليه السلام: دَخَلَ عَلِيٌّ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا فَقَالَ: رَحِمَكَ اللَّهُ، أَحَدَّثُ أَهْلِي؟ قَالَ نَعَمْ،

ص: 140

1- الصواعق المحرقة: ص 172، [1] ينابيع المودة: ج 2 ص 457 ح 268، [2] كنز العمال: ج 16 ص 456 ح 45409.

2- النَّصَبُ: التَّعَبُّ (النهاية: ج 5 ص 62 «نصب»).

3- الكافي: ج 5 ص 37 ح 1 [3] عن عقيل الخزاعي، نهج البلاغة: الخطبة 199 [4] نحوه، بحار الأنوار: ج 33 ص 447 ح 659. [5]

«بله. خداوند عز و جل در کتاب خود می فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید! خودتان و خانواده تان را از آتشی نگه دارید که آتشگیره آن، مردم و سنگ ها هستند»».

### ب- دوستی پیامبر و خاندانش

240. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزندان تان را بر سه ویژگی تربیت کنید: دوستی پیامبرتان، دوستی اهل بیت او، و خواندن قرآن.

### ج- واجبات، بویژه نماز و روزه

قرآن

«و خانواده ات را به نماز امر کن و خود، بر آن شکبیا باش. از تو روزی نخواسته ایم، روزی ات را می دهیم و فرجام [نیک] برای تقواست».

«و در این کتاب، از اسماعیل یاد کن. بی تردید، او درست وعده و فرستاده ای پیامبر بود. و خانواده اش را همواره به نماز و زکات، فرمان می داد و نزد پروردگارش پسندیده [رفتار] بود».

حدیث

241. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، این گونه بود که پس از [دریافت] بشارت بهشت، از جانب پروردگارش [نیز] خودش را به زحمت می انداخت. از این رو، خداوند عز و جل فرمود:

«و خانواده ات را به نماز امر کن و خود بر آن، شکبیا باش...» و ایشان خانواده اش را به آن، امر می کرد و خودش بر آن، شکبیایی می ورزید.

242. امام صادق علیه السلام: کسی نزد پدرم آمد و گفت: رحمت خدا بر تو باد! برای خانواده ام حدیث بخوانم؟

ص: 141

إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ»، وَقَالَ:

«وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا». 1

243. الإمام عليّ عليه السلام - في قوله تعالى: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» - : «عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ الْخَيْرَ». (1)

244. عنه عليه السلام - أيضاً - معناه: «عَلِّمُوهُمْ مَا يَنْجُونَ بِهِ مِنَ النَّارِ». (2)

245. رسول الله صلى الله عليه وآله - لَمَّا سُئِلَ عَنِ الصَّبِيِّ مَتَى يُصَلِّي؟ - : «إِذَا عَرَفَ يَمِينَهُ مِنْ شِمَالِهِ فَمَرَوْهُ بِالصَّلَاةِ». (3)

246. جامع الأخبار: رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ: وَيْلٌ لِأَوْلَادِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ. فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ؟

فَقَالَ: لَا، مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ؛ لَا يُعَلِّمُونَهُمْ شَيْئاً مِنَ الْفَرَائِضِ، وَإِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ، وَرَضُوا عَنْهُمْ بِعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا، فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيٌّ، وَهُمْ مِنِّي بُرَاءٌ. (4)

247. الإمام عليّ عليه السلام: إِذَا عَقَلَ الْغُلَامُ وَقَرَأَ شَيْئاً مِنَ الْقُرْآنِ عَلَّمَ الصَّلَاةَ. (5)

248. عنه عليه السلام: عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ، وَخُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا الْحُلُمَ. (6)

ص: 142

1- .المستدرک علی الصحیحین: ج 2 ص 536 ح 3826، شعب الإيمان: ج 6 ص 411 ح 8704 [1] كلاهما عن ربيعي.

2- .منیه المرید: ص 380. [2]

3- .سنن أبي داود: ج 1 ص 134 ح 497، المعجم الأوسط: ج 3 ص 235 ح 3019 كلاهما عن معاذ بن عبد الله بن خبيب الجهني.

4- .جامع الأخبار: ص 285 ح 767، [3] مستدرک الوسائل: ج 15 ص 164 ح 17871. [4]

5- .دعائم الإسلام: ج 1 ص 193، [5] بحار الأنوار: ج 8 ص 133. [6]

6- .غرر الحکم: ح 6305. [7]

فرمود: «آری. خداوند عز و جل می فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید! خودتان و خانواده تان را از آتشی نگه دارید که آتشگیره آن، مردم و سنگ ها هستند».

و فرمود: «و خانواده ات را به نماز امر کن و خود بر آن، شکیبا باش».

243. امام علی علیه السلام - درباره سخن خداوند متعال: «خودتان و خانواده تان را از آتش نگه دارید» - به خودتان و خانواده تان، خیر پیاموزید.

244. امام علی علیه السلام - در تفسیر سخن خداوند متعال: «ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده تان را از آتش، نگه دارید» - معنای آن، چنین است: به آنان، چیزهایی را پیاموزید که به وسیله آن از آتش، نجات یابند.

245. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - هنگامی که از ایشان پرسیده شد: کودک، چه هنگام نماز بخواند؟ -

هرگاه دست راستش را از دست چپش شناخت، او را به نماز، وا دارید.

246. جامع الأخبار: روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله به برخی کودکان، نگاه کرد و فرمود: «وای بر کودکان آخر زمان از دست پدرانشان!».

گفته شد: ای پیامبر خدا! از پدران مشرکشان؟

فرمود: «نه. از پدران مؤمنشان که چیزی از واجبات را به آنان نمی آموزند و چون فرزندانشان، خود پیاموزند، آنان را باز می دارند و نسبت به آنان از [داشتن] چیز اندکی از دنیا راضی می شوند. من، از آنان بیزارم و آنان، از من بیزارند».

247. امام علی علیه السلام: هرگاه پسر به سنّ درک رسید و چیزی از قرآن را خواند، باید به او نماز آموخته شود.

248. امام علی علیه السلام: به کودکان خود، نماز یاد دهید و آن گاه که بالغ شدند، از آنان بازخواست کنید.

249. عنه عليه السلام: عَلَّمُوا صِبْيَانَكُمْ الصَّلَاةَ، وَخَذَوْهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا ثَمَانَ سِنِينَ. (1)

250. عنه عليه السلام: يُؤَمَّرُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ إِذَا عَقَلَ، وَبِالصَّوْمِ إِذَا أَطَاعَ. (2)

251. الإمام زين العابدين عليه السلام: أَمَّا صَوْمُ التَّأْدِيبِ فَأَنْ يُؤْخَذَ الصَّبِيُّ إِذَا رَاهَقَ بِالصَّوْمِ، تَأْدِيبًا وَ لَيْسَ بِفَرْضٍ. (3)

252. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنَى خَمْسِ سِنِينَ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنَى سَبْعِ سِنِينَ، وَنَحْنُ نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنَى سَبْعِ سِنِينَ بِمَا أَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نِصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ وَ الْغَرْتُ (4) أَفْطَرُوا، حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَ يُطِيقُوهُ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنَى تِسْعِ سِنِينَ بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ، فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا. (5)

253. الإمام الباقر و الإمام الصادق عليهما السلام: إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ، يُقَالُ لَهُ: قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ. ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ ثَلَاثَ سِنِينَ وَ سَبْعَةَ أَشْهُرٍ وَ عِشْرُونَ يَوْمًا، فَيُقَالُ لَهُ: قُلْ: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ. وَ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ أَرْبَعُ سِنِينَ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: قُلْ: سَبْعَ مَرَّاتٍ: «صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ». ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ خَمْسُ سِنِينَ، ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: أَيُّهُمَا يَمِينُكَ وَ أَيُّهُمَا شِمَالُكَ؟ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ حَوْلَ وَجْهِهِ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ يُقَالُ لَهُ: أَسْجُدْ. ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ، فَإِذَا تَمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ قِيلَ لَهُ:

اغْسِلْ وَجْهَكَ وَ كَفْيِكَ، فَإِذَا غَسَلَهُمَا قِيلَ لَهُ: صَلِّ. ثُمَّ يُتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ تِسْعُ سِنِينَ،

ص: 144

1- الخصال: ص 626 ح 10 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 115.

2- دعائم الإسلام: ج 1 ص 193، [1] بحار الأنوار: ج 88 ص 133 ح 5. [2]

3- الكافي: ج 4 ص 86 ح 1، [3] تهذيب الأحكام: ج 4 ص 296 ح 895 كلاهما عن الزهري.

4- الغرث: الجوع (الصحاح: ج 1 ص 288 «غرث»).

5- الكافي: ج 3 ص 409 ح 1، [4] تهذيب الأحكام: ج 2 ص 380 ح 1584 كلاهما عن الحلبي عن الإمام الصادق عليه السلام.

249. امام علی علیه السلام: به کودکان خود، نماز یاد دهید و آن گاه که به هشت سالگی رسیدند، از آنان بازخواست کنید.

250. امام علی علیه السلام: کودک، وقتی اهل درک شد، به نماز و وقتی توان یافت، به روزه امر می شود.

251. امام زین العابدین علیه السلام: اما روزه آموزشی این است که وقتی کودک، نزدیک بلوغ رسید، برای تربیت، و نه آن که واجب باشد، به روزه گرفتن، وا داشته می شود.

252. امام باقر علیه السلام: ما کودکان خود را وقتی پنج ساله اند، به نماز امر می کنیم؛ ولی شما کودکانتان را وقتی هفت ساله شدند، به نماز امر کنید. ما کودکان خود را وقتی هفت ساله اند، به روزه و امر می داریم؛ به اندازه ای که توان دارند، چه تا نصف روز باشد یا بیشتر یا کمتر. وقتی تشنگی و گرسنگی بر آنان چیره شد، افطار می کنند تا این که به روزه، عادت کنند و توان آن را بیابند؛ ولی شما کودکانتان را وقتی نه ساله شدند، به اندازه ای که توان دارند، به روزه و امر می داریم و وقتی تشنگی بر آنان چیره شد، افطار کنند.

253. امام باقر و امام صادق علیهما السلام: چون پسر به سه سالگی رسید، باید به او بگویند: هفت مرتبه بگو «لا إله إلا الله». سپس، رهایش کنند تا سه سال و هفت ماه و بیست روز او کامل شود. سپس باید به او بگویند: هفت مرتبه بگو «محمد رسول الله»؛ و او را رها کنند تا چهار سال او تمام شود. آن گاه باید به او بگویند: هفت مرتبه بگو «صلی الله علی محمد وآله». سپس رهایش کنند تا پنج سال او تمام شود. آن گاه از او بپرسند: دست چپ و راست کدام است؟ اگر شناخت، باید صورتش را به سمت قبله برگردانده، به او بگویند: سجده کن. سپس، رهایش کنند تا هفت سال او تمام شود. پس وقتی هفت سال او تمام شد، باید به او بگویند: صورت و دو دست را بشوی.

فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ عُلْمُ الْوُضُوءِ، وَصَدَّرَ عَلَيْهِ، وَامِرَ بِالصَّلَاةِ، وَصَدَّرَ عَلَيْهِ. فَإِذَا تَعَلَّمَ الْوُضُوءَ وَالصَّلَاةَ غَفَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ وَلِوَالِدَيْهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (1)

254. دعائم الإسلام: رُوِينَا عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ كَانَ يَأْمُرُ الصَّبِيَّ بِالصَّوْمِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بَعْضَ النَّهَارِ، فَإِذَا رَأَى الْجُوعَ وَالْعَطَشَ غَلَبَ عَلَيْهِ، أَمَرَهُ فَأَفْطَرَ. (2)

255. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ مَا أَطَاقُوا، إِذَا كَانُوا أَبْنَاءَ سَبْعِ سِنِينَ. (3)

256. عنه عليه السلام -لَمَّا سُئِلَ: مَتَى تَجِبُ الصَّلَاةُ عَلَى الصَّبِيِّ؟-: إِذَا كَانَ ابْنُ سِتِّ سِنِينَ، وَالصَّيَامُ إِذَا أَطَاقَهُ. (4)

257. تهذيب الأحكام عن معاوية بن وهب: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي كَمْ يُؤْخَذُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ؟

فَقَالَ: فِيمَا بَيْنَ سَبْعِ سِنِينَ وَسِتِّ سِنِينَ.

قُلْتُ: فِي كَمْ يُؤْخَذُ بِالصَّيَامِ؟

فَقَالَ: فِيمَا بَيْنَ خَمْسِ عَشْرَةَ أَوْ أَرْبَعِ عَشْرَةَ، وَإِنْ صَامَ قَبْلَ ذَلِكَ فَدَعَهُ، فَقَدْ صَامَ ابْنِي فَلَانَ قَبْلَ ذَلِكَ وَتَرَكَتُهُ. (5)

258. كتاب من لا يحضره الفقيه عن الحسن بن قارن: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ- أَوْ سُئِلَ وَأَنَا أَسْمَعُ- عَنِ الرَّجُلِ يَخْتِنُ وَلَدَهُ وَهُوَ لَا يُصَلِّي الْيَوْمَ وَالْيَوْمِينَ، فَقَالَ: وَكَمْ أَتَى

ص: 146

1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 281 ح 863، الأمل للصدوق: ص 475 ح 640 [1] وفيه «عن الإمام الباقر أو الإمام الصادق عليهما السلام» كلاهما عن عبد الله بن فضاله.

2- دعائم الإسلام: ج 1 ص 194، [2] بحار الأنوار: ج 88 ص 134 ح 5. [3]

3- دعائم الإسلام: ج 1 ص 194، [4] بحار الأنوار: ج 88 ص 134 ح 5. [5]

4- الكافي: ج 3 ص 206 ح 2 [6] عن الحلبي وزراره، تهذيب الأحكام: ج 2 ص 381 ح 1591 عن إسحاق بن عمّار نحوه.

5- تهذيب الأحكام: ج 2 ص 381 ح 1590، الكافي: ج 4 ص 125 ح 2 [7] وفيه ذيله: «في كم يؤخذ بالصيام؟...».



وقتی آن دورا شست، باید به او بگویند: نماز بخوان. سپس، رهایش کنند تا نه سال او تمام شود. وقتی تمام شد، وضو به او یاد داده شود و بر [ترک] آن، تنبیه گردد و به نماز، امر شود و بر [ترک] آن، تنبیه گردد. وقتی وضو و نماز را فراگرفت، خداوند، او و پدر و مادرش را می آمرزد؛ این شاء الله!

254. دعائم الإسلام: نقل شده که امام صادق علیه السلام در ماه مبارک رمضان، کودک را به روزه گرفتن در مقداری از روز، امر می کرد و چون می دید گرسنگی و تشنگی بر او چیره شده، از او می خواست تا افطار کند.

255. امام صادق علیه السلام: ما کودکان خود را وقتی هفت ساله شدند، به نماز و روزه- به اندازه ای که توان داشته باشند- وا می داریم.

256. امام صادق علیه السلام- در پاسخ به این سؤال که: چه هنگام، نماز بر کودک لازم می شود؟ (1)-:

[نماز،] هنگامی که شش ساله باشد و روزه، هنگامی که توان روزه را داشته باشد.

257. تهذیب الأحکام- به نقل از معاویه بن وهب- از امام صادق علیه السلام پرسیدم: در چه سنّی، کودک برای نماز، بازخواست می شود؟

فرمود: «میان هفت سال و شش سال».

گفتم: در چه سنّی برای روزه، بازخواست می شود؟

فرمود: «میان پانزده یا چهارده سال. اگر پیش از این روزه گرفت، آزادش بگذار.

فلان فرزندم، پیش از این سن روزه گرفت و من، آزادش گذاشتم».

258. کتاب من لا یحضره الفقیه- به نقل از حسن بن قارن- از امام رضا علیه السلام پرسیدم (یا کس دیگری پرسید و من شنیدم): درباره کسی که فرزندش را ختنه کرده و یکی دو روز

ص: 147

عَلَى الْغُلَامِ؟ فَقَالَ ثَمَانِي سِنِينَ.

فَقَالَ: سُبْحَانَ اللَّهِ يَتْرُكُ الصَّلَاةَ؟ قَالَ: قُلْتُ: يُصِيبُهُ الْوَجَعُ.

قَالَ: يُصَلِّي عَلَيَّ نَحْوَ مَا يَقْدِرُ. (1)

د-القرآن

259. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ قَبْلَ أَنْ يَحْتَلِمَ فَقَدْ أُوتِيَ الْحُكْمَ صَبِيًّا. (2)

260. عنه صلى الله عليه وآله: خِيَارُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَعَلَّمَهُ. (3)

261. عنه صلى الله عليه وآله: مَا مِنْ رَجُلٍ عَلَّمَ وَلَدَهُ الْقُرْآنَ إِلَّا تَوَجَّجَ أَبْوَابَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ بِتَاجِ الْمُلْكِ، وَكُوسَى حُلَّتَيْنِ لَمْ يَرَ النَّاسُ مِثْلَهُمَا. (4)

262. عنه صلى الله عليه وآله: سُورَةُ الْوَاقِعَةِ سُورَةُ الْغِنَى، فَاقْرَؤُوهَا، وَعَلِّمُوهَا أَوْلَادَكُمْ. (5)

263. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا أَحَبَّ أَحَدُكُمْ أَنْ يُحَدِّثَ رَبَّهُ فَلْيَقْرَأِ الْقُرْآنَ. (6)

264. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ حِفْظَ كِتَابِهِ لَوْ ظَنَّ، أَنَّ أَحَدًا أُوتِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُوتِيَ فَقَدْ غَمَطَ (7) أَعْظَمَ النَّعْمِ. (8)

ص: 148

- 
- 1- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 1 ص 280 ح 862، وسائل الشيعه: ج 13 ص 13 ح 4400. [1]
  - 2- شعب الإيمان: ج 2 ص 330 ح 1949، [2] الدر المنثور: ج 5 ص 485 [3] كلاهما عن ابن عباس.
  - 3- الأمل للطوسي: ص 357 ح 739 [4] عن النعمان بن سعد عن الإمام علي عليه السلام، سنن ابن ماجه: ج 1 ص 77 ح 213 عن مصعب بن سعد عن أبيه.
  - 4- تاريخ دمشق: ج 18 ص 99 عن معاذ بن جبل، كنز العمال: ج 1 ص 540 ح 2421.
  - 5- الدر المنثور: ج 8 ص 3 [5] عن أنس.
  - 6- الفردوس: ج 1 ص 302 ح 1195، تاريخ بغداد: ج 7 ص 239 الرقم 3733 [6] نحوه كلاهما عن أنس.
  - 7- الغمط: الإستهانة والإستحقاق (النهاية: ج 3 ص 387 «[7] غمط»).
  - 8- شعب الإيمان: ج 2 ص 523 ح 2593، [8] التاريخ الكبير: ج 3 ص 311 ح 1058، كنز العمال: ج 1 ص 518 ح 2317 نقلاً عن البخارى و البيهقى و كلاًهما عن رجاء الغنوى.

است که نماز نمی خواند.

فرمود: «پسر، چند سال دارد؟».

گفت: هشت سال.

فرمود: «سبحان الله! نماز نمی خواند؟!».

گفتم: درد، او را آزار می دهد.

فرمود: «هرگونه که می تواند، نماز بخواند».

## د-قرآن

259. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که پیش از بلوغ قرآن بخواند، به تحقیق، در کودکی به او حکمت داده شده است.

260. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و بیاموزاند.

261. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ کس نیست که به فرزندش قرآن بیاموزد، مگر آن که روز قیامت، بر سر پدر و مادرش تاج پادشاهی گذاشته می شود و دو لباس بر آنها پوشانده می شود که مردم، همانند آن را ندیده اند.

262. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوره واقعه، سوره بی نیازی است. آن را بخوانید و به فرزندانتان بیاموزید.

263. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه کسی از شما خواست با پروردگارش سخن بگوید، باید قرآن بخواند.

264. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس که خداوند، حفظ کتابش را به او عطا کند و گمان کند که به کسی چیزی برتر از او داده شده است، بی گمان، بزرگ ترین نعمت را ناچیز شمرده است.

265. شرح نهج البلاغه: وَقَدْ غَالِبُ بْنُ صَعَصَعَةَ عَلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعَهُ ابْنُهُ الْفَرَزْدَقُ (1)، فَقَالَ لَهُ:

مَنْ أَنْتَ؟ فَقَالَ: غَالِبُ بْنُ صَعَصَعَةَ الْمُجَاشِعِيُّ....

قَالَ: يَا أَبَا الْأَخْطَلِ، مَنْ هَذَا الْغُلَامُ مَعَكَ؟ قَالَ: ابْنِي، وَهُوَ شَاعِرٌ. قَالَ: عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ؛ فَهُوَ خَيْرٌ لَّهُ مِنَ الشُّعْرِ. (2)

266. الإمام عليّ عليه السلام: حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحْسِنَ اسْمَهُ، وَيُحْسِنَ أَدَبَهُ، وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ. (3)

267. الإمام الصادق عليه السلام: الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ (4) الْكِرَامِ الْبَرَرَةِ. (5)

ه-المعارف الدينيّة

268. الإمام عليّ عليه السلام: عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمْ مَا يَنْفَعُهُمُ اللَّهُ بِهِ، لَا تَغْلِبْ عَلَيْهِمُ الْمُرْجِيَّةَ بِرَأْيِهَا. (6)

269. الإمام الصادق عليه السلام: بَادِرُوا أَحْدَاثَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ تَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجِيَّةُ. (7)

و-الكتابه

270. رسول الله صلى الله عليه وآله: حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ وَالسَّبَّاحَةَ وَالرَّمِيَّ، وَأَنْ يُورَثَهُ طَيِّبًا. (8)

ص: 150

1- هو أبو فراس، همام بن غالب بن صعصعة، المعروف بالفرزدق، ولد عام (25 هـ) في البصرة، وتوفى عام (114 هـ) بعد تطواف العراق والشام والجزيرة (راجع سير أعلام النبلاء: ج 4 ص 590 الرقم 226 ووفيات الأعيان: ج 6 ص 95 الرقم 784).

2- شرح نهج البلاغه: ج 10 ص 21، كنز العمال: ج 2 ص 288 ح 4026 نقلاً عن ابن الأبار في المصاحف والدينوري عن الفرزدق نحوه.

3- نهج البلاغه: الحكمه 399، [1] شرح نهج البلاغه: ج 19 ص 365.

4- السَّفَرَةُ: الملائكة الذين يَسْفِرُونَ بَيْنَ اللَّهِ وَأَنْبِيَائِهِ (مجمع البحرين: ج 2 ص 849 «سفر»).

5- الكافي: ج 2 ص 603 ح 2، [2] الأمامي للصدوق: ص 115 ح 96 [3] كلاهما عن الفضيل بن يسار.

6- الخصال: ص 614 ح 10 عن محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 104.

7- تهذيب الأحكام: ج 8 ص 111 ح 381، الكافي: ج 6 ص 47 ح 5 [4] وفيه «أولادكم» بدل «أحداثكم» كلاهما عن جميل بن درّاج.

8- السنن الكبرى: ج 10 ص 26 ح 19742، شعب الإيمان: ج 6 ص 401 ح 8665 [5] كلاهما عن أبي رافع.

265. شرح نهج البلاغه: غالب فرزند صعصعه، نزد علی علیه السلام رفت و فرزندش فرزدق (1) نیز با او بود. علی علیه السلام به وی فرمود: «کیستی؟».

گفت: غالب، فرزند صعصعه مُجاشعی....

فرمود: «ای ابو اخطل! این نوجوانِ همراهت کیست؟».

گفت: فرزندم. او شاعر است.

فرمود: «به وی قرآن بیاموز که برایش از شعر، بهتر است».

266. امام علی علیه السلام: حقّ فرزند بر پدر، آن است که نام نیک بر او بگذارد و او را به نیکی تربیت کند و قرآن به او بیاموزد.

267. امام صادق علیه السلام: حافظ قرآن که به آن عمل کند، همراه سفیران (فرشتگان) ارجمند و نیکوکار است.

## ه- معارف دینی

268. امام علی علیه السلام: به کودکان چیزهایی را یاد بدهید که به خاطرش خداوند به آنان بهره برساند و نباید مُرجئه (2) با افکارشان بر آنان چیره شوند.

269. امام صادق علیه السلام: در آشنا کردن جوانانتان به حدیث، شتاب کنید، پیش از آن که مُرجئه بر شما پیشی گیرند.

## و- نوشتن

270. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: حقّ فرزند بر پدر، آن است که نوشتن، شنا کردن و تیراندازی را به او یاد دهد و مال حلال برایش به ارث بگذارد.

ص: 151

---

1- منظور ابو فراس، همّام بن غالب، همان شاعر معروف به فرزدق است. وی در سال 25 ق، در بصره به دنیا آمد و در سال 114 ق، از دنیا رفت.

2- مرجئه، طایفه ای هستند که ایمان را گفته بدون عمل می دانند و قول را مقدم بر عمل می شمارند و معتقدند کسی که اعمال دینی را ترک کند، ایمانش او را نجات می بخشد و می گویند که با ایمان، معصیت زیان نمی رساند، چنان که کفر با طاعت.

271. رسول الله صلى الله عليه وآله: لِكُلِّ شَيْءٍ حِيلَةٌ، وَحِيلَةُ الصَّحَّةِ فِي الدُّنْيَا أَرْبَعٌ خِصَالٌ: قِلَّةُ الكَلَامِ، وَقِلَّةُ المَنَامِ، وَقِلَّةُ المَشْيِ، وَقِلَّةُ الطَّعَامِ. (1)

272. عنه صلى الله عليه وآله: أَمْ جَمِيعُ الأَدْوِيَةِ قِلَّةُ الأَكْلِ. (2)

273. عنه صلى الله عليه وآله: المَعِدَةُ بَيْتٌ كُلُّ دَاءٍ، وَالحَمِيهُ رَأْسُ كُلِّ دَوَاءٍ. (3)

274. الإمام عليّ عليه السلام - لَمَّا سُئِلَ فَقِيلَ: إِنَّ فِي القُرْآنِ كُلِّ عِلْمٍ إِلاَّ الطَّبَّ؟ -: أَمَا إِنَّ فِي القُرْآنِ لآيَةً تَجْمَعُ الطَّبَّ كُلَّهُ: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلا تُسْرِفُوا» 4. (4)

275. عنه عليه السلام - فِي الحِكْمِ المَنْسُوبِ إِلَيْهِ -: لا تَطْلُبِ الحَيَاةَ لِتَأْكُلَ، بَلِ اطْلُبِ الأَكْلَ لِتَحْيَا. (5)

276. عنه عليه السلام - أَيْضاً -: يَنْبَغِي لِلعَاقِلِ أَنْ يَتَذَكَّرَ عِنْدَ حَلَاوَةِ الغِذَاءِ مَرَارَةَ الدَّوَاءِ. (6)

277. الخصال: قَالَ أميرُ المُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِحَسَنِ ابْنِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بُنَيَّ، أَلَا اعْلَمُكَ أَرْبَعَ خِصَالٍ تَسْتَعْنِي بِهَا عَنِ الطَّبِّ؟

فَقَالَ: بَلَى، يَا أميرَ المُؤْمِنِينَ.

قَالَ: لا تَجْلِسَ عَلَى الطَّعَامِ إِلاَّ وَأَنْتَ 44 جَائِعٌ، وَلا تَقُمْ عَنِ الطَّعَامِ إِلاَّ وَأَنْتَ تَشْتَهِيهِ، وَجَوْدَ المَضْغِ، وَإِذَا نِمْتَ فَاعْرِضْ نَفْسَكَ عَلَى الخَلَاءِ. فَإِذَا اسْتَعْمَلْتَ هَذَا

ص: 152

1- الفضائل: ص 129 [1] عن ابن مسعود، بحار الأنوار: ج 8 ص 144 ح 67. [2]

2- المواعظ العددية: ص 213.

3- طب النبي صلى الله عليه وآله: ص 11. [3]

4- الدعوات: ص 75 ح 174، بحار الأنوار: ج 62 ص 267 ح 42. [4]

5- شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 333 ح 824.

6- شرح نهج البلاغة: ج 20 ص 272 ح 149.

271. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کاری را چاره ای است و چاره تن درستی در دنیا، چهار چیز است:

کم سخن گفتن، کم خفتن، کم راه رفتن (1)، و کم خوردن.

272. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مادر همه داروها، کم خوری است.

273. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: معده، خانه همه دردهاست و پرهیز، ریشه همه درمان ها.

274. امام علی علیه السلام - در پاسخ به این پرسش که: [چرا] در قرآن، هر دانشی جز دانش طب هست؟ - هان! در قرآن، آیه ای است که همه طب را یک جا در خود، گرد آورده است: «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید».

275. امام علی علیه السلام - در حکمت های منسوب به ایشان - زندگی را برای خوردن مخواه؛ بلکه خوردن را برای زندگی بخواه.

276. امام علی علیه السلام - در حکمت های منسوب به ایشان - عاقل را بایسته است که به هنگام شیرینی غذا، تلخی دارو را نیز به یاد داشته باشد.

277. الخصال: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام به فرزند خود حسن علیه السلام فرمود: «پسرم! آیا به تو چهار نکته نیاموزم که به کمک آنها از طب، بی نیاز شوی؟».

گفت: چرا، ای امیر مؤمنان!

فرمود: «بر سفره نشین، مگر آن هنگام که گرسنه ای؛ و از سفره برنخیز، مگر در حالی که هنوز، میل خوردن داری؛ خوب بجو؛ و به گاه خفتن، به مستراح برو. اگر

ص: 153

---

1- با توجه به این که راه رفتن، برای سلامتی بدن، مفید و بلکه لازم است، این سؤال، قابل طرح است که: مقصود از «کم راه رفتن» در روایت مذکور چیست؟ در پاسخ، باید گفت که مقصود از «کم راه رفتن»، راه رفتن کمتر از مقدار مورد نیاز بدن، نیست؛ بلکه مقصود، زیاده روی نکردن در راه رفتن است، چنان که در سایر فقرات روایت (یعنی: کم خوردن، کم خفتن و کم گفتن) نیز مقصود، همین است.

استغنيت عن الطب. (1)

278. الإمام علي عليه السلام: قلة الأكل يمنع كثيراً من ألال الجسم. (2)

279. عنه عليه السلام: من غرس في نفسه محبة أنواع الطعام، اجتنى ثمار فنون الأسقام. (3)

280. عنه عليه السلام: كم من أكله منعت أكالات. (4)

ح-الحكم الأخلاقية

281. معاني الأخبار عن شريح بن هانئ: سأل أمير المؤمنين عليه السلام ابنه الحسن بن علي، فقال:

يا بني ما العقل؟ قال: حفظ قلبك ما استودعته.

قال: فما الحزم؟ قال: أن تنتظر فرصتك، وتعاجل ما أمكنك.

قال: فما المجد؟ قال: حمل المغارم، وابتناء المكارم.

قال: فما السماحة؟ قال: إجابة السائل، وبذل التائب.

قال: فما الشح؟ قال: أن ترى القليل سرفاً، وما أنفقت تلاًفاً.

قال: فما الرقة؟ قال: طلب اليسير، ومنع الحقيق.

قال: فما الكلفة؟ قال: التمسك بمن لا يؤمنك، والنظر فيما لا يعينك.

قال: فما الجهل؟ قال: سرعه الوثوب على الفرصه قبل الاستمکان منها، والامتناع عن الجواب. ونعم العون الصمت في مواطن كثيرة وإن كنت فصيحاً.

ص: 154

1- الخصال: ص 229 ح 67 عن الأصبع بن نباته، الدعوات: ص 74 ح 173، طب الأئمة لابني بسطام: ص 3، بحار الأنوار: ج 62 ص 267 ح 42.

2- غرر الحكم: ح 6768، [1] عيون الحكم والمواعظ: ص 370 ح 6248.

3- غرر الحكم: ح 9219، [2] عيون الحكم والمواعظ: ص 426 ح 7219.

4- نهج البلاغه: الحكمه 171، [3] خصائص الأئمة عليهم السلام: ص 110، [4] غرر الحكم: ح 6933، [5] بحار الأنوار: ج 73 ص 166 ح 29. [6]



این چهار نکته را به کار بستی، از طب، بی نیاز می شوی».

278. امام علی علیه السلام: کم خوری، مانع بسیاری از بیماری های جسم می شود.

279. امام علی علیه السلام: هر کس در دل خود، [درخت] علاقه به انواع غذاها را بکارد، میوه بیماری های گوناگون را می چیند.

280. امام علی علیه السلام: چه بسا خوردنی که مانع خوردن ها می شود!

## ط- حکمت های اخلاقی

281. معانی الأخبار - به نقل از شریح بن هانی - : امیر مؤمنان، از پسرش حسن بن علی پرسید: «فرزندم! عقل چیست؟».

گفت: نگهداری آنچه در قلبت به ودیعه گذاشته ای.

فرمود: «دوراندیشی چیست؟».

گفت: این که منتظر فرصت باشی و آن جا که امکان یافتی، بشتابی.

فرمود: «بزرگی چیست؟».

گفت: تحمل کردن خسارت ها و بنیان گذاری کرامت ها.

فرمود: «سخاوت چیست؟».

گفت: پاسخ دادن به [نیاز] درخواست کننده و بخشیدن به کسی که به دست آورده است.

فرمود: «بخل چیست؟».

گفت: این که [مصرف] اندک را اسراف، و آنچه را انفاق را کرده ای، از بین رفتن بدانی.

فرمود: «نرمی و ملاطفت چیست؟».

گفت: اندک خواستن و دست شستن از ناچیز.

فرمود: «تکلف چیست؟».

گفت: اتکا به کسی که ایمنت نکند و نظر داشتن به آنچه فایده ای برایت ندارد.

فرمود: «جهل چیست؟».

گفت: شتاب ورزیدن بر نوبت ها، پیش از فراهم آمدن امکان آن، و خودداری از پاسخ دادن. بهترین یاور، سکوت در بسیاری موارد است؛ هر چند سخنور باشی.

ص: 155

ثُمَّ أَقْبَلَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَلَى الْحُسَيْنِ ابْنِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ:

يَا بُنَيَّ مَا السُّوْدُودُ؟ قَالَ: اصْطِنَاعُ الْعَشِيرَةِ، وَاحْتِمَالُ الْجَرِيرَةِ.

قَالَ: فَمَا الْغِنَى؟ قَالَ: قَلَّةُ أَمَانِكَ، وَالرِّضَى بِمَا يَكْفِيكَ.

قَالَ: فَمَا الْفَقْرُ؟ قَالَ: الطَّمَعُ، وَشِدَّةُ التَّنَوُّطِ.

قَالَ: فَمَا اللَّؤْمُ؟ قَالَ: إِحْرَارُ الْمَرْءِ نَفْسَهُ، وَإِسْلَامُهُ عَرْسَهُ.

قَالَ: فَمَا الْخُرْقُ؟ قَالَ: مُعَادَاةُكَ أَمِيرَكَ وَمَنْ يَقْدِرُ عَلَى ضَرْبِكَ وَنَفْعِكَ.

ثُمَّ التَّفَّتَ إِلَى الْحَارِثِ الْأَعْوَرِ فَقَالَ: يَا حَارِثُ، عَلَّمُوا هَذِهِ الْحِكْمَ أَوْلَادَكُمْ؛ فَإِنَّهَا زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ وَالْحَزْمِ وَالرَّأْيِ. (1)

ص: 156

---

1- .معانى الأخبار: ص 401 ح 62 وراجع تحف العقول: ص 225، العدد القويّه: ص 32 ح 22، المعجم الكبير: ج 3 ص 68 ح 2688، تاريخ دمشق: ج 13 ص 255.

آن گاه، امام-که دروذهای خدا بر او باد-رو به فرزندش حسین نمود و به او فرمود: «فرزندم! آقایی چیست؟».

گفت: سازگاری با خاندان و به عهده گرفتن خسارت.

فرمود: «بی نیازی چیست؟».

گفت: کمی آرزوهایت و رضایت به آنچه تو را بسنده است.

فرمود: «نیاز مندی چیست؟».

گفت: آزمندی و نومیدی فراوان.

فرمود: «پستی چیست؟».

گفت: به فکر خود بودن و ناموس فروشی کردن.

فرمود: «حماقت چیست؟».

گفت: دشمنی با فرمان روی خود و با کسی که بر زیان و سود رساندن به تو، توانمند است.

سپس، رو به حارثِ احوال کرد و فرمود: «ای حارث! این حکمت ها را به فرزندانتان بیاموزید؛ چرا که مایهٔ فزونی خرد و دوراندیشی و صاحب نظر شدن است». (1)

ص: 157

---

1- این حکمت های اخلاقی، توسط شاعر گران قدر آقای غلامرضا سازگار، این چنین به نظم کشیده شده است: این سؤال از منطق مولا علی است گفت: فرزندم، حسن جان! عقل چیست؟ گفت: دل را آنچه بسپردی به او هر چه پیش آید، نگه دارش نیکو باز پرسید آن امام دادگر دور اندیشی، چه باشد، ای پسر؟ گفت: چون فرصت، تو را آمد به دست زود کن اقدام در کاری که هست باز پرسید آن امام ممتحن که: بزرگی چیست، ای فرزند من؟ گفت: چون بار ضرر بردن به دوش در مکارم، هر چه بتوانی، بکوش باز پرسید آن امام عالمین که چه می باشد گذشت، ای نور عین؟ گفت سائل را جواب اندر نیاز و آن که از راه آمده، بخشیش باز





282. تحف العقول عن سفيان الثوري: دَخَلْتُ عَلَى الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ لَهُ: أَوْصِنِي....

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا سَفِيَانُ، أَذْبَنِي أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ بِثَلَاثٍ، وَنَهَانِي عَنْ ثَلَاثٍ؛ فَأَمَّا اللَّوَاتِي أَذْبَنِي بِهِنَّ فَإِنَّهُ قَالَ لِي: يَا بُنَيَّ، مَنْ يَصْحَبْ صَاحِبَ السَّوِّءِ لَا يَسْلَمْ، وَمَنْ لَا يُقَيِّدُ الْفَاطَةَ يَنْدَمُ، وَمَنْ يَدْخُلُ مَدَاخِلَ السَّوِّءِ يُتَّهَمُ.

قُلْتُ: يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ، فَمَا الثَّلَاثُ اللَّوَاتِي نَهَاكَ عَنْهُنَّ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَهَانِي أَنْ اصْحَبَ حَاسِدَ نِعْمَةٍ، وَشَامِتًا بِمُصِيبَةٍ، أَوْ حَامِلَ نَمِيمَةٍ. (1)

ط-الأشعارُ النَّافِعَةُ

283. الإمام الصادق عليه السلام: كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُعْجِبُهُ أَنْ يُرَوَى شَيْعُرُ أَبِي طَالِبٍ، وَأَنْ يَدُونَ، وَقَالَ: نَعَلَّمُوهُ وَعَلَّمُوهُ أَوْلَادَكُمْ، فَإِنَّهُ كَانَ عَلَى دِينِ اللَّهِ، وَفِيهِ عِلْمٌ كَثِيرٌ. (2)

284. عنه عليه السلام: يَا مَعْشَرَ الشَّيْعَةِ عَلَّمُوا أَوْلَادَكُمْ شِعْرَ الْعَبْدِيِّ، فَإِنَّهُ عَلَى دِينِ اللَّهِ. (3)

ص: 160

1- تحف العقول: ص 376، الخصال: ص 169 ح 222 نحوه.

2- إيمان أبي طالب [1] المشتهر بكتاب الحجة على الذاهب إلى تكفير أبي طالب: ص 130، [2] بحار الأنوار: ج 35 ص 115 ح 54. [3]

3- رجال الكشي: ج 2 ص 704 الرقم 748 [4] عن سماعه، بحار الأنوار: ج 79 ص 293 ح 16. [5]

282. تحف العقول - به نقل از سفیان ثوری - نزد [امام] صادق علیه السلام رفتم و به ایشان گفتم: مرا سفارش کن....

فرمود: «ای سفیان! پدرم مرا سه ادب آموخت و از سه چیز، باز داشت. اما آدابی که به من آموخت، این بود که به من فرمود: "فرزندم! کسی که با آدم بد همراهی کند، سالم نمی ماند، و کسی که سخنش را مهار نکند، پشیمان می شود، و هر کس وارد جایگاه های بد شود، متهم می شود"».

گفتم: ای پسر دختر پیامبر خدا! آن سه چیز که تو را از آنها نهی کرد، چه بود؟

فرمود: «مرا از مصاحبت با رشک برنده نعمت ها، شماتت کننده بر مصیبت ها و یا فرد سخن چین، باز داشت».

### ط - شعرهای سودمند

#### اشاره

283. امام صادق علیه السلام: امیر مؤمنان از این که شعر [پدرش] ابو طالب، روایت و تدوین شود، خرسند می شد و می فرمود: «آن را فرا بگیرد و به فرزندان یاد بدهید؛ چرا که او بر دین خدا بود و در آن، دانش بسیار است».

284. امام صادق علیه السلام: ای گروه شیعه! به فرزندان شعر عبدی (1) را یاد بدهید؛ چرا که او بر دین خداوند است.

ص: 161

1- ابو محمد سفیان بن مصعب عبدی کوفی، از شعرای اهل بیت علیهم السلام است که نسبت به این خاندان، ارادت خاصی داشته و مورد قبول آنان بوده است. درباره ولادت و وفات او تاریخ دقیقی در دست نیست؛ ولی از شواهد و قرائن به دست می آید که وی تا حدود سال وفات سید حمیری (178 ق) زنده بوده است. اشعار وی که در شعر و ادب، چیره دست و بسیار ماهر بوده است، در بردارنده مناقب امیر مؤمنان و معرفی اهل بیت علیهم السلام و همچنین، حاوی ذکر مصائب و رنج های آنان است؛ به گونه ای که مرحوم علامه امینی ادعا می کند که جز درباره آل الله، شعری از او نیافتیم. وی در بیت امام صادق علیه السلام در رثای عاشورا، اشعاری را می خواند و اهل منزل را چنان منقلب می کند که از شیون آنان، مردم مدینه پشت در خانه ایشان جمع می شوند. او از اصحاب امام صادق علیه السلام بوده و دوستی آنان، معمولی و به خاطر رفت و آمد و یا همزمانی با امام علیه السلام نیست؛ بلکه ناشی از ارادت صمیمانه و دوستی خالصانه و ایمان بدون شائبه او بوده است، تا آن جا که امام علیه السلام از شیعیان می خواهد شعر او را به فرزندان نشان یاد دهند، چون بر پایه دین خدا استوار است. نمونه ای از اشعار وی در متن خواهد آمد (ر.ک به معجم رجال الحدیث «سفیان بن مصعب»).





تأکید امام علی صلی الله علیه و آله بر آموختن شعر پدرش ابوطالب به فرزندان و توصیه امام صادق صلی الله علیه و آله به تعلیم شعر عبدی به آنان، نشانه آن است که از نگاه اهل بیت علیهم السلام شعر، نه تنها در حوزه فرهنگ و ادب، بلکه در عرصه تعلیم و تربیت، بویژه تربیت نسل نو، دارای نقشی بنیادین و والاست و بر اساس این ره نمود، بر ادیبان و شاعران متعهد و مسلمان، فرض است که برای شعر کودک، فصل ویژه ای در دیوان اشعار خود، داشته باشند.

بی تردید، سرودن شعر برای کودکان، آن هم شعر سودمند و سازنده ای که بتواند مفاهیم بلند اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی را هنرمندانه، به صورتی ساده، روان، پُر جاذبه و متناسب با ذهن کودک ارائه نماید، کاری کارستان است و از عهده هر شاعری بر نمی آید.

نکته مهمی که در دو روایتی که گذشت، بدان اشاره شده، این است که شعر آموزنده، علاوه بر این که از نظر هنری باید در سطح عالی و قابل قبولی باشد، برای آن که نسل نو بتوانند حدّا کثر بهره تربیتی را از آن داشته باشند، لازم است: اولاً گوینده شعر از تعهد دینی برخوردار باشد، چنان که در تبیین توصیه به آموختن شعر ابوطالب و عبدی به فرزندان، بر تعهد دینی آنان، تأکید شده است.

ثانیاً شعر، متضمن آگاهی های مورد نیاز کودک در زمینه های اعتقادی، اخلاقی و عملی باشد، چنان که امام علی علیه السلام بدان جهت بر آموختن شعر ابو طالب تأکید می فرماید که افزون بر تعهد دینی شاعر، متضمن دانشی فراوان است.

ثالثاً با عنایت به نقش سرنوشت ساز آشنایی و انس با اهل بیت علیهم السلام برای کودک، اشعاری که برای کودکان سروده می شود شایسته است متضمن معرفت و محبت آنان باشد. تأکید امام صادق علیه السلام بر آموختن اشعار عبدی به فرزندان، بدین جهت است که شعر او سرشار از معارف مربوط به خاندان رسالت است که برای نمونه به چند بیت از قصیده طولانی و زیبای وی اشاره می کنیم (1):

آیا با پرسیدن نشان خانه ویران [یار]

ص: 164

---

1- برای آگاهی از متن کامل اشعار وی مراجعه شود به الغدیر: ج 2 ص 290 [1]

شعار خود را خشوع در برابر خدا قرار ده

ص: 165

درود خدای عرش نشین، در هر زمانی

ص: 166

من با اظهار اندیشه و گفتار برای خود

جانم را در ستایش تو به رنج انداختم با آگاهی به این که آسایش من، در چنین رنجی است. (1)

ص: 167

---

1-6. أتعبتُ نفسي في مدحيك عارفةً بأنَّ راحتها في ذلك التعبِ

### اشاره

برخی دانشمندان بر اساس نحوه تربیت کودک، چهار الگوی تربیتی ارائه کرده اند. با مطالعه منابع اسلامی، می توان الگوی پنجمی را ارائه نمود. در ادامه، این پنج الگو را بررسی می کنیم:

#### 1. الگوی تربیتی مبتنی بر سختگیری

این الگوی تربیتی که بیشتر در میان نسل گذشته جریان داشت، کودکانی تربیت می کرد که چون محبت نمی دیدند، از نظر عاطفی و روانی، دچار اضطراب، تنش، افسردگی و گاهی خودکشی می شدند؛ اما به جهت سختگیری، پرتلاش و مسئولیت پذیر بودند. والدین به این جهت به فرزندان خود، محبت نمی کردند که آنها به اصطلاح، لوس نشوند و معتقد بودند که تعریف و تمجید، موجب لوس شدن آنها می شود.

#### 2. الگوی تربیتی مبتنی بر محبت و عدم قاطعیت

در این الگو، که در واکنش به الگوی اول شکل گرفت، فرزندان لوس، ضعیف النفس، وابسته، پرتوقع و از لحاظ عاطفی کودک صفت، تربیت می شوند، در برابر مشکلات، مقاوم و صبور نیستند و در زندگی خانوادگی و اجتماعی شان، به شدت دچار مشکل می شوند؛ هر چند از لحاظ عاطفی، کمتر احساس کمبود

می‌کنند. در این الگو، والدین معتقدند که حق، همیشه با فرزندان است. کودک، هر چه می‌خواهد، باید در اختیارش گذاشت و نباید گذاشت که ناراحت شود.

### 3. الگوی تربیتی مبتنی بر عدم محبت و عدم قاطعیت

این الگوی تربیتی، کودکانی تربیت می‌کند که چون محبت نمی‌بینند، از نظر عاطفی، دچار اختلال هستند و چون قاطعیت درباره آنان وجود ندارد، مبتلا به بزهکاری و خلافکاری می‌شوند.

### 4. الگوی تربیتی مبتنی بر محبت و قاطعیت

در این الگوی تربیتی، کودکان، هم از لحاظ عاطفی ارضا می‌شوند، و هم سختکوش، صبور و مسئولیت‌پذیر تربیت می‌شوند.

دانشمندان، این الگو را بهترین الگوی تربیت کودک می‌دانند. (1)

اما نظر اسلام در این باره چیست؟ در آموزه‌های دین، مباحث بسیار و پراکنده‌ای در این باره وجود دارد؛ اما مهم این است که نظام حاکم بر آنها را بشناسیم و الگوی تربیتی‌ای از آنها به دست می‌آوریم. به نظر می‌رسد الگویی که از مجموع متون قرآن و حدیث به دست می‌آید، الگویی است که در الگوی پنجم از آن سخن خواهیم گفت.

### 5. الگوی تربیتی مبتنی بر محبت، قاطعیت و کرامت

از دیدگاه اسلام، محبت، یکی از اصول تربیتی کودک است که به شدت، مورد تأکید قرار گرفته (2) و محبت نکردن، به شدت نکوهش شده است؛ (3) اما در عین حال، از

ص: 169

---

1- موفقیت در تربیت فرزندان: ص 61 به بعد.

2- ر.ک: ص 141.

3- ر.ک: ص 144.



افراط در محبت نیز نهی شده است. (1) لذا در کنار محبت، صلابت و دقت در تربیت کودک نیز مورد توجه اکید، قرار گرفته است. (2)

بر این اساس، کودک در عین این که محبت می بیند، اما یله و رها نیست تا هر کاری که خواست، انجام دهد. از سوی دیگر، در عین این که تربیت می شود، مورد مهر و محبت و مدارا نیز واقع می شود و به همین جهت، از افراط در ملامت ها و خشونت (3) - که از شاخصه های الگوی سختگیری بدون محبت هستند - نهی شده است. (4)

و اما الگوی تربیتی اسلام، بعد سومی نیز دارد که عبارت است از «تکریم».

تکریم، احترام گذاشتن به کودک و ارزش قائل شدن برای اوست. از دیدگاه اسلام، کودک، چون کودک است، نباید تحقیر شود و احساس بی ارزشی و یا کم ارزشی کند. هر چند کودک، بیشتر محتاج محبت است و بزرگ سال محتاج احترام؛ (5) ولی بدان معنا نیست که شخصیت کودک، نباید محترم شمرده شود، همان گونه که مهر و عطف نسبت به بزرگ سال، نباید فراموش شود.

کودکی که با ارزش قلمداد می شود و شخصیت او محترم شمرده می شود (تکریم)، به احساس خود ارزشمندی (عزت و کرامت نفس) دست می یابد و کسی که برای خودش ارزش قائل باشد، خود را به زشتی ها آلوده نمی کند. (6)

ص: 170

1- ر.ک: ص: 126.

2- ر.ک: ص: 183 ( [1] قاطعیت و سازش نکردن).

3- ر.ک: ص: 127.

4- ر.ک: ص: 187 (زیاده روی در سرزنش).

5- در خطبه شعبانیه: «وقروا كبارکم وارحموا صغارکم» (الأمالی، صدوق: ص: 154).

6- من کرمت علیه نفسه لم یهنها بالمعصیه؛ هر کس جانش برایش محترم است، آن را با گناه کوچک نمی کند (مستدرک الوسائل: ج 11

ص: 339). [2] من کرمت نفسه قل شقاقه وخلافه؛ هر کس جانش برایش گرامی باشد، ستیز و دعوایش کم می شود (عیون الحکم: ص: 464

ح: 8448). من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهوته؛ هر کس جانش برایش محترم باشد، خواهشش کوچک می شود (بحار الأنوار: ج 70

ص: 78 ح: 12) و....

کرامت نفس، محور اساسی اخلاق اسلامی و تربیت اسلامی است و مهم ترین راه آن، تکریم انسان، بویژه در دوران کودکی است. البته بخشی از کرامت پروری به آموزش زشتی ها و زیبایی ها مربوط می شود، ولی تکریم، ارزش و اهمیت بسیار دارد. یکی از مهم ترین نکات تربیتی که در تکریم شخصیت کودک باید مورد توجه قرار گیرد، جدی گرفتن احساسات او در هفت سال آغاز زندگی است. این موضوع آن قدر اهمیت دارد که این دوران در روایتی از پیامبر خدا، دوران سیادت و آقایی کودک شمرده شده است:

الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ.

فرزند، هفت سال سرور است.

مقتضای سیادت و آقایی کودک، فرماندهی او و اطاعت والدین است، بدین معنا که کودک در هفت سال آغاز زندگی باید در خانواده آقایی و فرماندهی کند و لذا هر چه می خواهد، در صورتی که برای او زیانبار نباشد و در توان پدر و مادر باشد، باید تأمین شود.

نتیجه تربیتی فرماندهی کودک در هفت سال آغاز زندگی و فرمانبری صحیح پدر و مادر از او، فرمان بری مطلق توأم با محبت کودک در هفت سال بعدی زندگی کودک خواهد بود. از این رو، در ادامه حدیث آمده است:

وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ.

کودک در هفت سال دوم، بنده است.

حال عبودیت و بندگی کودک نسبت پدر و مادر، نتیجه نهایت اعتمادی است که در هفت سال آغاز زندگی نسبت به آنها پیدا کرده است. پیدایش این حالت در کودک در هفت سال دوم زندگی با عنایت به این که این ایام، دوران تعلیم و تربیت اوست، فوق العاده برای سازندگی او اهمیت دارد.

پس از سپری شدن هفت سال دوم زندگی کودک، دوران وزارت او در خانواده فرا می رسد، چنان که در ادامه حدیث می خوانیم:

وَوَازِيرُ سَبْعِ سِنِينَ.

هفت سال سوم، [کودک] وزیر است.

در این دوران، کودک، دیگر بنده و فرمان بر نیست. تکریم شخصیت او در این دوران ایجاب می کند که او همانند وزیر خانواده مورد مشورت قرار گیرد و کارهایی که از او بر می آید، به او واگذار گردد و بدین سان، مسئولیت خانواده در تعلیم و تربیت کودک به پایان می رسد.

ص: 172



285. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَاحَةَ وَالرَّمَايَةَ. (1)

286. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَّمُوا أَبْنَاءَكُمْ السَّبَاحَةَ وَالرَّمِيَّ، وَالْمَرَأَةَ الْمَغْزَلَ. (2)

287. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَّمُوا بَنِيكُمْ الرَّمِيَّ؛ فَإِنَّهُ نِكَايَةُ الْعُدُوِّ. (3)

5/3: وَقْتُ تَرْبِيَةِ الطِّفْلِ وَتَأْدِيبِهِ

288. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ، فَإِنْ رَضِيتَ

ص: 174

- 
- 1- .الكافي: ج 6 ص 47 ح 4 [1] عن الإمام على عليه السلام، أسد الغابه: ج 1 ص 412 الرقم 488 وفيه «أبناءكم» بدل «أولادكم» عن عبد الله بن الربيع الأنصارى.
  - 2- .شعب الإيمان: ج 6 ص 401 ح 8664 [2] عن ابن عمر، الجامع الصغير: ج 2 ص 161 ح 5477.
  - 3- .الفردوس: ج 3 ص 11 ح 4008 عن جابر، كنز العمال: ج 16 ص 443 ح 45341.

285. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به فرزندان، شنا و تیراندازی یاد دهید.

286. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به پسران، شنا و تیراندازی یاد دهید و به دختر، ریسندگی.

287. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به پسران، تیراندازی یاد دهید؛ چراکه مایه پیروزی بر دشمن است (1).

ر.ک: ص 102 (نوشتن).

### 5/3: زمان تربیت و تأدیب کودک

5/3- زمان تربیت و تأدیب کودک (2)

288. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: (3) فرزند، هفت سال، آفاست، هفت سال خدمتکار و هفت سال وزیر

ص: 175

1- به هر یک از فرزندان دختر و پسر، باید آنچه نیاز دارند و مطابق اقتضای جنسیتی آنهاست، یاد داد؛ هرچند ممکن است به تناسب مقتضیات زمان، موارد آن متفاوت باشد. مثلاً درباره پسران، مراد از تیراندازی، فنون نظامی است، نه تنها تیراندازی با کمان. همچنین، درباره دختران، آموزش ریسندگی در همه زمان ها خصوصیت ندارد؛ بلکه نیازی برای آن زمان بوده است و اکنون، به تناسب زمان و نیازهایشان، باید مهارت های لازم را آموزش ببینند.

2- «کودک شش ساله، از لحاظ ذهنی نسبت به کودک دو ساله در قبول تقاضا، درخواست، راهنمایی و نمایش رفتارهای دیگران (که به عنوان مدلی برای تقلید کودک عمل می کنند)، یا دیگر ارتباطهای کنترل مدار، توانا تر است. به موازات رشد کودک، این گونه درون دادهای ارتباطی به صورت فزاینده ای آثار جزئی و ظریفی به بار می آورند. درخواست انجام رفتارهای متوالی پیچیده، ممکن است این توانایی ها را در کودک شش ساله فرا خواند و او را به پاسخ و دارد، در حالی که در اغلب موارد، کودکان دو ساله، فاقد تجهیزات شناختی برای اجابت این گونه دستورالعمل ها هستند. ارتباطات کنترل مدار از کودک به جانب دیگر نیز نشانگر تغییرات وابسته به سن در او ان کودکی است. کودک دو ساله، آشکارا می تواند رفتار اطرافیان خود را به شیوه های ظریف، کنترل کند و چنین نیز می کند. با وجود این، او هرگز نمی تواند همانند کودکان شش ساله، دیگران را به گونه ای هدفمند با بهره گیری از دستورالعمل های گاه جزئی، کلامی، حرکات بدنی، نمایش های جسمانی و مانند آنها به ابراز رفتارهای مورد نظر خود، وا دارد. سرانجام، کودک در حال رشد، توان می یابد تا به صورتی روزافزون بر رفتار خود، مهار زند» (رشد شناختی، ص 106).

3- «کودک شش ساله، از لحاظ ذهنی نسبت به کودک دو ساله در قبول تقاضا، درخواست، راهنمایی و نمایش رفتارهای دیگران (که به عنوان مدلی برای تقلید کودک عمل می کنند)، یا دیگر ارتباطهای کنترل مدار، توانا تر است. به موازات رشد کودک، این گونه درون دادهای ارتباطی به صورت فزاینده ای آثار جزئی و ظریفی به بار می آورند. درخواست انجام رفتارهای متوالی پیچیده، ممکن است این توانایی ها را در کودک شش ساله فرا خواند و او را به پاسخ و دارد، در حالی که در اغلب موارد، کودکان دو ساله، فاقد تجهیزات شناختی برای اجابت این گونه دستورالعمل ها هستند. ارتباطات کنترل مدار از کودک به جانب دیگر نیز نشانگر تغییرات وابسته به سن در او ان کودکی است. کودک

دو ساله، آشکارا می تواند رفتار اطرافیان خود را به شیوه های ظریف، کنترل کند و چنین نیز می کند. با وجود این، او هرگز نمی تواند همانند کودکان شش ساله، دیگران را به گونه ای هدفمند با بهره گیری از دستورالعمل های گاه جزئی، کلامی، حرکات بدنی، نمایش های جسمانی و مانند آنها به ابراز رفتارهای مورد نظر خود، وا دارد. سرانجام، کودک در حال رشد، توان می یابد تا به صورتی روزافزون بر رفتار خود، مهار زند» (رشد شناختی، ص 106).

مُكَانَفَتَهُ لِأَحَدِي وَعِشْرِينَ وَإِلَّا فَاضْرِبْ عَلَيَّ جَنْبِهِ؛ فَقَدْ اعْتَدَرْتَ إِلَى اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ. (1)

289. الإمام عليّ عليه السلام: يُرَى الصَّبِيُّ سَبْعًا، وَيُؤَدَّبُ سَبْعًا، وَيُسْتَخْدَمُ سَبْعًا، وَمُنْتَهَى طَوْلِهِ فِي ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ سَنَةً، وَعَقْلُهُ فِي خَمْسٍ وَثَلَاثِينَ سَنَةً، وَمَا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ فَبِالتَّجَارِبِ. (2)

290. عنه عليه السلام: وَلَدَكَ رِيحَانَتُكَ سَبْعًا، وَخَادِمُكَ سَبْعًا، ثُمَّ هُوَ عَدُوُّكَ أَوْ صَدِيقُكَ. (3)

291. عنه عليه السلام - مِنْ وَصِيَّتِهِ لَوْلَدِهِ الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - : بَادَرْتُ بِوَصِيَّتِي إِلَيْكَ، وَأُورِدْتُ خِصَالًا مِنْهَا قَبْلَ أَنْ يَعْجَلَ بِي أَجْلِي دُونَ أَنْ أَفْضِيََ إِلَيْكَ بِمَا فِي نَفْسِي، أَوْ أَنْ أَنْقُصَ فِي رَأْيِي كَمَا نُقِصْتُ فِي جِسْمِي، أَوْ يَسْبِقَنِي إِلَيْكَ بَعْضُ غَلَبَاتِ الْهَوَى وَفِتَنِ الدُّنْيَا، فَتَكُونَ كَالصَّعْبِ (4) النَّفُورِ، وَإِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِيثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ؛ مَا الْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَتْهُ، فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُوَ قَلْبُكَ، وَيَسْتَعِجَلَ لُبُّكَ... وَرَأَيْتُ حَيْثُ عَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يَعْنِي الْوَالِدُ الشَّفِيقُ، وَأَجْمَعْتُ عَلَيْهِ مِنْ أَدَبِكَ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ وَأَنْتَ مُقْبِلُ الْعُمُرِ وَمُقْتَبِلُ الدَّهْرِ، ذُو نِيَّةٍ سَلِيمَةٍ، وَنَفْسٍ صَافِيَةٍ، وَأَنْ أَبْتَدِئَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ وَتَأْوِيلِهِ، وَشَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَأَحْكَامِهِ، وَحَلَالِهِ وَحَرَامِهِ. (5)

ص: 176

1- المعجم الأوسط: ج 6 ص 170 ح 6104 عن أبي جبيره، الفردوس: ج 4 ص 430 ح 7252 وفيه «وخادم» بدل «وعبد»، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 478 ح 1649 وفيه «أخلاقه» بدل «مُكَانَفَتَهُ».

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 493 ح 4746، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 478 ح 1653 [1] وفيه «يرخي» بدل «يُرَبِّي».

3- شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ج 20 ص 343 ح 937. [2]

4- الصَّعْبُ: نَقِيضُ الذَّلُولِ وَأَصْعَبْتُ الْجَمَلَ: إِذَا تَرَكْتَهُ فَلَمْ تَرْكَبْهُ وَلَمْ يَمَسَّ سُنَّهُ حَبْلٌ حَتَّى صَارَ صَعْبًا (الصَّحَاحُ: ج 1 ص 163) [3صعب].

5- نهج البلاغه: [4] الكتاب 31، كشف المحجَّه: ص 222 [5] عن عمر بن أبي المقدم عن الإمام الباقر عنه عليهما السلام، تحف العقول: ص 70 [6] نحوه.



است. اگر در بیست و یک سالگی از تربیت او راضی بودی که خوب؛ وگرنه، به پهلویش بزن [تا دنبال کار خودش برود] که نزد خداوند، معذوری.

289. امام علی علیه السلام: کودک، هفت سال پرورش یابد، هفت سال ادب آموزی گردد و هفت سال به خدمت درآید. پایان قد کشیدنش در بیست و سه سالگی و پایان تکامل عقلی اش در سی و پنج سالگی است و آنچه پس از این باشد، از راه تجربه ها به دست آید.

290. امام علی علیه السلام: فرزندت، هفت سال دسته گل تو و هفت سال خدمتکار توست. سپس یا دشمن توست و یا دوست تو.

291. امام علی علیه السلام - در سفارش به فرزندش امام حسن علیه السلام - برای سفارش نمودن به تو پیش دستی کردم و خصلت هایی را در آن آوردم، پیش از آن که اجل به سوی من شتاب گیرد، بدون آن که آنچه در دل دارم، به تو رسانده باشم، یا همان گونه که جسمم ضعیف شده است، اندیشه ام نیز ضعیف گردد، و یا آن که پیش از من، برخی هوس ها و فتنه های دنیا بر تو چیره شوند و در نتیجه، سرکش و گریزان گردی. همانا قلب جوان، همانند زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود، می پذیرد. از این رو، پیش از آن که دل تو سخت و فکر تو درگیر شود، به تربیت تو مبادرت کردم... و چون همان را برای تو می خواهم که یک پدر دلسوز می خواهد، خوب نگرستم و بر آن شدم که تربیت تو، در حالی باشد که تو رو به زندگی داری و چیزی از روزگار نگذرانده ای، و دارای تبتی سالم و نهادی پاک، و [همچنین بر آن شدم که] تربیت تو را از آموزش کتاب خداوند عز و جل و تأویل آن، و قوانین اسلام و احکام آن، و حلال و حرام آن، آغاز کنم.

292. الإمام الصادق عليه السلام: أمهل صبيك حتى يأتي له سِتُّ من نين، ثم ضمّه إليك سبع سنين فأدبه بأدبك، فإن قبل وصلح وإلا فحلّ عنه. (1)

293. عنه عليه السلام: الغلام يلعب سبع سنين، ويتعلم الكتاب سبع سنين، ويتعلم الحلال والحرام سبع سنين. (2)

6/3: المنهج التربوي الإسلامي

أ التكريم والرّفق والرّحمه والمحبّه

294. رسول الله صلى الله عليه وآله: أكرموا أولادكم، وأحسنوا أدبهم. (3)

295. مسند ابن حنبل عن عمّ أبي رافع بن عمرو الغفاري: كنت وأنا غلامٌ أرمى نخلاً لِلأنصار، فأتى النبيّ صلى الله عليه وآله فقبل: إن هاهنا غلاماً يرمى نخلاً! فأتى بي إلى النبيّ صلى الله عليه وآله، فقال: يا غلام! لِمَ ترمى النخل؟ قال: قلت: أكل. قال: فلا ترم النخل وكل ما يسقط في أسافلها. ثم مسح رأسي وقال: اللهم أشع بطنه. (4)

296. المعجم الكبير عن أسد بن وداعة: أن رجلاً يُقال له: «جزء» أتى النبيّ صلى الله عليه وآله فقال: يا رسول الله، إن أهلي يُغضّونني فيم اعاقبهم؟ فقال: تعفو، ثم قال الثانيه، حتى قالها

ص: 178

1- الكافي: ج 6 ص 46 ح 2، [1] تهذيب الأحكام: ج 8 ص 111 ح 379 كلاهما عن يونس بن يعقوب.

2- الكافي: ج 6 ص 47 ح 3، [2] تهذيب الأحكام: ج 8 ص 111 ح 380 كلاهما عن يعقوب بن سالم.

3- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1211 ح 3671، تاريخ بغداد: ج 8 ص 288 الرقم 4389، [3] الفردوس: ج 1 ص 67 ح 196 كلاهما عن أنس.

4- مسند ابن حنبل: ج 7 ص 296 ح 20364، [4] المصنّف لابن أبي شيبة: ج 5 ص 38 ح 2، الطبقات الكبرى: ج 7 ص 29. [5]

292. امام صادق علیه السلام: پسرت را تا شش سالگی رها کن. سپس او را هفت سال همراه خود ساز و با ادب خود، تربیتش کن. اگر پذیرفت و شایسته شد، که خوب و گرنه، رهایش کن.

293. امام صادق علیه السلام: پسر، هفت سال باید بازی کند، هفت سال آموزش قرآن ببیند و هفت سال، حلال و حرام را فرا گیرد.

### 6/3: شیوه تربیت اسلامی

#### الف- احترام و مدارا و دلسوزی و محبت

294. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کودکان را گرامی بدارید و آنان را خوب تربیت کنید.

295. مسند ابن حنبل - به نقل از عموی ابو رافع بن عمرو غفاری - من کودک بودم که به درخت خرمایی از انصار، سنگ پرتاب می کردم. پیامبر صلی الله علیه و آله که آمد، به ایشان گفته شد: این جا کودکی است که به درخت خرمای ما سنگ می زند. مرا نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بردند و ایشان فرمود: «ای پسر! چرا به درخت خرما سنگ می اندازی؟».

گفتم: [از آن] می خورم.

فرمود: «به درخت، سنگ نینداز و هر چه پایین آن ریخته بود، بخور».

سپس [با مهربانی] دست بر سر من کشید [برایم دعا کرد] و گفت: «خداوندا! شکم او را سیرگردان».

296. المعجم الكبير - به نقل از اسد بن وداعه - مردی به نام جُزء، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت:

ای پیامبر خدا! خانواده ام مرا خشمگین می سازند. به چه چیزی آنان را مجازات کنم؟

ثَلَاثًا، قَالَ: فَإِنْ عَاقَبْتَ فَعَاقِبَ بِقَدْرِ الذَّنْبِ، وَاتَّقِ الْوَجْهَ. (1)

297. الإمام علي عليه السلام: كُنْ كَالطَّيِّبِ الرَّفِيقِ الَّذِي يَضَعُ الدَّوَاءَ بِحَيْثُ يَنْفَعُ. (2)

298. عنه عليه السلام: ازْجُرِ الْمُسَىءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ. (3)

299. عنه عليه السلام: عُقُوبَةُ الْعُقَلَاءِ التَّلْوِيحُ، عُقُوبَةُ الْجُهَلَاءِ التَّصْرِيحُ. (4)

300. عنه عليه السلام: تَلْوِيحُ زَلَّةِ الْعَاقِلِ لَهُ مِنْ أَمَّصٍ (5) عِتَابِهِ. (6)

301. عنه عليه السلام: التَّعْرِیْضُ (7) لِلْعَاقِلِ أَشَدُّ عِتَابِهِ. (8)

302. عنه عليه السلام: رُبَّ ذَنْبٍ مِقْدَارُ الْعُقُوبَةِ عَلَيْهِ إِعْلَامُ الْمُذْنِبِ بِهِ. (9)

303. الإمام زين العابدين عليه السلام: حَقُّ الصَّغِيرِ رَحْمَةٌ فِي تَعْلِيمِهِ، وَالْعَفْوُ عَنْهُ وَالسِّرُّ عَلَيْهِ، وَالرَّفْقُ بِهِ، وَالْمَعُونَةُ لَهُ... وَحَقُّ أَهْلِ مِلَّتِكَ... أَنْ يَكُونَ شَيْوِخُهُمْ بِمَنْزِلَةِ أَبِيكَ، وَشُبَّانُهُمْ بِمَنْزِلَةِ إِخْوَتِكَ، وَعَجَائِزُهُمْ بِمَنْزِلَةِ أُمَّكَ، وَالصِّغَارُ بِمَنْزِلَةِ أَوْلَادِكَ. (10)

ص: 180

1- المعجم الكبير: ج 2 ص 269 ح 2130، أسد الغابه: ج 1 ص 534 الرقم 740، [1] الإصابة: ج 1 ص 586 الرقم 1153 [2] وفيهما «يعصوني» بدل «يغضبوني».

2- مصباح الشريعه: ص 370، [3] بحار الأنوار: ج 2 ص 53 ح 21. [4]

3- نهج البلاغه: الحكمه 177، [5] خصائص الأئمه: ص 110، [6] بحار الأنوار: ج 75 ص 44 ح 12. [7]

4- غرر الحكم: ح 6328 وح 6329، [8] عيون الحكم والمواعظ: ص 339 ح 5776 و 5777.

5- مَصْنَى الْجُرْحِ وَأَمَّصْنَى: أَلْمَنَى وَأَوْجَعْنَى (لسان العرب ج 7 ص 233 «[9] مَضْنَى»).

6- غرر الحكم: ح 4497، عيون الحكم والمواعظ: ص 201 ح 4086.

7- التَّعْرِیْضُ: خِلَافُ التَّصْرِيحِ (الصحاح: ج 3 ص 1087 «[10] عَرْضُ»).

8- غرر الحكم: ح 1161.

9- غرر الحكم: ح 5342، عيون الحكم والمواعظ: ص 267 ح 4897.

10- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 625 ح 3214، الخصال: ص 570 ح 1 كلاهما عن أبي حمزه الثمالي (ثابت بن دينار).

سپس، بار دیگر گفت، تا این که سه بار تکرار کرد. فرمود: «اگر مجازات کردی، به اندازه اشتباه، مجازات کن و از [زدن به] صورت بپرهیز».

297. امام علی علیه السلام: همانند طیبِ مدارا کننده ای باش که دارو را جایی به کار می برد که سودمند است.

298. امام علی علیه السلام: بدکار را با پاداش دادن به نیکوکار، [از کار ناشایست] باز دار.

299. امام علی علیه السلام: مجازات خردمندان، با کنایه و اشاره است و مجازات نابخردان، با تصریح.

300. امام علی علیه السلام: کنایه و اشاره به لغزش خردمند، از دردناک ترین سرزنش ها برای اوست.

301. امام علی علیه السلام: کنایه زدن به خردمند، سخت ترین سرزنش برای اوست.

302. امام علی علیه السلام: چه بسا گناهی که اندازه مجازات آن، [فقط] آگاه کردن خطا کار از آن است.

303. امام زین العابدین علیه السلام: حقّ خردسال، مهربانی در آموزش او، بخشیدن او و پوشاندن [اشتباهات] او، مدارا کردن با او و یاری کردن اوست... و حقّ هم کیشان تو این است که... پیرمردان آنها به جای پدر تو باشند و جوانانشان، به جای برادران تو و زنان پیرشان به جای مادر تو و خردسالان [آنها] به جای فرزندان تو.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ». 1.

304. صحيح مسلم عن أبي هريره: لَمَّا انزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: «وَأَذِّنْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» 2 دَعَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قُرَيْشاً فَاجْتَمَعُوا، فَعَمَّ وَخَصَّ، فَقَالَ:

يَا بَنِي كَعْبِ بْنِ لُؤَيٍّ! أَنْقِدُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ.

يَا بَنِي مُرَّةِ بْنِ كَعْبٍ! أَنْقِدُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ.

يَا بَنِي عَبْدِ شَمْسٍ! أَنْقِدُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ.

يَا بَنِي عَبْدِ مَنَاةٍ! أَنْقِدُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ.

يَا بَنِي هَاشِمٍ! أَنْقِدُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ.

يَا بَنِي عَبْدِ الْمُطَّلِبِ! أَنْقِدُوا أَنْفُسَكُمْ مِنَ النَّارِ.

يَا فَاطِمَةَ! أَنْقِذِي نَفْسَكَ مِنَ النَّارِ؛ فَإِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً، غَيْرَ أَنَّ لَكُمْ رَحِمًا سَأَبُلُّهَا بِبِلَالِهَا (1). (2)

1- إنَّ لَكُمْ رَحِمًا سَأَبُلُّهَا بِبِلَالِهَا: أَيُ أَصْلَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَا اغْنَى عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً (النهاية: ج 1 ص 153 «[1] بلل»).

2- صحيح مسلم: ج 1 ص 192 ح 348، سنن الترمذي: ج 5 ص 338 ح 3185، سنن النسائي: ج 6 ص 248 كلاهما نحوه، كنز العمال: ج 16 ص 10 ح 43702.

«ای کسانی که ایمان آورده اید! خودتان و خانواده تان را از آتشی نگه دارید که آتشگیره آن، مردم و سنگ ها هستند، فرشتگان خشن سخت گیر بر آن گمارده شده اند، از آنچه خدا به آنان فرمان داده، سرپیچی نمی کنند و آنچه را مأمور شده اند، انجام می دهند».

حدیث

304. صحیح مسلم - به نقل از ابوهریره - وقتی این آیه نازل شد که: «و خویشان نزدیکت را هشدار ده»، پیامبر خدا، قریش را دعوت کرد و آنان، جمع شدند. سپس به همه، یک به یک فرمود: «ای فرزندان کعب بن لؤی! (1) خودتان را از آتش، نجات دهید.

ای فرزندان مرّه بن کعب! (2) خودتان را از آتش، نجات دهید.

ای فرزندان عبد شمس! خودتان را از آتش، نجات دهید.

ای فرزندان عبد مناف! خودتان را از آتش، نجات دهید.

ای فرزندان هاشم! (3) خودتان را از آتش، نجات دهید.

ای فرزندان عبد المطلب! (4) خودتان را از آتش، نجات دهید.

ای فاطمه! خودت را از آتش نجات ده؛ چرا که من نمی توانم از جانب خداوند، چیزی را برای شما تضمین کنم، جز این که شما حق خویشاوندی ای دارید که من، بدان با شما در دنیا ارتباط دارم [و به کار آخرت نمی آید]».

ص: 183

1- کعب بن لؤی، جدّ هفتم پیامبر خداست.

2- مرّه بن کعب، جدّ ششم پیامبر خداست.

3- هاشم، پسر بزرگ عبد مناف بود که بعد از پدر، شرافتی فراوان یافت و سرور بطحا گشت. وی، جدّ دوم پیامبر خداست.

4- عبد المطلب، فرزند هاشم است که در میان قومش سیادت و ریاستی فراگیر یافت و به توحید و معاد، باور داشت. لذا او را ابراهیم دوم نامیدند. وی، جدّ اول پیامبر خداست.

305. الدرّ المنثور عن زيد بن أسلم: تلا رسول الله صلى الله عليه وآله هذه الآية: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»، فقالوا: يا رسول الله، كيف نقي أهلنا نارا؟

قال: تأمروهم بما يحبُّه الله، وتنهونهم عما يكره الله. (1)

306. الإمام عليّ عليه السلام - في كتابه إلى بعض عماله -: فاتق الله واردد إلى هؤلاء القوم أموالهم، فإنك إن لم تفعل ثم أمكنني الله منك لأعذرن إلى الله فيك، ولأضربنك بسيفي الذي ما ضربت به أحداً إلا دخل النار، والله لو أن الحسن والحسين فعلا مثل الذي فعلت ما كانت لهما عندي هواده، ولا ظفرا مني بإرادته حتى آخذ الحق منهما، وأزيح الباطل عن مظلمتهما. (2)

307. الكافي عن أبي بصير: سألت أبا عبد الله عليه السلام في قول الله عز وجل: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»:

كيف نقي أهلنا؟ قال: تأمروهم وتنهونهم. (3)

308. الإمام الصادق عليه السلام: لما نزلت هذه الآية: «يا أيها الذين آمنوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» جلس رجل من المسلمين يبكي وقال: أنا عجزت عن نفسي، كلفت أهلي؟! فقال رسول الله صلى الله عليه وآله: حسبتك أن تأمرهم بما تأمر به نفسك، وتنهاهم عما تنهى عنه نفسك. (4)

309. الكافي عن أبي بصير - في قول الله عز وجل: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» -: قلت: كيف أفيهم؟ قال: تأمروهم بما أمر الله وتنهاهم عما نهاهم الله، فإن أطاعوك كنت قد وقيتهم، وإن

ص: 184

1- الدرّ المنثور: ج 8 ص 225 نقلاً عن ابن مردويه.

2- نهج البلاغه: [1] الكتاب 41، بحار الأنوار: ج 42 ص 182 ح 40. [2]

3- الكافي: ج 5 ص 62 ح 3. [3]

4- الكافي: ج 5 ص 62 ح 1، [4] تهذيب الأحكام: ج 6 ص 179 ح 364 كلاهما عن عبد الأعلى مولى آل سام، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 468 ح 1600. [5]



305. الدّر المنثور: پیامبر خدا، این آیه را تلاوت فرمود: «خودتان و خانواده تان را از آتش، نگه دارید».

گفتند: ای پیامبر خدا! چگونه خانواده مان را از آتش، نگه داریم؟

فرمود: «آنان را به آنچه خداوند دوست دارد، امر کنید و از آنچه خداوند ناخوش دارد، نهی کنید».

306. امام علی علیه السلام - در نامه ای به یکی از کارگزارانش - پروای الهی داشته باش و اموال این مردم را به آنان، بازگردان که اگر چنین نکنی و خداوند، امکان دستیابی به تو را به من بدهد، درباره تو آن می کنم که [به وظیفه ام عمل کرده و] نزد خدا معذور باشم و با این شمشیرم، که هر کس را با آن زدم، وارد دوزخ شد، بر تو خواهم زد. به خدا سوگند، اگر حسن و حسین هم کاری را که تو کردی، انجام دهند، هیچ نرمش و رخصتی از جانب من نمی بینند و در اراده من، هیچ تأثیری نمی گذارد تا حق را از آنان بستانم و ستم هایی را که کرده اند، برطرف سازم.

307. الکافی - به نقل از ابوبصیر - از امام صادق علیه السلام، درباره این سخن خداوند عز و جل: «خودتان و خانواده تان را از آتش، نگه دارید»، پرسیدم که: چگونه خانواده مان را نگه دارم؟

فرمود: «به آنان، امر و نهی کنید».

308. امام صادق علیه السلام: هنگامی که این آیه نازل شد: «ای کسانی که ایمان آوردید! خودتان و خانواده تان را از آتش، نگه دارید»، یکی از مردان مسلمان به گریه نشست و گفت: من از [نگه داشتن] خودم ناتوان بودم، به خانواده ام نیز مکلف شدم.

پیامبر خدا فرمود: «برای تو همین کافی است که آنچه خودت را به آن امر می کنی، آنان را بدان امر کنی و از آنچه خودت را نهی می کنی، آنان را نهی کنی».

309. الکافی - به نقل از ابوبصیر - از امام صادق علیه السلام درباره این سخن خداوند: «خودتان و خانواده تان را از آتش، نگه دارید» پرسیدم که: چگونه آنان را نگه دارم؟

عَصَوَكَ كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ. (1)

ج-التأديب العملي

310. الإمام علي عليه السلام: مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ، وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ. وَمُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَمُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَمُؤَدِّبِهِمْ. (2)

311. الإمام الصادق عليه السلام: كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ أَسْتِنْتِكُمْ؛ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَرَعَ وَالْاجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ، فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ. (3)

7/3: آفات التأديب

أ- الإفراط في المحبة

312. الإمام الباقر عليه السلام: شَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَا الْبُرِّ إِلَى الْإِفْرَاطِ، وَشَرُّ الْأَبْنَاءِ مَنْ دَعَا التَّقْصِيرَ إِلَى الْعُقُوقِ. (4)

ب- الإفراط في الملامه

313. الإمام علي عليه السلام: الْإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَشُبُّ نِيرَانَ اللَّجَاجِ. (5)

ص: 186

1- الكافي: ج 5 ص 62 ح 2، [1] تهذيب الأحكام: ج 6 ص 179 ح 365، مشكاة الأنوار: ص 455 ح 1526. [2]

2- نهج البلاغه: الحكمة 73، [3] بحار الأنوار: ج 2 ص 56 ح 33. [4]

3- الكافي: ج 2 ص 78 ح 14 و ص 105 ح 10، [5] الاصول الستة عشر: ص 151 كلاهما نحوه وكلها عن ابن أبي يعفور، بحار الأنوار: ج 70 ص 303 ح 13. [6]

4- تاريخ يعقوبي: ج 2 ص 320، [7] الجوهره: ص 52. [8]

5- تحف العقول: ص 84، غرر الحكم: ح 1768، بحار الأنوار: ج 77 ص 212 ح 1 [9] نقلاً عن كشف المحجّه.

فرمود: «به آنچه خداوند امر کرده، آنان را امر کن و از آنچه خداوند نهی کرده،

نهی کن. اگر از تو فرمان بردند، تو آنان را نگه داشته ای و اگر نافرمانی کردند، تو آنچه را بر عهده ات بود، انجام داده ای».

### ج- تربیت عملی

310. امام علی علیه السلام: هر کس خود را پیشوای مردم قرار دهد، باید پیش از آموزش دادن مردم، یاد دادن به خود را آغاز کند، و باید پیش از تربیت زبانی، با رفتارش تربیت کند.

آموزگار و مربی خود، بیش از آموزگار و مربی مردم، شایسته احترام است.

311. امام صادق علیه السلام: با غیر از زبانتان (با رفتار)، دعوت کننده مردم باشید. باید مردم از شما پرهیزگاری، تلاش خستگی ناپذیر و نماز و خوبی ببینند که این، دعوت کردن است.

### 7/3: آفت های تربیت آموزش و پرورش

#### الف- زیاده روی در محبت

312. امام باقر علیه السلام: بدترین پدر، کسی است که نیکی کردن، او را به زیاده روی وا دارد و بدترین فرزند، کسی است که کوتاهی کردن، او را به نافرمانی و آزردن [والدین] وا دارد.

#### ب- زیاده روی در سرزنش

313. امام علی علیه السلام: زیاده روی در سرزنش کردن، آتش لجاجب را شعله ور می سازد.

314. عنه عليه السلام: إِيَّاكَ أَنْ تُكْرِرَ الْعَتَبَ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُغْرَى بِالذَّنْبِ، وَيُهَوِّنُ الْعَتَبَ. (1)

315. عنه عليه السلام - فِي الْحِكْمِ الْمَنْسُوبَةِ إِلَيْهِ -: إِذَا عَاتَبْتَ الْحَدِيثَ فَاتَّكِرْ لَهُ مَوْضِعاً مِنْ ذَنْبِهِ؛ لِنَيْلِ يَحْمِلُهُ الْإِخْرَاجَ عَلَى الْمُكَابَرَةِ. (2)

ج-التَّأْدِيبُ عِنْدَ الْغَضَبِ

316. الكافي عن علي بن أسباط عن بعض أصحابنا، قال (3): نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ الْأَدَبِ عِنْدَ الْغَضَبِ. (4)

317. الإمام علي عليه السلام: لَا أَدَبَ مَعَ غَضَبٍ. (5)

د-الْحُشُونَةُ

318. الكافي عن يونس بن رباط عن الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: رَجِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ.

قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ يُعِينُهُ عَلَى بَرِّهِ؟

قَالَ: يَقْبَلُ مَيْسُورَهُ، وَيَتَجَاوَزُ عَنِ مَعْسُورِهِ، وَلَا يُرْهَقُهُ، وَلَا يَخْرُقُ بِهِ (6)،

ص: 188

1- غرر الحكم: ح 3748، [1] عيون الحكم والمواعظ: ص 163 ح 3481.

2- شرح نهج البلاغه: ج 20 ص 333 ح 819.

3- في المحاسن: «عن بعض أصحابنا عن علي بن أسباط رفعه، قال...».

4- الكافي: ج 7 ص 260 ح 3، [2] تهذيب الأحكام: ج 10 ص 148 ح 589، المحاسن: ج 1 ص 427 ح 984، [3] بحار الأنوار: ج 79 ص 102 ح 2. [4]

5- غرر الحكم: ح 10529، عيون الحكم والمواعظ: ص 531 ح 9654.

6- قوله «ولا يرهقه»: أي لا يسفقه عليه ولا يظلمه؛ من الرهق محرّكه. أو: لا يحمل عليه ما لا يطيقه من الإرهاق يقال: لا يرهقني لا أرهقك الله أي لا أعسرک الله؛ والخرق-بالضم والتحريك-: ضد الرفق (مرآة العقول: ج 21 ص 87). [5]

314. امام علی علیه السلام: پرهیز از این که پی در پی، سرزنش کنی؛ چرا که این کار، بر [انجام دادن] گناه جرئت می دهد و سرزنش را بی اثر می سازد.

315. امام علی علیه السلام - از حکمت های منسوب به ایشان - هرگاه جوان را سرزنش کردی، جایی [برای عذر آوردن] از گناه برایش قرار ده تا قرار گرفتن در تنگنا، او را به درشتی و سرسختی نکشانند.

### ج- تربیت کردن هنگام خشم

316. الکافی - به نقل از علی بن اسباط، از یکی از شیعیان - پیامبر خدا، از ادب کردن به هنگام خشم، نهی فرمود.

317. امام علی علیه السلام: با خشم تربیت [ممکن] نیست.

### د- خشونت

318. الکافی - به نقل از یونس بن رباط، از امام صادق علیه السلام - پیامبر خدا فرمود: «خدا رحمت کند کسی را که فرزندش را بر فرمانبری از وی یاری کند».

[کسی] پرسید: چگونه او را بر فرمانبری یاری می کند؟

فرمود: «آنچه را در توانش بوده، بپذیرد و از آنچه در توانش نیست، بگذرد و به آنچه نمی تواند، وا ندارد و بر او سخت نگیرد که چیزی میان او و ورود در قلمروی از قلمروهای کفر نیست، مگر این که وارد نافرمانی [والدین] و یا بُریدن ارتباط خویشاوندی شود».

319. صحيح مسلم عن عائشه: ما ضَرَبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ شَيْئاً قَطُّ بِيَدِهِ، وَلَا امْرَأَةً وَلَا خَادِماً، إِلَّا أَنْ يُجَاهِدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ. (1)

320. الإمام عليّ عليه السلام - في الحكيم المنسوبه إليه -: قَدَّمَ الْعَدَلَ عَلَى الْبَطْشِ تَظْفَرُ بِالْمَحَبَّةِ، وَلَا تَسْتَعْمَلُ الْفِعْلَ حَيْثُ يَنْجَعُ (2) الْقَوْلُ. (3)

321. عدّه الداعي: قَالَ بَعْضُهُمْ: شَكَوْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ ابْنَ أَلِيٍّ، فَقَالَ: لَا تَضْرِبُهُ، وَاهْجُرْهُ وَلَا تُطَلِّ. (4)

8/3: التَّزْيِيهُ الْجِنْسِيَّةُ

أ- التَّفْرِيقُ فِي الْمَضَاجِعِ

322. رسول الله صلى الله عليه وآله: الصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيُّ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ وَالصَّبِيَّةُ يُفَرِّقُ بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ لِعَشْرِ سِنِينَ. (5)

323. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا بَلَغَ أَوْلَادُكُمْ سَبْعَ سِنِينَ فَفَرِّقُوا بَيْنَ فُرُشِهِمْ. (6)

324. الإمام عليّ عليه السلام: يَثْعُرُ الصَّبِيُّ لِسَبْعٍ، وَيُؤَمَّرُ بِالصَّلَاةِ لِتِسْعٍ، وَيُفَرِّقُ بَيْنَهُمْ فِي

ص: 190

---

1- صحيح مسلم: ج 4 ص 1814 ح 79، مسند ابن حنبل: ج 9 ص 272 ح 24089، [1] السنن الكبرى: ج 10 ص 324 ح 20788. [2]

2- نَجَعَ فِيهِ الْقَوْلُ وَالْخَطَابُ وَالْوَعظُ: عمل فيه ودخل وأثر (لسان العرب: ج 8 ص 348 «[3] نجع»).

3- شرح نهج البلاغه لابن أبي الحديد: ج 20 ص 278 ح 207. [4]

4- عدّه الداعي: ص 79، [5] بحار الأنوار: ج 104 ص 99 ح 74. [6]

5- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 436 ح 4509 عن عبد الله بن ميمون عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام وفي ح 4508

وروى «انه يفرق بين الصبيان في المضاجع ست سنين»، بحار الأنوار: ج 104 ص 96 ح 50. [7]

6- المستدرک علی الصحیحین: ج 1 ص 317 ح 721، سنن الدار قطنی: ج 1 ص 230 ح 1.

319. صحیح مسلم - به نقل از عایشه - هیچ گاه پیامبر خدا کسی را با دست خویش نزد؛ نه زن را و نه خدمتکار را، مگر آن که در حال جهاد در راه خدا بود.

320. امام علی علیه السلام: عدالت را بر خشونت، پیش دار تا به محبت دست یابی، و آن جا که سخن کارگر می افتد، دست به کاری [دیگر] مزن.

321. عدّه الداعی: کسی گفته است: از فرزندم به امام کاظم علیه السلام شکایت کردم. ایشان فرمود:

«او را نزن. با او قهر کن؛ ولی طول نده.»

### 8/3: تربیت جنسی

#### الف - جداسازی بستر

322. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بسترهای پسر و پسر، دختر و دختر، و دختر را از ده سالگی از هم جدا کنید.

323. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه کودکان تا به هفت سالگی رسیدند، بسترهایشان را جدا کنید.

324. امام علی علیه السلام: کودک، در هفت سالگی، دندان هایش می ریزد و در نه سالگی به نماز وادار می گردد و در ده سالگی، بسترهایشان جدا می شود.

ص: 191

325. الإمام الصادق عليه السلام: يُفَرِّقُ بَيْنَ الْغِلْمَانِ وَالنِّسَاءِ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرَ سِنِينَ. (2)

ب- النَّهْيُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى عَوْرَةِ الطِّفْلِ وَبِالْعَكْسِ

326. رسول الله صلى الله عليه وآله: لَيْسَ لِلْوَالِدَيْنِ أَنْ يَنْظُرَا إِلَى عَوْرَةِ الْوَلَدِ، وَلَيْسَ لِلْوَلَدِ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عَوْرَةِ الْوَالِدِ. (3)

327. المستدرک علی الصحیحین عن محمد بن بیاض: رُفِعَتْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي صِبْغِي

وَعَلَى خِرْفَتِهِ وَقَدْ كُشِفَتْ عَوْرَتِي، فَقَالَ: غَطُّوا حُرْمَةَ عَوْرَتِهِ؛ فَإِنَّ حُرْمَةَ عَوْرَةِ الصَّغِيرِ كَحُرْمَةِ عَوْرَةِ الْكَبِيرِ، وَلَا يَنْظُرُ اللَّهُ إِلَى كَاشِفِ عَوْرِهِ. (4)

328. الإمام الباقر عليه السلام: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَضَرَ وِلَادَةَ الْمَرْأَةِ قَالَ: أَخْرِجُوا مَنْ فِي الْبَيْتِ مِنَ النِّسَاءِ؛ لَا تَكُونُ الْمَرْأَةُ أَوَّلَ نَاطِرٍ إِلَى عَوْرَتِهِ. (5)

ج- النَّهْيُ عَنِ مُبَاشَرَةِ الْمَرْأَةِ ابْتِنَاهَا

329. الإمام علي عليه السلام: مُبَاشَرَةُ الْمَرْأَةِ ابْتِنَاهَا إِذَا بَلَغَتْ سِتِّ سِنِينَ شُعْبَةٌ مِنَ الزَّانَا. (6)

ص: 192

- 1- الكافي: ج 7 ص 69 ح 8، [1] تهذيب الأحكام: ج 9 ص 183 ح 738 كلاهما عن عيسى بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام.
- 2- الكافي: ج 6 ص 47 ح 6 [2] عن ابن القداح، الخصال: ص 439 ح 30 وفيه «الصبيان» بدل «الغلمان» عن ابن القداح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.
- 3- الكافي: ج 6 ص 503 ح 36 [3] عن الإمام الصادق عليه السلام.
- 4- المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 288 ح 5119، الإصابه: ج 6 ص 25 ح 7815. [4]
- 5- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 560 ح 4925، الكافي: ج 6 ص 17 ح 1، [5] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 436 ح 1737 كلاهما نحوه وكأها عن جابر.
- 6- مكارم الأخلاق: ج 1 ص 479 ح 1660 [6] عن الإمام الصادق عليه السلام، بحار الأنوار: ج 104 ص 96. [7]



325. امام صادق علیه السلام: پسران، وقتی به ده سالگی رسیدند، بسترشان از زنان، جدا می شود.

### ب- پرهیز از نگاه به شرمگاه کودک و پرهیز کودک از نگاه به شرمگاه دیگران

326. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برای پدر و مادر، روا نیست که به شرمگاه فرزند نگاه کنند و برای فرزند روا نیست که به شرمگاه پدر، نگاه کند.

327. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از محمد بن بیاض -: در خردسالی، مرا خدمت پیامبر خدا بردند. پاره لباسی بر تنم بود و عورتم آشکار شد. ایشان فرمود: «حریم عورتش را بپوشانید که حرمت عورت کودک، همانند حرمت عورت بزرگ سال است و خداوند، به آشکار کننده عورت، نگاه نمی کند».

328. امام باقر علیه السلام: امام زین العابدین علیه السلام همواره وقتی هنگام زایمان زن فرا می رسید، می فرمود: «زنانی را که در اتاق هستند، بیرون کنید تا نخستین نگاه زنان، نگاه به عورت نباشد» (1).

### ج- نهی از تماس مادر با دخترش

329. امام علی علیه السلام: تماس [بدنی] زن با دخترش، وقتی به شش سالگی رسید، بخشی از زناست.

ص: 193

---

1- یعنی اولین کسی که به او نگاه می کند و نگاهش به عورت کودک می افتد، زن نباشد؛ چراکه آنان، نخست به عورت نگاه می کنند تا بدانند پسر است یا دختر؛ بلکه شایسته است اولین بار، نگاه مرد به نوزاد بیفتد و به غیر عورت او نگاه کند (الوافی: ج 23 ص 1315).

330. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ سِتًّا سِنِينَ فَلَا تَقْبَلُهَا، وَالْغُلَامُ لَا يَقْبَلُ الْمَرْأَةَ إِذَا جَاوَزَ سَبْعَ سِنِينَ. (1)

331. الإمام الصادق عليه السلام: إِذَا بَلَغَتِ الْجَارِيَةُ الْحُرَّةَ سِتًّا سِنِينَ فَلَا يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَقْبَلَهَا. (2)

332. تهذيب الأحكام عن علي بن عقبه عن بعض أصحابنا: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ مُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ وَالْيَ مَكَّةَ، وَهُوَ زَوْجُ فَاطِمَةَ بِنْتِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، وَكَانَتْ لِمُحَمَّدِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بِنْتٌ تَلْبَسُهَا الثِّيَابَ وَتَجِيءُ إِلَى الرَّجَالِ فَيَأْخُذُهَا الرَّجُلُ وَيَضُمُّهَا إِلَيْهِ، فَلَمَّا تَنَاهَتْ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَمْسَكَهَا بِيَدَيْهِ مَمْدُودَتَيْنِ، قَالَ:

إِذَا أَتَتْ عَلَى الْجَارِيَةَ سِتًّا سِنِينَ لَمْ يَجُزْ أَنْ يُقْبَلَهَا رَجُلٌ لَيْسَ هِيَ بِمَحْرَمٍ لَهَا، وَلَا يَضُمُّهَا إِلَيْهِ. (3)

ه-الإستئذانُ للدخولِ إلى الوالدين

الكتاب

«ثِيَابِكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ ذَلِكَ أَنْ يَكُونَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

وَ إِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ

ص: 194

1- .مكارم الأخلاق: ج 1 ص 479 ح 1659، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 [1] ص 437 ح 4510 عن الإمام الصادق عليه السلام.

2- .الكافي: ج 5 ص 533 ح 2، [2] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 481 ح 1929 وكلاهما عن زراره، مشكاة الأنوار: ص 353 ح 1143 [3] وليس فيهما «الحرّة».

3- .تهذيب الأحكام: ج 7 ص 461 ح 1846، وسائل الشيعة: ج 14 ص 170 ح 6. [4]

## د- حدّ جواز بوسیدن دختر و پسر

330. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون دختر شش ساله شد، او را مبوس و پسر نیز چون از هفت سالگی گذشت، زن را نبوسد.

331. امام صادق علیه السلام: وقتی دختر به شش سالگی رسید، برای تو شایسته نیست که او را ببوسی.

332. تهذیب الأحکام - به نقل از علی بن عقبه، از یکی از شیعیان - : امام کاظم علیه السلام نزد محمّد بن ابراهیم، فرماندار مکه و همسر فاطمه دختر امام صادق علیه السلام بود. محمّد بن ابراهیم، دختری داشت که لباس [زیبا] بر او می پوشاندند و نزد مردان می آمد و مردان، او را گرفته، به آغوش می کشیدند. هنگامی که به امام کاظم علیه السلام رسید، ایشان، در حالی که دستان خود را کشیده بود، او را [از این که به آغوش درآید] نگه داشت و فرمود:

«وقتی دختر به شش سالگی رسید، جایز نیست مردی که محرم او نیست، او را ببوسد و در آغوش بکشد».

## ه- اجازه خواستن برای ورود به خلوت پدر و مادر

قرآن

«ای کسانی که ایمان آوردید! هر آینه، باید کسانی که مالکشان هستید و کسانی از شما که به بلوغ نرسیده اند، در سه هنگام از شما اجازه بگیرند: پیش از نماز بامداد و هنگامی که [در نیم روز] لباستان را از تن بر می گیرید، و پس از نماز شامگاه، که سه هنگام برهنگی شماست.

پس از اینها، نه بر شما و نه بر آنان، گناهی نیست؛ [چرا که] پیرامون شما در حرکت اند و با یکدیگر، در رفت و آمد هستید. خداوند، این چنین، آیات را برای شما روشن می کند، و خداوند، دانا و حکیم است. و آن گاه که کودکان به بلوغ رسیدند، باید از شما اجازه بگیرند، همان گونه که می کند؛

ص: 195

لَكُمْ آيَاتِهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ». 1

الحديث

333. السنن الكبرى عن عطاء بن يسار: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله سَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ: أَسْتَأْذِنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ عَلَى امِّى؟

فَقَالَ: نَعَمْ. فَقَالَ: إِنِّى مَعَهَا فِى الْبَيْتِ!

فَقَالَ: اسْتَأْذِنْ عَلَيْهَا. فَقَالَ الرَّجُلُ: إِنِّى خَادِمُهَا!

فَقَالَ: أَتَحِبُّ أَنْ تَرَاهَا عُرْيَانَةً؟! قَالَ: لَا.

قَالَ: فَاسْتَأْذِنْ عَلَيْهَا. (1)

334. الإمام على عليه السلام: أتى رجُلٌ إلى رسولِ الله صلى الله عليه وآله قال: يا رسولَ الله، هل أستأذنُ على امى إذا أردتُ الدُّخولَ عليها؟

قال: نعم، أيسرُّكَ أن تراها عُرْيَانَةً؟! قال: لا.

قال: فَاسْتَأْذِنْ عَلَيْهَا إِذَا. (2)

335. الإمام الصادق عليه السلام: يَسْتَأْذِنُ الرَّجُلُ إِذَا دَخَلَ عَلَى أَبِيهِ، وَلَا يَسْتَأْذِنُ الْأَبُ عَلَى الْإِبْنِ.

قال: وَيَسْتَأْذِنُ الرَّجُلُ عَلَى ابْنَتِهِ وَأَخْتِهِ إِذَا كَانَتَا مُتَرَوِّجَتَيْنِ. (3)

336. عنه عليه السلام: لَيْسْتَأْذِنِ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ كَمَا

ص: 196

1- السنن الكبرى: ج 7 ص 157 ح 13558، [1] الدر المنثور: ج 6 ص 220 [2] نحوه.

2- دعائم الإسلام: ج 2 ص 202 ح 741 [3] عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.

3- الكافي: ج 5 ص 528 ح 3 [4] عن أبى أيوب الخزاز وراجع: مشكاة الأنوار: ص 344 ح 1101. [5]

و خداوند، دانا و حکیم است».

حدیث

333. السنن الکبری - به نقل از عطاء بن یسار - کسی از پیامبر خدا پرسید: ای پیامبر خدا! آیا برای رفتن نزد مادرم اجازه بگیرم؟

فرمود: «آری».

گفت: من در یک اتاق با او زندگی می کنم.

فرمود: «برای رفتن نزد او بر او اجازه بگیر».

مرد گفت: من، خدمت گزار او هستم.

حضرت فرمود: «آیا دوست داری او را برهنه ببینی؟!».

گفت: نه.

فرمود: «پس برای رفتن نزد او اجازه بگیر».

334. امام علی علیه السلام: کسی خدمت پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! آیا هرگاه خواستم نزد مادرم بروم، از او اجازه بگیرم؟

فرمود: «آری. آیا خوشت می آید او را برهنه ببینی؟».

گفت: نه.

فرمود: «پس در این صورت، از او اجازه بگیر».

335. امام صادق علیه السلام: [لازم است] مرد هنگام وارد شدن بر پدرش، اجازه بگیرد؛ ولی لازم نیست پدر از پسرش اجازه بگیرد، و مرد

از دخترش و خواهرش، هنگامی که ازدواج کرده باشند، [لازم است] اجازه بگیرد.

336. امام صادق علیه السلام: کسانی که مملوک شما هستند و کسانی که بالغ نشده اند، باید در سه

ص: 197

أَمْرُكُمْ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَمَنْ بَلَغَ الْحُلْمَ فَلَا يَلِجُ عَلَى أُمِّهِ وَلَا عَلَى أُخْتِهِ وَلَا عَلَى خَالَتِهِ وَلَا عَلَى سِوَى ذَلِكَ إِلَّا يَازِنٌ، فَلَا تَأْذَنُوا حَتَّى يُسَلَّمَ. (1)

337. الكافي عن محمد بن علي الحلبي: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: الرَّجُلُ يَسْتَأْذِنُ عَلَى أَبِيهِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، قَدْ كُنْتُ أَسْتَأْذِنُ عَلَى أَبِي وَلَيْسَتْ أُمِّي عِنْدَهُ، وَإِنَّمَا هِيَ امْرَأَةٌ أَبِي، تُؤَوِّقُ أُمَّيْ وَأَنَا غُلَامٌ، وَقَدْ يَكُونُ مِنْ خَلَوْتِهِمَا مَا لَا أَحِبُّ أَنْ أَفْجَأَهُمَا عَلَيْهِ، وَلَا يُحِبُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ مِنِّي، وَالسَّلَامُ أَصَوَّبٌ وَأَحْسَنُ. (2)

و- حَطَرُ نَظَرِ الْأَطْفَالِ إِلَى وَقَاعِ الْوَالِدِينَ

338. رسول الله صلى الله عليه وآله: وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، لَوْ أَنَّ رَجُلًا غَشِيَ امْرَأَتَهُ فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ مُسْتَقِظٌ يَرَاهُمَا وَيَسْمَعُ كَلَامَهُمَا وَنَفْسَهُمَا مَا أَفْلَحَ أَبَدًا؛ إِذَا كَانَ غُلَامًا كَانَ زَانِيًا، أَوْ جَارِيَةً كَانَتْ زَانِيَةً. (3)

339. الإمام علي عليه السلام: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يُجَامِعَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَالصَّبِيَّ فِي الْمَهْدِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمَا. (4)

340. الإمام الصادق عليه السلام: لَا يُجَامِعُ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَلَا جَارِيَتَهُ فِي الْبَيْتِ صَبِيٌّ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ مِمَّا

يُورِثُ الرَّنَا. (5)

ص: 198

1- الكافي: ج 5 ص 529 ح 1 [1] عن جراح المدائني، مشكاة الأنوار: ص 342 ح 1097. [2]

2- الكافي: ج 5 ص 528 ح 4، [3] تفسير نور الثقلين: ج 3 ص 586 ح 86. [4]

3- الكافي: ج 5 ص 500 ح 2 [5] عن الحسين بن زيد عن الإمام الصادق عليه السلام، عوالي اللآلي: ج 3 ص 305 ح 111 [6] وليس فيه «ونفسهما».

4- الجعفریات: ص 96، [7] النوادر للراوندي: ص 120 ح 129 [8] كلاهما عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.

5- الكافي: ج 5 ص 499 ح 1 [9] عن ابن راشد عن أبيه، تهذيب الأحكام: ج 7 ص 414 ح 1655 عن أبي راشد عن أبيه.

هنگام، اجازه بگیرند، همان گونه که خداوند عز و جل به شما امر کرده است، و کسی که بالغ شد، بدون اجازه، نه بر مادرش، نه بر خواهرش، نه بر خاله اش و نه بر دیگران، وارد نشود. اجازه [ی ورود] ندهید، تا [برای اطلاع دادن ورودش] سلام کند.

337. الکافی: به نقل از محمد بن علی حلبی - به امام صادق علیه السلام گفتم: [آیا لازم است] انسان برای وارد شدن بر پدرش، اجازه بگیرد؟

فرمود: «آری. من از پدرم اجازه می گرفتم، در حالی که مادرم نزد او نبود؛ بلکه فقط همسر پدرم بود. من، نوجوان بودم که مادرم درگذشت. گاهی در خلوت آنان، چیزی بود که دوست نداشتم در آن حالت، یکباره بر آنان وارد شوم. آنان نیز این را از من نمی پسندیدند. سلام کردن، درست ترین و زیباترین [اجازه] است».

### و- خطر نگاه کودکان به آمیزش پدر و مادر

338. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به کسی که جانم به دست اوست، اگر کسی با همسرش در آمیزد و در اتاق، کودکی بیدار باشد که آنان را ببیند و سخن گفتن و صدای نفس آنان را بشنود، هرگز رستگار نمی شود. اگر پسر باشد، مردی زناکار، و اگر دختر باشد، زنی زناکار می گردد.

339. امام علی علیه السلام: پیامبر خدا، نهی کرد از این که مرد، در حالی با زنش آمیزش کند که در گهواره، کودکی باشد و به آنان بنگرد.

340. امام صادق علیه السلام: در حالی که کودکی در اتاق باشد، مرد نباید با زن و کنیزش آمیزش کند؛ چرا که این، از آن چیزهایی است که زنا را در پی می آورد.





### اشاره

غریزه جنسی، همانند دیگر ابعاد انسان، نیازمند «تربیت» است و هر فرهنگ و ایده ای، نوع خاصی از تربیت را در پیش می گیرد. از دیدگاه اسلام، تربیت جنسی، یعنی فراهم سازی زمینه های رشد و پرورش غریزه جنسی به گونه ای که هم «عفت جنسی» حاصل شود و هم «سلامت جنسی». این از ویژگی های دیدگاه دین است که علاوه بر سلامت جنسی، به عفت جنسی نیز می اندیشد.

نکته مهم دیگر، این که تلاش برای تحقق این اهداف، متوقف بر فرارسیدن دوران بلوغ نیست. در دیدگاه دین، تربیت جنسی، پیش از دوران بلوغ جنسی و تقریباً از آغاز تولد، شروع می شود. این نیز از ویژگی های دیدگاه دین است. بر همین اساس، تأمین این اهداف در هر دوره سنی، نیازمند اقدامات و تدبیرهای خاصی است که در متون دینی به آنها پرداخته شده است. کودکی مهم ترین این دوره هاست. اشتباه در این دوره، پیامدهای غیرقابل جبرانی برای آینده خواهد داشت.

### تدبیرهای لازم برای عفت جنسی

برخی خانواده ها، به دلیل نابالغ بودن کودکان، دقت کافی در امور جنسی کودک ندارند. این در حالی است که بسیاری از آنچه کودک می بیند یا می شنود، نقش تعیین کننده ای در آینده جنسی او دارد. عفاف و انحراف جنسی، هر دو در کودک، پایه گذاری می شوند. نباید فراموش کرد که یادگیری در کودکی، بسیار تأثیرگذار

است؛ و هر آنچه نقش ببندد، همانند نقش بر سنگ، پایدار خواهد بود و هر آنچه به او داده شود، می پذیرد. از این رو، اسلام عزیز به این بخش از زندگی کودک، توجه ویژه ای داشته و آموزه های کاربردی مفیدی ارائه نموده است که در ادامه به آنها اشاره می گردد:

#### الف- پوشاندن عورت

نگاه به عورت کودک، و نگاه کودک به عورت بزرگ سال، دو جنبه فقهی و تربیتی دارد. نگاه کردن برای کودک، حرمت فقهی ندارد و برای بزرگ سال نیز با وجود عدم ریبه حرام نیست؛ اما نمی توان آثار تربیتی پوشیدگی و عریانی را نادیده گرفت.

چه کودک، عورت دیگران را ببیند و چه دیگران، عورت وی را ببینند، قبح این کار را از میان می برد و موجب بی مبالاتی و بی پروایی می گردد و هرزگی را نهادینه می کند. اما کودکانی که با این گونه موارد مواجه نبوده اند، توان مقاومتشان در برابر انحراف جنسی و میزان عفافشان، از دیگران بیشتر است. از این رو، در متون دینی، توصیه شده که نه به عورت کودک نگاه کنید، و نه بگذارید به عورت دیگران نگاه کنند. همچنین کودکان را به گونه ای به حمام نبرید که موجب رؤیت عورت گردد. (1)

#### ب- نبوسیدن کودک توسط نامحرم

بوسیدن کودک توسط نامحرم، هر چند در صورت عدم ریبه، حرمت فقهی ندارد؛ اما اثر منفی آن بر کودک ممیز، پوشیده نیست. ارتباط بوسه ای نامحرم با کودک، در روح او نقش می بندد و در آینده، رابطه با نامحرم را تسهیل ساخته، حفظ عفاف را با مشکل رو به رو می سازد. از این رو، نامحرمان به نبوسیدن کودکان توصیه شده اند. (2)

ص: 202

---

1- ر.ک: ص 193 ( [1] پرهیز از نگاه کردن به شرمگاه کودک).

2- ر.ک: ص 195 ( [2] حدّ جواز بوسیدن دختر و پسر).

### ج- بازی نکردن با اعضای جنسی کودک

بازی با اعضای جنسی کودک، می تواند موجب تحریک جنسی و بلوغ زودرس او گردد، ناهنجاری جنسی را به کودک یاد دهد و موجب انحراف وی شود. در برخی روایات، از این گونه بازی ها به عنوان شاخه ای از زنا یاد شده است. این تعبیر، نشان دهنده تأثیر منفی آن بر کودک است. از این رو، در متون دینی، از این کار نهی شده است. (1)

### د- جداسازی بستر کودکان

یکی بودن بستر کودکانی که به سن تمیز می رسند، ممکن است به تماس های بدنی نادرست، تحریک جنسی زودهنگام و حتی روابط نامشروع منجر شود. یکی از تدبیرهای دین برای جلوگیری از این آسیب، حذف یکی از زمینه ها یعنی جداسازی خواهرها و برادرها از یکدیگر است. (2)

### ه- پنهان بودن روابط زناشویی والدین

آگاهی فرزندان از روابط زناشویی والدین از عوامل بسیار تأثیرگذار در انحراف جنسی است. از دیدگاه روایات، این عامل تأثیر تقریباً حتمی و غیرقابل انکار دارد و برای جلوگیری از آن دو تدبیر اندیشیده شده است: یکی اجازه خواستن کودک برای ورود به خلوت والدین (3) و دیگری انجام روابط زناشویی در خارج از محل حضور کودک. (4)

ص: 203

1- ر.ک: ص 193 ( [1] نهی از تماس مادر با دخترش).

2- ر.ک: ص 191 ( [2] جداسازی بستر دختر و پسر).

3- ر.ک: ص 130 ( اجازه خواستن برای ورود به خلوت پدر و مادر).

4- ر.ک: ص 199 ( [3] خطر نگاه کردن کودکان به آمیزش پدر و مادر).

341. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً، وَمَنْ فَرَّحَهُ فَرَّحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ دُعِيَ بِالْأَبْوَيْنِ فَيُكْسَبَانِ حُلَّتَيْنِ يُضِيءُ مِنْ نُورِهِمَا وَجْهَهُ أَهْلِ الْجَنَّةِ. (1)

342. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ بَكَى صَبِيًّا لَهُ فَأَرْضَاهُ حَتَّى يُسَكِّنَهُ، أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ الْجَنَّةِ حَتَّى يَرْضَى. (2)

343. الطبقات الكبرى عن معاوية بن قره عن عمه: أَنَّهُ كَانَ يَأْتِي النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِابْنِهِ فَيَجْلِسُهُ بَيْنَ يَدَيْهِ. فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تُحِبُّهُ؟ قَالَ: نَعَمْ، حُبًّا شَدِيدًا. ثُمَّ إِنَّ الْغُلَامَ مَاتَ، فَقَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَأَنَّكَ حَزَنْتَ عَلَيْهِ! قَالَ: أَجَلْ يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قَالَ: أَفَمَا يَسُرُّكَ إِذَا أَدْخَلَكَ اللَّهُ الْجَنَّةَ أَنْ تَجِدَهُ عَلَى بَابٍ مِنْ أَبْوَابِهَا فَيَفْتَحُ لَكَ؟ قَالَ: بَلَى.

1- الكافي: ج 6 ص 49 ح 1 [1] عن الفضل بن أبي قره عن الإمام الصادق عليه السلام، عدّه الداعي: ص 79. [2]

2- الفردوس: ج 3 ص 549 ح 5715 عن ثوبان.

1/4: تشویق به فرزند دوستی و دلسوزی نسبت به آنان

341. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس فرزندش را ببوسد، خداوند عز و جل برای او حسنه می نویسد و کسی که او را شاد کند، خداوند، روز قیامت او را شاد می سازد و کسی که قرآن به او بیاموزد، پدر و مادرش [ در قیامت ] فرا خوانده شده و دو لباس بر آنان پوشیده می شود که از نور آن دو لباس، چهره های بهشتیان نورانی می گردد.

342. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر کسی کودک گریانش را خشنود کند تا آرام گیرد، خداوند عز و جل آن قدر از نعمت های بهشت به او عطا می کند تا خشنود شود.

343. الطبقات الکبری - به نقل از معاویه بن قره، از عمویش - او همراه با فرزند خردسالش نزد پیامبر خدا می آمد و او را مقابل ایشان می نشاند. پیامبر صلی الله علیه و آله به وی فرمود: «آیا او را دوست داری؟».

گفت: بله، بسیار زیاد.

سپس آن پسر درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «گویی بر [مرگ] او اندوهگین شده ای؟».

گفت: آری، ای پیامبر خدا!

فرمود: «آیا خرسند نمی شوی که وقتی خداوند، تو را وارد بهشت می سازد، او را بر در یکی از درهای بهشت بیابی که آن را برایت می گشاید؟».

گفت: چرا.

ص: 205

قال: فَإِنَّهُ كَذَلِكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ. (1)

344. تاريخ دمشق عن وائله بن الأسقع: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَرَجَ عَلَى عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ وَمَعَهُ صَبِيٌّ لَهُ صَ غَيْرٌ يَلْتَمُهُ، فَقَالَ: أَتُحِبُّهُ يَا عُثْمَانُ؟!

قال: إِي وَاللَّهِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنِّي لِأُحِبُّهُ

قال: أَفَلَا أَزِيدُكَ لَهُ حُبًّا؟!

قال: بلى، فإداك أبى وأُمِّي

قال: إِنَّهُ مَنْ تَرْضَى لَهُ صَغِيرًا مِنْ نَسَلِهِ حَتَّى يَرْضَى، تَرْضَاهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى يَرْضَى. (2)

345. حليه الأولياء عن أنس: أَنَّ امْرَأَةً دَخَلَتْ عَلَى عَائِشَةَ وَمَعَهَا صَبِيَّانِ لَهَا، فَأَعْطَتْهَا عَائِشَةُ ثَلَاثَ تَمْرَاتٍ، فَأَعْطَتْ كُلَّ صَبِيٍّ مِنْهُمَا تَمْرَةً، فَأَكَلَ الصَّبِيَّانِ تَمْرَتَيْهِمَا ثُمَّ نَظَرَا إِلَى امَّهِمَا، فَأَخَذَتِ التَّمْرَةَ فَشَقَّتْهَا نِصْفَيْنِ فَأَعْطَتْ ذَا نِصْفًا وَذَا نِصْفًا.

فَدَخَلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأَخْبَرَتْهُ عَائِشَةُ، فَقَالَ لَهَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا أَعْجَبَكَ مِنْ ذَلِكَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ رَحِمَهَا بِرَحْمَتِهَا صَبِيَّيْهَا. (3)

346. الإمام الصادق عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ لَيَرْحَمُ الْعَبْدَ لِيَشُدَّهُ حُبَّهُ لَوْلَدِهِ. (4)

347. عنه عليه السلام: قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا رَبِّ، أَيُّ الْأَعْمَالِ أَفْضَلُ عِنْدَكَ؟

فَقَالَ: حُبُّ الْأَطْفَالِ، فَإِنِّي فَطَرْتُهُمْ عَلَى تَوْحِيدِي، فَإِنِ امْتَنُّهُمْ أَدْخَلْتُهُمْ

ص: 206

1- الطبقات الكبرى: ج 7 ص 32، أسد الغابه: ج 6 ص 366 الرقم 6477 [1] نحوه.

2- تاريخ دمشق: ج 52 ص 363 ح 11070، كنز العمال: ج 16 ص 585 ح 45958.

3- حليه الأولياء: ج 2 ص 231، [2] الأدب المفرد: ص 40 ح 89 [3] نحوه.

4- الكافي: ج 6 ص 50 ح 5 [4] عن ابن أبي عمير عمّن ذكره، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 482 ح 4695.

فرمود: «همانا به خواست خدا، تو این گونه خواهی بود».

344. تاریخ دمشق - به نقل از واثله بن اسقع - پیامبر خدا نزد عثمان بن مظعون رفت، در حالی که او کودک خردسالی را که همراهش بود، می بوسید. به وی فرمود: «آیا او را دوست داری، ای عثمان؟».

گفت: آری، به خدا، ای پیامبر خدا! من او را دوست دارم.

فرمود: «آیا محبتت را نسبت به او زیاد کنم؟».

گفت: آری، پدرم و مادرم، فدای تو باد!

فرمود: «کسی که کودکی از نسلش را خشنود سازد تا این که او خرسند گردد، خداوند، روز قیامت، او را خشنود می سازد تا آن جا که او خرسند گردد».

345. حلیه الأولیاء - به نقل از انس - زنی با دو کودکش نزد عایشه آمد. عایشه، سه خرما به او داد و او به هر کدام از فرزندانش، یک دانه خرما داد. آنها خرمای خود را خوردند و سپس به مادرشان نگاه کردند. او خرما [ی باقی مانده] را برداشت و دو نیم کرد.

نیمی به این و نیمی به آن داد.

پیامبر صلی الله علیه و آله وارد شد و عایشه، ماجرا را به ایشان خبر داد. پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود:

«چرا از این کار، به شگفت آمده ای؟ همانا خداوند به خاطر رحم او به دو کودکش، بر او رحم نمود».

346. امام صادق علیه السلام: بدون تردید، خداوند بر بنده خود به خاطر شدت محبت به فرزندش، رحم می کند.

347. امام صادق علیه السلام: موسی بن عمران علیه السلام گفت: پروردگارا! کدام عمل، نزد تو برترین است؟

فرمود: «دوست داشتن کودکان؛ چرا که من، آنان را بر توحید خود سرشته ام».

348. مسند ابن حنبل عن الوليد بن عقبة: لَمَّا فَتَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَكَّةَ، جَعَلَ أَهْلَ مَكَّةَ يَأْتُونَهُ بِصِيبَانِهِمْ فَيَمْسَحُ عَلَى رُؤُوسِهِمْ وَيَدْعُو لَهُمْ. (2)

349. صحيح مسلم عن عمرو بن سعيد عن أنس: مَا رَأَيْتُ أَحَدًا كَانَ أَرْحَمَ بِالْعِيَالِ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قَالَ: كَانَ إِبْرَاهِيمُ مُسْتَرْضَعًا لَهُ فِي عَوَالِي الْمَدِينَةِ، فَكَانَ يَنْطَلِقُ وَنَحْنُ مَعَهُ فَيَدْخُلُ الْبَيْتَ وَإِنَّهُ لَيُدَّخِنُ، وَكَانَ ظِرُّهُ (3) قَيْنًا (4)، فَيَأْخُذُهُ فَيَقْبَلُهُ، ثُمَّ يَرْجِعُ.

قَالَ عَمْرُو: فَلَمَّا تُوُفِّيَ إِبْرَاهِيمُ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ إِبْرَاهِيمَ ابْنِي، وَإِنَّهُ مَاتَ فِي الثُّدَى، وَإِنَّ لَهُ لَطِزْرَيْنِ تَكْمِلَانِ رِضَاعَهُ فِي الْجَنَّةِ. (5)

350. صحيح مسلم عن عبد الله بن جعفر: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا قَدِمَ مِنْ سَفَرٍ تَلَّقَى بِصِيبَانِ أَهْلِ بَيْتِهِ. (6)

351. مسند ابن حنبل عن عروه: كَانَ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] يُسْتَقْبَلُ بِالصِّيبَانِ إِذَا جَاءَ مِنْ سَفَرٍ. (7)

352. المحجَّج البيضاء: كَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقْدِمُ مِنَ السَّفَرِ فَيَتَلَقَّاهُ الصِّيبَانُ فَيَقِفُ لَهُمْ، ثُمَّ يَأْمُرُ بِهِمْ

ص: 208

1- .المحاسن: ج 1 ص 457 ح 1057، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 505 ح 1751 كلاهما عن المساور، بحار الأنوار: ج 104 ص 97 ح 57.

2- .مسند ابن حنبل: ج 5 ص 517 ح 16379، [1]المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 107 ح 4546.

3- .الظِّرُّ: الْمُرْضِعَةُ غَيْرُ وَلَدِهَا. وَيَقَعُ عَلَى الذَّكَرِ وَالْأُنْثَى (النهاية: ج 3 ص 154 «[2]ظَارٌ»).

4- .الْقِيَانُ: الْإِمَاءُ وَالْعَبِيدُ (النهاية: ج 4 ص 135 «قين»).

5- .صحيح مسلم: ج 4 ص 1808 ح 63، صحيح ابن حبان: ج 15 ص 400 ح 6950.

6- .صحيح مسلم: ج 4 ص 1885 ح 66، السنن الكبرى: ج 5 ص 427 ح 10374. [3]

7- .مسند ابن حنبل: ج 5 ص 454 ح 16129. [4]



اگر آنان را بمیرانم، به رحمت خودم آنان را وارد بهشتم خواهم کرد».

#### 2/4: سیره پیامبر در مهربانی به کودکان و تکریم آنان

348. مسند ابن حنبل - به نقل از ولید بن عقبه - وقتی پیامبر خدا، مکه را فتح نمود، اهل مکه با کودکانشان نزد ایشان می آمدند و ایشان بر سر آنان، دست می کشید و برایشان دعا می کرد.

349. صحیح مسلم - به نقل از عمرو بن سعید، از انس بن مالک - هیچ کس را ندیدم که نسبت به خانواده اش مهربان تر از پیامبر خدا باشد.

ابراهیم [پسر پیامبر خدا]، دایه ای در عوالی (1) مدینه داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله پیوسته به آن جا می رفت و ما نیز همراه ایشان بودیم. ایشان، وارد خانه می شد و دایه - که برده بود -، [خانه را] با بخور، خوش بو می کرد. پیامبر صلی الله علیه و آله ابراهیم را می گرفت و می بوسید و سپس، باز می گشت.

عمرو گفت: هنگامی که ابراهیم درگذشت، پیامبر خدا فرمود: «ابراهیم، فرزند [دلبند] من است. [هر چند] او در شیرخوارگی درگذشت؛ اما در بهشت، دو دایه دارد که شیرخواری او را تکمیل می کنند».

350. صحیح مسلم - به نقل از عبد الله بن جعفر - هرگاه پیامبر خدا از سفر برمی گشت، [نخست] با کودکان خانواده اش دیدار می کرد.

351. مسند ابن حنبل - به نقل از عروه - [پیامبر خدا] هنگامی که از سفر می آمد، توسط کودکان مورد استقبال قرار می گرفت.

352. المَحَجَّةُ الْبَيْضَاءُ: هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله از سفر باز می گشت و کودکان به ایشان بر

ص: 209

---

1- .منطقة بالای مدینه، «عوالی» نامیده می شده و هم اکنون نیز به همین نام شناخته می شود. بسیاری از باغ ها و نخلستان های مدینه در این محل قرار گرفته اند.

فَيَرْفَعُونَ إِلَيْهِ، فَيَرَفَعُ مِنْهُمْ بَيْنَ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَيَأْمُرُ أَصْحَابَهُ أَنْ يَحْمِلُوا بَعْضَهُمْ، فَرَبَّمَا يَتَفَاخَرُ الصَّبِيَانُ بَعْدَ ذَلِكَ فَيَقُولُ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: حَمَلَنِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَحَمَلَكَ أَنْتَ وَرَاءَهُ، وَيَقُولُ بَعْضُهُمْ: أَمَرَ أَصْحَابَهُ أَنْ يَحْمِلُوكَ وَرَاءَهُمْ. (1)

353. المناقب لابن شهر آشوب عن عبدالعزيز بإسناده عن النبي صلى الله عليه وآله: أَنَّهُ كَانَ جَالِسًا فَأَقْبَلَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَلَمَّا رَأَاهُمَا النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَامَ لَهُمَا وَاسْتَبَطَّ بُلُوغَهُمَا إِلَيْهِ، فَاسْتَقْبَلَهُمَا وَحَمَلَهُمَا عَلَى كَتِفَيْهِ وَقَالَ: نِعَمَ الْمَطِيُّ مَطِيئُكُمَا، وَنِعَمَ الرَّكِبَانِ أَنْتُمَا، وَأَبُوكُمَا خَيْرٌ مِنْكُمَا. (2)

3/4: التَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَانِ

354. كنز العمال عن أنس: كَانَ [صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] يَمُرُّ بِالصَّبِيَانِ فَيَسَلِّمُ عَلَيْهِمْ. (3)

355. سنن الترمذى عن أنس: كُنْتُ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَمَرَّ عَلَى صَبِيَانٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ. (4)

356. مكارم الأخلاق عن أنس: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَرَّ عَلَى صَبِيَانٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ وَهُوَ مُغْدٌ (5). (6)

357. رسول الله صلى الله عليه وآله: خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ: الْأَكْلُ عَلَى الْحَضِيضِ (7) مَعَ الْعَبِيدِ، وَرُكُوبُ الْجِمَارِ مُؤَكَّفًا (8)، وَحَلْبُ الْعَنْزِ بِيَدِي، وَلُبْسُ الصَّوْفِ، وَالتَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَانِ؛

ص: 210

- 1- .المحجَّه البيضاء: ج 3 ص 366.
- 2- .المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 388 [1] وراجع ذخائر العقبى: ص 226. [2]
- 3- .كنز العمال: ج 7 ص 156 ح 18497 نقلاً عن البخارى عن أنس.
- 4- .سنن الترمذى: ج 5 ص 57 ح 2696.
- 5- .فى المصدر: «مغد» والتصويب من بحار الأنوار. والإغذاذ فى السير: الإسراع (الصحاح: ج 2 ص 567 «غذذ»).
- 6- .مكارم الأخلاق: ج 1 ص 47 ح 5، [3] بحار الأنوار: ج 16 ص 229. [4]
- 7- .الحَضِيضُ: الأَرْضُ (لسان العرب: ج 7 ص 137 «حَضَضُ»).
- 8- .الأَكْفُ وَالْإِكْفُ: شِبْهُ الرُّحَالِ وَالْأَقْتَابِ (لسان العرب: ج 9 ص 8 «أَكْفُ»).

می خوردند، ایشان به خاطر آنان، می ایستاد. سپس از آنان می خواست که بالا بیایند. برخی از آنان، از جلو و از پشت ایشان، بالا می رفتند، و از همراهان خود می خواست دیگر کودکان را آنان حمل کنند. چه بسا پس از این ماجرا کودکان افتخار می کردند و به هم می گفتند: پیامبر خدا، مرا در آغوش خود برد و تو را بر پشت خود، و برخی می گفتند: از همراهان خود خواست که تو را پشت خود، سوار کنند.

353. المناقب، ابن شهر آشوب به نقل از عبدالعزیز، با سندش از پیامبر صلی الله علیه و آله:- پیامبر خدا نشسته بود که حسن و حسین علیهما السلام آمدند و چون آنان را دید، برایشان برخاست و چون دید کُند می آیند، به سمت آنان رفت و بر دوش خود، حملشان کرد و فرمود:

«مَرکب شما چه مَرکب خوبی است و شما چه خوب سوارانی هستید! و پدرتان از شما هم بهتر است».

#### 3/4: سلام کردن بر کودکان

354. کنز العمال - به نقل از انس - پیامبر خدا، هرگاه بر کودکان می گذشت، به آنان سلام می کرد.

355. سنن الترمذی - به نقل از انس - با پیامبر خدا بودم که بر کودکان گذر کرد و به آنان، سلام داد.

356. مکارم الأخلاق - به نقل از انس - پیامبر خدا، در حالی که به سرعت حرکت می کرد [و عجله داشت]، بر گروهی از کودکان گذر کرد و به آنان، سلام داد.

357. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پنج چیز است که تا هنگام مرگ، آنها را ترک نمی کنم: غذا خوردن روی زمین با خدمت کاران؛ سوار شدن بر درازگوش پالان دار؛ دوشیدن شیر بز با دست

لِتَكُونَ سُنَّةً مِنْ بَعْدِي. (1)

358. صحيح ابن حبان عن أنس: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: كَانَ يَزُورُ الْأَنْصَارَ وَيُسَلِّمُ عَلَى صِبْيَانِهِمْ وَيَمَسِّحُ رُؤُوسَهُمْ. (2)

4/4: ذَمُّ عَدَمِ الْمَحَبَّةِ لِلْأَطْفَالِ

359. صحيح مسلم عن عائشة: قَدِمَ نَاسٌ مِنَ الْأَعْرَابِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالُوا: أَتَقَبَّلُونَ صِبْيَانَكُمْ؟ فَقَالُوا: نَعَمْ، فَقَالُوا: لَكِنَّا وَاللَّهِ مَا نَقْبَلُ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: وَأَمْلِكُ إِنْ كَانَ اللَّهُ نَزَعَ مِنْكُمْ الرَّحْمَةَ! (3)

360. الأدب المفرد عن أبي هريره: قَبَّلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَعِنْدَهُ الْأَقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ التَّمِيمِيُّ جَالِسٌ.

فَقَالَ الْأَقْرَعُ: إِنَّ لِي عَشْرَةَ مِنَ الْوَالِدِ مَا قَبَّلْتُ مِنْهُمْ أَحَدًا

فَنَظَرَ إِلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثُمَّ قَالَ: مَنْ لَا يَرَحِمَ لَا يُرَحَمُ. (4)

361. الإمام الصادق عليه السلام: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: مَا قَبَّلْتُ صَبِيًّا قَطُّ. فَلَمَّا وَلَّى قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ

آلِهِ: هَذَا رَجُلٌ عِنْدِي أَنَّهُ مِنْ أَهْلِ النَّارِ. (5)

ص: 212

- 
- 1- الخصال: ص 271 ح 12 عن إسماعيل بن زياد، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 81 ح 14 [1] عن العباس بن هلال عن الامام الرضا عليه السلام عن آبائه عليهم السلام.
  - 2- صحيح ابن حبان: ج 2 ص 206 ح 459، موارد الظمآن: ص 526 ح 2145.
  - 3- صحيح مسلم: ج 4 ص 1808 ح 64، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1209 ح 3665.
  - 4- الأدب المفرد: ص 41 ح 91، [2] مسند ابن حنبل: ج 3 ص 96 ح 7653. [3]
  - 5- الكافي: ج 6 ص 50 ح 7، [4] تهذيب الأحكام: ج 8 ص 113 ح 391.

خودم؛ پوشیدن لباس پشمینه؛ و سلام کردن به کودکان، تا پس از من، سنت شود.

358. صحیح ابن حبان - به نقل از انس - پیامبر صلی الله علیه و آله به دیدار انصار می رفت، به کودکانشان سلام می کرد و بر سر آنان، دست می کشید.

#### 4/4: نکوهش محبت نکردن به کودکان

359. صحیح مسلم - به نقل از عایشه - گروهی از بادیه نشینان، خدمت پیامبر خدا رسیدند و گفتند: آیا [شما مسلمانان] کودکانتان را می بوسید؟

گفتند: آری.

آن گاه گفتند: ولی ما به خدا سوگند، نمی بوسیم.

پیامبر خدا فرمود: «من چه کنم اگر خداوند، مهر را از [دل] شما برگزیده است؟».

360. الأدب المفرد - به نقل از ابوهریره - پیامبر خدا، در حالی که اقرع بن حابس تمیمی خدمت ایشان نشسته بود، حسن بن علی علیهما السلام را بوسید.

اقرع گفت: من، ده فرزند دارم که هیچ کدام از آنان را نبوسیده ام.

پیامبر خدا نگاهی به او انداخت و سپس فرمود: «کسی که مهر نوزد، مهر نمی بیند».

361. امام صادق علیه السلام: مردی خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و گفت: هرگز کودکی را نبوسیده ام. وقتی بازگشت پیامبر خدا فرمود: «این، کسی است که در نظر من از اهل آتش است».

## الكتاب

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ». 1

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». 2

## الحديث

362. رسول الله صلى الله عليه وآله - في مَوْعِظَتِهِ لِابْنِ مَسْعُودٍ -: يَا بْنَ مَسْعُودٍ، لَا تَحْمِلَنَّكَ الشَّفَقَةُ عَلَى أَهْلِكَ وَوَلَدِكَ عَلَى الدُّخُولِ فِي الْمَعَاصِي وَالْحَرَامِ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ \* إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» 3. 4

363. سنن الترمذى عن ابن عباس - لَمَّا سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَ إِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» -: هَؤُلَاءِ رِجَالٌ أَسْلَمُوا مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ وَأَرَادُوا أَنْ يَأْتُوا النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَأَبَى أَرْوَاجُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ أَنْ يَأْتُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَلَمَّا أَتَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَأَوْا النَّاسَ قَدْ فَحَّهَوا فِي الدِّينِ هَمَّوا أَنْ يُعَاقِبُوهُمْ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ:

«يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفَّوْا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ». 5

364. الإمام على عليه السلام - لبعض أصحابه -: لَا تَجْعَلَنَّ أَكْثَرَ شُغْلِكَ بِأَهْلِكَ وَوَلَدِكَ، فَإِنْ يَكُنْ أَهْلُكَ وَوَلَدُكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيْعُ أَوْلِيَاءَهُ، وَإِنْ يَكُونُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ فَمَا هُمَّكَ

قرآن

«ای کسانی که ایمان آوردید! اموال و فرزندان، شما را از یاد خدا غافل نکنند و کسانی که چنین کنند، زیان کاران اند.».

«ای کسانی که ایمان آورده اید! به تحقیق، برخی از همسران و فرزندان، دشمن شما هستند. پس، از آنان برحذر باشید، و [چه نیکوست] اگر گذشت کنید و روی بگردانید و ببخشید؛ چرا که بی گمان، خداوند، آمرزندهٔ مهربان است.».

حدیث

362. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در اندرز به عبد الله بن مسعود-: ای ابن مسعود! دلسوزی نسبت به خانواده و فرزندان، نباید تو را به نافرمانی ها [ی از خدا] و حرام، و ادا سازد؛ چرا که خداوند متعال می فرماید: «[قیامت] روزی [است] که نه مال سود می دهد و نه فرزندان؛ مگر کسی که با دلی سالم، نزد خدا آید».

363. سنن الترمذی - به نقل از ابن عباس -: وقتی کسی از ابن عباس دربارهٔ این آیه پرسید که: «ای کسانی که ایمان آوردید! بی گمان، برخی از همسران و فرزندان، دشمن شما هستند».

پس، از آنان برحذر باشید»، گفت: اینان، مردانی از اهل مکه بودند که اسلام آوردند و خواستند نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بیایند؛ ولی همسران و فرزندان نشان نگذاشتند که آنان را ترک کرده، نزد پیامبر خدا بیایند. هنگامی که نزد پیامبر خدا آمدند، دیدند که مردم، دین شناس شده اند. خواستند آنان را مجازات کنند که خداوند [عز و جل این آیه را] نازل فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده اید! بی گمان، برخی از همسران و فرزندان دشمن شما هستند. پس از آنان برحذر باشید».

364. امام علی علیه السلام - به یکی از یارانش -: همسر و فرزندان را همهٔ فکر و ذکر خود قرار نده؛ چرا که اگر همسر و فرزندان از دوستان خدا باشند، خداوند، [زندگی]

365. مستدرک الوسائل: قیل: لَمَّا كَانَ الْعَبَّاسُ وَرَيْنَبُ-وَلَدَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ-صَ غَيْرِينَ، قَالَ عَلِيُّ لِلْعَبَّاسِ: قُلْ وَاحِدٌ، فَقَالَ: قُلْ: ائْتَانِ، قَالَ: اسْتَحْيَ أَنْ أَقُولَ بِاللِّسَانِ الَّذِي قُلْتُ وَاحِدٌ: ائْتَانِ. فَقَبَّلَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامَ عَيْنِيهِ، ثُمَّ التَّمَّتْ إِلَى رَيْنَبٍ وَكَانَتْ عَلَى يَسَارِهِ وَالْعَبَّاسُ عَنْ يَمِينِهِ، فَقَالَتْ: يَا أَبْتَاهُ أَتُحِبُّنَا؟ قَالَ: نَعَمْ يَا بُنَيَّ، أَوْلَادُنَا أَكْبَادُنَا.

فَقَالَتْ: يَا أَبْتَاهُ، حُبَّانٍ لَا يَجْتَمِعَانِ فِي قَلْبِ الْمُؤْمِنِ، حُبُّ اللَّهِ وَحُبُّ الْأَوْلَادِ، وَإِنْ كَانَ لَا بَدَّ لَنَا فَالْشَّفَقَةُ لَنَا وَالْحُبُّ لِلَّهِ خَالِصًا.

فَازْدَادَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِهِمَا حُبًّا. (2)

366. مستدرک الوسائل: كَانَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ ابْنٌ وَبِنْتُ، فَقَبَّلَ الْإِبْنَ بَيْنَ يَدَيْ بِنْتِ، فَقَالَتْ: أَتُحِبُّهُ يَا أَبُهِ؟ قَالَ: بَلَى، قَالَتْ: ظَنَنْتُ أَنَّكَ لَا تُحِبُّ أَحَدًا مِنْ دُونِ اللَّهِ.

فَبَكَى، ثُمَّ قَالَ: الْحُبُّ لِلَّهِ، وَالشَّفَقَةُ لِلْأَوْلَادِ. (3)

367. الإمام الصادق عليه السلام: قَالَ وَالرِّدَى عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ إِنِّي لِأَصَانِعُ بَعْضَ وُلْدِي وَأَجْلِسُهُ عَلَى فَيْزِي وَأَكْثِرُ لَهُ الْمَحَبَّةَ، وَأَكْثِرُ لَهُ الشُّكْرَ، وَإِنَّ الْحَقَّ لِيُغَيِّرَهُ مِنْ وُلْدِي، وَلَكِنْ مُحَافَظَةً عَلَيْهِ مِنْهُ وَمِنْ غَيْرِهِ؛ لِئَلَّا يَصْنَعُوا بِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ (4) إِخْوَتُهُ، وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ سُورَةَ يُوسُفَ إِلَّا أَمْثَالًا لِكَيْلَا يَحْسُدَ بَعْضُنَا بَعْضًا كَمَا حَسَدَ بِيُوسُفَ (5) إِخْوَتُهُ وَبَغَوْا عَلَيْهِ. (6)

ص: 216

1- نهج البلاغه: الحكمه 352، [1] مشكاة الأنوار: ص 159 ح 401، [2] بحار الأنوار: ج 104 ص 73 ح 20.

2- مستدرک الوسائل: ج 15 ص 215 ح 18040 [3] نقلاً عن مجموعه الشهيد.

3- مستدرک الوسائل: ج 15 ص 171 ح 17898 [4] نقلاً عن قطب الدين الراوندي في لبّ اللباب.

4- في المصدر: «(وإخوته)»، وما أثبتناه هو الصحيح.

5- في بحار الأنوار: «[5] يوسف» بدل «بيوسف»، وهو الصحيح.

6- تفسير العياشي: ج 2 ص 166 ح 2، [6] بحار الأنوار: ج 74 ص 78 ح 74. [7]



دوستان خود را تباه نمی سازد و اگر از دشمنان خدا باشند، چرا [باید] اهتمام و فکر و ذکر تو، مشغول به دشمنان خدا باشد؟

365. مستدرک الوسائل: نقل شده هنگامی که عباس و زینب علیهما السلام، فرزندان امام علی علیه السلام خردسال بودند، امام علی علیه السلام به عباس - که سمت راست ایشان بود - فرمود: «بگو:»

یک. گفت: یک. فرمود: «بگو دو». گفت: شرم دارم با زبانی که گفته ام: یک، بگویم: دو.

امام علی علیه السلام میان دیدگان او را بوسید. سپس به زینب - که سمت چپ ایشان بود - توجه کرد. زینب گفت: ای پدر جان! ما را دوست می داری؟

فرمود: «آری، ای فرزندم! فرزندان ما [پاره های] جگر ما هستند».

گفت: پدر جان! در قلب مؤمن، دو محبت، محبت خدا و محبت فرزندان، جمع نمی گردند و اگر چاره ای نباشد، دلسوزی برای ماست و محبت خالص برای خدا.

پس محبت علی علیه السلام به آن دو بیشتر شد.

366. مستدرک الوسائل: علی بن ابی طالب علیه السلام پسر و دختری داشت. پسر را در حضور دختر بوسید. [دختر] گفت: پدر جان! او را دوست می داری؟

فرمود: «آری».

[دختر] گفت: می پنداشتم که کسی جز خداوند را دوست نمی داری.

گریست و سپس فرمود: «محبت برای خداست و دلسوزی برای فرزندان».

367. امام صادق علیه السلام: پدرم علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، من نسبت به یکی از فرزندانم تظاهر می کنم و او را بر زانویم می نشانم و بسیار به او محبت می کنم و بسیار از او تشکر می کنم. هر چند حق با فرزند دیگر من است؛ لیکن به خاطر حفاظت کردن وی از او و دیگران، چنین می کنم تا کاری را که برادران یوسف با او کردند، اینان با وی نکنند. خداوند، سوره یوسف را فرو فرستاده است، مگر نمونه ای برای آن که برخی از ما نسبت به برخی دیگر، حسادت نورزد، همان گونه که برادران یوسف بر او حسادت ورزیدند و ستم نمودند».

368.رسول الله صلى الله عليه وآله: سَوَّوْا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْعَطِيَّةِ، فَلَوْ كُنْتُ مُفَضَّلًا أَحَدًا لَفَضَّلْتُ النِّسَاءَ. (1)

369.عنه صلى الله عليه وآله: اَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي الْعَطِيَّةِ. (2)

370.عنه صلى الله عليه وآله: اَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ فِي النَّحْلِ، كَمَا تُحِبُّونَ أَنْ يَعْدِلُوا بَيْنَكُمْ فِي الْبِرِّ وَاللُّطْفِ. (3)

371.عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ حَتَّى فِي الْقَبْلِ. (4)

372.العيال عن الحسن: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُحَدِّثُ أَصْحَابَهُ إِذْ جَاءَ صَبِيٌّ حَتَّى انْتَهَى إِلَى أَبِيهِ فِي نَاحِيَةِ الْقَوْمِ، فَمَسَحَ رَأْسَهُ وَأَفْعَدَهُ عَلَى فَخِذِهِ الْيُمْنَى. قَالَ: فَلَبِثْتُ قَلِيلًا فَجَاءَتْ ابْنَةُ لَهُ حَتَّى انْتَهَتْ إِلَيْهِ، فَمَسَحَ رَأْسَهَا وَأَفْعَدَهَا فِي الْأَرْضِ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَهَلَّا عَلَيَّ فَخِذِكَ الْأُخْرَى، فَحَمَلَهَا عَلَيَّ فَخِذِهِ الْأُخْرَى، فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: الْآنَ عَدَلْتُ. (5)

373.الإمام عليّ عليه السلام: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبْصَرَ رَجُلًا لَهُ وَلَدَانِ (6) فَقَبَّلَ أَحَدَهُمَا وَتَرَكَ الْآخَرَ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فَهَلَّا وَاسَيْتَ بَيْنَهُمَا. (7)

374.صحيح البخارى عن النعمان بن بشير: أَعْطَانِي أَبِي عَطِيَّةً، فَقَالَتْ عَمْرَةُ بِنْتُ رَوَاحَةَ:

لَا أَرْضِي حَتَّى تُشْهَدَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

ص: 218

1- السنن الكبرى: ج 6 ص 294 ح 12000، المعجم الكبير: ج 11 ص 280 ح 11997 كلاهما عن ابن عباس.

2- صحيح البخارى: ج 2 ص 913 عن ابن عباس.

3- صحيح ابن حبان: ج 11 ص 503 ح 5104 عن النعمان بن بشير، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 473 ح 1624. [1]

4- كنز العمال: ج 16 ص 445 ح 45350 نقلاً عن ابن النجار عن النعمان بن بشير.

5- العيال: ج 1 ص 173 ح 36.

6- فى المصدر: «ولدين»، والتصويب من النوادر.

7- الجعفریات: ص 55، [2] النوادر: ص 96 ح 43 [3] نحوه كلاهما عن الإمام الكاظم عن أبائه عليهم السلام.

368. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در هدیه دادن میان فرزندان، به مساوات عمل کنید. اگر می خواستم کسی را برتری دهم، هر آینه، زنان را برتری می دادم.

369. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در هدیه دادن میان فرزندان، عدالت ورزید.

370. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: میان فرزندان، در بخشیدن عدالت ورزید، همان گونه که دوست دارید آنان در نیکی و ملاحظت میان شما عدالت ورزند.

371. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال، دوست دارد که میان فرزندان عدالت ورزید، حتی در بوسیدن.

372. العیال - به نقل از حسن (1) - : هنگامی که پیامبر خدا با یارانش سخن می گفت، کودکی وارد شد و رفت در گوشه ای از مسجد، به پدرش رسید. پدر، دست به سرش کشید و وی را بر زانوی راست خود نشانید.

اندکی که گذشت دختر او آمد و رفت تا این که به او رسید. او به سر وی نیز دست کشید؛ اما وی را روی زمین نشانید.

پیامبر خدا فرمود: «چرا او را بر زانوی دیگری نشانیدی؟».

مرد، دخترش را بر زانوی دیگری نشانید. پیامبر خدا فرمود: «هم اکنون، عدالت ورزیدی».

373. امام علی علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله مردی را دید که دو فرزند داشت. یکی را بوسید و دیگری را رها کرد. [در این هنگام] پیامبر خدا [به وی] فرمود: «چرا میان آنان یکسان عمل نکردی؟!».

374. صحیح البخاری - به نقل از نعمان بن بشیر - : پدرم چیزی به من بخشید؛ ولی [مادرم] عمره دختر رواجه گفت: من، راضی نمی شوم تا این که پیامبر خدا، شاهد [این بخشش] باشد.

ص: 219

---

1- . حسن در این نقل، ممکن است امام حسن علیه السلام و یا حسن بصری باشد.

فَأَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: إِنِّي أُعْطِيتُ ابْنِي مِنْ عَمْرَةَ بِنْتِ رَوَاحَةَ عَطِيَّةً فَأَمَرْتَنِي أَنْ أَشْهَدَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ.

قَالَ: أُعْطِيتُ سَائِرَ وُلْدِكَ مِثْلَ هَذَا؟ قَالَ: لَا.

قَالَ: فَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْدِلُوا بَيْنَ أَوْلَادِكُمْ. قَالَ: فَرَجَعَ فَرَدَّ عَطِيَّتَهُ. (1)

375. شرح نهج البلاغه: كَانَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَكْبَرَ وُلْدِ عَلِيٍّ، وَكَانَ سَيِّدًا سَدِيحًا حَلِيمًا خَطِيبًا، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُحِبُّهُ، سَابِقَ يَوْمًا بَيْنَ الْحُسَيْنِ وَبَيْنَهُ فَسَبَقَ الْحَسَنُ، فَأَجْلَسَهُ عَلِيٌّ فَنَحَلَهُ الْيَمْنَى، ثُمَّ أَجْلَسَ الْحُسَيْنَ عَلَيَّ الْفَخِذِ الْيُسْرَى. (2)

ص: 220

1- . صحيح البخارى: ج 2 ص 914 ح 2447 السنن الكبرى: ج 6 ص 292 ح 11994، المصنّف لابن أبى شيبة: ج 8 ص 366 ح 2، كنز العمال: ج 16 ص 585 ح 45957 وراجع: صحيح مسلم: ج 3 ص 1241-1244، سنن النسائي: ج 6 ص 260، السنن الكبرى: ج 6 ص 293 ح 11996، سنن الدار قطنى: ج 3 ص 42 ح 171، سنن ابن ماجه: ج 2 ص 795 ح 2376.

2- . شرح نهج البلاغه: ج 16 ص 27 نقلًا عن المدائنى.

از این رو، [پدرم] نزد پیامبر خدا آمد و گفت: ای پیامبر خدا! من به پسری که از عمره دختر رواجه دارم، چیزی بخشیده ام و او از من خواسته است که تو را شاهد بگیرم.

ایشان فرمود: «به دیگر فرزندان نیز مثل این را بخشیده ای؟»

گفت: نه.

فرمود: «از خدا پروا داشته باشید و میان فرزندان، عدالت ورزید.»

پس او بازگشت و هدیه اش را پس گرفت.

375. شرح نهج البلاغه: حسن علیه السلام بزرگ ترین فرزند علی علیه السلام، آقا، باسناوت، بردبار و سخنور بود، و پیامبر خدا، او را دوست می داشت. روزی میان حسین علیه السلام و او مسابقه گذاشت و حسن علیه السلام بُرد. پس پیامبر صلی الله علیه و آله او را بر زانوی راست خود نشاند و سپس، حسین علیه السلام را بر زانوی چپ خود نشاند.

ص: 221



یکی از مباحث مهم تربیتی، عدالت ورزی والدین در اظهار محبت به فرزندان و واگذاری امکانات مادی به آنهاست. این مسئله از دو نگاه، قابل بحث و بررسی است: فقهی - حقوقی (1) و تربیتی.

آنچه در این جا مورد نظر است، عدالت ورزی نسبت به فرزندان از نگاه دوم

ص: 223

1- با توجه به اختلافی که در روایات در باب تفضیل قائل شدن والدین در هدیه دادن به فرزندان مشاهده می شود، فتاوی فقهای شیعه و سنی نیز مختلف شده است. در بین فتاوی فقهای شیعه، سه نظریه دیده می شود: یک. تفضیل (تفاوت قائل شدن بین فرزندان) جایز است، مگر در زمانی که واهب، در سختی بوده، یا بیمار باشد که در این صورت، مکروه است و اگر بیماری منجر به فوت شود، هدیه از اصل مال محاسبه می شود، نه از ثلث آن. دو. تفضیل فرزند، مکروه و مساوات بین فرزندان، مستحب است. سه. تفضیل فرزند، حرام است، مگر این که دارای امتیازی خاص باشد. اهل سنت دو دسته اند: اهل قیاس و رأی، و اهل ظاهر. اهل قیاس و رأی می گویند: اجماعی است که هر کس می تواند تمام مال و دارایی خود را به دیگری هدیه کند. پس اعطای قسمتی از مال به برخی از فرزندان، نباید حرام باشد. لذا مراد از روایاتی که ممکن است از آنها حرمت تفضیل برداشت شود، کراهت است. اما اهل ظاهر به دو راه رفته اند: عده ای فقط ظاهر الفاظ بالا را مورد توجه قرار داده و قائل به حرمت شده اند. عده ای نیز عبارت «فأشهد علی هذا غیری» را ضمیمه استدلال کرده و نتیجه گرفته اند که اگر تفضیل، حرام می بود، نباید پیامبر صلی الله علیه و آله آنها را به دنبال شاهد دیگری می فرستاد. پس جمع بین این عبارت و عبارت های دیگر، کراهت داشتن آن است.

است.

عدالت ورزی نسبت به فرزندان، می تواند آثار تربیتی مهمی را بدین شرح به دنبال داشته باشد:

1. فرزندان نیز متقابلاً به والدین لطف و نیکی می کنند و حقوق آنان را رعایت خواهند کرد.

2. آنان نیز نسبت به فرزندان خود، از مرز عدالت تجاوز نخواهند کرد.

3. عدالت ورزی میان فرزندان، مانع از حسادت و کینه ورزی آنان نسبت به هم خواهد شد.

4. مهم تر این که کودک، از آغاز زندگی با روح عدالت ورزی پرورش خواهد یافت و رفتار عادلانه خانواده، زمینه را برای تأمین عدالت اجتماعی فراهم خواهد ساخت.

برعکس، بی عدالتی و رفتار تبعیض آمیز نسبت به فرزندان، نه تنها والدین را از محبت آنان محروم می کند؛ بلکه آینده فرزندان را نیز با خطر مواجه می نماید. از این رو، دانشمندان تعلیم و تربیت در عصر حاضر، رعایت عدالت در برخورد با فرزندان را برای پرورش انسان های شایسته، ضرور می دانند؛ اما اسلام از چهارده قرن پیش بر این امر تأکید نموده است و پیامبر خدا به مسلمانان توصیه می فرمود که نه تنها در واگذاری امکانات مادی، بلکه در بوسیدن فرزندان نیز عدالت را رعایت کنند.

بدیهی است که رفتار عادلانه، به معنای برخورد مساوی و یکسان نیست. چه بسا رعایت عدالت ایجاب می نماید که پدر برای برخی از فرزندان خود، به دلیل استعداد بیشتر و یا کمتر، یا به دلیل بیماری و یا جهات دیگر، هزینه بیشتری را



متحمّل گردد. این، به معنای بی عدالتی نیست. البته در این گونه موارد نیز باید سایر فرزندان را نسبت به اقدام خود، توجیه نمایند.

همچنین، در صورتی که پدر احساس کرد رعایت حقّ یکی از فرزندان، پیامدهای منفی و خطرناکی را به دنبال خواهد داشت، از آن صرف نظر نماید، چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید:

قَالَ وَالِدِي عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ إِنِّي لِأَصَانِعُ بَعْضَ وُلْدِي وَأَجْلِسُهُ عَلَى فَخْذِي وَأَكْثِرُ لَهُ الْمَحَبَّةَ، وَأَكْثِرُ لَهُ الشُّكْرَ، وَإِنَّ الْحَقَّ لَغَيْرِهِ مِنْ وُلْدِي، وَلَكِنْ مُحَافَظَةٌ عَلَيْهِ مِنْهُ وَمِنْ غَيْرِهِ؛ لِئَلَّا يَصْنَعُوا بِهِ مَا فَعَلَ يَوسُفَ إِخْوَتُهُ. (1)

پدرم علیه السلام فرمود: «به خدا سوگند، من نسبت به یکی از فرزندانم تظاهر می کنم و او را بر زانویم می نشانم و بسیار به او محبت می کنم و بسیار از او تشکر می کنم. هر چند حق با فرزند دیگر من است؛ لیکن به خاطر حفاظت کردن وی از او و دیگران، چنین می کنم تا کاری را که برادران یوسف با او کردند، اینان با وی نکنند.

همان طور که در این حدیث آمده است، امام باقر علیه السلام برای پیشگیری از حسادت برخی از فرزندان خود و تبعات سوء آن، نه تنها نسبت به فرزندی که باید بیش از دیگران مورد محبت او قرار گیرد، اظهار محبت نمی کند؛ بلکه فرزند دیگری را که در معرض بیماری حسادت است، مورد لطف و محبت قرار می دهد تا بدین وسیله، فرزند برتر را از خطر حسادت برادر، حفظ نماید و این، درس تربیتی مهمی است برای مربیان، بویژه پدران و مادران.

ص: 225

376. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَحِبُّوا الصَّبِيَّانَ وَارْحَمُوهُم، وَإِذَا وَعَدْتُمُوهُم شَيْئاً فَفُوا لَهُمْ؛ فَإِنَّهُمْ لَا يَدْرُونَ إِلَّا أَنْتُمْ تَرْزُقُونَهُمْ. (1)

377. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا وَعَدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَّةً فَلْيُجِزْ. (2)

378. السنن الكبرى عن عبد الله بن عامر بن ربيعة: جَاءَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَيْتَنَا وَأَنَا صَبِيٌّ صَغِيرٌ، فَذَهَبْتُ أَلْعَبُ، فَقَالَتْ لِي أُمِّي: يَا عَبْدَ اللَّهِ تَعَالَ أَعْطِيكَ.

فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا أَرَدْتَ أَنْ تُعْطِيَهُ؟ قَالَتْ: أَرَدْتُ أَنْ أُعْطِيَهُ تَمَرًا، قَالَ: أَمَا إِنَّكَ لَوْ لَمْ تَفْعَلِي لَكُنْتِ عَلَيَّ كَذِبَةً. (3)

379. الإمام عليّ عليه السلام: لَا يَصْلُحُ مِنَ الْكَذِبِ جِدٌّ وَلَا هَزْلٌ، وَلَا أَنْ يَعِدَ أَحَدُكُمْ صَبِيَّةً ثُمَّ لَا يَقِي لَهَا، إِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِي إِلَى الْفُجُورِ. (4)

380. الإمام الكاظم عليه السلام: إِذَا وَعَدْتُمُ الصَّبِيَّانَ فَفُوا لَهُمْ؛ فَإِنَّهُمْ يَرَوْنَ أَنَّكُمْ الَّذِينَ تَرْزُقُونَهُمْ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَ يَغْضَبُ لِشَيْءٍ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَالصَّبِيَّانِ. (5)

ص: 226

1- الكافي: ج 6 ص 49 ح 3، [1] تهذيب الأحكام: ج 8 ص 113 ح 389 وفيه «اختنوا» بدل «احبوا» كلاهما عن عبد الله بن محمد البجلي عن الإمام الصادق عليه السلام.

2- الجعفریات: ص 166 [2] عن الإمام الكاظم عن آبائه عليهم السلام.

3- السنن الكبرى: ج 10 ص 335 ح 20839، [3] الإصابه: ج 4 ص 120 [4] نحوه.

4- الأمالي للصدوق: ص 505 ح 696 [5] عن الحارث الاعور، مشكاه الأنوار: ص 302 ح 935 [6] وليس فيه «ولا» بعد «هزل»، بحار الأنوار: ج 72 ص 259 ح 24. [7]

5- الكافي: ج 6 ص 50 ح 8 [8] عن كليب الصيداوي، عدّه الداعي: ص 75. [9]

376. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کودکان را دوست بدارید و با آنان، مهربان باشید و هرگاه چیزی را به آنان وعده دادید، بدان وفا کنید؛ زیرا آنان، باوری جز این ندارند که شما روزی آنها را می دهید.

377. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه یکی از شما به کودکش وعده داد، باید بدان عمل کند.

378. السنن الکبری - به نقل از عبد الله بن عامر بن ربیعہ - پیامبر خدا به خانۀ ما آمد و من، در حالی که کودکی خردسال بودم، رفتم تا بازی کنم که مادرم به من گفت: ای عبد الله! بیا چیزی به تو بدهم.

پیامبر خدا فرمود: «می خواهی به او چه بدهی؟».

گفت: می خواهم به او خرما بدهم.

فرمود: «آگاه باش که اگر چنین نکنی، برای تو دروغی نوشته می شود».

379. امام علی علیه السلام: دروغ، چه جدی و چه شوخی، درست نیست و نیز این که کسی از شما به کودکش وعده بدهد و به آن وفا نکند؛ چرا که دروغ، [انسان را] به افساز گسیختگی می کشاند.

380. امام کاظم علیه السلام: هرگاه به کودکان وعده دادید، بدان وفا کنید؛ چرا که آنان بر این باورند که شما روزی شان را می دهید. بی گمان، خداوند عز و جل آن گونه که به خاطر زنان و کودکان خشمگین می شود، برای چیز دیگری خشم نمی گیرد.

از هنگامی که کودک به مرحله درک می‌رسد، در تعامل خود با والدین، با وعده‌هایی برخورد می‌کند. این وعده‌ها گاه عملی می‌شوند و گاه نمی‌شوند. در آموزه‌های اسلام، این مسئله مورد توجه قرار گرفته و نسبت به وفای به عهد، توصیه‌ی اکید شده است. دلیل این توصیه را به چند وجه می‌توان تحلیل و تبیین کرد:

یکی جنبه اخلاقی مسئله است. تخلف از وعده، از اخلاق ناپسند است و در همه جا و نسبت به هر کس، صادق است و یکی از مصادیق آن هم کودک است.

دیگری، جنبه بدآموزی آن برای کودک است. هر چند خُلف وعده، نهی عام دارد؛ ولی درباره کودک به جهت شرایط سنّی و تربیتی خاصی که دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. کودک، از رفتار دیگران، بخصوص والدین، الگو می‌گیرد و این الگوگیری، چون در سنین کودکی است، تأثیر پایدار و عمیق بر شخصیت وی می‌گذارد، به گونه‌ای که اصلاح آن، غیر ممکن یا بسیار دشوار خواهد بود.

و اما جنبه سوم، تأثیر منفی آن بر رابطه کودک با خدا در آینده است. برخی پژوهش‌ها نشان داده که نوع ارتباط کودک با خداوند، تحت تأثیر نحوه ارتباط والدین با کودک بوده است. پیش از آن که کودک با مفهوم خدا آشنا شود، والدین، بخصوص پدر را رب و صاحب اختیار خود می‌داند و به تعبیری نقش خداوندی برای وی قائل است (و به همین دلیل، والدین خود را بی‌عیب و نقص و دارای همه

کمالات و فضایل می داند و حتّی تصوّر هم نمی کند که آنان، دارای عیب و نقصی باشند). حال اگر والدین به وعده هایی که به کودک خود داده اند، عمل نکنند، او این خُلفِ وعده را به مفهوم خداوندی تسرّی می دهد و ناخودآگاه، در آینده، رابطه او با خداوند را تحت تأثیر منفی قرار می دهد. اتفاقاً در حدیث شریف نیز تعلیلی آمده که به این حقیقت، اشاره دارد: «آنان تصور می کنند شما به آنها روزی می دهید».

آن مفهومی که از خداوندی برای کودک، قابل فهم است، «روزی رسانی» است و روزی رسانی در نظر او، برابر با خداوندگاری است. حال اگر از خداوندگارِ کودکی خود، خُلف وعده ببیند، نسبت به خداوند و جایگاه او، همواره بدبین می گردد.

حدیث شریف: «الجنّه تحت أقدام الأمّهات؛ بهشت، زیر پای مادران است» نیز در همین بستر می تواند تحلیل گردد؛ یعنی گذشته از تلاش هایی که مادران برای تربیت دینی کودک می کنند، شکل ارتباط مادر با کودک، تأثیر مهمّی در شکل گیری تصوّر کودک از خداوند دارد و این، می تواند در آینده کودک تأثیر گذار باشد.

381. رسول الله صلى الله عليه وآله: إن في الجنة داراً يقال لها: الفرح، لا يدخلها إلا من فرح الصبيان. (1)

382. عنه صلى الله عليه وآله: اشتروا لصبيانكم اللحم، وذكروهم يوم الجمعة. (2)

383. عنه صلى الله عليه وآله: إن في الجنة داراً يقال لها: دار الفرح، لا يدخلها إلا من فرح يتامى المؤمنين. (3)

384. عنه صلى الله عليه وآله: من عال يتيماً حتى يستغنى، أوجب الله عز وجل له بذلك الجنة، كما أوجب لأكل مال اليتيم النار. (4)

385. الكافي عن حبيب بن أبي ثابت: جاء إلى أمير المؤمنين عليه السلام عسلٌ وتينٌ من همدان (5) وحلوان (6)، فأمر العرفاء (7) أن يأتوا باليتامى، فأمكنهم من رؤوس الأزقاق (8) يلغقونها، وهو يُقسمها للناس قَدْحاً قَدْحاً، فقيل له: يا أمير المؤمنين، ما لهم يلغقونها؟

ص: 230

1- الكامل في ضعفاء الرجال: ج 1 ص 203 عن عائشه، كنز العمال: ج 3 ص 170 ح 6009.

2- مستدرک الوسائل: ج 6 ص 99 ح 6525 [1] نقلاً عن القطب الراوندى فى لب اللباب.

3- كنز العمال: ج 3 ص 170 ح 6008 نقلاً عن ابن النجار عن عقبه بن عامر.

4- الكافي: ج 7 ص 51 ح 7 [2] عن عبد الرحمان بن الحجّاج عن الإمام الكاظم عن الإمام علىّ عليهما السلام، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 190 ح 5433 عن سليم بن قيس عن الإمام علىّ عليه السلام عنه صلى الله عليه وآله، بحار الأنوار: ج 42 ص 248 ح 51. [3]

5- همدان: مدينه فى إيران، وجنوب غرب طهران، فيها قبر ابن سينا (المنجد فى الأعلام: ص 730).

6- حلوان: مدينه قديمه فى العراق العجمى (إيران) فتحها العرب سنه 640 م. أحرقها السلجوقيون سنه 1046 م. وأكمل الزلزال هدمها 1149 م (المنجد فى الأعلام: ص 257).

7- العرفاء: جمع عريف، وهو القيمّ بأمر القبيله أو الجماعه من الناس يلى امورهم ويتعرف الأمير منه أحوالهم (النهايه: ج 3 ص 218) «[4] عرف».

8- الرّق: السّقاء يُنقل فيه الماء، أو جلدٌ يُجرّ شعْرُه ولا يُنتفِ نَتْفَ الأديم. وقيل: الرّق من الأهب: كلّ وعاءٍ اتُّخذ للشراب وغيره. والجمع أزقاق وزقاق وزقان (تاج العروس: ج 13 ص 196 «[5] زقق»).

381. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خانه ای در بهشت است که به آن، [خانهٔ] شادی گفته می شود. جز کسی که کودکان را شاد کرده باشد، وارد آن نمی گردد.

382. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: [جمعه ها] برای کودکان، گوشت بخريد و روز جمعه را به یاد آنان بیاورید.

383. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خانه ای در بهشت است که خانهٔ شادی نام دارد. جز کسی که یتیمانِ اهل ایمان را خرسند ساخته، وارد آن نمی شود.

384. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که یتیمی را سرپرستی کند تا بی نیاز گردد، خداوند عز و جل در برابر این کار، بهشت را بر او واجب کرده است، همان گونه که خداوند برای خورندهٔ مال یتیم، آتش [دوزخ] را واجب کرده است.

385. الکافی - به نقل از حبیب بن ابی ثابت -: برای امیر مؤمنان، از منطقهٔ هَمَدان و حُلوان، [\(1\)](#) عسل و انجیر آوردند. به سرشناسان قبایل، دستور داد که یتیمان [قبیله] را بیاورند.

سرِ مَشک های [خالی شده] عسل را در اختیار آنان قرار داد تا عسلِ پلیسند و خود، عسل ها را ظرف ظرف، میان مسلمانان تقسیم می کرد. گفته شد: ای امیر مؤمنان! چرا آنان، عسل می لیسند؟

ص: 231

---

1- حُلوان، نام شهری قدیمی در منطقهٔ دیالهُ عراق است که مسلمانان، آن را در سال 640 م، فتح کردند و سلجوقیان، در سال 1046 م، آن را به آتش کشیدند و زلزلهٔ سال 1149 م، آن را ویران ساخت.

فَقَالَ: إِنَّ الْإِمَامَ أَبُو الْيَتَامَى، وَإِنَّمَا الْعَقْتُهُمْ هَذَا بِرِعَايَةِ الْآبَاءِ. (1)

386. ربيع الأبرار عن أبي الطفيل: رَأَيْتُ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْعُو الْيَتَامَى فَيَطْعِمُهُمُ الْعَسَلَ، حَتَّى قَالَ بَعْضُ أَصْحَابِهِ: لَوِ دِدْتُ أَنِّي كُنْتُ يَتِيمًا. (2)

387. المناقب لابن شهر آشوب: نَظَرَ عَلِيُّ إِلَى امْرَأَةٍ عَلَى كَتِفِهَا قَرِيْبَهُ مَاءً، فَأَخَذَ مِنْهَا الْقَرِيْبَةَ فَحَمَلَهَا إِلَى مَوْضِعٍ عِنْدَهَا، وَسَأَلَهَا عَنْ حَالِهَا، فَقَالَتْ: بَعَثَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَاحِبِي إِلَى بَعْضِ الثُّغُورِ فُقِّتِلَ، وَتَرَكَ عَلِيٌّ صَبِيَانًا يَتَامَى، وَلَيْسَ عِنْدِي شَيْءٌ، فَقَدَّ الْجَائِئِي الضَّرُورَةَ إِلَى خِدْمَةِ النَّاسِ.

فَانصَرَفَ وَبَاتَ لَيْلَتَهُ فَلَقَا. فَلَمَّا أَصْبَحَ حَمَلَ زَنْبِيلاً فِيهِ طَعَامٌ، فَقَالَ بَعْضُهُمْ:

أَعْطَنِي أَحْمِلُهُ عَنْكَ، فَقَالَ: مَنْ يَحْمِلُ وَزُرَى عَنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟! فَأَتَى وَقَرَعَ الْبَابَ، فَقَالَتْ: مَنْ هَذَا؟

قَالَ: أَنَا ذَلِكَ الْعَبْدُ الَّذِي حَمَلَ مَعَكَ الْقَرِيْبَةَ، فَافْتَحِي فَإِنَّ مَعِيَ شَيْئًا لِلصَّبِيَانِ.

فَقَالَتْ: رَضِيَ اللَّهُ عَنْكَ وَحَكَمَ بَيْنِي وَبَيْنَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ!

فَدَخَلَ وَقَالَ: إِنِّي أَحْبَبْتُ اكْتِسَابَ الثَّوَابِ، فَاخْتَارِي بَيْنَ أَنْ تَعْجِنِينَ (3) وَتَخْزِينَ، وَبَيْنَ أَنْ تُعَلِّينَ (4) الصَّبِيَانَ لِأَخِيْرٍ أَنَا.

ص: 232

1- الكافي: ج 1 ص 406 ح 5، [1] بحار الأنوار: ج 41 ص 123 ح 30. [2]

2- ربيع الأبرار: ج 2 ص 148، [3] المعيار والموازنة: ص 251 [4] نحوه: المناقب لابن شهر آشوب: ج 2 ص 75. [5]

3- كذا في المصدر وبحار الأنوار، ومقتضى القواعد النحوية أن يقال: «أن تعجني وتخزي... وتعللي»؛ لمكان «أن» الناصب للفاعل المضارع. لكن صاحب النحو الوافي [6] ذكر أن بعض القبائل العربيّة يهملها، فلا ينصب بها المضارع برغم استيفائها شروط نصبه؛ كقراءه من قرا قوله تعالى: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِ الرِّضَاعَةَ» برفع المضارع «ينتم» على اعتبار «أن» مصدرية مهمله. -ثم قال: -والأنسب اليوم ترك هذه اللغة لأهلها، والاقتصار على الإعمال؛ حرصاً على الإبانه، وبعداً عن الإلباس (النحو الوافي: ج 4 ص 267). [7]

4- عَلَّلَهُ بطعامٍ وحديثٍ ونحوهما: شَعَّلَهُ بهما (لسان العرب: ج 11 ص 469) «[8] علل».



فرمود: «امام، پدر یتیمان است. و من همچون پدرشان، آنان را به خوردن عسل وا داشتم».

386. ربیع الأبرار - به نقل از ابو طفیل - :علی علیه السلام را دیدم که یتیمان را فرا می خواند و به آنان، عسل می خوراند تا آن جا که یکی از یارانش گفت: دوست داشتم من هم یک یتیم می بودم!

387. المناقب، ابن شهر آشوب: علی علیه السلام زنی را دید که مشک آبی بر دوش دارد. مشک را از او گرفت و تا خانه اش بُرد. آن گاه از احوالش پرسید.

زن گفت: علی بن ابی طالب، شوهرم را به یکی از مناطق مرزی فرستاد و کشته شد و کودکانی یتیم، برایم به جای گذاشت. چیزی ندارم و نیاز، مرا به کلفتی مردم وا داشته است.

علی علیه السلام بازگشت و آن شب را تا صبح، مضطرب بود. هنگامی که صبح شد، زنبیلی غذا به دوش گرفت. برخی گفتند: بگذار ما به جای تو بر دوش بکشیم.

فرمود: «چه کسی روز قیامت، گناه مرا بر دوش می کشد؟».

سپس به درِ خانه [ی آن زن] آمد و در را کوبید. زن گفت: کیستی؟

فرمود: «من همان بنده ای هستم که دیروز، مشک آبت را به دوش کشید. در را باز کن. غذایی برای کودکان، با خود دارم».

زن گفت: خدا از تو خشنود باشد و میان من و علی بن ابی طالب، داوری کند!

سپس علی علیه السلام داخل خانه شد و فرمود: «دوست می دارم ثوابی به دست آورم. تو خمیر می کنی و نان می پزی، یا کودکان را سرگرم می کنی تا من، نان بپزم؟».

فَقَالَتْ: أَنَا بِالْخَبِزِ أَبْصَرُ وَعَلَيْهِ أَقْدَرُ، وَلَكِنْ شَأْنُكَ وَالصَّبِيَّانَ فَعَلَّلَهُمْ حَتَّى أَفْرَغَ مِنَ الْخَبِزِ.

فَعَمَدَتْ إِلَى الدَّقِيقِ فَعَجَّنتَهُ، وَعَمَدَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى اللَّحْمِ فَطَبَّخَهُ، وَجَعَلَ يُلْقِمُ الصَّبِيَّانَ مِنَ اللَّحْمِ وَالتَّمْرِ وَغَيْرِهِ، فَكُلَّمَا نَاوَلَ الصَّبِيَّانَ مِنْ ذَلِكَ شَيْئًا قَالَ لَهُ: يَا بُنَيَّ، اجْعَلْ عَلَيَّ بَنَ أَبِي طَالِبٍ فِي حِلِّ مِمَّا مَرَّ فِي أَمْرِكَ.

فَلَمَّا اخْتَمَرَ الْعَجِينُ قَالَتْ: يَا عَبْدَ اللَّهِ، سَجَّرِ التَّنُورَ (1). فَبَادَرَ لِسَ جَرِهِ، فَلَمَّا أَشْعَلَهُ وَلَفَّحَ فِي وَجْهِهِ جَعَلَ يَقُولُ: ذُقْ يَا عَلِيُّ! هَذَا جَزَاءُ مَنْ ضَيَّعَ الْأَرَامِلَ وَالْيَتَامَى.

فَرَأَتْهُ امْرَأَةٌ تَعْرِفُهُ، فَقَالَتْ: وَيْحَكَ! هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ. قَالَ: فَبَادَرَتْ امْرَأَةً وَهِيَ تَقُولُ: وَاحِيَايَ مِنْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ!

فَقَالَ: بَلْ وَاحِيَايَ مِنْكَ يَا أُمَّةَ اللَّهِ فِيمَا قَصَّرْتُ فِي أَمْرِكَ! (2)

388. كَشَفَ الْيَقِينُ: رُوي أَنَّهُ [عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ] اجْتَازَ لَيْلَةَ عَلَى امْرَأَةٍ مَسْكِينَةٍ لَهَا أَطْفَالٌ صِدِّ غَاظٌ يَبْكُونَ مِنَ الْجُوعِ، وَهِيَ تُشَاغِلُهُمْ وَتُلْهِيهِمْ حَتَّى يَنَامُوا، وَكَانَتْ قَدْ أَشْعَلَتْ نَارًا تَحْتَ قِدْرِ فِيهَا مَاءٌ لَا غَيْرَ، وَأَوْهَمَتْهُمْ أَنَّ فِيهَا طَعَامًا تَطْبُخُهُ لَهُمْ.

فَعَرَفَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَالَهَا، فَامْسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ وَمَعَهُ قَبْرٌ إِلَى مَنْزِلِهِ، فَأَخْرَجَ قَوْصِرَةَ (3) تَمْرٍ وَجِرَابَ (4) دَقِيقٍ وَشَيْئًا مِنَ الشَّحْمِ وَالْأُرْزِّ وَالْخَبِزِ، وَحَمَلَهُ عَلَى كَتِفِهِ الشَّرِيفِ،

ص: 234

1- سَجَّرْتُ التَّنُورَ: إِذَا حَمَيْتَهُ (مَجْمَعُ الْبَحْرِينَ: ج 2 ص 820 «سَجَّرَ»).

2- الْمَنَاقِبُ لِابْنِ شَهْرَ أَشُوبَ: ج 2 ص 115، [1] بَحَارُ الْأَنْوَارِ: ج 41 ص 52. [2] رَاجِعُ: الْقِسْمُ الْعَاشِرُ/الْخِصَائِصُ الْعَمَلِيَّةُ/إِمَامُ الْمُسْتَضْعَفِينَ.

3- الْقَوْصِرَةُ هِيَ وَعَاءٌ مِنْ قَصَبٍ يَرْفَعُ فِيهِ التَّمْرُ مِنَ الْبُورِي، وَيُسَدَّدُ وَيُخَفَّفُ (لِسَانُ الْعَرَبِ: ج 5 ص 104 «[3] قَصْر»).

4- الْجِرَابُ هُوَ وَعَاءٌ مِنْ إِهَابِ الشَّاهِ لَا يُوعَى فِيهِ إِلَّا يَابَسُ (لِسَانُ الْعَرَبِ: ج 2 ص 228 «جرب»).

زن گفت: من به پختن نان، آگاه تر و بر آن، توانمندترم. تو با کودکان باش و آنان را سرگرم کن، تا از پختن نان، فارغ شوم.

زن به سوی آردها رفت و آنها را خمیر کرد و علی علیه السلام به سوی گوشت رفت و آن را پخت و از خرما و گوشت و دیگر خوراکی ها، لقمه به دهان کودکان می گذاشت و هرگاه کودکان، لقمه ای می خوردند، به آنها می فرمود: «فرزندم! به خاطر آنچه بر تو گذشته است، علی بن ابی طالب را حلال کن».

وقتی زن، آرد را خمیر کرد، گفت: ای بنده خدا! تنور را روشن کن.

علی علیه السلام برای روشن کردن تنور شتافت. وقتی آن را شعله ور ساخت و [حرارت] به صورتش برخورد کرد، پیوسته می گفت: «ای علی! بچش. این است کیفر کسی که بیوه زنان و یتیمان را [به حال خود] رها سازد».

زنی [دیگر] که علی علیه السلام را می شناخت، او را دید و گفت: وای بر تو، ای زن! این، امیر مؤمنان است.

زن، سراسیمه [به سوی علی علیه السلام آمد و] گفت: وای که شرمنده ات هستم، ای امیر مؤمنان!

فرمود: «وای که من، شرمنده تو هستم- ای بنده خدا- که درباره ات کوتاهی کرده ام».

388. کشف الیقین: گزارش شده که علی علیه السلام، شبی به زنی تهی دست برخورد که کودکانی خردسال داشت و از گرسنگی، گریه می کردند. آن زن، کودکان را مشغول و سرگرم می کرد تا بخوابند، و آتشی زیر دیگی که فقط آب داشت، برافروخته بود، تا کودکان گمان برند که در دیگ، غذایی است که برایشان می پزد.

امیر مؤمنان، از حال زن آگاه شد. به سوی خانه اش راه افتاد، در حالی که قنبر نیز

فَطَلَبَ قَنْبَرٌ حَمَلَهُ، فَلَمْ يَفْعَلْ. فَلَمَّا وَصَلَ إِلَى بَابِ الْمَرْأَةِ اسْتَأْذَنَ عَلَيْهَا، فَأَذِنَتْ لَهُ فِي الدَّخُولِ.

فَأَرَمَى شَيْئاً مِنَ الْأُرْزُقِ فِي الْقَدْرِ وَمَعَهُ شَيْءٌ مِنَ الشَّحْمِ، فَلَمَّا فَرَّغَ مِنْ نَضِجِهِ عَرَفَهُ (قَرَّبَهُ) لِلصِّغَارِ وَأَمَرَهُمْ بِأَكْلِهِ.

فَلَمَّا شَبِعُوا أَخَذَ يَطُوفُ بِالْبَيْتِ وَيُبْعِثُ لَهُمْ، فَأَخَذُوا فِي الضَّحِكِ.

فَلَمَّا خَرَجَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَهُ قَنْبَرٌ: يَا مَوْلَايَ، رَأَيْتُ اللَّيْلَةَ شَيْئاً عَجِيباً قَدْ عَلِمْتُ سَبَبَ بَعْضِهِ؛ وَهُوَ حَمَلُكَ لِلزَّادِ طَلَباً لِلثَّوَابِ، أَمَا طَوَأْفَكَ بِالْبَيْتِ عَلَى يَدَيْكَ وَرِجْلَيْكَ وَالْبَعْبَعَةُ فَمَا أَدْرَى سَبَبَ ذَلِكَ!

فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا قَنْبَرُ، إِنِّي دَخَلْتُ عَلَى هَؤُلَاءِ الْأَطْفَالِ وَهُمْ يَبْكُونَ مِنْ شِدَّةِ الْجُوعِ، فَأَحْبَبْتُ أَنْ أَخْرِجَ عَنْهُمْ وَهُمْ يَضْحَكُونَ مَعَ الشُّبْعِ، فَلَمْ أَجِدْ سَبَباً سِوَى مَا فَعَلْتُ. (1)

ص: 236

با او بود. سپس، زنبیلی خرما و کیسه ای آرد و مقداری پیه، برنج و نان برداشت و بردوش خود نهاد. قنبر خواست آن را بر دوش کشد که ایشان، نگذاشت.

وقتی به خانه زن رسید، اجازه ورود خواست. زن، اجازه ورود داد. سپس مقداری برنج با مقداری پیه در دیگ ریخت. وقتی که از پختن آن فارغ شد، آن را در اختیار کودکان گذاشت و از آنها خواست که بخورند.

وقتی سیر شدند، شروع کرد به چرخیدن دور اتاق و صدای «بع بع» در آوردن، و آنها می خندیدند.

وقتی از خانه بیرون آمد، قنبر به وی گفت: سرورم! امشب، چیزهایی شگفت دیدم. علت برخی را دانستم که بر دوش کشیدن توشه برای کسب ثواب باشد؛ اما علت دور خانه بر دست و پا چرخیدن و صدای «بع بع» در آوردن را ندانستم!

فرمود: «ای قنبر! من در حالی نزد این کودکان، رفتم که از شدت گرسنگی، گریه می کردند. دوست داشتم از نزد آنان خارج شوم، در حالی که با شکم سیر می خندند و راهی [برای خنداندن کودکان] جز آنچه انجام دادم، نیافتم».

389. الكافي عن أبي الصباح: سألتُ أبا عبد الله عليه السلام عن الذَّهَبِ يُحَلَّى بِهِ الصَّبِيَانُ،

فَقَالَ: كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُحَلِّي وُلْدَهُ وَنِسَاءَهُ بِالذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ. (1)

390. الكافي عن الحسين بن خالد: سألتُ أبا الحسن الرضا عليه السلام عن التَّهْنِئَةِ بِالْوَلَدِ مَتَى؟ فَقَالَ: إِنَّهُ قَالَ: لَمَّا وُلِدَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَبَّ طَبَّاطِبُ جَبْرِئِيلُ بِالتَّهْنِئَةِ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْيَوْمِ السَّابِعِ، وَأَمْرُهُ أَنْ يُسَمِّيَهُ وَيُكْنِيَهُ وَيَحْلِقَ رَأْسَهُ وَيَعْتَقَ عَنْهُ وَيَتَّقَبَ أُذُنَهُ، وَكَذَلِكَ كَانَ حِينَ وُلِدَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، أَتَاهُ فِي الْيَوْمِ السَّابِعِ فَأَمْرُهُ بِمِثْلِ ذَلِكَ. قَالَ: وَكَانَ لهُمَا ذَوَابَتَانِ فِي الْقَرْنِ الْأَيْسَرِ، وَكَانَ الثَّقَبُ فِي الْأُذُنِ الْيُمْنَى فِي شَحْمَةِ الْأُذُنِ، وَفِي الْيُسْرَى فِي أَعْلَى الْأُذُنِ، فَالْقُرْطُ فِي الْيُمْنَى وَالشَّنْفُ (2) فِي الْيُسْرَى. (3)

ص: 238

1- الكافي: ج 6 ص 475 ح 1، [1] مكارم الأخلاق: ج 1 ص 197 ح 585 [2] عن داوود بن سرحان وفيه «أبي» بدل «علي بن الحسين».

2- الشَّنْفُ: من حُلِّي الأذن (مجمع البحرين: ج 2 ص 980 «شنف»).

3- الكافي: ج 6 ص 33 ح 6، [3] تهذيب الأحكام: ج 7 ص 444 ح 1776 وفيه «أبا عبد الله» بدل «أبا الحسن الرضا».

389. الکافی - به نقل از ابو صباح - از امام صادق علیه السلام درباره آراستن کودکان با زیور طلا پرسیدم.

فرمود: «امام زین العابدین علیه السلام همواره فرزندان و همسرانش را با طلا و نقره می آراست.»

390. الکافی - به نقل از حسین بن خالد - از امام رضا علیه السلام هنگام تبریک گفتن برای فرزند را پرسیدم. فرمود: «وقتی حسن بن علی علیهما السلام متولد شد، جبرئیل علیه السلام روز هفتم برای تبریک گفتن بر پیامبر صلی الله علیه و آله فرود آمد و به ایشان فرمان داد که نام و کنیه بر او بگذارد و سرش را تراشد و برای او عقیقه کند و گوشش را سوراخ نماید. همین گونه بود، هنگامی که حسین علیه السلام متولد شد. روز هفتم، نزد ایشان آمد و به همان شکل، فرمان داد. آنان، دو گیسو سمت چپ داشتند؛ سوراخ گوش راست در نرمه گوش بود و سوراخ گوش چپ در بالای آن. پس قُرط در گوش راست بود و شَنَف در گوش چپ (1).

ص: 239

---

1 - گوشواره سمت راست را قُرط و گوشواره سمت چپ را شَنَف می گویند (مجمع البحرین: ج 2 ص 980 «شَنَف»).

391. رسول الله صلى الله عليه وآله: عَرَامَةُ (1) الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ زِيَادَةٌ فِي عَقْلِهِ فِي كِبَرِهِ. (2)

392. الكافي عن صالح بن عقبه: سَمِعْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الصَّبِيِّ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ، ثُمَّ قَالَ: مَا يَنْبَغِي أَنْ يَكُونَ إِلَّا هَكَذَا.

وَرُوِيَ أَنَّ أَكْبَسَ الصَّبِيَّانِ أَشَدَّهُمْ بُغْضًا لِلْكِتَابِ (3). (4)

3/5: رُخْصَةُ اللَّعِبِ لِلصَّبِيِّ

393. الإمام الصادق عليه السلام: دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَيُؤَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَأَلْزِمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ، فَإِنْ أَفْلَحَ، وَإِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ. (5)

394. الإمام زين العابدين عليه السلام: قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِمَا [لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ]: قُومَا الْآنَ فَاصْطَرِعَا، فَقَامَا لِيَصْطَرِعَا، وَقَدْ خَرَجَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ فِي بَعْضِ حَاجَتِهَا، فَدَخَلَتْ

ص: 240

1- العُرام: الشدة والقوة والشراسة (النهاية: ج 3 ص 223 «عرم»).

2- كنز العمّال: ج 11 ص 91 ح 30747 نقلاً عن الحكيم عن عمرو بن معديكوب وأبي موسى المديني في أماليه عن أنس. در برخی مصادر «غرامه الصبي یا غرامه الغلام» ثبت شده که اشتباه به نظر می رسد در کتب لغت مثل جوهری واژه ای به عنوان «غرامه الصبی» شناخته شده است به خلاف غرامه الصبی وانگهی معنای غرامه الصبی با توضیح و واسطه خوردن باید توجیه شود بدین صورت که اگر کودک به گونه ای باشد که خسارت زند و خسارت کارهایش بر عهده پدرش افتد در بزرگی حلیم می گردد! ولی در ضبط غرامه نیازی به توجیه نیست چون مستقیماً درباره خود کودک است نه ولی کودک به نظر می رسد تصحیف صورت گرفته است.

3- الكُتَّابُ: الجمع الكتاتیب، موضع التعليم (لسان العرب: ج 1 ص 699 «[1] کتب»).

4- الكافي: ج 6 ص 51 ح 2 و 3، كتاب من لا يحضره الفقيه: [2] ج 3 ص 493 ح 4748 وليس فيه ذيله من: «ثم قال: ما ينبغي».

5- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 492 ح 4743، مكارم الأخلاق: ج 1 ص 477 ح 1647. [3]



391. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بازی گوشه (شیطنت) بچه در کودکی، مایه فزونی خرد او در بزرگ سالی است.

392. الکافی - به نقل از صالح بن عقبه - از عبد صالح (امام کاظم علیه السلام) شنیدم که فرمود:

«خوب است بچه در کودکی بازی گوشه باشد تا در بزرگ سالی بردبار گردد».

سپس فرمود: «شایسته نیست که جز این باشد» روایت شده که با هوش ترین کودکان، بیش از همه با مکتب خانه دشمن است.

393. امام صادق علیه السلام: فرزندت را رها کن تا هفت سال بازی کند و هفت سال [دوم]، او را تربیت کن و هفت سال [سوم]، او را با خودت همراه کن. اگر رستگار شد، چه خوب؛ در غیر این صورت، از کسانی است که هیچ خیری در آنها نیست.

394. امام زین العابدین علیه السلام: پیامبر صلی الله علیه و آله به آن دو (امام حسن و امام حسین علیهما السلام) فرمود: «هم اکنون، برخیزید و کشتی بگیرید». آن دو از جای برخاستند تا کشتی بگیرند. فاطمه علیها السلام که برای کاری [از خانه] خارج شده بود، وارد شد و شنید که پیامبر صلی الله علیه و آله می گوید:

«دوباره، ای حسن! حسین را محکم بگیر و به زمین بزن». [از این رو] به پدر گفت:

شگفتا ای پدر! این را بر آن دیگری تحریک می کنی؟ آیا بزرگ تر را بر کوچک تر تحریک می کنی؟!

فَسَمِعَتِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَقُولُ: إِيه (1) يَا حَسَنُ! شُدَّ عَلَى الْحُسَيْنِ فَاصْرَعُهُ.

فَقَالَتْ لَهُ: يَا أَبَه، وَاَعَجَبَا! أَتَشْجَعُ هَذَا عَلَى هَذَا، أَتَشْجَعُ الْكَبِيرَ عَلَى الصَّغِيرِ؟!

فَقَالَ لَهَا: يَا بُنَيَّةُ، أَمَا تَرْضَيْنَ أَنْ أَقُولَ أَنَا: يَا حَسَنُ، شُدَّ عَلَى الْحُسَيْنِ فَاصْرَعُهُ، وَهَذَا حَبِيبِي جَبْرَائِيلُ يَقُولُ: يَا حُسَيْنُ، شُدَّ عَلَى الْحَسَنِ فَاصْرَعُهُ؟  
(2)

395. المعجم الكبير عن أبي أيوب الأنصاري: دَخَلْتُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَلْعَبَانِ بَيْنَ يَدَيْهِ وَفِي حِجْرِهِ، فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَتُحِبُّهُمَا؟ قَالَ: وَكَيْفَ لَا أُحِبُّهُمَا وَهُمَا رِيحَانَتَايَ مِنَ الدُّنْيَا أَشْمُهُمَا! (3)

396. المعجم الكبير عن أبي سعيد: جَاءَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَرَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي، فَالتَزَّمَ عُنُقَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَقَامَ بِهِ وَأَخَذَ بِيَدِهِ، فَلَمْ يَزَلْ مُمَسِّكًا حَتَّى رَكَعَ. (4)

397. شرح الأخبار عن جعفر بن فروى بإسناده: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ جَالِسًا مَعَ أَصْحَابِهِ، إِذْ أُقْبِلَ إِلَيْهِ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ وَهُمَا صَدَّغِيرَانِ، فَجَعَلَا يَنْزَوَانِ (5) عَلَيْهِ، فَمَرَّةً يَضَعُ لَهُمَا رَأْسَهُ، وَمَرَّةً يَأْخُذُهُمَا إِلَيْهِ، فَقَبَّلَهُمَا، وَرَجُلٌ مِنْ جُلَسَائِهِ يَنْظُرُ إِلَيْهِمَا كَالْمُتَعَجِّبِ مِنَ ذَلِكَ، ثُمَّ قَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا أَعْلَمُ أَنِّي قَبَّلْتُ وَلَدًا إِلَّا إِلَى قَطُّ!

فَغَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى التَمَعَ لَوْنُهُ، فَقَالَ لِلرَّجُلِ: إِنْ كَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ نَزَعَ الرَّحْمَةَ مِنْ قَلْبِكَ فَمَا أَصْنَعُ بِكَ؟ مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَيُعَزِّزْ كَبِيرَنَا فَلَيْسَ مِنَّا. (6)

ص: 242

1- إيه: هذه كلمة يراد بها الاستزاده (النهاية: ج 1 ص 87 «إيه»).

2- الأمالى للصدوق: ص 530 ح 717 [1] عن زيد الشحام عن الإمام الصادق عن أبيه عليهما السلام، بحار الأنوار: ج 43 ص 268 ح 25. [2]

3- المعجم الكبير: ج 4 ص 156 ح 3990، كنز العمال: ج 13 ص 671 ح 37712 نقلاً عن أبي نعيم عن سعد بن مالك.

4- المعجم الكبير: ج 3 ص 51 ح 2657، تاريخ دمشق: ج 14 ص 162.

5- نَزَا: وَثَبَ (القاموس المحيط: ج 4 ص 395 «نزا»).

6- شرح الأخبار: ج 3 ص 115 ح 1060.

پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: «دختر عزیزم! آیا خشنود نیستی از این که من بگویم: "ای حسن! حسین را محکم بگیر و به زمین بزن؛ در حالی که دوست من جبرئیل می گوید: "ای حسین! حسن را محکم بگیر و بر زمین بزن؟"».

395. المعجم الكبير - به نقل از ابو ایوب انصاری - نزد پیامبر خدا رفتیم، در حالی که حسن و حسین علیهما السلام نزد ایشان و در آغوش ایشان، بازی می کردند. گفتم: ای پیامبر خدا! آیا آنها را دوست می داری؟

فرمود: «چگونه دوستشان نداشته باشم، حال آن که آنها دو دسته گل من از دنیایند که می بویمشان؟».

396. المعجم الكبير - به نقل از ابوسعید - در حالی که پیامبر خدا نماز می خواند، حسین علیه السلام آمد و گردن پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفت. ایشان با او برخاست و دست او را گرفت و همچنان او را نگه داشت تا به رکوع رفت.

397. شرح الأخبار - به نقل از جعفر بن فروی، با اسنادش - پیامبر خدا با یارانش نشسته بود که حسن و حسین علیهما السلام که خردسال بودند، به سوی ایشان رفتند و از سر و دوش ایشان بالا می رفتند. گاهی سرشان را برای آنان، پایین می آورد و گاهی، آنان را می گرفت و می بوسید. در این حال، یکی از همنشینان ایشان با شگفتی، به این رفتار نگاه می کرد و گفت: ای پیامبر خدا! به یاد نمی آورم هیچ گاه فرزندی را گرفته و بوسیده باشم.

پیامبر خدا خشمگین شد تا جایی که رنگش برگشت. پس به آن مرد فرمود: «اگر خداوند عز و جل مهربانی را از قلب تو گرفته است، من با تو چه کنم؟ کسی که به کودکان ما مهر نورزد و بزرگان ما را گرامی ندارد، از ما نیست».

398. سنن النسائي عن عبد الله بن شداد عن أبيه: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي إِحْدَى صَلَاتِي الْعِشَاءِ وَهُوَ حَامِلٌ حَسَنًا أَوْ حُسَيْنًا، فَتَقَدَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَوَضَّعَهُ، ثُمَّ كَبَّرَ لِلصَّلَاةِ فَصَلَّى، فَسَجَدَ بَيْنَ ظَهْرَانِي صَلَاتِهِ سَجْدَةً أَطَالَهَا، قَالَ أَبِي: رَفَعْتُ رَأْسِي وَإِذَا الصَّبِيُّ عَلَى ظَهْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ سَاجِدٌ، فَرَجَعْتُ إِلَى سُجُودِي. فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصَّلَاةَ، قَالَ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، إِنَّكَ سَجَدْتَ بَيْنَ ظَهْرَانِي صَلَاتِكَ سَجْدَةً أَطَلَّتْهَا حَتَّى ظَنَنَّا قَدْ أَنَّهُ حَدَّثَ أَمْرًا أَوْ أَنَّهُ يُوحَى إِلَيْكَ.

قال: كُلُّ ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ، وَلَكِنَّ ابْنِي ارْتَحَلَنِي فَكَرِهْتُ أَنْ أَعْجِلَهُ حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتَهُ. (1)

399. المناقب لابن شهر آشوب عن الليث بن سعد: أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يُصَلِّي يَوْمًا فِيهِ وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَغِيرٌ بِالْقُرْبِ مِنْهُ، وَكَانَ النَّبِيُّ إِذَا سَجَدَ جَاءَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَكَبَ ظَهْرَهُ ثُمَّ حَرَّكَ رِجْلَيْهِ، وَقَالَ: حِلِّ حِلِّ.

وإذا أراد رسول الله أن يرفع رأسه أخذته فوضعه على جانبه، فإذا سجد عاد على ظهره، وقال: حِلِّ حِلِّ، فلم يزل يفعل ذلك حتى فرغ النبي من صلاته.

فَقَالَ يَهُودِيٌّ: يَا مُحَمَّدُ، إِنَّكُمْ لَتَفْعَلُونَ بِالصَّبِيَّانِ شَيْئًا مَا نَفَعَلُهُ نَحْنُ!

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَمَا لَوْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ لَرَحِمْتُمُ الصَّبِيَّانَ.

قال: فَإِنِّي أَوْ مِنْ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ. فَاسْلَمَ لَمَّا رَأَى كَرَمَهُ مِنْ (2) عَظَمِ قَدْرِهِ. (3)

400. المستدرک علی الصحیحین عن یعلی العامری: أَنَّهُ خَرَجَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى طَعَامٍ

ص: 244

1- سنن النسائي: ج 2 ص 229، مسند ابن حنبل: ج 10 ص 453 ح 427718، [1] المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 726 ح 6631.

2- فی شرح الأخبار و بحار الأنوار: «مع» بدل «من».

3- المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 71، [2] شرح الأخبار: ج 3 ص 86 ح 1013، بحار الأنوار: ج 43 ص 296 ح 57. [3]

398. سنن النسائی - به نقل از عبد الله بن شداد، از پدرش - هنگام یکی از دو نماز [مغرب و] عشا، پیامبر خدا در حالی نزد ما آمد که حسن یا حسین علیهما السلام را در بغل داشت.

پیامبر خدا، آمد و او را زمین گذاشت. سپس، تکبیر نماز را گفت و نماز را شروع نمود. در میان نماز، سجده ای طولانی کرد. پدرم گفت: سرم را برداشتم، کودک را بر پشت پیامبر خدا دیدم، در حالی که ایشان در سجده بود. پس به سجده باز گشتم.

وقتی پیامبر خدا، نماز را به پایان بُرد، مردم گفتند: ای پیامبر خدا! در میان نماز سجده ای طولانی داشتی، به گونه ای که گمان کردیم اتّفاقی افتاده و یا به شما وحی شده است.

فرمود: «هیچ کدام نبود؛ ولی پسر من سوار شد و خوش نداشتم که او را به شتاب، پایین آورم، تا این که نیازش را برآورده کند.

399. المناقب، ابن شهر آشوب - به نقل از لیث بن سعد - روزی پیامبر صلی الله علیه و آله با گروهی نماز می خواند و حسین علیه السلام که خردسال بود، در کنار ایشان قرار داشت. هرگاه پیامبر خدا به سجده می رفت، حسین علیه السلام می آمد و بر دوش ایشان، سوار می شد. سپس، پاهایش را تکان می داد و می گفت: هِیْ، هِیْ!

وقتی پیامبر خدا می خواست سر بردارد، او را می گرفت و کنار خود می گذاشت و همین که [دوباره] به سجده می رفت، [حسین علیه السلام] بر پشت پیامبر صلی الله علیه و آله بر می گشت و می گفت: هِیْ، هِیْ! این کار را همچنان ادامه داد تا این که پیامبر خدا، از نماز فارغ شد.

در این هنگام، یک یهودی گفت: ای محمّد! شما با فرزندان خود به گونه ای عمل می کنید که ما نمی کنیم.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بدان، اگر به خدا و پیامبرش ایمان می آوردید، حتماً با کودکان، مهربان می شدید».

یهودی گفت: من به خدا و پیامبر او ایمان می آورم. او مسلمان شد، چون با همه عظمت مقام پیامبر صلی الله علیه و آله، کرامت ایشان را مشاهده کرد.

400. المستدرک علی الصحیحین - به نقل از یعلی عامری - او (یعلی) همراه پیامبر خدا

دُعُوا لَهُ، قَالَ: فَاسْتَقْبَلَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَامَ الْقَوْمِ وَحُسَيْنٌ مَعَ الْغُلَمَانِ يَلْعَبُ، فَأَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ يَأْخُذَهُ، فَطَفِقَ (1) الصَّبِيُّ يَمُرُّ هَاهُنَا مَرَّةً وَهَاهُنَا مَرَّةً، فَجَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُضَاحِكُهُ حَتَّى أَخَذَهُ.

قَالَ: فَوَضَعَ إِحْدَى يَدَيْهِ تَحْتَ قَفَاهُ، وَالْأُخْرَى تَحْتَ ذَقَبِهِ، فَوَضَعَ فَاةَ عَلِيٍّ فِيهِ يُقَبِّلُهُ.

فَقَالَ: حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سِبْطٌ (2) مِنَ الْأَسْبَاطِ. (3)

401. المناقب لابن شهر آشوب عن عبد الله بن شيبه عن أبيه: أَنَّهُ دُعِيَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى صَلَاةٍ وَالْحَسَنُ مُتَعَلِّقٌ بِهِ، فَوَضَعَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُقَابِلَ جَنْبِهِ وَصَلَّى، فَلَمَّا سَجَدَ أَطَالَ السُّجُودَ، فَرَفَعَتْ رَأْسِي مِنْ بَيْنِ الْقَوْمِ فَإِذَا الْحَسَنُ عَلَى كَتِفِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَلَمَّا سَلَّمَ قَالَ لَهُ الْقَوْمُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَقَدْ سَجَدْتَ فِي صَلَاتِكَ هَذِهِ سَجْدَةً مَا كُنْتُ تَسْجُدُهَا، كَأَنَّمَا يُوحَى إِلَيْكَ!

فَقَالَ [صلى الله عليه وآله]: لَمْ يُوحَ إِلَيَّ، وَلَكِنَّ ابْنِي كَانَ عَلَيَّ كَتِفِي فَكَرِهْتُ أَنْ أَعْجِلَهُ حَتَّى نَزَلَ.

وفى روايه عبد الله بن شداد أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: إِنَّ ابْنِي هَذَا ارْتَحَلَنِي فَكَرِهْتُ أَنْ أَعْجِلَهُ حَتَّى يَقْضِيَ حَاجَتَهُ. (4)

ص: 246

1- طَفِقَ يَفْعَلُ كَذَا: جَعَلَ يَفْعَلُ وَأَخَذَ (لسان العرب: ج 10 ص 225 «[1] طفق»).

2- إِنَّ مِصْطَلَحَ «سِبْطٌ» فِي لُغَةِ الْقُرْآنِ وَالْحَدِيثِ تَشِيرُ إِلَى الْوَصَايَةِ وَالْخُلَافَةِ، وَيَحْتَمِلُ قَوِيًّا أَنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَرِيدُ بِهَذَا أَنْ يَبَيِّنَ لِلْأُمَّهَاتِ خُلَفَاءَهُ مِنْ بَعْدِهِ.

3- المستدرک علی الصحیحین: ج 3 ص 194 ح 4820، مسند ابن حنبل: ج 6 ص 177 ح 17572، [2] الأدب المفرد: ص 116 ح 364. [3]

4- المناقب لابن شهر آشوب: ج 4 ص 24، [4] بحار الأنوار: ج 43 ص 294. [5]

به سوی محلّ میهمانی ای که دعوت شده بودند، حرکت کرد. پیامبر خدا، جلوی گروه حرکت می کرد و حسین علیه السلام با پسرهای بازی می کرد. پیامبر خدا خواست او را بگیرد؛ ولی کودک، گاهی به این سو فرار می کرد و گاهی به آن سو. پیامبر خدا، او را می خنداند تا این که او را گرفت.

یکی از دستانش را زیر گردن او گذاشت و دست دیگر را زیر چانه او و دهانش را بر دهان او گذاشت و او را می بوسید.

پس فرمود: «حسین، از من است و من، از حسینم. خداوند، کسی که حسین را دوست می دارد، دوست دارد. حسین سبطی (1) از اسباط است.

401. المناقب، ابن شهر آشوب- به نقل از عبد الله بن شیبه، از پدرش-: پیامبر صلی الله علیه و آله به نمازی فرا خوانده شد و حسن علیه السلام در آغوش ایشان بود. پیامبر صلی الله علیه و آله او را مقابل خود بر زمین گذاشت و نماز خواند. وقتی به سجده رفت، سجده را طولانی کرد. از میان مردم، من سرم را بلند کردم. در آن هنگام، حسن علیه السلام روی شانه پیامبر خدا بود. وقتی سلام نماز را داد، مردم به ایشان گفتند: ای پیامبر خدا! در نمازت سجده ای به جای آوردی که معمولاً این گونه سجده نمی کردی گویا به شما وحی می شد.

فرمود: «به من وحی نشد؛ لیکن فرزندانم بر شانه من بود و من، خوش نداشتم او را به شتاب بیندازم تا این که خودش پایین بیاید».

و در روایت عبد الله بن شداد آمده است که: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزندم بر دوش من سوار شد و خوش نداشتم او را به شتاب بیندازم تا این که نیازش را برآورده کند».

ص: 247

---

1- در متن حدیث، واژه سبط (نواده) آمده که در فرهنگ قرآن و حدیث، اشاره به وصایت و جانشینی دارد و به احتمال فراوان، پیامبر خدا می خواسته تا مردم را به جانشینان پس از خود، هدایت کند.

402. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ عِنْدَهُ صَبِيٌّ فَلْيَتَّصَبْ لَهُ. (1)

403. الإمام عليّ عليه السلام: مَنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ صَبًا. (2)

404. كنز العمال عن أنس: كَانَ [رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ] يُلَاعِبُ زَيْنَبَ (3) بِنْتَ أُمِّ سَلَمَةَ وَيَقُولُ:

يَا زُوَيْنَبُ، يَا زُوَيْنَبُ مِرَارًا. (4)

405. سنن ابن ماجه عن سعيد بن أبي راشد: أَنَّ يَعْلَى بْنَ مَرْثَةَ حَدَّثَهُمْ أَنَّهُمْ خَرَجُوا مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى طَعَامٍ دُعُوا لَهُ، فَإِذَا حُسَيْنٌ يَلْعَبُ فِي السَّكَّةِ (5)، قَالَ: فَتَقَدَّمَ دَمُ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمَامَ الْقَوْمِ وَبَسَطَ يَدَيْهِ، فَجَعَلَ الْغُلَامُ يَقْرَأُ هَاهُنَا وَهَاهُنَا، وَيُضَاحِكُهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى أَخَذَهُ، فَجَعَلَ إِحْدَى يَدَيْهِ تَحْتَ ذَقْنِهِ، وَالْأُخْرَى فِي فَأْسٍ (6) رَأْسِهِ، فَقَبَّلَهُ وَقَالَ: حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا، حُسَيْنٌ سَبِطٌ مِنَ الْأَسْبَاطِ. (7)

406. صحيح ابن حبان عن أبي هريره: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَدْلَعُ (8) لِسَانَهُ لِلْحُسَيْنِ، فَيَرَى الصَّبِيَّ حُمْرَةَ لِسَانِهِ، فَيَهْشُ (9) إِلَيْهِ. فَقَالَ لَهُ عُيَيْنَةُ بْنُ بَدْرٍ: أَلَا أَرَاهُ يَصْنَعُ هَذَا بِهَذَا، فَوَاللَّهِ إِنَّهُ لَيَكُونُ لِي الْوَلَدُ قَدْ خَرَجَ وَجْهُهُ وَمَا قَبَّلْتُهُ قَطُّ!

ص: 248

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 3 ص 483 ح 4707، عوالي اللآلي: ج 3 ص 311 ح 141. [1]

2- .الكافي: ج 6 ص 50 ح 4 [2] عن الأصبع بن نباته.

3- .ربييته.

4- .كنز العمال: ج 7 ص 140 ح 18403 نقلاً عن كتاب الضياء.

5- .السكّة: الطريقة المصطفّية من النخل، ومنها قيل للأزقة سكك لاصطفاف الدور فيها (النهاية: ج 2 ص 384 «[3]سكك»).

6- .فأس رأسه: هي طرف مؤخره المشرف على القفا (النهاية: ج 3 ص 405 «[4]فأس»).

7- .سنن ابن ماجه: ج 1 ص 51 ح 144، المعجم الكبير: ج 22 ص 274 ح 702.

8- .يدلّع لسانه: أى يُخرجه (النهاية: ج 2 ص 130 «[5]دلّع»).

9- .هشّ: تبسّم وارتاح (المصباح المنير: ص 638 «هشى»).



402. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نزد هر کس کودکی هست، باید با او کودکی کند. (1)

403. امام علی علیه السلام: هر کس فرزندی دارد، باید کودکی کند.

404. کنز العمال - به نقل از انس - پیامبر خدا با [دختر خوانده اش] زینب دختر ام سلمه بازی می کرد و پی در پی می فرمود: «ای زینب کوچولو، ای زینب کوچولو!».

405. سنن ابن ماجه - به نقل از سعید بن ابی راشد - یعلی بن مرّه، این حدیث را نقل کرد که همراه پیامبر خدا به سوی میهمانی ای که دعوت شده بودند، حرکت کردند که دیدند حسین علیه السلام در کوچه ای بازی می کند.

پیامبر صلی الله علیه و آله جلوی آن گروه آمد و دستان خود را باز کرد؛ ولی حسین علیه السلام به این سو و آن سو فرار می کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله او را می خندانند تا او را گرفت. یکی از دستان خود را زیر چانه او قرار داد و دیگری را پشت سرش و او را بوسید و می فرمود: «حسین، از من است و من، از حسینم. کسی که حسین را دوست بدارد، خداوند دوستش می دارد. حسین، سبب طایفه است».

406. صحیح ابن حبان - به نقل از ابوهریره - پیامبر خدا، زبانش را برای حسین علیه السلام بیرون می آورد و کودک، سرخی زبان را می دید و می خندید. عیینه بن بدر به ایشان گفت:

چه می بینیم؟ او با این [کودک] چنین می کند؟! من فرزندی دارم که صورتش ریش

ص: 249

---

1- چون که با کودک سروکارت فتاد پس زبان کودکی باید گشاد. (مولوی)

فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ. (1)

407. المناقب لابن شهر آشوب عن ابن مهاده عن أبيه: [أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَرَكَ لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ فَحَمَلَهُمَا وَخَالَفَ بَيْنَ أَيْدِيهِمَا وَأَرْجُلِهِمَا، وَقَالَ: نِعَمَ الْجَمَلُ جَمَلُكُما. (2)

408. فضائل الصحابة عن أبي هريره: رَأَيْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَدْ أَخَذَ بِيَدَيِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَقَدْ وَضَعَ قَدَمَ الْحُسَيْنِ عَلَى ظَهْرِ قَدَمِيهِ، وَهُوَ يَقُولُ: تَرَقَّى عَيْنَ بَقَّةٍ (3)، تَرَقَّى عَيْنَ بَقَّةٍ. (4)

409. كفايه الأثر عن أبي هريره: كُنْتُ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَبُو بَكْرٍ وَعُمَرُ وَالْفَضْلُ بْنُ الْعَبَّاسِ وَزَيْدُ بْنُ حَارِثَةَ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ، إِذْ دَخَلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَأَخَذَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَبَّلَهُ، ثُمَّ قَالَ: حَبِيبَهُ (5) حَبِيبَهُ، (6) تَرَقَّى عَيْنَ بَقَّةٍ (7)، وَوَضَعَ فَمَهُ عَلَى فَمِي، ثُمَّ قَالَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَحِبُّهُ فَأَحِبَّهُ، وَأَحِبَّ مَنْ يُحِبُّهُ. (8)

5/5: رَبِيعُ الصَّبِيانِ

410. رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ التُّرَابَ رَبِيعُ الصَّبِيانِ. (9)

ص: 250

- 1- صحيح ابن حبان: ج 15 ص 431 ح 6975، موارد الظمان: ص 553 ح 2236 وفيه «للحسن» بدل «للحسين».
- 2- المناقب لابن شهر آشوب: ج 3 ص 387، [1] بحار الأنوار: ج 43 ص 285 ح 50. [2]
- 3- تَرَقَّى عَيْنَ بَقَّةٍ: أى اعلل، عين بَقَّةٍ؛ شُبَّهَ بِالْبَقَّةِ لِصِغَرِ جُسْتِهِ (تاج العروس: ج 13 ص 44 «[3] بقق»).
- 4- فضائل الصحابة لابن حنبل: ج 2 ص 787 ح 1405، [4] الأدب المفرد: ص 90 ح 270، تاريخ دمشق: ج 13 ص 194 ح 3161 كلاهما نحوه.
- 5- الحَبِيبَةُ: الْقَصِيرُ (تاج العروس: ج 13 ص 66 «حبق»).
- 6- الحَبِيبَةُ- بكسرتين مشددة القاف-: القصير (القاموس المحيط: ج 3 ص 219 «حبق»).
- 7- فى ن م: «خبقه خبقة» بالخاء المعجمة. وبها مش ن: «عذقه عذقه» بالعين. وبها مش ط: «والأصحح: حذقه حذقه» أقول: بل الأصح: «حزقه حُرْقَهُ» بضم الحاء وفتحها وضم الزاء وتشديد القاف المفتوحه (هامش المصدر).
- 8- كفايه الأثر: ص 81، [5] المناقب لابن شهر آشوب: ج 1 ص 148 [6] وفيه «قال صلى الله عليه وآله للحسين عليه السلام: حَبِيبَهُ حَبِيبَهُ تَرَقَّى عَيْنَ بَقَّةٍ فقط.
- 9- المعجم الكبير: ج 6 ص 140 ح 5775 عن سهل بن سعد، كنز العمال: ج 16 ص 458 ح 4543.

در آورده، ولی هیچ گاه او را نبوسیده ام.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که مهربانی نکند، مورد مهربانی قرار نمی گیرد».

407. المناقب، ابن شهر آشوب- به نقل از ابن مهاد، از پدرش-: پیامبر صلی الله علیه و آله برای حسن و حسین علیهما السلام نیم خیز نشست و آنان را سوار کرد و دست ها و پاهایشان را مخالف یکدیگر قرار داد (1) و فرمود: «شترِ شما، شترِ خوبی است».

408. فضائل الصحابه - به نقل از ابو هریره-: پیامبر صلی الله علیه و آله را دیدم که دستان حسین بن علی علیهما السلام را گرفته و پایش را روی پای خود گذاشته است و می فرماید: «بالا بیا، چشم کوچولو؛ بالا بیا، چشم کوچولو!».

409. کفایه الأثر - به نقل از ابو هریره-: من با ابو بکر، عمر، فضل بن عباس، زید بن حارثه و عبد الله بن مسعود، نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که حسین بن علی علیهما السلام وارد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله او را گرفت و بوسید و سپس فرمود: «کوچولو، ای کوچولو! بالا بیا، چشم کوچولو!» و دهان خود را بر دهان او گذاشت و سپس گفت: «بار الها! من او را دوست دارم. پس او را دوست بدار و کسی که او را دوست می دارد، دوست بدار».

## 5/5: تقریحگاه کودکان

### اشاره

410. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: همانا خاک، تقریحگاه کودکان است.

ص: 251

1- این حالت به دو صورت ممکن است: یکی این که آن دو پشت به هم یا رو به رو هم نشسته باشند و دیگری این که هر کدام، یک سمت نشسته باشند؛ یکی از سمت راست و دیگری از سمت چپ.

411. عنه صلى الله عليه وآله: أَحَبُّ الصَّبِيَّانِ لِحَمْسٍ: الْأَوَّلُ: أَنَّهُمْ هُمُ الْبَكَاءُونَ، وَالثَّانِي: يَتَمَرَّغُونَ بِالتُّرَابِ، وَالثَّلَاثُ: يَخْتَصِمُونَ مِنْ غَيْرِ حَقْدٍ، وَالرَّابِعُ: لَا يَدَّخِرُونَ لِعَدِّ شَيْئًا، وَالخَامِسُ: يُعَمَّرُونَ ثُمَّ يُخَرَّبُونَ. (1)

ص: 252

---

1- .المواعظ العددية: ص 259. [1]

411. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کودکان را به خاطر پنج چیز دوست می دارم: اول آن که بسیار می گریند؛ دوم آن که با خاک بازی می کنند؛ سوم آن که بدون کینه دشمنی می کنند؛ چهارم آن که چیزی برای فردا ذخیره نمی کنند؛ پنجم آن که می سازند و سپس، خراب می کنند.

ص: 253

## نقش بازی در رشد کودک

بازی برای کودک، جدی‌ترین موضوع حیات است. واژه بازی برای بزرگ سالان، مساوی با وقت گذرانی، بطالت، غفلت و... است که مانع تکامل و تعالی می‌گردد؛ اما در مورد کودک، بستر رشد و تکامل اوست. دوران بازی کودک، دوران تعطیلی تکامل نیست؛ بلکه دوران شکوفایی استعدادها و از طریق بازی است. از این رو، توصیه شده که به کودکان خود، اجازه بازی بدهید (1) و کودکی که بازی گوش باشد، در بزرگ سالی، خوش فهم و بردبار می‌شود. (2)

حدیث دوم، نشانگر نقش اساسی بازی در رشد و تعالی شخصیتی انسان است.

کودکی که کودکی خود را به وسیله بازی ارضا نکرده باشد، در بزرگ سالی، رفتارهای کودکانه از او سر می‌زند. «کودک صفتی»، از نابه هنجاری‌هایی است که برخی افراد در سنین جوانی و بزرگ سالی به آن مبتلا هستند. یکی از علل این نابه هنجاری ارضا نشدن کودکی در دوران کودکی است و ارضای کودکی به وسیله بازی صورت می‌گیرد.

## ارزش بازی از نظر روان شناسی

### اشاره

هر بازی سالم و باروری که کودک به آن مشغول می‌شود، دارای ارزش‌های بس

ص: 254

---

1- ر. ک: 165 (اجازه بازی دادن به کودک).

2- ص. 241 ( [1] ستایش بازی گوشه کودک).

مهمی است که با کمی تأمل می توان به درستی به نقش و اهمیت آن در رشد روانی و شخصیتی کودک، پی برد.

### **1. ارزش جسمانی**

بازی های توأم با فعالیت در جهت تکامل رشد عضلانی کودک و ورزش دادن قسمت های مختلف بدن، از اهمیت و ارزش بسیاری برخوردار است. این نوع بازی ها برای صرف انرژی اضافی کودک نیز می توانند مفید واقع شوند. انرژی اضافی، اگر از طریق صحیح مصرف نشود و به حالت سرکوب در جسم کودک ذخیره گردد، او را ناآرام، عصبی و بد خلق می کند.

### **2. ارزش درمانی**

بازی، به کودک فرصت می دهد که احساسات خود را تخلیه کند. او می تواند از طریق بازی، انرژی تحت فشار خود را بیرون بریزد. کودک می تواند احساسات خود، از قبیل: ترس، رنجش، نگرانی، شادی و... را آن طور که دوست دارد، در قالب شخصیت های دلخواهش بیان کند و کدورت درونی خویش را نیز از بین ببرد.

### **3. ارزش تربیتی**

شخصیت واقعی کودکان، ضمن بازی شکل می گیرد و دگرگونی های قابل توجهی در روحیات آنان روی می دهد که همه اینها، گذر به مرحله عالی تر رشد است و پیشرفت را برای کودکان، تدارک می بیند. از این جاست که امکانات تربیتی بازی، آشکار و مسلّم می شود.

### **4. ارزش اجتماعی**

کودک، در بازی یاد می گیرد که چه طور با فرد بیگانه و خارج از واحد خانواده، روابط اجتماعی برقرار نماید و چگونه مشکلات و مسائل ناشی از این نوع روابط را حل کند و تطابق اجتماعی را فرا گیرد.

## 5. ارزش آموزشی

کودک، از طریق بازی با انواع مختلف اسباب بازی، موفق به آموزش و شناخت رنگ ها، شکل ها، اندازه ها، اجناس و اشیا و اهمیت آنها می شود. بازی، به کودک کمک می کند تا دنیایی را که در آن زندگی می کند، بشناسد، بفهمد، لمس کند، احساس نماید و سرانجام، آنها را کنترل کرده، میان واقعیت و خیال، تفاوت قائل شود.

## 6. ارزش اخلاقی (معنوی)

در جریان بازی، کودک یاد می گیرد که چه چیز خوب و چه چیز بد است. کودک در می یابد که اگر بخواهد در بازی فرد قابل قبولی به حساب آید، باید صادق، امین، عادل، منضبط، حقیقت طلب، درستکار، مسلط به خود و... باشد.

## تحلیل روان شناختی بازی

### اشاره

نظریه های مختلفی توسط روان شناسان در خصوص تحلیل و تبیین بازی کودکان، ارائه شده است. برخی از این نظریه ها عبارت اند از: نظریه نیروی اضافی، نظریه تنش زدایی، نظریه تجدید تکاملی و نظریه پیش تمرین.

## الف- نظریه نیروی اضافی

بر اساس این نظریه، هرگاه انرژی بدن از حدّ متعادل، بیشتر شود و ارگانیسم (سازواره زیستی)، افزایش انرژی در خود احساس کند، در بازی جلوه گر می شود.

این نظریه، نمی تواند بازی های آرام و رمزآلود کودکان را که به جنب و جوش نیاز ندارد، توجیه نماید. (1)

ص: 256

---

1- این نظریه را به اسپنسر Spencer و شالر Schaller نسبت داده اند.



## ب- نظریه تنش زدایی (رفع خستگی و تجدید نیرو)

بر اساس این نظریه که بازی، نیروی مصرف شده را بار دیگر برمی گرداند، یعنی این که تن آدمی، پس از مدتی کار و فعالیت خسته کننده، به نوعی فعالیت که بتوان به وسیله آن تنش را زدود، یعنی به بازی نیاز دارد. بنا بر این، نیاز به بازی، هنگامی هویدا می شود که نیروی جسم به پایین ترین میزان خود رسیده باشد، نه هنگامی که انرژی اضافی دارد. این نظریه که توسط شالر و موریس لازاروس (1) ارائه شده است نیز، بازی هایی را که پس از استراحت کامل کودک انجام می شوند، تبیین نمی کند.

## ج- نظریه تجدید تکاملی

بر اساس این نظریه که توسط استانلی هال (2) مطرح شده، کودکان در بازی های خود، صحنه ها و فعالیت های نیاکان خویش را که بر حسب نیاز زندگی آنان تولید شده است، تجدید می کنند. برای مثال، کودک در بازی هایی مانند ماهیگیری، قایقرانی، شکار و... فرایند زندگی نیاکان غارنشین خود را تکرار می کند.

## د- نظریه پیش تمرین

### اشاره

بر اساس این نظریه که توسط کارل گروس (3) ارائه شده، بازی، نوعی آمادگی کودک برای فعالیت های وی در آینده دانسته شده است. بر پایه این دیدگاه، محتوای بازی را فعالیت هایی تشکیل می دهد که کودک باید در دوران بلوغ و بزرگ سالی داشته باشد.

هرچند این نظریه به نقش بازی در اجتماعی کردن کودک که در نظریه های پیش گفته نبود، اشاره دارد، ولی باز هم نمی تواند همه بازی های کودکانه (مثل تقلید از

ص: 257

1- .M.Lazarus.

2- .S.Hall.

3- .K.Groos.

## سنّ بازی

مسئله دیگر، سنّ بازی کردن است. در روایات آمده که تا هفت سال به کودک اجازه دهید بازی کند. آیا این به آن معناست که او بعد از این سن، اجازه بازی ندارد؟ در روایت، هفت سال اول، سنّ بازی شمرده شده و هفت سال دوم، سنّ تأدیب. لذا بیشتر بر این تکیه دارد که در هفت سال اول، تأدیب صورت نگیرد. البته شکی نیست که روایت، دلالت بر این دارد که هفت سال اول، اختصاص به بازی دارد و در این سن، کودک باید اجازه بازی داشته باشد. حال سؤال این است که در هفت سال دوم، آیا کلاً بازی ممنوع است و یا انحصار این مقطع در بازی کردن، نهی شده و هر چند تأدیب آغاز می شود؛ اما بازی کردن نیز به تناسب سن و شرایط، آزاد است؟

به نظر می رسد که وجه دوم، مناسب تر باشد؛ یعنی در هفت سال دوم، تأدیب آغاز می شود؛ ولی کودک به تناسب شرایط خود، بازی نیز می کند. البته این بازی کردن، مطلق و بدون حد (همانند هفت سال اول) نیست و به تناسب دوره تأدیب، می تواند محدودیت هایی داشته باشد. این مطلب، می تواند در تحقیقات روان شناختی بیشتر مورد بررسی قرار گیرد.

## بازی والدین با کودک

گذشته از اجازه بازی دادن، بازی والدین با کودک، خود موضوع مهم دیگری است.

از طرفی بازی، رکن مهم حیات کودک است و از طرف دیگر، والدین، جزئی از

ص: 258

---

1- بازی، یک سلسله «پیش تمرین» عمومی است که هدفش برقرار کردن زمینه اعمال سازمان یافته برای آینده کودک است. این نظریه، توسط کارل گروس، ارائه شده است.

2- در تدوین این بحث، از کتاب بازی کودک در اسلام، نوشته حجه الاسلام محمدصادق شجاعی استفاده شده است.

زندگی کودک هستند که برای وی، از جایگاه ویژه ای برخوردارند. به همین جهت، برای کودک خیلی مهم است که پدر و مادرش در دنیای او وارد شوند. این جاست که بازی با کودک، اهمیت می یابد. چون والدین، مهم ترین افراد برای کودک هستند، بازی کردن آنها با کودک، موجب تکریم کودک و بالا رفتن عزت نفس او گشته، احساس خود ارزشمندی و کرامت نفس را برای وی به وجود می آورد. همچنین، رابطه کودک با والدین را تحکیم می کند و در گرم شدن و صمیمی شدن رابطه (که از ضرورت های رابطه مطلوب میان والدین و کودک است)، نقش اساسی دارد.

خرید اسباب بازی های گوناگون، پیشرفته و گران قیمت، موجب احساس رضایت کودک از رابطه اش با والدین نمی شود. او مایل است که والدین، او و دنیای او را درک کنند و همراه او باشند. بر همین اساس، دو مطلب در آموزه های دین وارد شده است: یکی بازی کردن والدین با کودک (که در سیره پیامبر خدا، بسیار دیده می شود) و دیگری این که والدین باید کودکانه با فرزند خود، بازی کنند (التصابی مع الصبی). بازی بزرگانه برای کودک، شیرین و ارضاکننده نیست. بازی های کودکانه، کودک را ارضا می کند و شخصیت وی را می پروراند و مهارت های زندگی را به وی می آموزد. لذا پیامبر خدا با کودکان، بازی کودکانه می کرد. نکته مهم این که بازی کردن بزرگان با کودکان، لهو و لعب نیست؛ بلکه کاری خردمندانه، بزرگ سالانه و حکیمانه است و موجب کسر شأن نمی گردد.

الكتاب

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا».

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءً».

«رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

الحديث

412. رسول الله صلى الله عليه وآله: دُعَاءُ الْوَالِدِ لِلْوَلَدِ كَالْمَاءِ لِلزَّرْعِ بِصَلَاةِ. (1)

413. عنه صلى الله عليه وآله: دُعَاءُ الْوَالِدِ لَوَلَدِهِ مِثْلُ دُعَاءِ النَّبِيِّ لِأُمَّتِهِ. (2)

ص: 260

1- الفردوس: ج 2 ص 213 ح 3038 عن ابن عمر.

2- تاريخ أصبهان: ج 1 ص 226 الرقم 344، [1] الفردوس: ج 2 ص 212 ح 3037 كلاهما عن أنس.

1/6: تشویق به دعا برای فرزندان

قرآن

«وَأَنان که می گویند: پروردگارا! از همسران و نسل ما، نور چشمانی به ما عطا کن و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار ده.».

«پروردگارا! مرا برپادارنده نماز قرار ده، و از فرزندان من نیز- پروردگارا-، و دعای مرا بپذیر.».

«پروردگارا! مرا توفیق ده تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته ای، سپاس گویم و کار شایسته ای انجام دهم که آن را خوش داری، و فرزندانم را برابم شایسته گردان، من به سوی تو باز آمدم، و البته من از فرمان پذیرانم.».

حدیث

412. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعای پدر برای فرزند، همانند آب مفید برای زراعت است.

413. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دعای پدر برای فرزندش، همانند دعای پیامبر برای امتش است.

ص: 261

414. عنه صلى الله عليه وآله: رَحِمَ اللَّهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ؛ وَهُوَ أَنْ يَعْفُوَ عَن سَيِّئَتِهِ، وَيَدْعُوَ لَهُ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ. (1)

2/6: النَّهْيُ عَنِ الدُّعَاءِ عَلَى الْوَالِدِ

415. رسول الله صلى الله عليه وآله: لا تَدْعُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَلَا تَدْعُوا عَلَى أَوْلَادِكُمْ، وَلَا تَدْعُوا عَلَى أَمْوَالِكُمْ. (2)

416. عنه صلى الله عليه وآله: لا تَدْعُوا عَلَى أَوْلَادِكُمْ أَنْ تُوفِّقَ مِنَ اللَّهِ إِيَابَهُ. (3)

417. الإمام الصادق عليه السلام: أَيُّمَا رَجُلٍ دَعَا عَلَى وَلَدِهِ أَوْ رَثَهُ اللَّهُ الْفَقْرَ. (4)

3/6: دُعَاءُ الْإِمَامِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ لِوَلَدِهِ

418. الإمام زين العابدين عليه السلام - من دعائه لولده -: اللَّهُمَّ وَمَنْ عَلَى بَقَاءِ وُلْدِي، وَبِإِصْلَاحِهِمْ لِي، وَبِإِمْتَاعِي بِهِمْ، إِلَهِي أَمُدَّ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ لِي فِي آجَالِهِمْ، وَرَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ، وَقَوِّ لِي صَعِيْفَهُمْ، وَأَصِحِّحْ لِي أَبْدَانَهُمْ وَأَدْيَانَهُمْ وَأَخْلَاقَهُمْ، وَعَافِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَفِي جَوَارِحِهِمْ وَفِي كُلِّ مَا عُنِيْتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَأَدِرِّرْ لِي وَعَلَى يَدَيَّ أَرْزَاقَهُمْ، وَاجْعَلْهُمْ أَبْرَاراً أَتْقِيَاءَ بَصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ، وَلَا وِلْيَاءَ لَكَ مُجَبِّينَ مُنَاصِحِينَ، وَلِجَمِيعِ أَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَمُبْغِضِينَ، آمِينَ.

ص: 262

1- بحار الأنوار: ج 104 ص 98 ح 70 [1] نقلاً عن عدّه الداعي.

2- صحيح مسلم: ج 4 ص 2304 ح 3009، سنن أبي داود: ج 2 ص 88 ح 1532 كلاهما عن جابر بن عبد الله.

3- تاريخ أصبهان: ج 2 ص 296 الرقم 1784 [2] عن عبد الله بن دينار بن عمر.

4- عدّه الداعي: ص 80، [3] بحار الأنوار: ج 104 ص 99 ح 77. [4]

414. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رحمت خدا بر کسی که فرزندش را در نیکو بودنش یاری کند، و آن به این است که از لغزش هایش درگذرد و میان خود و خدا، برای او دعا کند.

### 2/6: نهی از نفرین کردن فرزندان

415. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خودتان را نفرین نکنید، فرزندانتان را نفرین نکنید و دارایی هایتان را نفرین نکنید.

416. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرزندانتان را نفرین نکنید، مبادا با اجابت از جانب خداوند، همراه شود.

417. امام صادق علیه السلام: هر کس فرزندش را نفرین کند، خداوند او را فقیر می گرداند.

### 3/6: دعای امام زین العابدین برای فرزندانش

#### اشاره

418. امام زین العابدین - از جمله دعاهای ایشان برای فرزندانش -: بار خدایا! با بقای فرزندانم و با صالح گردانیدن آنان برای من و با بهره مند شدن من از آنان، بر من ممت گذار. خدای من! عمر آنان را برای من، طولانی گردان و مدت زمان [زندگی] آنان را برای من بیفزا و خردسالشان را برایم پیروز و ناتوانشان را برایم نیرومند گردان و جسم و دین و اخلاق آنان را برایم سالم بدار و آنان را در جان و اعضایشان و در هر آنچه از امور آنان که در نظر دارم، سلامت بدار، برای من و به دست من، روزی آنان را، فراوان گردان و آنان را نیکوکار، پارسا، بینا، شنوا، فرمان بردار خود، دوست خیر خواهِ دوستان خود و دشمنِ خصمگین همه دشمنانت قرار ده. آمین!

ص: 263

اللَّهُمَّ اشْدُدْ بِهِمْ عَضْدِي، وَأَقِمْ بِهِمْ أودى (1)، وَكثُرْ بِهِمْ عَدْدِي، وَزَيِّنْ بِهِمْ مَحْضَرِي، وَأُحِي بِهِمْ ذِكْرِي، وَآكْفِنِي بِهِمْ فِي غَيْبَتِي، وَأَعِنِّي بِهِمْ عَلَى حَاجَتِي، وَاجْعَلْهُمْ لِي مُجِيبِينَ، وَعَلَيَّ حَلِيبِينَ (2) مُقْبِلِينَ مُسْتَقِيمِينَ لِي، مُطِيعِينَ غَيْرَ عَاصِينَ وَلَا عَاقِبِينَ، وَلَا مُخَالَفِينَ وَلَا خَاطِبِينَ، وَأَعِنِّي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَتَأْدِيبِهِمْ وَبِرِّهِمْ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَادًا ذُكُورًا، وَاجْعَلْ ذَلِكَ خَيْرًا لِي، وَاجْعَلْهُمْ لِي عَوْنًا عَلَى مَا سَأَلْتُكَ.

وَأَعِزَّنِي وَذُرِّيَّتِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، فَإِنَّكَ خَلَقْتَنَا وَأَمَرْتَنَا وَنَهَيْتَنَا، وَرَغَبْتَنَا فِي ثَوَابِ مَا أَمَرْتَنَا، وَرَهَبْتَنَا عِقَابَهُ، وَجَعَلْتَ لَنَا عَدُوًّا يَكِيدُنَا، سَدَّ لَمَطَتَهُ مِنَّا عَلَى مَا لَمْ تُسَلِّطْنَا عَلَيْهِ مِنْهُ، أَسَكَنْتَهُ صُدُورَنَا، وَأَجْرَيْتَهُ مَجَارِيَ دِمَائِنَا، لَا يَغْفُلُ إِنْ غَفَلْنَا، وَلَا يَنْسَى إِنْ نَسِينَا، يُؤْمِنُنَا عِقَابَكَ وَيُخَوِّقُنَا بِغَيْرِكَ، إِنْ هَمَمْنَا بِفَاحِشِهِ شَدَّ جَعْنَا عَلَيْهَا، وَإِنْ هَمَمْنَا بِعَمَلٍ صَالِحٍ ثَبَّتْنَا (3) عَنْهُ، يَتَعَرَّضُ لَنَا بِالشَّهَوَاتِ، وَيَنْصِبُ لَنَا بِالشُّبُهَاتِ، إِنْ وَعَدْنَا كَذِبًا، وَإِنْ مَتَّانَا أَخْلَفْنَا، وَإِلَّا تَصْرِفَ عَنَّا كَيْدَهُ يُضِلَّنَا، وَإِلَّا تَقِنَا خَبَالَهُ يَسْتَرِلَّنَا.

اللَّهُمَّ فَاقْهَرِ سُلْطَانَهُ عَنَّا بِسُلْطَانِكَ، حَتَّى تَحْسِبَهُ عَنَّا بِكَثْرَةِ الدُّعَاءِ لَكَ فَنُصِيحَ مِنْ كَيْدِهِ فِي الْمَعْصُومِينَ بِكَ.

اللَّهُمَّ اعْطِنِي كُلَّ سُؤْلِي، وَأَقْضِ لِي حَوَائِجِي، وَلَا تَمْنَعْنِي الْإِجَابَةَ وَقَدْ صَدَّ مَنْتَهَا لِي، وَلَا تَحْجُبْ دُعَائِي عَنْكَ وَقَدْ أَمَرْتَنِي بِهِ، وَآمَنْتُ عَلَى بِكُلِّ مَا يُصْلِحُنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، مَا ذَكَرْتُ مِنْهُ وَمَا نَسَيْتُ، أَوْ أَظْهَرْتُ أَوْ أَخْفَيْتُ، أَوْ أَعْلَنْتُ أَوْ أَسْرَرْتُ، وَاجْعَلْنِي فِي جَمِيعِ ذَلِكَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ بِسُؤَالِي إِيَّاكَ، الْمُنْجِحِينَ بِالطَّلَبِ إِلَيْكَ، غَيْرِ

ص: 264

1- الأود: العوَجُ (النهاية: ج 1 ص 79 «أود»).

2- حَدِبَ فَلَانٌ عَلَى فَلَانٍ: تَعَطَّفَ وَحَنَا عَلَيْهِ (لسان العرب: ج 1 ص 301 «[1] حدب»).

3- ثَبَّتَهُ: قَعَدَ بِهِ عَنِ الْأَمْرِ وَشَغَلَهُ عَنْهُ وَمَنَعَهُ تَخْذِيلًا (المصباح المنير: ص 80 «[2] ثبط»).



بار خدایا! بازویم را به وجودشان نیرومند گردان و نابه سامانی امورم را به وجودشان استوار کن و نفرات مرا با آنان، فراوان نما و محضر مرا به وجودشان آراسته کن و یادم را به وسیله آنان، زنده نگه دار و در نبود من، امورم را به وسیله آنان، کفایت نما و به وسیله آنان، مرا در [برآوردن] نیازهایم یاری فرما. و آنان را دوستدار من بگردان و برای من، دلسوزانی پُر عاطفه، پر توجه، یک رنگ و فرمان بردار قرار ده که نه نافرمان باشند، نه بدکردار، نه مخالف و نه خطاکار.

و مرا در تربیت کردن و ادب آموختن و نیکی کردن به آنان، یاری فرما و با وجود اینان، از نزد خود به من، فرزندانِ پسری عطا کن و این را مایه خیر من قرار ده و آنان را در آنچه از تو خواسته ام، یاورم قرار ده.

و من و خاندانم را از شیطان رانده شده، پناه ده، که همانا تو، ما را آفریدی و امر کردی و نهی نمودی و ما را به پاداش آنچه امر نمودی، تشویق کردی و از مجازاتش ما را بیم دادی و برای ما، دشمنی قرار دادی که با ما نیرنگ می کند. به او تسلطی بر ما دادی که همانند آن، تسلط بر او را به ما ندادی. او را در دل های ما جای دادی و او را در مجرای خون ما روان ساختی. اگر ما غفلت کنیم، او غافل نمی ماند و اگر ما فراموش کنیم، او فراموش نمی کند. او ما را از کیفر تو، ایمن می گرداند و از کسی غیر از تو بیم می دهد. اگر به کار زشتی همت گماریم، ما را بر آن، دلیر می گرداند و اگر به کار شایسته همت کنیم، ما را از آن، باز می ایستاند. شهوت ها را به ما عرضه می کند و شبهات را در برابر ما قرار می دهد. اگر به ما وعده بدهد، دروغ می گوید و اگر ما را [به چیزی] آرزومند کند، خلافتش عمل می کند. اگر نیرنگ او را از ما نگردانی، گم راهمان می سازد و اگر ما را از فساد او ننگه نداری، ما را می لغزاند.

بار خدایا! با چیره مندی ات، چیرگی او را از ما بگردان، به گونه ای که به خاطر فراوانی دعا برای تو، او را از ما باز داری و از کسانی شویم که از نیرنگش ایمن می داری.

بار خدایا! همه خواسته هایم را به من بده و نیازم را برآورد و ساز و اجابت را از من، باز مدار که خود، آن را برآوردی و ضمانت کرده ای و دعایم را از خودت نپوشان که خود، ما را به آن وا داشتی و با [اعطای] هر آنچه دنیا و آخرت مرا اصلاح می کند؛ چه آنچه را یاد کرده ام یا فراموش، آشکار ساخته ام یا پنهان، علنی کرده ام یا پوشیده، بر من منت گذار و در همه

الْمَمْنُوعِينَ بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، الْمُعْوَدِينَ بِالتَّعَوُّدِ بِكَ، الرَّابِحِينَ فِي التَّجَارَةِ عَلَيْكَ، الْمُجَارِينَ بِعِزِّكَ، الْمُوسَعِ عَلَيْهِمُ الرِّزْقَ الْحَلَالَ مِنْ فَضْلِكَ  
الْوَاسِعِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، الْمُعَزَّيْنَ مِنَ الذُّلِّ بِكَ، وَالْمُجَارِينَ مِنَ الظُّلْمِ بِعَدْلِكَ، وَالْمُعَافِينَ مِنَ البَلَاءِ بِرَحْمَتِكَ، وَالْمُغْنِينَ مِنَ الْفَقْرِ  
بِغْنَاكَ، وَالْمَعْصُومِينَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالزَّلَّالِ وَالْخَطَاةِ بِتَقْوَاكَ، وَالْمُوقِّقِينَ لِلْخَيْرِ وَالرُّشْدِ وَالصَّوَابِ بِطَاعَتِكَ، وَالْمُحَالِ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الذُّنُوبِ  
بِقُدْرَتِكَ، التَّارِكِينَ لِكُلِّ مَعْصِيَتِكَ، السَّاكِنِينَ فِي جِوَارِكَ.

اللَّهُمَّ اعْطِنَا جَمِيعَ ذَلِكَ بِتَوْفِيقِكَ وَرَحْمَتِكَ، وَأَعِزَّنَا مِنَ عَذَابِ السَّعِيرِ، وَأَعْطِ جَمِيعَ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ مِثْلَ الَّذِي  
سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي وَلِوَلَدِي فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ، إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ سَمِيعٌ عَلِيمٌ، عَفُوٌّ غَفُورٌ رَوْوْفٌ رَحِيمٌ، وَأَتْنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي  
الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. (1)

ص: 266

اینها به خاطر درخواستم از تو، مرا از [شمار] مصلحان قرار ده و به خاطر عرض نیاز به سوی تو، از کامیابان و به خاطر تکیه بر تو، از منع نشدگان و به خاطر پناه بردن به تو، از پناهندگان [بشمار]، و [همچنین مرا] از سودکنندگان در سودای با تو، از پناه برندگان به عزت تو، از توسعه یافتگان در روزی حلال از فضلت که به خاطر جود و گرم توست، از عزت یافتگان از خواری به وسیله تو و از پناه جویان از ستم به عدل تو، و از زهیدگان از بلا- با رحمت تو و بی نیاز شدگان از فقر با غنای تو، و از ایمن شدگان از گناهان و لغزش ها و خطاها به وسیله [توان] بازداري تو، و از توفیق مندان به خیر و رشد و درستی به خاطر فرمان برداری از تو، و از فاصله افتادگان میان آنان و گناهان با قدرت تو، و ترک کنندگان هرگونه نافرمانی تو، و از ساکنان در کنار خود، قرار ده.

بار خدایا! با توفیق خودت و رحمت خودت، همه اینها را به ما عطا کن و از عذاب دوزخ سوزان، پناهمان ده و به همه مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان اهل ایمان، همانند آنچه را برای خودم و فرزندانم در حال دنیا و آینده آخرت از تو خواستم، عطا کن که تو نزدیک، پاسخگو، شنوا، دانا، بخشایشگر، آمرزنده، مهربان و بخشنده ای، و به ما حسنه ای در دنیا و حسنه ای در آخرت، عطا فرما و ما را از عذاب آتش، باز بدار (1).

ص: 267

---

1- در این قسمت، از ترجمه آقای علیرضا رجالی تهرانی، استفاده شده است.

در کتاب مکارم الأخلاق شیخ طبرسی، نمازی با عنوان «نماز پدر برای فرزند» آمده است که برخی از مراجع تقلید بزرگ معاصر نیز آن را برای اصلاح فرزندان توصیه فرموده اند و از ایشان نقل شده که بهتر است مادر هم این نماز را بخواند.

این نماز، چهار رکعت است: در رکعت اول، یک بار سوره حمد، و ده بار این آیه شریف را بخواند:

«رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرْنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.»

پروردگارا! ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده؛ و از نسل ما، امتی فرمان بردار خود [پدید آور] و آداب دینی ما را به ما نشان ده؛ و بر ما ببخشای، که تویی توبه پذیر مهربان».

در رکعت دوم، یک بار سوره حمد و ده بار آیه شریف:

«رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ \* رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ.»

پروردگارا! مرا بر پا دارنده نماز قرار ده، و از فرزندان من نیز. پروردگارا! و دعای مرا

بپذیر پروردگارا! روزی که حساب برپا می شود، بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای».

در رکعت سوم، یک بار سوره حمد، و ده بار این آیه شریف را بخواند:

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا.»

پروردگارا! به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان».

و در رکعت چهارم، یک بار سوره حمد و ده بار این آیه شریف را بخواند:

«رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ.»

پروردگارا! بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته ای، سپاس گویم و کار شایسته ای انجام دهم که آن را خوش داری، و فرزندانم را برایم شایسته گردان.

در حقیقت، من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان پذیرانم».

آن گاه، پس از سلام رکعت چهارم، ده بار این آیه شریف را بخواند:

«وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا.»

پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان».



**بخش سوم: وظایف کودک**

**الفصل الأول: واجبات الصبي الفرديه**

ص: 271

419.الإمام عليّ عليه السلام -مِنْ وَصِيَّهِ لَهُ لِلْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ لَمَّا ضَرَبَهُ ابْنُ مُلْجَمٍ لَعْنَهُ اللَّهُ:-

أوصيكمما-وجميع وُلدي وأهلي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي -بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ. (1)

2/1:النَّظَافَةُ

420.رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ طَيِّبٌ يُحِبُّ الطَّيِّبَ، نَظِيفٌ يُحِبُّ النَّظَافَةَ. (2)

421.عنه صلى الله عليه وآله: تَنْظِفُوا بِكُلِّ مَا اسْتَطَعْتُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى النَّظَافَةِ. (3)

422.عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ الْإِسْلَامَ نَظِيفٌ فَتَنْظِفُوا؛ فَإِنَّهُ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا نَظِيفٌ. (4)

423.عنه صلى الله عليه وآله: حَقُّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ أَنْ يَغْتَسِلَ فِي كُلِّ سَبْعَةِ أَيَّامٍ يَوْمًا، يَغْسِلُ فِيهِ

ص:272

1- نهج البلاغه: [1]الكتاب 47،روضه الواعظين:ص 152. [2]

2- سنن الترمذى:ج 5 ص 112 ح 2799،مسند أبي يعلى:ج 1 ص 368 ح 786 كلاهما عن سعد بن أبي وقاص.

3- كنز العمال:ج 9 ص 277 ح 26002 نقلاً عن أبي الصعاليك الطرسوسى فى جزئه عن أبى هريره.

4- تاريخ بغداد:ج 5 ص 143 الرقم 2576 [3] عن عائشه.



1/1: نظم در کارها

419. امام علی علیه السلام - از سفارشش به حسن و حسین علیهما السلام هنگامی که ابن ملجم (که نفرین خدا بر او) به ایشان ضربه زد - شما و همه فرزندانم و خانواده ام را و کسی را که نوشته من به او می رسد، به پروا کردن از خداوند و نظم دادن کارها سفارش می کنم.

2/1: پاکیزگی

420. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بی تردید، خداوند، پاک است و پاکان را دوست دارد؛ پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد.

421. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: با هر چه توانستید، خود را پاکیزه کنید؛ چرا که خداوند متعال، اسلام را بر پاکیزگی بنا نهاده است.

422. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اسلام، پاکیزه است. پس پاکیزه باشید؛ چرا که جز شخص پاکیزه وارد بهشت نمی شود.

423. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر هر مسلمانی لازم است که هفته ای یک بار، خود را بشوید و

424. عنه صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْوَسْخَ وَالشَّعْثَ (2). (3)

425. كنز الفوائد عن رسول الله صلى الله عليه وآله: إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الرَّجُلَ الْقَاذِرَةَ. قِيلَ: وَمَا الْقَاذِرَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: الَّذِي يَتَأَفَّفُ (4) بِهِ جَلِيسُهُ. (5)

426. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ اتَّخَذَ ثَوْبًا فَلْيُنْظِفْهُ. (6)

427. عنه صلى الله عليه وآله: اغْسِلُوا ثِيَابَكُمْ... وَتَزَيَّنُوا وَتَنْظِفُوا. (7)

3/1: غَسَلَ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ

428. الإمام عليّ عليه السلام: غَسَلَ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ وَبَعْدَهُ زِيَادَةً فِي الْعُمُرِ... وَيَجْلُو الْبَصَرَ. (8)

4/1: السُّوَاكُ

429. رسول الله صلى الله عليه وآله: اسْتَاكُوا وَتَنْظِفُوا. (9)

ص: 274

- 1- صحيح البخارى: ج 1 ص 305 ح 856، مسند ابن حنبل: ج 3 ص 246 ح 8511 وفيه «حقّ الله» بدل «حقّ» كلاهما عن أبى هريره.
- 2- رَجُلٌ شَعِثٌ: وَسِخُ الْجَسَدِ، شَعِثُ الرَّأْسِ أَيْضًا وَهُوَ أَشْعَثُ: أُغْبِرَ (المصباح المنير: ص 314 «[1] شعث»).
- 3- شعب الإيمان: ج 5 ص 168 ح 6226 [2] عن عائشه، كنز العمال: ج 6 ص 641 ح 17181.
- 4- الأَفُّ: كَلِمَةٌ تَضَجُّرٌ، يُقَالُ ذَلِكَ عِنْدَ اسْتِقْذَارِ الشَّيْءِ (لسان العرب: ج 9 ص 6 «[3] أفف»).
- 5- كنز الفوائد: ج 2 ص 185، [4] بحار الأنوار: ج 80 ص 106. [5]
- 6- الكافي: ج 6 ص 441 ح 3 [6] عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام، قرب الإسناد: ص 70 [7] نحوه.
- 7- تاريخ دمشق: ج 36 ص 124 عن عبد الله بن ميمون القداح عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، كنز العمال: ج 6 ص 640 ح 17175.
- 8- الكافي: ج 6 ص 290 ح 3 [8] عن أبى بصير عن الإمام الصادق عليه السلام.
- 9- المصنّف لابن أبى شيبه: ج 1 ص 197 ح 25 عن سليمان بن سعيد، المعجم الأوسط: ج 7 ص 259 ح 7442 عن سليمان بن صرد.

سرو بدنش را شستشو دهد.

424. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بی تردید، خداوند عز و جل از چرکی و ژولیدگی، نفرت دارد.

425. کنز الفوائد: به نقل از پیامبر خدا فرمود: «بی تردید، خداوند از انسانِ قاذوره نفرت دارد».

پرسیده شد: قاذوره چیست، ای پیامبر خدا؟

فرمود: «کسی که [از ناپاکیزگی و بدبویی،] همشین خود را ناراحت می کند».

426. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که لباسی تهیه می کند، باید آن را پاکیزه نماید.

427. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: لباستان را بشوید... و خودتان را آراسته و پاکیزه گردانید.

### **3/1: شستن دست ها پیش و پس از غذا**

428. امام علی علیه السلام: شستن دست ها پیش از غذا و پس از آن، مایه طول عمر است... و چشم را روشنی می بخشد.

### **4/1: مسواک زدن**

429. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مسواک بزنید و خود را پاکیزه کنید.

ص: 275

430. عنه صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالسَّوَاكِ، فَنِعَمَ الشَّيْءُ السَّوَاكِ. (1)

431. عنه صلى الله عليه وآله: مِنَ الْفِطْرِ الْمَضْمَنَةُ وَالِاسْتِشْقَاقُ وَالسَّوَاكِ. (2)

432. عنه صلى الله عليه وآله: نَظَّفُوا لثَاتِكُمْ مِنَ الطَّعَامِ وَاسْتَاكُوا، وَلَا تَدْخُلُوا عَلَيَّ فُخْرًا (3) بُخْرًا (4). (5)

5/1: غَسَلَ الْيَدَيْنِ قَبْلَ النَّوْمِ

433. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ بَاتَ فِي يَدِهِ غَمْرٌ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. (6)

434. عنه صلى الله عليه وآله: إِذَا نَامَ أَحَدُكُمْ وَفِي يَدِهِ رِيحٌ غَمْرٌ فَلَمْ يَغْسِلْ يَدَهُ فَأَصَابَهُ شَيْءٌ، فَلَا يَلُومَنَّ إِلَّا نَفْسَهُ. (7)

435. عنه صلى الله عليه وآله: أَلَا لَا يَلُومَنَّ امْرُؤٌ إِلَّا نَفْسَهُ، يَبِيتُ وَفِي يَدِهِ رِيحٌ غَمْرٌ. (8)

ص: 276

1- .كنز العمال: ج 9 ص 314 ح 26183، الجامع الصغير: ج 2 ص 169 ح 5531 كلاهما نقلًا عن عبد الجبار الخولاني في تاريخ داريا عن أنس.

2- .سنن ابن ماجه: ج 1 ص 107 ح 294، السنن الكبرى: ج 1 ص 88 ح 242 كلاهما عن عمّار بن ياسر.

3- .كذا في كنز العمال، وفي الجامع الصغير: «قُحْرًا»، والظاهر أنّ الصواب «قُلْحًا». قال القرطبي في تفسيره بعد أن ذكر حديثاً قريباً من هذا الحديث ما نصّه: «المحفوظ عندي قُحْلًا وَقُلْحًا... قال رسول الله صلى الله عليه وآله: استاكوا مالكم تدخلون عليّ قُلْحًا» (تفسير القرطبي: ج 2 ص 104). [1] والقُلْح: صُفْرُه فِي الْأَسْنَانِ وَوَسَخٌ يَرْكَبُهَا مِنْ طَوْلِ تَرْكِ السَّوَاكِ (لسان العرب: ج 2 ص 565 «[2] قُلْح»).

4- .الْبُخْرُ: تَغْيِيرُ رِيحِ الْفَمِ (النهاية: ج 1 ص 101 «بخر»).

5- .كنز العمال: ج 6 ص 655 ح 17239 نقلًا عن الحكيم عن عبد الله بن كثير.

6- .سنن الترمذی: ج 4 ص 289 ح 1859، [3] مسند ابن حنبل: ج 3 ص 251 ح 8539 [4] كلاهما عن أبي هريره.

7- .سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1096 ح 3297 عن أبي هريره.

8- .سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1096 ح 3296 عن الإمام الحسين عن امّ فاطمه عليهما السلام، كنز العمال: ج 15 ص 242 ح 40759 نقلًا عنه.

430. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد به مسواک زدن، که چه کار خوبی است.

431. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آب در دهان چرخانیدن و به بینی کشیدن و مسواک زدن، فطری (سازگار با سرشت انسان) است.

432. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: لثه هایتان را از غذا پاک کنید و مسواک بزنید و با فخر فروشی (1) و دهان بدبو، نزد من نیاید.

#### 5/1: شستن دست ها پیش از خواب

433. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که بخوابد و دستش چرب باشد و آسیبی به او برسد، کسی را جز خود، نباید سرزنش کند.

434. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه یکی از شما بخوابد و در دست او بوی چربی باشد، ولی آن را نشوید و آسیبی به او برسد، کسی را جز خود، نباید سرزنش کند.

435. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آگاه باشید، آن که با دستانی آلوده به بوی چربی غذا می خوراند، نباید کسی را جز خود، سرزنش کند.

ص: 277

---

1- بر اساس نسخه بدل: با دندان های زرد [و کثیف].

436.رسول الله صلى الله عليه وآله: تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَمْنَعُ الدَّاءَ الْأَعْظَمَ، وَيُدِرُّ الرَّزْقَ. (1)

437.عنه صلى الله عليه وآله: فَصَّوْا أَظْفِيرَكُمْ؛ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَجْرِي مَا بَيْنَ اللَّحْمِ وَالظُّفْرِ. (2)

438.عنه صلى الله عليه وآله: فَصَّوْا أَظْفِيرَكُمْ، وَادْفُنُوا قُلَامَاتِكُمْ، وَتَّقُوا بَرَاجِمَكُمْ (3). (4)

ص:278

1- الكافي: ج 6 ص 490 ح 1 [1] عن الحسن بن راشد، ثواب الأعمال: ص 42 ح 4 عن أبي بصير، جامع الأخبار: ص 334 ح 943 [2] كلاهما عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام عنه صلى الله عليه وآله وفيهما «ويزيد في الرزق» بدل «ويدرّ الرزق»، الخصال: ص 611 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، تحف العقول: ص 101 كلاهما عن الإمام علي عليه السلام، بحار الأنوار: ج 76 ص 119 ح 2.

2- تاريخ دمشق: ج 53 ص 247 ح 11237، الفردوس: ج 2 ص 168 ح 2843 كلاهما عن جابر بن عبد الله الأنصاري.

3- البراجم: هي العُقْدُ التي في ظهور الأصابع يجتمع فيها الوَسْخُ (النهاية: ج 1 ص 113 «[3]يرجم»).

4- تفسير القرطبي: ج 2 ص 102 [4] عن عبد الله بن بشر المازني، كنز العمال: ج 6 ص 655 ح 17239.

436. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کوتاه کردن ناخن ها، از بیماری بزرگ، جلوگیری می کند و روزی را [به سوی انسان،] روان می سازد.

437. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ناخن های خود را کوتاه کنید، چرا که شیطان، میان گوشت و ناخن به حرکت درمی آید.

438. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ناخن های خود را کوتاه کنید و چیده آن را خاک کنید، و شکاف های روی بند انگشتان را پاکیزه سازید.

ص: 279

الكتاب

«وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ». 1

«وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنِّي تُبِّتُّ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ». 2

«وَصَيَّنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ». 3

الحديث

439. رسول الله صلى الله عليه وآله - لَمَّا سُئِلَ عَنِ حَقِّ الْوَالِدَيْنِ عَلَىٰ وَلَدِهِمَا-: هُمَا جَنَّتَكَ وَنَارُكَ. (1)

ص: 280

1- سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1208 ح 3662 عن أبي أمامه، كنز العمال: ج 16 ص 463 ح 45453 نقلاً عنه.



قرآن

«به انسان، سفارش کردیم که به پدر و مادر خود، نیکی کند. و اگر بکوشند که تو را وا دارند که چیزی را که بدان علم نداری، شریک من گردانی، پیروی شان مکن. بازگشت شما به سوی من است و آن گاه، شما را به آنچه می کردید، آگاه خواهم ساخت».

«آدمی را به نیکی کردن به پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش او را به دشواری حمل کرد و به دشواری بر زمین نهاد. و [زمان] بارداری و از شیر گرفتن، سی ماه است تا آن که [انسان] به رشد خود برسد و چهل ساله شود. [آن گاه] می گوید: پروردگارا! بر دلم انداز تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم دادی، سپاس گویم و تا کار شایسته ای انجام دهم که تو بپسندی، و فرزندان مرا صالح گردان. بی گمان، من به سوی تو باز می گردم و بی گمان، من از تسلیم شدگانم».

«به آدمی سفارش پدر و مادرش را کردیم. مادرش او را باردار بود، در حالی که بر ناتوانی اش پیوسته افزوده می شد. و از شیر گرفتن او در دو سالگی است. و [سفارش کردیم که] سپاس گزار من و پدر و مادرت باش. بازگشت، به سوی من است».

حدیث

439. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - هنگامی که از ایشان درباره حق پدر و مادر بر فرزندشان پرسیده شد: - آنان، [باعث] بهشت و دوزخ تو هستند.

ص: 281

440. صحيح البخارى عن عبد الله: سَأَلْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ؟

قَالَ: الصَّلَاةُ عَلَى وَقْتِهَا.

قَالَ: ثُمَّ أَيُّ؟

قَالَ: ثُمَّ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ. (1)

441. رسول الله صلى الله عليه وآله: رَضَا الرَّبُّ فِي رَضَا الْوَالِدِ، وَسَخَطُ الرَّبِّ فِي سَخَطِ الْوَالِدِ. (2)

442. الإمام زين العابدين عليه السلام - مِنْ دُعَائِهِ لِأَبِيهِ -: اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعَسُوفِ (3)، وَأَبْرُهُمَا بِرَّ الْأُمِّ الرَّؤُوفِ، وَاجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدَيْ وَبِرِّي بِهِمَا أَقْرَ لِعَيْنَيَّ مِنْ رَقْدِهِ الْوَسْنَانِ، وَأَثْلَجَ لِي صَدْرِي مِنْ شَرْبِهِ الظَّمَانِ؛ حَتَّى أَوْثِرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا. (4)

443. الإمام الباقر عليه السلام: ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللهُ عِزَّ وَجَلَّ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَالْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ وَالْفَاجِرِ، وَبِرُّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرِينَ. (5)

444. الإمام الرضا عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ... أَمَرَ بِالشُّكْرِ لَهُ وَلِلْوَالِدَيْنِ، فَمَنْ لَمْ يَشْكُرْ وَالِدَيْهِ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ. (6)

ص: 282

1- صحيح البخارى: ج 1 ص 197 ح 504، صحيح مسلم: ج 1 ص 90 ح 139 وفى ص 89 ح 137 فيه «أفضل» بدل «أحب» كلاهما عن عبد الله بن مسعود.

2- سنن الترمذى: ج 4 ص 311 ح 1899، [1] المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 168 ح 7249 كلاهما عن عبد الله بن عمرو.

3- العسوف: الظلوم (تاج العروس: ج 12 ص 387 «عسف»).

4- الصحيحه السجادية: ص 102 الدعاء 24. [2]

5- الكافى: ج 2 ص 162 ح 15 [3] عن عنبسه بن مصعب و ج 5 ص 132 ح 1، تهذيب الأحكام: ج 6 ص 350 ح 988 كلاهما عن الحسين بن مصعب الهمداني عن الإمام الصادق [4] عليه السلام وفيه «لا عذر لأحد فيها» بدل «لم يجعل... رخصه».

6- النخصال: ص 156 ح 196، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 1 ص 258 ح 13 [5] كلاهما عن الدلهات.

440. صحیح البخاری - به نقل از عبد الله بن مسعود - از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسیدم که: دوست داشتنی ترین عمل نزد خداوند متعال چیست؟

فرمود: «نماز در وقت آن».

گفتم: سپس چه؟

فرمود: «نیکی به پدر و مادر».

441. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: رضایت خدا، در رضایت پدر است و نارضایتی خدا، در نارضایتی پدر.

442. امام زین العابدین علیه السلام - از دعای ایشان برای پدر و مادرش - بار خدایا! مرا این گونه قرار ده که از آنان در هراس باشم، همانند هراس از سلطان ستمکار، و به آنان نیکی کنم، همانند نیکی کردنِ مادرِ مهربان. و فرمان برداری از پدر و مادرم را و نیکی کردنم به آنان را برای چشمانم آرام بخش تر از خواب سنگین (شیرین)، و برای سینه ام خُنک تر از نوشیدنی شخص تشنه قرار ده تا آن که خواستهٔ آنان را بر خواستهٔ خودم مقدم بدانم.

443. امام باقر علیه السلام: سه چیز است که خداوند عز و جل رخصتی در آنها برای کسی قرار نداده است:

بازگرداندن امانت، به نیکوکار و بدکار؛ وفای به پیمان، با نیکوکار و بدکار؛ و نیکی به پدر و مادر، نیکوکار باشند یا بدکار.

444. امام رضا علیه السلام: بی تردید، خداوند عز و جل... انسان را به سپاس گزاری از خویش و پدر و مادر، فرمان داده است. پس کسی که سپاس گزارِ (قدرشناس) پدر و مادرش نباشد، از خدا سپاس گزاری نکرده است.

ص: 283

«وَقَضَى رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا \* وَخَفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا». 1

[نقلا عن عيسى] «وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا \* وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا». 2

[في صفة يحيى] «وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا \* وَسَلَامٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا». 3

445. الإمام الصادق عليه السلام - في قوله تعالى: «وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» - :الإحسان أن تُحَسِّنَ صِدْقَهُمَا، وَأَلَّا تُكَلِّفَهُمَا أَنْ يَسْأَلَكَ شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجَانِ إِلَيْهِ وَإِنْ كَانَا مُسْتَعِينِينَ. (1)

446. الإمام علي عليه السلام: بَرُّ الْوَالِدَيْنِ أَكْبَرُ فَرِيضَةٍ. (2)

447. عنه عليه السلام: بَرُّ الْوَالِدَيْنِ مِنْ أَكْرَمِ الطَّبَائِعِ. (3)

1- الكافي: ج 2 ص 157 ح 1 [1] عن أبي ولاد الحنّاط، مشكاة الأنوار: ص 282 ح 854. [2]

2- غرر الحكم: ح 4423، عيون الحكم والمواعظ: ص 195 ح 3982.

3- دستور معالم الحكم: ص 23، تحف العقول: ص 85 وفيه «كرم الطبعه» بدل «أكرم الطباع»، بحار الأنوار: ج 77 ص 212 ح 1.

## الف- نیکی کردن

قرآن

«و پروردگارت حکم کرده که جز او را نپرستید و به پدر و مادر، نیکی کنید. اگر یکی از آنان یا هر دو در کنار تو به پیری رسیدند، ابراز ناراحتی منما و با آنان، درشتی مکن و محترمانه با آنان سخن بگو. و از مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو: پروردگارا! بر آنان رحمت آور، همان گونه که آنان در کودکی، مرا پروردند».

«[عیسی گفت:] مرا به نیکی کردن به مادر، سفارش کرد و مرا زورگویی تیره روز، قرار نداده است. و درود بر من، روزی که زاده شدم و روزی که می میرم و روزی که زنده برانگیخته می شوم».

«[یحیی] نسبت به پدر و مادرش نیکوکار بود و زورگویی شقی نبود. و درود بر او، روزی که زاده شد و روزی که می میرد و روزی که زنده برانگیخته می شود».

حدیث

445. امام صادق علیه السلام - درباره این سخن خداوند متعال که فرموده: «و نیکی کردن به پدر و مادر» - نیکی کردن، این است که با آنان خوب برخورد کنی، و این که حتی اگر توانگر باشند، آنان را به زحمت نیندازی که چیزی از نیازهایشان را از تو بخواهند (1).

446. امام علی علیه السلام: نیکی کرن به پدر و مادر، بزرگ ترین وظیفه است.

447. امام علی علیه السلام: نیکی کردن به پدر و مادر، از والاترین خوی هاست.

ص: 285

---

1- . کنایه از این که پیش از درخواست کردن آنان، برایشان تهیّه کنی.

448.الإمام عليّ عليه السلام: قُمْ عَن مَجْلِسِكَ لِأَيِّكَ وَمُعَلِّمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا. (1)

ج-الخضوعُ عِنْدَ الْغَضَبِ

449.رسول الله صلى الله عليه وآله: مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ أَنْ يَخْضَعَ لَهُ فِي الْغَضَبِ وَالتَّعَبِ. (2)

د-التَّجَنُّبُ مِنَ الْعُقُوقِ

450.الإمام الصادق عليه السلام -فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «إِنَّمَا يَبْتَلُونَكَ عِنْدَكَ الْكِبَرِ...» -: إِنْ أَضْجَرَكَ فَلَا تُقَلِّ لَهُمَا: أُفٍّ، وَلَا تَنْهَرُهُمَا إِنْ ضَرَبَاكَ.

(3)

451.عنه عليه السلام: أَدْنَى الْعُقُوقِ: «أُفٍّ»، وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ شَيْئًا أَهْوَنَ مِنْهُ لَنَهَى عَنْهُ. (4)

452.عنه عليه السلام -فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ» -: لَا تَمَلَأْ عَيْنَيْكَ مِنَ النَّظَرِ إِلَيْهِمَا إِلَّا بِرَحْمَةٍ وَرِقَّةٍ، وَلَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ فَوْقَ أَصْوَاتِهِمَا، وَلَا يَدَكَ فَوْقَ أَيْدِيهِمَا، وَلَا تَقْدِّمَ قُدَّامَهُمَا. (5)

453.عنه عليه السلام -فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا» -: إِنْ ضَرَبَاكَ فَقُلْ لَهُمَا: غَفَرَ اللَّهُ لَكُمَا. (6)

454.رسول الله صلى الله عليه وآله: يُقَالُ لِلْعَاقِ: اِعْمَلْ مَا شِئْتَ مِنَ الطَّاعَةِ فَإِنِّي لَا أَغْفِرُ لَكَ. (7)

ص: 286

1- .غرر الحكم: ح 2341.

2- .تاريخ المدينة المنورة: ج 2 ص 568 عن ابن عباس، كنز العمال: ج 16 ص 473 ح 45512 نقلاً عن تاريخ دمشق.

3- .الكافي: ج 2 ص 158 ح 1، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 [1] ص 408 ح 5883 كلاهما عن أبي ولاد الحنّاط.

4- .الكافي: ج 2 ص 348 ح 1 [2] عن حديد بن حكيم، عيون أخبار الرضا عليه السلام: ج 2 ص 44 ح 160 [3] عن داوود بن سليمان الفراء عن الإمام الرضا عن آبائه عليهم السلام.

5- .الكافي: ج 2 ص 158 ح 1، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 [4] ص 408 ح 5883 كلاهما عن أبي ولاد الحنّاط.

6- .الكافي: ج 2 ص 158 ح 1، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 [5] ص 408 ح 5883 كلاهما عن أبي ولاد الحنّاط.

7- .حليه الأولياء: ج 10 ص 216 عن عائشه، روضه الواعظين: ص 403 [6] نحوه.

## ب- به احترام برخاستن

448. امام علی علیه السلام: برای پدر و آموزگارت از جای خود برخیز، هر چند فرمان روا باشی.

## ج- فروتنی در برابر خشم پدر

449. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از جمله حقوق پدر بر فرزندش، این است که هنگام خشم و ناراحتی، در برابر او فروتن [و آرام] باشد.

## د- پرهیز از نافرمانی

450. امام صادق علیه السلام - درباره سخن خداوند متعال: «اگر کنار تو به پیری رسیدند...» - اگر آنان (پدر و مادر)، تو را به تنگ آوردند، ناراحتی ات را ابراز مکن و اگر تو را زدند، بر آنان فریاد مزن [و درشتی مکن].

451. امام صادق علیه السلام: پایین ترین درجه نافرمانی [پدر و مادر]، «أف» گفتن است و اگر خداوند عز و جل چیزی کمتر از این سراغ داشت، بی تردید، از همان نهی می نمود.

452. امام صادق علیه السلام - درباره سخن خداوند متعال: «و از سر رحمت، بال فروتنی بر آنان بگستر» -:

چشمانت را جز با مهربانی و دلسوزی از نگاه به آنان، پُر مکن و صدایت را بالاتر از صدای آنان و دستت را بالاتر از دستان آنان، بلند مکن و بر گام های آنان، پیشی مگیر.

453. امام صادق علیه السلام - درباره سخن خداوند متعال: «محترمانه با آنان سخن بگو» - اگر تو را زدند، به آنان بگو: خداوند، شما را بیامرزد!

454. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: به نافرمان پدر و مادر گفته می شود: هر اندازه می خواهی، طاعت به جای آور که من، تو را نمی آمرزم.

455. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ أَحْزَنَ وَالِدَيْهِ فَقَدْ عَقَّهُمَا. (1)

456. صحيح مسلم عن عبد الله بن عمرو بن العاص: أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مِنَ الْكَبَائِرِ شَتْمُ الرَّجُلِ وَالِدَيْهِ.

قالوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَهَلْ يَشْتِمُ الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ؟

قال: نَعَمْ، يَسُبُّ أَبَا الرَّجُلِ فَيَسُبُّ أَبَاهُ، وَيَسُبُّ أُمَّهُ فَيَسُبُّ أُمَّهُ. (2)

457. الإمام الباقر عليه السلام: إِنَّ أَبِي نَظَرَ إِلَى رَجُلٍ وَمَعَهُ ابْنُهُ يَمْشِي، وَالْإِبْنُ مُتَكَبِّرٌ عَلَى ذِرَاعِ أَبِيهِ، قَالَ: فَمَا كَلَّمَهُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ مَقْتَأَهُ حَتَّى فَارَقَ الدُّنْيَا. (3)

458. الإمام العسكري عليه السلام: جُرْأَةُ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ فِي صِغَرِهِ، تَدْعُو إِلَى الْعُقُوقِ فِي كِبَرِهِ. (4)

3/2: جَوَامِعُ حُقُوقِ الْوَالِدَيْنِ

459. رسول الله صلى الله عليه وآله - لَمَّا سُئِلَ عَنِ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ - : لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ، وَلَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ، وَلَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ، وَلَا يَسْتَسَبُّ لَهُ. (5)

460. الإمام علي عليه السلام: إِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا، وَإِنَّ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا، فَحَقُّ الْوَالِدِ

ص: 288

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 372 ح 5762 عن حماد بن عمرو وأنس بن محمد عن أبيه جميعاً عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، الخصال: ص 621 ح 10 عن أبي بصير ومحمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عن الإمام علي عليهم السلام.

2- .صحيح مسلم: ج 1 ص 92 ح 146، السنن الكبرى: ج 10 ص 397 ح 21086.

3- .الكافي: ج 2 ص 349 ح 8 [1] عن عبد الله بن سليمان، مشكاة الأنوار: ص 285 ح 862 [2] عن عبد الله بن مسكان وليس فيه «يمشى».

4- .تحف العقول: ص 489.

5- .الكافي: ج 2 ص 158 ح 5 [3] عن درست بن أبي منصور، مشكاة الأنوار: ص 277 ح 833 [4] كلاهما عن الإمام الكاظم عليه السلام.



455. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که پدر و مادرش را ناراحت سازد، بی تردید، نسبت به آنان، سرکشی کرده است.

456. صحیح مسلم - به نقل از عبد الله بن عمرو بن عاص -: پیامبر خدا فرمود: «از جمله گناهان بزرگ، ناسزاگویی انسان به پدر و مادرش است.»

گفتند: ای پیامبر خدا! آیا انسان به پدر و مادرش ناسزا می گوید؟

فرمود: «آری. [به این صورت که] کسی به پدر دیگری دشنام می دهد، پس او نیز به پدر این، دشنام می دهد. این، به مادر او دشنام می دهد، پس او نیز به مادر این، دشنام می دهد.»

457. امام باقر علیه السلام: نگاه پدرم به کسی افتاد که پسرش همراه او راه می رفت، در حالی که پسر به بازوی پدر، تکیه زده بود. پدرم از سر ناراحتی، با آن پسر، سخن نگفت تا از دنیا رفت.

458. امام عسکری علیه السلام: گستاخی فرزند بر پدرش در کودکی، او را به سرکشی در بزرگی فرا می خواند.

### 3/2: کلیات حقوق پدر و مادر

459. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - هنگامی که از ایشان، درباره حق پدر بر فرزند، پرسیده شد - : او را به نام صدا نزنند، جلوی او راه نرود، پیش از او ننشینند و برای او دشنام خواهی نکند (1).

460. امام علی علیه السلام: بی شک، فرزند، حقی بر پدر دارد و بی شک، پدر، حقی بر فرزند

ص: 289

---

1- دشنام خواهی نکند، یعنی: فرزند، کاری نکند که پدر و مادرش میان مردم، بدنام شوند و موجب نفرین و بدگویی از آنان گردد.

عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ. (1)

461. الإمام الصادق عليه السلام: يَجِبُ لِلْوَالِدَيْنِ عَلَى الْوَالِدِ ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ: شُكْرُهُمَا عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَطَاعَتُهُمَا فِيمَا يَأْمُرَانِهِ وَيَنْهَيَانِهِ عَنْهُ فِي غَيْرِ مَعْصِيَةِ اللَّهِ، وَنُصِيحَتُهُمَا فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ. (2)

4/2: بَرَكَاتُ بَرِّ الْوَالِدَيْنِ

462. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يُمَدَّ لَهُ فِي عُمُرِهِ وَيُزَادَ لَهُ فِي رِزْقِهِ؛ فَلْيَبِرِّ وَالِدَيْهِ، وَلْيَصِلْ رَحِمَهُ. (3)

463. عنه صلى الله عليه وآله: سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرَّ وَالِدَيْهِ بَعْدَ مَوْتِهِمَا. (4)

464. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ بَرَّ وَالِدَيْهِ طَوْبَى (5) لَهُ، زَادَ اللَّهُ عِزَّ وَجَلَّ فِي عُمُرِهِ. (6)

465. الإمام الصادق عليه السلام: بَرُّوا آبَاءَكُمْ؛ يَبْرِكْكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ. (7)

ص: 290

- 
- 1- نهج البلاغه: الحكمه 399. [1]
  - 2- تحف العقول: ص 322، بحار الأنوار: ج 78 ص 236 ح 67. [2]
  - 3- مسند ابن حنبل: ج 4 ص 530 ح 13812 و ص 458 ح 13400، [3] مكارم الأخلاق لابن أبي الدنيا: ص 178 ح 244 فيهما «من أحب» بدل «من سره» وكلها عن أنس.
  - 4- بحار الأنوار: ج 74 ص 86 ح 100 [4] نقلاً عن كتاب الإمامه والتبصره عن السكوني عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام.
  - 5- طوبى: قيل: هو اسم شجره فى الجنة، وقيل: بل إشاره إلى كل مستطاب فى الجنة؛ من بقاء بلا فناء، وعز بلا زوال، وغنى بلا فقر (مفردات ألفاظ القرآن: ص 528 «[5] طيب»).
  - 6- الأدب المفرد: ص 20 ح 22، [6] المستدرک على الصحيحين: ج 4 ص 170 ح 7257 كلاهما عن معاذ.
  - 7- الكافي: ج 5 ص 554 ح 5 [7] عن عبيد بن زراره، كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 21 ح 4985.

دارد. حق پدر بر فرزند، این است که از او در هر کاری جز معصیت خدا، فرمان برداری کند.

461. امام صادق علیه السلام: پدر و مادر، سه حق بر فرزند دارند: سپاس گذاری از آنان در همه حال؛ فرمان برداری از آنان در هر آنچه به او امر و نهی می کنند، غیر از نافرمانی خدا؛ و خیرخواهی برای آنان، در نهان و آشکار.

#### 4/2: برکات نیکی به پدر و مادر

462. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که از طولانی شدن عمر و زیاد شدن روزی اش خوش حال می شود، باید به پدر و مادرش نیکی کند و با خویشاوندانش ارتباط برقرار کند.

463. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه روز نیکوکاران در روز قیامت، کسی است که پس از درگذشت پدر و مادرش به آنان، نیکی کرده است.

464. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوشا به حال کسی که به پدر و مادرش نیکی کند. خداوند عز و جل بر عمر او بیفزاید!

465. امام صادق علیه السلام: به پدران، نیکی کنید تا فرزندان، به شما نیکی کنند.

466.رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ تَعَلَّمَتْ مِنْهُ حَرْفًا، صِرْتَ لَهُ عَبْدًا. (1)

467.عوالى اللآلى: رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ عَلَّمَ شَخْصًا مَسْأَلَةً، فَقَدْ مَلَكَ رَقَبَتَهُ.

فَقِيلَ لَهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ: أَيَبِيعُهُ؟ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا، وَلَكِنْ يَأْمُرُهُ وَيَنْهَاهُ. (2)

468.الإمام علىّ عليه السلام: أَكْرَمَ ضَيْفِكَ وَإِنْ كَانَ حَقِيرًا، وَقُمْ عَنِ مَجْلِسِكَ لِأَيِّكَ وَمُعَلِّمِكَ وَإِنْ كُنْتَ أَمِيرًا. (3)

469.عنه عليه السلام: ثَلَاثٌ لَا يُسْتَحْيَى مِنْهُنَّ: خِدْمَةُ الرَّجُلِ ضَيْفَهُ، وَقِيَامُهُ عَنِ مَجْلِسِهِ لِأَيِّهِ

---

1- .عوالى اللآلى: ج 1 ص 292 ح 163، [1]بحار الأنوار: ج 77 ص 165 ح 2. [2]

2- .عوالى اللآلى: ج 4 ص 71 ح 43 [3] منيه المرید: ص 243 نحوه.

3- .غرر الحكم: ح 2341.

**1/3: فرمان برداری**

466. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که حرفی از او بیاموزی، بنده اش شده ای.

467. عوالی اللالی: گفته شده که پیامبر خدا فرمود: «کسی که به فردی مسئله ای بیاموزد، اختیاردار او شده است».

گفته شد: ای پیامبر خدا! آیا می تواند او را بفروشد؟

فرمود: «نه؛ ولی می تواند به او، امر و نهی کند».

**2/3: بزرگ داشتن**

468. امام علی علیه السلام: میهمانت را گرامی بدار، هر چند حقیر باشد و برای پدر و آموزگارت از جای برخیز، هر چند فرمان روا باشی.

469. امام علی علیه السلام: سه چیز است که نباید از آنها شرم کرد: خدمت کردن انسان به میهمانش؛ از جای برخاستن او برای پدر و آموزگارش؛ و حق خود را طلب کردن،

وَمُعَلِّمِهِ، وَطَلَبُ الْحَقِّ وَإِنْ قَلَّ. (1)

470. الإمام زين العابدين عليه السلام: حَقُّ سَائِسِكَ بِالْعِلْمِ التَّعْظِيمِ لَهُ، وَالتَّوْقِيرُ لِمَجْلِسِهِ، وَحُسْنُ الإِسْتِمَاعِ إِلَيْهِ، وَالإِقْبَالُ عَلَيْهِ، وَالْأَلَا تَرْفَعَ عَلَيْهِ صَوْتَكَ، وَلَا تُجِيبَ أَحَدًا يَسْأَلُهُ عَن شَيْءٍ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الَّذِي يُجِيبُ، وَلَا تُحَدِّثَ فِي مَجْلِسِهِ أَحَدًا، وَلَا تَغْتَابَ عِنْدَهُ أَحَدًا، وَأَنْ تَدْفَعَ عَنْهُ إِذَا ذُكِرَ عِنْدَكَ بِسَوْءٍ، وَأَنْ تَسْتُرَ عُيُوبَهُ وَتُظْهِرَ مَنَاقِبَهُ، وَلَا تُجَالِسَ لَهُ عَدُوًّا وَلَا تُعَادِي لَهُ وَلِيًّا، فَإِذَا فَعَلْتَ ذَلِكَ شَاءَ هَدَتْ لَكَ مَلَائِكَةُ اللَّهِ عِزَّ وَجَلَّ بِأَنَّكَ قَصَدْتَهُ، وَتَعَلَّمْتَ عِلْمَهُ لِلَّهِ جَلَّ وَعَزَّ اسْمُهُ لَا لِلنَّاسِ. (2)

3/3: غَضُّ الصَّوْتِ

الكتاب

«إِنَّ الَّذِينَ يَغْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ». 3

الحديث

471. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ غَضَّ صَوْتَهُ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى مِنْ أَصْحَابِي، وَلَا خَيْرَ فِي التَّمَلُّقِ وَالتَّوَاضُعِ إِلَّا مَا كَانَ فِي اللَّهِ عِزٌّ وَجَلٌّ فِي طَلَبِ الْعِلْمِ. (3)

ص: 294

1- غرر الحكم: ح 4666، [1] عيون الحكم والمواعظ: ص 212 ح 4230.

2- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 2 ص 620 ح 3214، الخصال: ص 567 ح 1 كلاهما عن أبي حمزة الثمالي (ثابت بن دينار) وراجع تحف العقول: ص 260. [2]

3- فردوس الأخبار: ج 4 ص 181 ح 6076 عن سعيد الشامي.

هر چند اندک باشد.

470. امام زین العابدین علیه السلام: حق سرپرست علمی تو، بزرگ داشتن او، نگه داشتن احترام مجلس او، خوب گوش دادن به او و توجه به اوست، و این که صدایت را بر او بلند نکنی و به کسی که از او سؤال می کند، پاسخ ندهی تا این که او خود، پاسخ دهد، و در مجلس او با کسی سخن نگویی و نزد او غیبت هیچ کس را نکنی، و این که وقتی نزد تو از او به بدی یاد شد، از او دفاع کنی، و این که اشتباهاتش را بپوشانی و خوبی هایش را آشکار سازی و با دشمن او همنشین نشوی و با دوست او دشمنی نکنی. پس هرگاه چنین کردی، فرشتگان خدا برای تو شهادت می دهند که تو به خاطر خدای عز و جل، نزد او رفته ای و دانشش را فرا گرفته ای، نه به خاطر مردم.

### 3/3: فرو آوردن صدا

قرآن

«بی گمان، کسانی که نزد پیامبر خدا صداهایشان را فرو می آورند، همان کسانی اند که خدا، دل هایشان را برای پرهیزگاری آزموده است. برای آنان، آمرزش و پاداشی بزرگ است».

حدیث

471. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که نزد دانشمندان، صدایش را فرو آورد، روز قیامت با کسانی از یاران من آید که خداوند، قلب های آنان را به پرهیزگاری آزموده است.

خیری در چاپلوسی و فروتنی نیست، مگر آنچه در راه خداوند عز و جل برای آموختن دانش باشد.

ص: 295

472. رسول الله صلى الله عليه وآله: ثَلَاثَةٌ لَا يَسْتَخْفُ بِهِنَّ إِلَّا مُنَافِقٌ بَيْنَ نِفَاقِهِ: ذُو شَبِيهِ فِي الْإِسْلَامِ، وَمُعَلَّمُ الْخَيْرِ، وَإِمَامٌ عَادِلٌ. (1)

473. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ احْتَفَرَ صَاحِبَ الْعِلْمِ فَقَدْ احْتَفَرَنِي، وَمَنْ احْتَفَرَنِي فَهُوَ كَافِرٌ. (2)

474. الإمام عليّ عليه السلام: لَا يَسْتَخْفُ بِالْعِلْمِ وَأَهْلِهِ إِلَّا أَحْمَقُ جَاهِلٌ. (3)

475. عنه عليه السلام: إِيَّاكَ أَنْ تَسْتَخْفَ بِالْعُلَمَاءِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ يُزْرِي بِكَ، وَيُؤْسِيءُ الظَّنَّ بِكَ وَالْمَخِيلَةَ فِيكَ. (4)

476. عنه عليه السلام: لَا تَجْعَلَنَّ ذَرْبَ (5) لِسَانِكَ عَلَى مَنْ أَنْطَقَكَ، وَبَلَاغَةَ قَوْلِكَ عَلَى مَنْ سَدَّدَكَ. (6)

ص: 296

1- تاريخ بغداد: ج 8 ص 27 الرقم 4074، [1] أسد الغابه: ج 6 ص 354 الرقم 6439 [2] كلاهما عن عماره القرشي عن أبيه عن جدّه.

2- إرشاد القلوب: ص 165. [3]

3- غرر الحكم: ح 10807، عيون الحكم والمواعظ: ص 541 ح 10030.

4- غرر الحكم: ح 2732، [4] عيون الحكم والمواعظ: ص 100 ح 2298.

5- ذَرْبَ لِسَانِهِ: إِذَا كَانَ حَادًّا لِللسَانِ لَا يُبَالِي (النهاية: ج 2 ص 156 « [5] ذرب »).

6- نهج البلاغه: الحكمه 411، [6] غرر الحكم: ح 10385.



472. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سه گروه اند که جز منافقی که نفاقش آشکار است، آنان را خوار نمی شمرد: صاحب موی سفید در اسلام، آموزگار خوبی، و پیشوای عادل.

473. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که دانشمند را کوچک شمارد، بی شک، مرا کوچک شمرده است و کسی که مرا کوچک شمارد، کافر است.

474. امام علی علیه السلام: علم و اهل علم را جز نابخرد نادان، خوار نمی شمارد.

475. امام علی علیه السلام: پرهیز از این که دانشمندان را خوار بشماری؛ چرا که این کار، خودت را خوار می سازد و گمان و تصوّر بد درباره تو پدید می آورد.

476. امام علی علیه السلام: تندّی زبانت را بر کسی که به تو سخن آموخته است و سخنوری ات را بر ضدّ کسی که تو را استوار ساخته [و تربیت کرده]، به کار مگیر.

477.رسول الله صلى الله عليه وآله: يُسَلِّمُ الصَّغِيرَ عَلَى الْكَبِيرِ، وَالْمَاثِرَ عَلَى الْقَاعِدِ، وَالْقَلِيلَ عَلَى الْكَثِيرِ. (1)

478.عنه صلى الله عليه وآله: أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَبِرَسُولِهِ مَنْ بَدَأَ بِالسَّلَامِ. (2)

479.عنه صلى الله عليه وآله: أَطْوَعُكُمْ لِلَّهِ الَّذِي يَبْدَأُ صَاحِبَهُ بِالسَّلَامِ. (3)

480.الإمام عليّ عليه السلام: لِلْسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً؛ تَسْعُ وَسِتُّونَ لِلْمُبْتَدِيِّ وَوَاحِدَةٌ لِلرَّادِ. (4)

ص:298

---

1- .صحيح البخارى:ج 5 ص 2301 ح 5877 عن أبي هريره،الكافى:ج 2 ص 646 ح 1 [1] عن جراح المدائنى عن الإمام الصادق عليه السلام.

2- .الكافى:ج 2 ص 644 ح 3 [2] عن السكونى عن الإمام الصادق عليه السلام،بحار الأنوار:ج 76 ص 12 ح 50.

3- .كنز العمّال:ج 9 ص 116 ح 25253 نقلاً عن الطبرانى عن أبى الدرداء.

4- .مشكاة الأنوار:ص 346 ح 1106،تحف العقول:ص 248 عن الإمام الحسين عليه السلام،بحار الأنوار:ج 76 ص 11 ح 46. [3]

فصل چهارم: وظایف کودک در برابر بزرگ تر و دوست (1)

1/4: آغاز کردن به سلام

477. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کوچک بر بزرگ سلام کند و عبور کننده بر نشسته، و [جمعیت] کم بر [جمعیت] بسیار.

478. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نزدیک ترین مردم به خدا و پیامبرش، کسی است که در سلام کردن، پیش دستی کند.

479. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: فرمان بُردارترین شما نسبت به خدا، کسی است که در سلام کردن به دوستش، پیش دستی کند.

480. امام علی علیه السلام: سلام، هفتاد حسنه دارد که شصت و نه تا برای سلام کننده است و یکی برای پاسخ دهنده.

ص: 299

---

1- گفتنی است که این وظایف، غالباً اختصاص به کودک ندارند؛ لیکن مربی باید به تدریج، کودک را با این وظایف آشنا نماید.

## توضیحی درباره سلام کردن کودک به بزرگ تر از خود

بر پایه احادیثی که پیش از این در تبیین شیوه های تربیت کودک (1) آوردیم، یکی از روش های تربیتی پیامبر خدا، سلام کردن به کودکان بود. ایشان، تصریح فرموده که این اقدام من، بدان جهت است که پس از من، این سنت در جامعه اسلامی ادامه یابد:

خَمْسٌ لَا أَدْعُهُنَّ حَتَّى الْمَمَاتِ: ...والتَّسْلِيمُ عَلَى الصَّبِيَانِ لِتَكُونَ سُنَّةً مِن بَعْدِي. (2)

پنج چیز است که تا زنده ام رهایشان نمی کنم... و [یکی از آنها] سلام کردن به کودکان است، تا بعد از من سنت شود.

اما در روایات این باب، ملاحظه شد که همه مسلمانان وظیفه دارند در سلام کردن به یکدیگر، پیشی بگیرند و بویژه، کوچک ترها وظیفه دارند به بزرگ ترها سلام کنند.

با اندکی تأمل روشن می شود که این روایات، نه تنها با هم منافاتی ندارند؛ بلکه مکمل یکدیگرند و عمل کردن به همه آنها نیکوست، بدین سان که وظیفه اخلاقی آحاد جامعه اسلامی، پیشی گرفتن در سلام کردن به یکدیگر است؛ ولی ادب،

ص: 300

---

1- ر.ک: ص 143 (سلام کردن بر کودکان).

2- بحار الأنوار: ج 76 ص 10 ح 38. [1]

اقتضا می کند که کوچک ترها به بزرگ ترها سلام کنند، اما اگر کوچک تر به هر دلیل در سلام دادن به بزرگ تر تأخیر کرد یا تعلل ورزید، وظیفه تربیتی بزرگ تر این است که به کوچک تر سلام کند و بدین وسیله، او را متوجه قصور و یا تقصیر خود نماید.

این اقدام، بخصوص در مورد کودکان، اثر تربیتی بیشتری دارد. به همین جهت، پیامبر خدا به کودکان سلام می کرد تا افزون بر اثر تربیتی آن، پیروان خود را متوجه آثار تربیتی شخصیت دادن به کودک و احترام به احساسات او نماید.

ص: 301

481.الإمام عليّ عليه السلام -في وصيته لابنه مُحَمَّد بن الحنفية-: يا بُنَيَّ... لا تُضَيِّعَنَّ حَقَّ أَخِيكَ اتِّكالاَ عَلَى ما بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ؛ فَإِنَّهُ لَيْسَ لَكَ بِأَخٍ مَنْ أَضَعْتَ حَقَّهُ. (1)

482.عنه عليه السلام: ما أَقْبَحَ بِالرَّجُلِ أَنْ يَعْرِفَ أَخُوهُ حَقَّهُ، وَلَا يَعْرِفَ حَقَّ أَخِيهِ! (2)

483.الإمام عليّ عليه السلام: لِيَتَأَسَّ صَـ غَيْرُكُمْ بِكَبِيرِكُمْ، وَلِيَرَأَفَ كَبِيرِكُمْ بِصَغِيرِكُمْ، وَلَا تَكُونُوا كَجُفَاهِ الْجَاهِلِيَّةِ؛ لَا فِي الدِّينِ يَتَفَقَّهُونَ، وَلَا عَنِ اللَّهِ يَعْقِلُونَ، كَقَيْضٍ بَيْضٍ فِي أَدَاحٍ؛ يَكُونُ كَسْرُهَا وَزَرَأٌ، وَيَخْرُجُ حِصَانُهَا شَرًّا. (3). (4)

484.رسول الله صلى الله عليه و آله: الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ، يَقْضِي بَعْضُهُمْ حَوَائِجَ بَعْضٍ، فَبِقَضَاءِ بَعْضِهِمْ حَوَائِجَ

1- .كتاب من لا يحضره الفقيه:ج 4 ص 392 ح 5834، نهج البلاغه: [1] الكتاب 31.

2- .مصادقه الإخوان:ص 144 ح 5 [2] عن مرازم.

3- .القيض:الكسر والفلق. واستعار عليه السلام لفظه «الأداحي» للأعشاش مجازاً؛ لأنّ الأداحي لا تكون إلا للنعام تدحوها بأرجلها وتبيض فيها، ودحوها: توسيعها. شبّههم عليه السلام ببيض الأفاعي في الأعشاش، يُظَنُّ ببيض القطا فلا يحلّ لمن رآه أن يكسره لأنّه يظنّه ببيض القطا، وخصانه يخرج شرّاً؛ لأنّه يفقص عن أفعى (شرح نهج البلاغه: ج 9 ص 282 و 283).

4- .نهج البلاغه:الخطبه 166، [3]بحار الأنوار:ج 34 ص 113 ح 950. [4]

## 2/4: رعایت حقوق وظایف کودک در برابر بزرگ تر و دوست

481. امام علی علیه السلام - در سفارش به محمد بن حنفیه - ای فرزندم! حقّ برادرت را به خاطر آنچه [از محبت که] میان تو و اوست، پای مال نکن؛ زیرا کسی که حقّ او را پای مال کنی، [دیگر] برادر تو نیست.

482. امام علی علیه السلام: چه زشت است برای انسان که برادرش، حقّ او را بشناسد و او حقّ برادرش را نشناسد!

## 3/4: الگوگیری از بزرگان

483. امام علی علیه السلام: کوچک تر، باید از بزرگ تر الگو بگیرد و بزرگ تر باید به کوچک تر، مهر بورزد. همانند انسان های خشن جاهلیت نباشید که نه فهم دین داشتند، نه درباره خدا می اندیشیدند؛ به سان تخم افعی ای که در لانه شتر مرغ پیدا شود، که شکستن آن، گناه است و جوجه ای هم که از آن خارج می شود، شرّ است.

## 4/4: برآوردن نیاز

484. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اهل ایمان، برادرند. برخی، نیازهای برخی را برآورده می سازند. به جهت برآوردن نیازهای برخی توسط دیگران، خداوند، نیازهای همه آنان را در روز قیامت، برآورده می سازد.

بَعْضٍ يَقْضِي اللَّهُ حَوَائِجَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (1)

485. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ كَانَ فِي حَاجَةٍ أَخِيهِ فَإِنَّ اللَّهَ فِي حَاجَتِهِ. (2)

486. الكافي عن صفوان الجمال: كُنْتُ جَالِسًا مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا دَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ مَكَّةَ يُقَالُ لَهُ «مَيْمُونٌ»، فَشَدَّ كَأَيْدِيهِ تَعَذَّرَ الْكِرَاءِ عَلَيْهِ، فَقَالَ لِي: قُمْ فَأَعِنَ أَخَاكَ.

فَقُمْتُ مَعَهُ، فَيَسَّرَ اللَّهُ كِرَاءَهُ، فَرَجَعْتُ إِلَى مَجْلِسِي.

فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا صَنَعْتَ فِي حَاجَةِ أَخِيكَ؟ فَقُلْتُ: قَضَاهَا اللَّهُ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي.

فَقَالَ: أَمَا إِنَّكَ أَنْ تَعِينَ أَخَاكَ الْمُسْلِمَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ طَوَافِ اسْبُوعٍ بِالْبَيْتِ مُبْتَدِنًا. (3)

5/4: الإكرام

487. رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَكْرَمَ أَخَاهُ فَإِنَّمَا يُكْرِمُ اللَّهَ، فَمَا ظَنُّكُمْ بِمَنْ يُكْرِمُ اللَّهَ بِأَنْ يُفْعَلَ بِهِ؟! (4)

488. عنه صلى الله عليه وآله: أَكْرَمُ مَنْ وَدَّكَ، وَاصْفَحَ عَنِّ عَدُوَّكَ؛ يَتِمَّ لَكَ الْفَضْلُ. (5)

ص: 304

1- الأُمَالِي لِلْمُفِيدِ: ص 150 ح 8 عن الحسين بن زيد، مصادقه الإخوان: ص 160 ح 5 [1] كلاهما عن الإمام الصادق [2] عن أبيه عليهما السلام نحوه.

2- سنن أبي داود: ج 4 ص 273 ح 4893، مسند ابن حنبل: ج 2 ص 400 ح 5650 كلاهما عن عبد الله بن عمر، الأُمَالِي لِلطُّوسِي: ص 97 ح 147 [3] عن محمد بن يحيى المدني عن الإمام الصادق [4] عليه السلام وفيه «أخيه المؤمن المسلم» بدل «أخيه» وزاد في آخره «ما كان في حاجة أخيه».

3- الكافي: ج 2 ص 198 ح 9، [5] مصادقه الإخوان: ص 176 ح 10. [6]

4- ثواب الأعمال: ص 339 عن أبي هريره وعبد الله بن عباس، عدّه الداعي: ص 176 [7] عن الإمام عليّ عليه السلام.

5- غرر الحكم: ح 2368.



485. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس در کار [برآوردن] نیاز برادرش باشد، به تحقیق، خداوند در کار [برآوردن] نیاز او خواهد بود.

486. الکافی - به نقل از صفوان جمّال - : من با امام صادق علیه السلام نشسته بودم که مردی از اهالی مکه به نام میمون وارد شد و از ناتوانی در پرداخت کرایه چارپایش شکایت کرد.

امام علیه السلام به من فرمود: «برخیز و به برادرت کمک کن».

من با او برخاستم و خداوند [مشکل] بدهکاری اش را آسان ساخت. سپس من به جای خود بازگشتم.

امام صادق علیه السلام فرمود: «با نیاز برادرت چه کردی؟».

گفتم: خداوند آن را برآورده ساخت، پدر و مادرم فدایت.

فرمود: «هان که بی گمان یاری رساندن تو به برادر مسلمان، نزد من دوست داشتنی تر است از هفت طواف ابتدایی (مستحب) خانه خدا».

#### 5/4: گرامیداشت

487. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که برادرش را گرامی بدارد، همانا خداوند را گرامی داشته است، حال می گوئید با کسی که خداوند او را گرامی داشته، چگونه رفتار می شود؟

488. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که تو را دوست دارد، گرامی بدار و با گذشت، از دشمنت روی بگردان تا فضیلت تو کامل گردد.

489.رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ نَصَرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ وَهُوَ يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ، نَصَرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (1)

490.عنه صلى الله عليه وآله: اللَّهُ فِي عَوْنِ الْعَبْدِ مَا كَانَ الْعَبْدُ فِي عَوْنِ أَخِيهِ. (2)

491.الإمام عليّ عليه السلام: إِذَا نَبَتِ الْوُدُّ، وَجَبَ التَّرَافُدُ (3)وَالتَّعَاضُدُ. (4)

492.الإمام الصادق عليه السلام: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْذُلُ أَخَاهُ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى نُصْرَتِهِ، إِلَّا خَذَلَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. (5)

493.الإمام عليّ عليه السلام: ابْذِلْ مَالَكَ فِي الْحُقُوقِ، وَوَأَسِ بِهِ الصَّدِيقَ؛ فَإِنَّ السَّخَاءَ بِالْحُرِّ أَخْلَقُ. (6)

494.عنه عليه السلام: مَا حُفِظَتِ الْأُخُوَّةُ بِمِثْلِ الْمُؤَاسَاةِ. (7)

495.عنه عليه السلام: إِنَّ مُؤَاسَاةَ الرَّفَاقِ مِنْ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ. (8)

1- .حليه الأولياء: ج 3 ص 25، شعب الإيمان: ج 6 ص 112 ح 7639 [1] نحوه وكلاهما عن عمران بن حصين.

2- .صحيح مسلم: ج 4 ص 2074 ح 38، سنن الترمذي: ج 5 ص 195 ح 2945 [2] كلاهما عن أبي هريره، الكافي: ج 2 ص 200 ح 5

[3] عن ذريح المنحاري عن الإمام الصادق عليه السلام وفيه «المؤمن» بدل «العبد» في الموضعين.

3- .رَفْدَةٌ: أَعْطَاءٌ وَأَعَانَةٌ (المصباح المنير: ص 232 «رغد»).

4- .غرر الحكم: ح 4132.

5- .ثواب الأعمال: ص 177 ح 1، الأملالي للصدوق: ص 574 ح 785، [4] المحاسن: ج 1 ص 183 ح 296 [5] كلها عن إبراهيم بن

عمر اليماني.

6- .غرر الحكم: ح 2384، [6] عيون الحكم والمواعظ: ص 85 ح 2044.

7- .غرر الحكم: ح 9578، عيون الحكم والمواعظ: ص 477 ح 8758.

8- .غرر الحكم: ح 3405، عيون الحكم والمواعظ: ص 143 ح 3193.

489. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که بتواند برادر مسلمانش را یاری دهد و بدهد، خداوند در دنیا و آخرت، او را یاری می دهد.

490. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند، در کار کمک به بنده است تا وقتی که بنده، در کار کمک به برادرش باشد.

491. امام علی علیه السلام: هرگاه دوستی بروید، همیاری و همکاری واجب می شود.

492. امام صادق علیه السلام: هیچ مؤمنی نیست که برادرش را تنها بگذارد، در حالی که می تواند او را یاری دهد، مگر آن که خداوند، در دنیا و آخرت، او را بی یاور خواهد ساخت.

#### 7/4: مواسات

493 (1) امام علی علیه السلام: مالت را در [ادای] حقوق، خرج کن و دوستت را در آن، سهیم کن؛ چرا که بخشش به آزاده [ای که طلب نمی کند]، زیننده تر است.

494. امام علی علیه السلام: هیچ چیز به اندازه سهیم سازی [دوست در مال]، برادری را نگاه نمی دارد.

495. امام علی علیه السلام: بی گمان، سهیم کردن رفیقان، از بزرگواری ریشه خانوادگی است.

ص: 307

---

1- .مُواسات: دیگران را در داشته های خویش سهیم کردن؛ از خود گذشتگی؛ فداکاری مالی.

496. الإمام عليّ عليه السلام: كُنْ لِلْوُدِّ حَافِظًا وَإِنْ لَمْ تَجِدْ مُحَافِظًا. (1)

497. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ ذِكْرُهُ لِيَحْفَظَ مَنْ يَحْفَظُ صَدِيقَهُ. (2)

9/4: حُسْنُ الْمَوَاجَهَةِ

498. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْقَى أَخَاكَ بِوَجْهِ مُنْبَسِطٍ. (3)

499. الإمام الصادق عليه السلام: مَنْ قَالَ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ: «مَرْحَبًا»، كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ مَرْحَبًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. (4)

500. الإمام عليّ عليه السلام: إِذَا لَقَيْتُمْ إِخْوَانَكُمْ فَتَصَافَحُوا وَأَظْهِرُوا لَهُمُ الْبَشَاشَةَ وَالْبِشْرَ؛ تَتَفَرَّقُوا وَمَا عَلَيْكُمْ مِنَ الْأَوْزَارِ قَدْ ذَهَبَ. (5)

501. عنه عليه السلام: الْبِشَاشَةُ فَتْحُ الْمَوَدَّةِ. (6)

502. عنه عليه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبَغِضُ الْمُعْبَسَّ فِي وُجُوهِ إِخْوَانِهِ. (7)

ص: 308

1- غرر الحكم: ح 7157، عيون الحكم والمواعظ: ص 391 ح 6626.

2- الكافي: ج 8 ص 162 ح 166 [1] عن عبيد بن زرارة.

3- الكافي: ج 2 ص 103 ح 3 [2] عن أبي بصير عن أبي جعفر عليه السلام، تحف العقول: ص 42، بحار الأنوار: ج 74 ص 171 ح 38.

[3]

4- الكافي: ج 2 ص 206 ح 2 [4] عن جميل بن درّاج، ثواب الأعمال: ص 176 ح 1 عن إسحاق بن عمّار.

5- الخصال: ص 633 ح 10 عن أبي بصير و محمد بن مسلم عن الإمام الصادق عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 76 ص 20 ح 3.

[5]

6- تحف العقول: ص 202، بحار الأنوار: ج 78 ص 38 ح 13. [6]

7- الفردوس: ج 1 ص 153 ح 555، كنز العمال: ج 3 ص 441 ح 7350.

496. امام علی علیه السلام: نگهبان دوستی باش؛ هر چند نگهبانی [برای دوستی] نیایی (1).

497. امام علی علیه السلام: بی شک، خداوند پشکوه یار، پاسدار کسی است که پاسدار دوستش باشد.

9/4: خوش برخوردی

498. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برادرت را با روی گشاده، ملاقات کن.

499. امام صادق علیه السلام: هر کس به برادر مؤمن خود بگوید: «خوش آمدی!»، خداوند متعال تا روز قیامت برای او خوشامد می نویسد.

500. امام علی علیه السلام: هرگاه با برادرتان برخورد نمودید، دست دهید و خوش رویی و خوش برخوردی خود را برای آنان نمایان سازید، که [در این صورت] از هم جدا می شوید، در حالی که گناهانتان، بی شک از میان رفته است.

501. امام علی علیه السلام: خوش رویی، دام دوستی است.

502. امام علی علیه السلام: بی شک، خداوند عز و جل ترش رو در چهره برادرانش را دشمن می دارد.

ص: 309

503. رسول الله صلى الله عليه وآله: الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ؛ حَيْثُ يَغِيبُ يَحْفَظُهُ مِنْ وَرَائِهِ، وَيَكْفُ عَنْهُ ضَيْعَتَهُ، وَالْمُؤْمِنُ مِرَاةُ الْمُؤْمِنِ. (1)

504. عنه صلى الله عليه وآله: الْمُؤْمِنُ مِرَاةٌ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ؛ يَنْصَرُّ حَيْثُ إِذَا غَابَ عَنْهُ، وَيُمِيطُ (2) عَنْهُ مَا يَكْرَهُ إِذَا شَهِدَ، وَيُوسِّعُ لَهُ فِي الْمَجْلِسِ.

(3)

505. الإمام الصادق عليه السلام: اذْكُرُوا أَخَاكُمْ إِذَا غَابَ عَنْكُمْ بِأَحْسَنِ مَا تُحِبُّونَ أَنْ تَذْكُرُوا بِهِ إِذَا غِثِمَ عَنْهُ. (4)

11/4: النَّصِيحَةُ

506. رسول الله صلى الله عليه وآله: لِيَنْصَحِ الرَّجُلُ مِنْكُمْ أَخَاهُ كَنَصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ. (5)

507. عنه صلى الله عليه وآله: الْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ؛ لَا يَدْعُ نَصِيحَتَهُ عَلَى كُلِّ حَالٍ. (6)

ص: 310

1- شعب الإيمان: ج 6 ص 113 ح 7644، [1] كنز العمال: ج 1 ص 152 ح 756 نقلاً عن الخرائطي في مكارم الأخلاق وكلاهما عن المطلب بن عبد الله بن حنطب.

2- إماطة الأذى: أى تنحيته (النهاية: ج 4 ص 380 «ميط»).

3- النوادر للراوندى: ص 99 ح 56، [2] الجعفریات: ص 197 [3] كلاهما عن الإمام الكاظم عن آباءه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 74 ص 233 ح 29. [4]

4- الأمالى للطوسى: ص 225 ح 391 [5] عن عبيد الله بن عبد الله، بحار الأنوار: ج 78 ص 196 ح 17. [6]

5- الكافي: ج 2 ص 208 ح 4، [7] الأمالى للطوسى: ص 231 ح 410 [8] كلاهما عن جابر عن الإمام الباقر عليه السلام، بحار الأنوار: ج 74 ص 358 ح 7. [9]

6- الجامع الصغير: ج 2 ص 662 ح 9156، كنز العمال: ج 1 ص 142 ح 687 كلاهما نقلاً عن ابن النجار عن جابر.

503. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، برادر مؤمن است؛ وقتی حاضر نباشد، در نبودنش [آبرو و حق] او را پاسداری می کند و املاک او را از تباهی باز می دارد. مؤمن، آینه مؤمن است.

504. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، آینه برادر مؤمن خود است؛ وقتی حاضر نباشد، خیر خواه اوست و آن گاه که هست، آنچه را ناخوشایند است، از او باز می دارد و در مجلس، برای او جا باز می کند.

505. امام صادق علیه السلام: وقتی برادرتان نزد شما نبود، از او به بهترین شکلی یاد کنید که دوست می دارید وقتی شما نزد او نیستید، از شما آن گونه یاد شود.

#### 11/4: خیرخواهی

506. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر یک از شما باید برای برادرش خیرخواهی کند، همان گونه که برای خودش خیرخواهی می کند.

507. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مؤمن، برادر مؤمن است؛ در هر حالی از خیرخواهی برای او فروگذاری نمی کند.

508. الإمام عليّ عليه السلام: ابذل لصدّيقك نصّحك، ولمعارفك معونتك، ولكافه (1) الناسِ بشرك. (2)

509. عنه عليه السلام: النصّحُ يُشِيرُ المَحَبَّةَ. (3)

510. عنه عليه السلام: المؤمنُ غريزتهُ النصّحُ. (4)

12/4: إهداء العيبِ

511. رسول الله صلى الله عليه وآله: خيرُ إخوانكم من أهدى إليكم عُيوبكم. (5)

512. الإمام عليّ عليه السلام: المؤمنُ مرآةُ المؤمنِ؛ لِأنَّهُ يتأمّلهُ فيسُدُّ فاقتهُ، ويُجمِلُ حالتهُ. (6)

513. عنه عليه السلام: ثَمَرَةُ الأُخُوَّةِ حِفْظُ الغَيْبِ، وإهداء العيبِ. (7)

514. عنه عليه السلام: مَنْ أبَانَ لَكَ عَيْبَكَ فَهُوَ وَدُودُكَ. (8)

515. الإمام الصادق عليه السلام: أَحَبُّ إخواني إِلَيَّ مَنْ أهدى إِلَيَّ عُيوبِي. (9)

13/4: الصّفْحُ عَنِ الزَّلَّاتِ

516. الإمام عليّ عليه السلام: عَلَيْكَ بِمُدَارَاهِ النَّاسِ، وإكرام العُلَمَاءِ، وَالصّفْحِ عَنِ زَلَّاتِ الإِخْوَانِ؛ فَقَدْ

ص: 312

1- في المصدر: «ولكأنه» وهو تصحيف، والصحيح ما أثبتناه.

2- غرر الحكم: ح 2466.

3- غرر الحكم: ح 614، عيون الحكم والمواعظ: ص 32 ح 558.

4- غرر الحكم: ح 1305، عيون الحكم والمواعظ: ص 47 ح 1191.

5- تنبيه الخواطر: ج 2 ص 123. [1]

6- تحف العقول: ص 173، بحار الأنوار: ج 77 ص 414 ح 38. [2]

7- غرر الحكم: ح 4633، عيون الحكم والمواعظ: ص 208 ح 4167.

8- غرر الحكم: ح 8210، عيون الحكم والمواعظ: ص 444 ح 7786.

9- الكافي: ج 2 ص 639 ح 5، [3] تحف العقول: ص 366.



508. امام علی علیه السلام: خیرخواهی ات را برای دوستت، یاری ات را برای آشنایان و خوش رویی ات را برای همه مردم، نثار کن.

509. امام علی علیه السلام: ثمره خیرخواهی، محبت است.

510. امام علی علیه السلام: سرشت مؤمن، خیرخواهی است.

#### **12/4: هدیه کردن عیب**

511. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین برادران شما، کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه دهد.

512. امام علی علیه السلام: مؤمن، آینه مؤمن است؛ چرا که در آن می نگردد و نیازش را برطرف می کند و حالش را زیبا می سازد.

513. امام علی علیه السلام: میوه برادری، نگهداشت در پشت سر و هدیه کردن عیب [در پیش رو] است.

514. امام علی علیه السلام: هر کس عیب تو را برایت آشکار کرد، او دوست توست.

515. امام صادق علیه السلام: دوست داشتنی ترین دوستان من، کسی است که عیب هایم را به من هدیه دهد.

#### **13/4: گذشت از لغزش ها**

516. امام علی علیه السلام: با مردم مدارا کن و دانشمندان را گرامی دار و

أَدَبَكَ سَيِّدُ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ بِقَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَعْفُ عَمَّن ظَلَمَكَ، وَصِلْ مَنْ قَطَعَكَ، وَأَعْطِ مَنْ حَرَمَكَ. (1)

517. عنه عليه السلام: احْتَمِلْ زَلَّةَ وَلِيِّكَ لَوْ قَتَلَ وَثْبَةَ عَدُوِّكَ. (2)

14/4: التَّجَنُّبُ مِنَ الطَّعْنِ

518. الإمام الصادق عليه السلام: لَا تَطْعَنُوا فِي عُيُوبٍ مِّنْ أَقْبَلِ إِلَيْكُمْ بِمَوَدَّتِهِ، وَلَا تَوَقَّفُوهُ عَلَى سَيِّئِهِ يَخْضَعُ لَهَا؛ فَإِنَّهَا لَيْسَتْ مِنْ أَخْلَاقِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمِنْ أَخْلَاقِ أَوْلِيَائِهِ. (3)

15/4: التَّجَنُّبُ عَنِ الْإِيذَاءِ

519. رسول الله صلى الله عليه وآله: أَدَّلُّ النَّاسِ مَنِ أَهَانَ النَّاسَ. (4)

520. عنه صلى الله عليه وآله: مَنْ آذَى مُؤْمِنًا فَقَدْ آذَانِي، وَمَنْ آذَانِي فَقَدْ آذَى اللَّهَ عِزَّ وَجَلَّ، وَمَنْ آذَى اللَّهَ فَهُوَ مَلْعُونٌ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ. (5)

521. عنه صلى الله عليه وآله - في بيان حقوق الجار -: إِذَا اشْتَرَيْتَ فَاكِهَةً فَاهْدِ لَهَا، فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَادْخِلْهَا

ص: 314

1- تذكره الخواص: ص 136، [1] بحار الأنوار: ج 78 ص 71 ح 34. [2]

2- الإرشاد: ج 1 ص 299، [3] كنز الفوائد: ج 1 ص 93، [4] بحار الأنوار: ج 77 ص 419 ح 40. [5]

3- الكافي: ج 8 ص 150 ح 132، [6] تنبيه الخواطر: ج 2 ص 146 [7] كلاهما عن مسعده بن صدقه.

4- كتاب من لا يحضره الفقيه: ج 4 ص 396 ح 5840 عن يونس بن ظبيان، معاني الأخبار: ص 195 ح 1 عن أبي حمزة الثمالي وكلاهما عن الإمام الصادق عن أبيه عن آبائه عليهم السلام، بحار الأنوار: ج 75 ص 142 ح 2. [8]

5- مشكاة الأنوار: ص 149 ح 358، [9] روضه الواعظين: ص 321، [10] بحار الأنوار: ج 67 ص 72 ح 40. [11]

از لغزش های برادران درگذر. بی گمان، سرورِ نخستین و آخرین [محمد صلی الله علیه و آله]، تورا با این سخنان تربیت کرده است: «کسی را که به توستم کرده، ببخش و با کسی که رابطه اش را با تو قطع کرده، ارتباط برقرار کن و به کسی که تورا محروم کرده است، عطا کن».

517. امام علی علیه السلام: لغزش دوست را برای زمان یورش دشمنت، تحمل کن.

#### 14/4: پرهیز از سرزنش

518. امام صادق علیه السلام: به کسی که با دوستی اش به شما رو آورده است، طعنه نزنید و کار بدی را که انجام داده، به رخس نکشید که موجب سرافکنندگی او گردد؛ چرا که این، از اخلاق پیامبر خدا و از اخلاق دوستان او نیست.

#### 15/4: پرهیز از آزار

519. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خوارترین مردم، کسی است که مردم را ناچیز بشمارد.

520. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس مؤمنی را بیازارد، مرا آزرده است و هر کس مرا بیازارد، بی شک، خداوند عز و جل را آزرده است و هر کس خدا را بیازارد، در تورات و انجیل و زبور و قرآن، نفرین شده است.

521. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله - در بیان حقوق همسایه - هرگاه میوه ای خریدی، به او (همسایه)

سِرّاً، وَلَا يَخْرُجُ بِهَا وَلَدُكَ لِيَغِيظَ بِهَا وَلَدَهُ. (1)

522. الإمام الصادق عليه السلام: فَازَ وَاللَّهِ الْأَبْرَارُ، أَتَدْرِي مَنْ هُمْ؟ هُمُ الَّذِينَ لَا يُؤْذُونَ الذَّرَّ (2). (3)

ص: 316

---

1- .الترغيب و الترهيب: ج 3 ص 357 ح 20؛ مسكن الفؤاد: ص 105 كلاهما عن عمرو بن شعيب عن أبيه عن جدّه، بحار الأنوار: ج 82 ص 94 ح 46.

2- .الذَّرُّ: صِغَارُ النَّمْلِ (المصباح المنير: ص 207 «ذر»).

3- .تفسير القمي: ج 2 ص 146 [1] عن حفص بن غياث، بحار الأنوار: ج 2 ص 27 ح 5 و ج 78 ص 193 ح 7. [2]

هدیه کن و اگر چنین نکردی، پنهانی وارد [خانه] کن، و نباید فرزندان با آن بیرون آمده، موجب ناراحتی فرزندان او گردند.

522. امام صادق علیه السلام: به خدا سوگند، نیکوکاران رستگارانند. آیا می دانی آنان چه کسانی هستند؟ آنان، کسانی اند که [حتّی] مورچه را نمی آزارند.

ص: 317

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**www.Ghaemiyeh.com**

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

